

سپاوون

شماره اول حمل ۱۳۶۸ مطابق اپریل ۱۹۸۹ مطابق
رمضان المبارک ۱۴۰۹ - سال دوم شمار مسلسل ۱۱

مورکیشیہ

صدای

جاودانہ

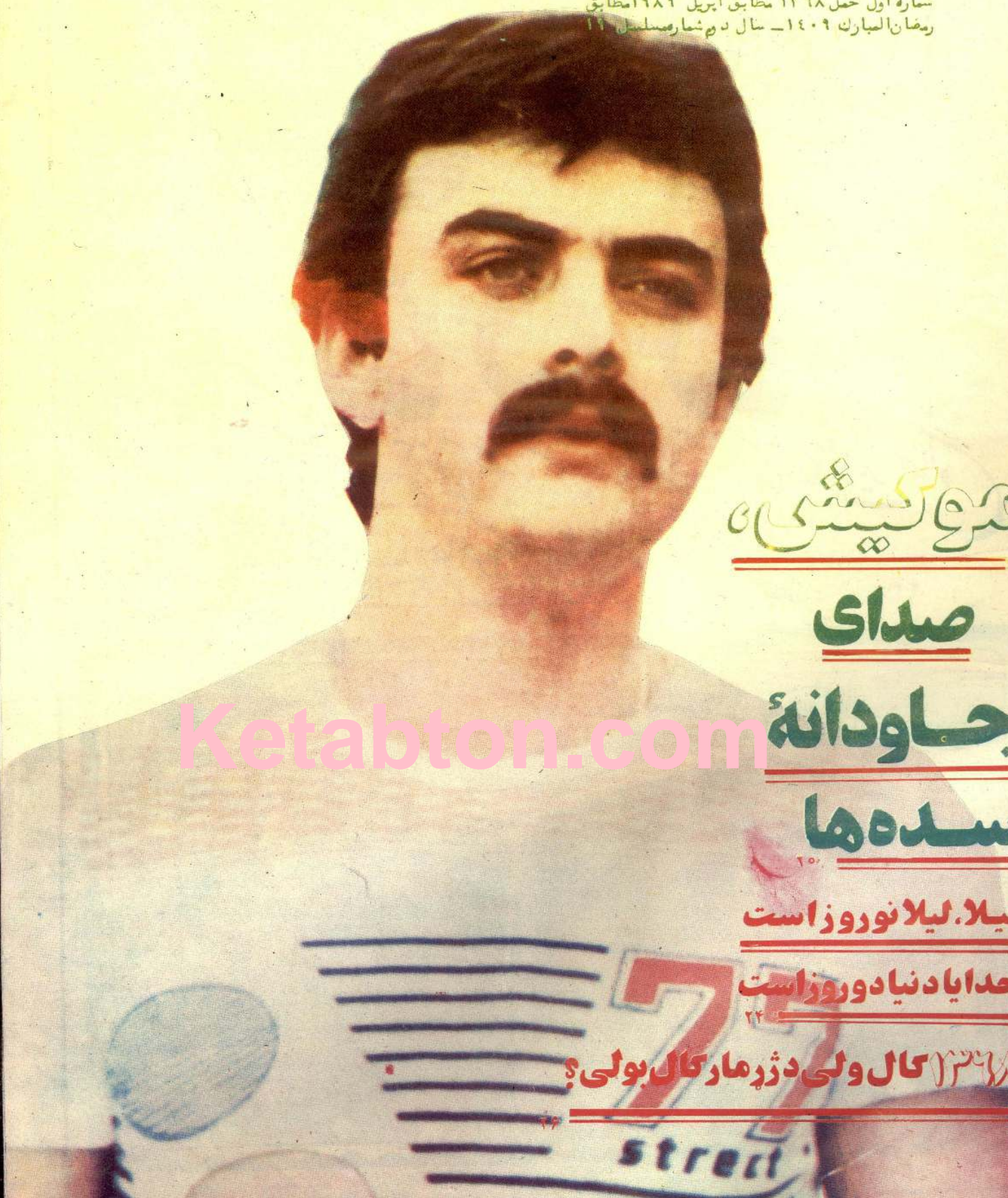
سدها

۲۰
لیلا، لیلا نوروز است

۲۱
خدا یاد دنیا دوروز است

۲۲
۱۳۶۸ سال ولی دژر مار کال بولی؟

Ketabton.com



لکی فایف



۵۵۵

دعوت کما حقہ
و شخصہ مخصوصہ و شیر خوار شہرانیہ لاجنس صورتہ بگزار می نماید سالانہ
لکے فایف ہمیشہ بکوشش اپنا خاطرہ خواہد بود

آدرس: شہر نرنگہ مقابل مسجد جامع شیرپور • تیلیفون: ۲۰۴۱۰



یمار امین ویدیو کست

بعترین فلمعای ویدئوی گلچین (پښتو، دړی، هندی وایرانی) آماده فروش دارد. فلمبرداری از محافل خوش شمعای یدیرفته میشود. ادرس: منزل اول فروشگاه بزرگ افغان ۲۱۷۷۶-۲۰۷۰۴

عکاسخانه هروی

عکاسخانه هروی عکاسی محافل خوشرو سرور شمارا به بدترین وجه برگه از مینماید (همچنان شب و یو یوسی)

اکسرس، چهار راه سردار
تق برفخانه
جمهوریت

خوراکه فروشی انوش

خوراکه فروشی انوش تازه به فعالیت آغاز نموده انواع خوراکه باب را به قیمت های مناسب عرضه میدارد. مشتری دایی خوراکه فروشی انوش باشید. همچنان مجلات و جراید مورد علاقه تانرا ازین خوراکه فروشی دستیاب کرده میتوانید.

اکسرس، چوک قلع فتح شه

سباوروس

اعلان تاشتمسار با شرایط بهتر نشه
میرسانه

خوراکه مورد نیاز شمارا به فروش میرساند. همچنان بلوزهای

بهاره هندی و لباس - جین از قبیل براهن، دامن، جیسرهای زنانه، طفلانه و دخترانه ساخت وطن را با قیمت های نازل بدسترس مراه جمعین محنت ترارمیدهد. شما میتوانید مجلات و نشریه های مورد علاقه تانرا نیز بدست آرید.

اکسرس، سرکت ۶ قلع فتح شه تق برفخانه برادران هوس

جدیدترین لوازم تحریر کلاسوف معارف.

اقسام کتاب و کتابچه، انواع قلم های خودکار خود رنگ و ده ها قلم اجناس دیگر مورد ضرورت تانرا به قیمت های مناسب و رضایت بخش دستیاب نمایید. ادرس منزل اول فروشگاه بزرگ افغان. نمبر تلفون ۲۱۷۷۶

قرطاسیه فروشی سید احمد شاه

قرطاسیه فروشی اخبارک

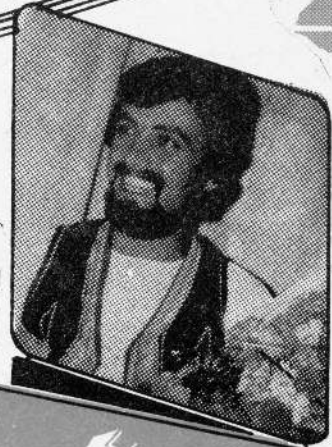
کتاب، قرطاسیه، مجلات و کارتهای تریکی ارزان و خوب. اکسرس، منزل اول فروشگاه بزرگ افغان

قرطاسیه فروشی دوست

انواع قرطاسیه، جراید و مجلات دخواهتان را عرضه میدارد. ادرس توجه نمایید. مکتبته مکر و باغ کهنه

شماره اول حمل ۱۳۶۸ سال دوم
شماره مسلسل نهم

سپاروون



نعیم پوپل

یلا

نوروز

است صفحه (۲۵)

صفحه (۳۵)

فاجعه



صدای گمشده
جاودانه‌سدها

صفحه (۲۰)

درسهای موسیقی

صفحه (۸۴)

پاستی

سیرین

مخ (۸۷)

کوزیر

آیاتاسی دخیل

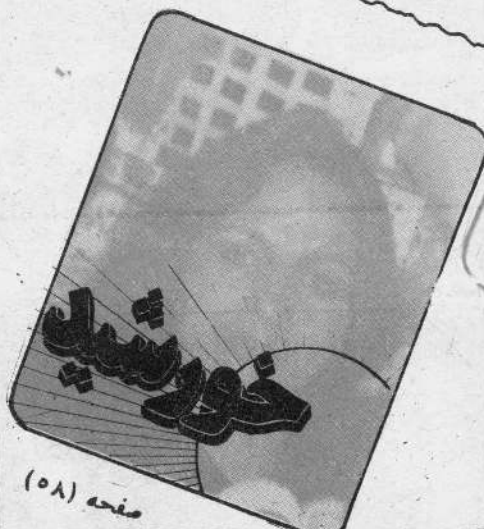
از مود تا سینما

صفحه (۵۴)

علی فاضلی بسمل
پروما جبرایلی را با
دنیای عشق خود از
سرگردانان

چون در این بیست
صفحه (۲۲)

از گپها که ما خبر شدیم
صفحه (۴۴)



صفحه (۵۸)

۱۳ ساله و در زمان جوانی
مخ (۲۷)

زن ۱۳ ساله بی نام مرد
صفحه (۴۰)



چاری در صد سالگی
صفحه (۳۲)

مدیرمسول: د. کورژا هرطنین
تلفون: ۶۱۹۵۲
معاون: محمد اصف معروف
تلفون: ۶۲۷۵۲
سوجبورد: ۶۱۸۷۸
ارتباطی: ۳۹ - ۴۸ - ۵۴



نشریه اتحادیه ژورنالستان
جمهوری افغانستان

زیر نظر هیأت تحریر:
بارق شفیعی
محمد حبیبی
عبدالله شادان
لطیف ناظمی
رهنورد زریاب
شفیق وحدان

ارتزگرافیک: محمد طیبی و
وحمید سمور
مطالعی: کبیر امیر
محمد گل
کمال
شاپور

اداره مجله در تصحیح و تدقیق مطالب دست ازاد دارد. مضا مین
وارد در صورت نشر یا عدم نشر مسترد نمیگردد. نظریات ارایه شده صرف
نظر نویسندگان میباشد.

مصیبت‌هاست

مباحثه: حسینا حافظ

امروز در نیای ماینس و تکالوژی، متأسفانه مواردی وجود دارد که نمی‌شود آن را با این همه مسایل و تکالوژی بیشتر-فته تدایمی کرد. هیچ اندازه هم برای وابستگی انسانهای عصر ما به مواد مخدر معین شده نمی‌تواند. شبکه‌های وسیع برای کشتن انسانها توسط مواد مخدره فعالیت میکند. مافیا امروز در هر کجایی شاخ و پنجه زده است. تاجران مرگ با وسایل گوناگون داروی مرگ را عرضه میدارند. این تاجران هیت‌های مختلف دارند، در هر کشوری سرولگه‌شان پیدا است، به قیمت جان هزاران جوان آنان زنده کسی آبرومندان و شاهانه می‌نمایند چرا اعتماد از بین نمیرود؟ چرا نیروی جوان و فعال کشورهای جهان سوم عمدتاً و انسانهای کشورهای پیشرفته به حلقه‌های معتادین کشانیده میشود؟ برای اینکار بازی‌های تجارتهی وسیع است. ادامه دارد، و اما اعتماد و وضع اعتماد در کشورها چگونه است؟ مجله ما از کار این برایم نمیتواند به ساده‌گی بگذرد. چنانچه در شماره‌های قبلی خویش نیز در مورد نوشته‌هایی داشتم و اینک در این شماره با هم با دکتر عبدالسلام آثم رئیس بخش صحت روان‌هاست به ترتیب داده و توجه خواننده‌گان را به آن جلب میدارم و تقاضا دارم آنرا تا اخیر بخوانید.

س: اعتماد دوا می‌چی مفهومی دارد؟



ج : وابستگی دوايي که به عوض کلمه اعتياد دوايي يا معتاد شدن از طرف سازمان صحت جهان پذيرفته شده است عبارت از مجموعه عوارض جسمي و زکامی و سلوکي ميباشند اين عارضه در اثروابستگی به مواد الکولي يا مخدر وجود مي آيد که حالات مختلف ميباشند باشد البته وابستگی دوايي يا سوء استعمال دوايي فرق دارد .

س : اعتياد يا وابستگی به مواد مخدره در کشور ما چيزي تازه نيست ولي در اين اواخر تعداد زيادي از جوانان به مواد مخدر معتاد گردیده اند به علت چیست ؟

ج : علل و اسباب مختلف ميتواند وجود داشته باشد . ناپاسامانی شخصيت مي ثباتی عواطف و احساسات شخصي موجود است خانواده هاي پراکنده هاي نم انگيزه فشار اجتماعي هم نشيني با دوستان معتاد وغيره . همچنان کنجکاري پراي در رفتن اسرار مرز مواد نشه اور و بعضاً هم بخاطر فراموشي نم و نگرانی به صورت موقت و بايد علل عده را در تبليغات فرهنگي قاچاقچيان مواد مخدره دريافت که جوانان و نوجوانان کم تجربه به دامشان مي افتند . علل هاي ديگر روانسي نيز وجود دارد مثلاً افاده خود کامگی و نوع بندي و باري نسبت به خانواده و محيط .

س : در شرايط کشور ما اعتياد نوع از خود بيگانگی است يا لذت بردن ؟

ج : به موضوع دلچسپي تما من گرفتيد در کشورهای مختلف حالت اعتياد نه تنها در شرايط جنگ بلکه در همه حالات وجود ميباشد باشد چنانکه امروزه در کشورهاي مختلف جهان اين امر به مشاهده ميرسد که بنا بر تجربی جوانان بتزليل افکار

بي اراده می و موارد ديگر که قبلاً ذکر نموديم حالات اعتياد بروز ميکند . برخی از معتادان فکسر کرده اند که گويابنا بردن بيه مواد مخدره و مشروبات الکولي آن ها را به عالم ديگر برده و در چنان حالت ميتوانند نفس راحت بکشند حالانکه در نتيجه اين حالت زنده می آنها به تباهي مواجه شده و واقعيت هاي زنده می همانطور بچامی ماند .

در مورد لذت بردن که شما از آن ياد کرديد در اوایل خوشی هاي گذرا و کاذب به وجود می آيد بعداً حالت نشه غمناک وغير قابل تحمل می باشد و از سوي ديگر انسان معتاد در يك ناگيري قرار می داشته باشد به مصداق همان شعر :
نشه صهبانمی ارز به تشويش
خسار
در گذر امروز عذاب که فردا
آتش است

س : ارتباط معتاد بين بخصوص جوانان با امراض روانی چگونه است ؟

ج : نزد معتادان تشوشات روانی بملاحظه ميرسد گاهی پيشوار است که فهميده شود که ايا اعتياد باعث تشويش روانی شده است يا تشويش روانی باعث اعتياد .

به هر صورت تاثيرات اين دوا لاي هم متقابل است در نتيجه پناه بردن به مواد مخدر انسان بي اراده شده مسووليت هاي اجتماعي و اخلاقي را کمتر درک می کند . استدلال و منطق نزد معتاد از بين رفته احساسات عجز و کوتاه نظرمی شود کم حوصلگی و شک بردن بيچنان نسبت به همسر و دوستان در او تقويت يافته چنين تلقينات قضاوتش را متاثر می سازد به تدریج نفرت و دوستان و خانواده اش را نسبت

به خود بيشتري سازد و گاهی هم از شخص معتاد فقط بايد انتظار انسان زنده را داشت که مشابه به يك مجسمه است .

س : بيشتري معتاد بين درجا معه ما کيها اند و از کدام مواد استفاده بعمل می آورند ؟

ج : در حالاتيک فعاليت قاچا قبران و تجاران مواد مخدر مساعد تر باشد خطر اعتياد وسيعتر می شود مخصوصاً در کشورهایمانند کشور ما دشواري هاي زنده می مصيبت هاي جنگ و بيسوادي و عواملی از ينگونه اين مصيبت را افزايش ميدهد در کشور ما در برخی مناطق از ترياک بحیث داروی آرام کننده سرفه و تسکين درد اعضا و دواي خواب آور استفاده می شود از ترياک کوچرس گاهی براي درمان و معالجه قلعج ها کار می گيرند در برخی از ولايات ما در طبابت هاي محلی و غنچهوي حتی براي اطفال نيز اين مواد را توصيه ميکنند . حالانکه توصيه اين مواد صد فيصد از کودکی اعتياد را به بار می آورد . در بخش هاي ديگر کشور ما که کشت و توليد ترياک و چرسو تنباکو رايج است از لحاظ اشتغال افراد با اين مواد وابستگی هاي دوايي را بوجود می آورد . بد بختانه در سال هاي اخير هيروئين در بين جوانان جامعه بازار يافته است . متاسفانه زمانی دختران و پسران جوان مصاب به آن به مشاهده ميرسد که البته کار وسيعی و مبارزه عليه آن ادامه دارد .

نوعه هاي از مواد ديگر مثل ماند رس ، مخم و بنگ آب و بعضی ادويه ديگر هم وجود دارد چنانچه می گويند : در يکی از مناطق ولايت بدخشان پيغمردی بود که مدت درازی ترياک دود می کرد

و به آن وابستگی داشت زمانیکه او چشم از جهان می پوشد در فضاي کلبه موصوف ديگر دود ترياک نمی پيچيد و چندي بعد يکتعداد موش هاي مرده در بين اتاق محقر پير مرد متوفی ديده می شود . دليل آن اين است که حتی موش هاي موجود در سوراخ هاي خانه نيز به ترياک وابستگی پيد کرده بودند که با قطع دود ترياک و تبا نياردن بيترک آن مرده و زمين اتاق آن پير مرد افتاده اند .

تاجاييکه از خود ما بين وابسته به هيروئين معلومات حاصل شده هيروئين نيز در کشور ما برخلاف کشورهای ديگر از طريق دود کردن به مصرف ميرسد .

س : تعداد معتاد بين به مواد مخدره در شهر کابل آيا معلوم است ؟

ج : آماري وجود ندارد يگان احصائيه تشييت يکصد هزار مصاب وابسته به ترياک در بدخشان است که مربوط بيک دهه قبل است . رياست صحت روانی وزارت صحت عامه در نظر دارد تا به همکاري مالی اداره سازمان صحت جهان و مساعدت هاي ارگان هاي ذيربطه احصائيه مصابين به مواد مخدره و مشروبات الکولي در شهر کابل وسپس در ولايات را بدست آورد . باتاسف بايد گفت که تعداد اين اشخاص افزايش يافته است و ايجاب توجه جدي را می نمايد .

س : برنامه تدبيريه چگونه است ؟

بقيه در صفحه (۷۴)

دواي مرگ و تاجران مرگ



بیه میگویند



مهر و خورشید

چهار ماهه



چهار ماهه

مهر و خورشید

چهار ماهه

چهار ماهه

چهار ماهه

دو سه و اده

هیله منده م هغه کسان چی به تحینو عقل نار وغیواخته
دی ژر تر زره شفا و موسی او د عقلی او هو بنیابن سترگی بی روی شی
خبره داسی ده چی تحنی بی احساسه اوی مسوولیته نارینه
د خیل ژوند بدی او د نیستی و روی چی لومړنی بنخی ورسره
به ورین تندی کاللی چوره یاده باسی حتی د خیل بیه نسو
اوشعرت شخه تیر یزی او د دوهم واره بند و بست کوی که شه هم
چی د موضوع نوی نه ده ولی به ۶۲ کال کی بی د ساری ناروغی
بته تحانته نیولی او د پروکسانوته بی سرایت و کړ امید واره یس
مسبز کال د اد کورنیو ورنګید و ناروغی له منعه و لاره شی .

لطیفا پوره اد بیتون پوره تحنی فار التحصیل



پاکی و صفایی

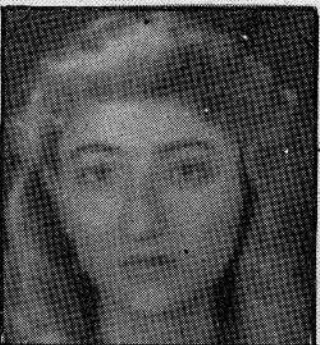
عزیز آقا سراز
دل بستگی خاصی به پاکی و صفایی د ام آرزو مند صاحب خان
مکروریان شم ، آنجا بعترمی شود . پاکی و صفایی راتا مین کرد .
- اگر با دخترین هم سفر زنده کی شوید که ا و چند ان توجه
به پاکی نداشته باشد در آن صورت چه خواهید کرد ؟
- خدای ناخواسته باشد که این چنین شود ، ورته کار زار می شود
با آنم اگر چنین دخترین سرد چار نسدم انوقت اورا به روحیه
خود تربیه میکنم .



نظام و د سپلین در سرویس ها

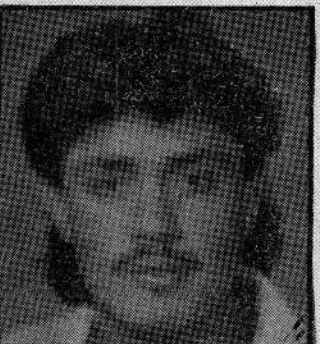
عضوکلان خانوادہ ام میاشم .. آرزو د ان خواهران و برادرانم
به آرزوهای دلشان نایل آیند .
همچنان آرزو مندم که بعضی از همشهریان مانظم و د سپلین
اجتماعی را در سرویس های ملی بس جد ا رعایت نمایند ، و نگرانان
محتش هم درین زمینه از خود سی تفاوتی نشان ندهند ، بعضی
از مردان به بالا شدن از د روزه اوی سرویس هلاتمندی بسیار
نشان میدهند وقتی برایشان گفته شود که یک کمی دور شوید و یا
بد اخل سرویس پیش بروید میگویند : ((برو بی جان توجه
خود می سازن ، ما از خود خوار و مادر د ارم . . .))

مصرفیاتیکان در نشان فار از صواب ۱۲



میخواهد هنرمند سینما شود

محمد فرید محصل سال د م یوهنسی هنرهای زیبا :
در رشته تیاتر و سینما مصروف تحصیل استم ، با سلمک عشق
میورن و دوستش میدانم ، و معین ام هر نقشه که برام سپرد مشود
میتوانم آنرا به خوبی اجرا نمایم ، ولی باتا سف چند باریکه به
اداره فلم های عمری و مستند مراجعه کردم خود را پشت در بسته
یافتم و جواب رد شنیدم ، آرزو مندم که امسال آرزو هام بر آورده
شود و بتوانم در فلم ها کار نمایم .



پایند حاضری خانه

پایند حاضری خانه



روهینا محسن پوهنځی ژورنالینم :
تعمیم د اېم اېس اېس باشخصر مورد نظم ازدواج تمام 'آرزو د اېم
که د زمينه فاميلم مخالفت ننماید .
آرزو مند بعد از عروسی شوهرم مراخیلی دوست بد اړدوسه
وقت معین خانه بیاید ' یعنی آن تسمیکه باید حاضر د دفتر
میباشد ' باید ' باید حاضر نزد من نیز باشد .

وفادار و پولدار



روزیا وفا کارمند وزارت امور عودت کننده . کان :
آرزو د اېم باخوانی د اړاي تحصیلات عالی ، وفادار و پولدار
ازدواج تمام ' پولدار به خاطر اینکه میخوایم ماه غسل را در خان
از کشور سوري تمام .
- اگر باخوانی د اړاي چنین صفات آشنا نشدید در آن صورت ؟
- در آن صورت باهیی کس را دواج نخواهم کرد .

در آرزوی ثروت و شهرت



محبوبه کارمند نشرات سنا :
د ارزنده گیام سه آرزوي بزرگ د اېم که به حقیقت بیوستن آن
خیلی مشکل و باهم د درواز امکان است ، نخست آرزو د اېم خیلی ها
تروتمند باشم ، آنقدر که حسابش را کم ، دوم اینکه یک ورزشکار
ورزیده به سویه جهانی باشم و در مسابقات ورزشی جهانی همیس
موفقیت ازان من باشد و سوم اینکه میخوایم به ایالات متحده
امریکا سفر تمام .

بنیاست او اخلاق



خیال محمد سر باز :
زما بیواچینی هیله داده چی سرکال د ترخیر را خپستلو -
وروسته د ژورنالینم به پوهنځی کی شامل شم . اړوم د ژوند ملگري
چی بنیاست او اخلاق ولري پیدا کړم .
- د دې خصوصیاتو لرونکو انجلی سره که بیسواده ویا شناسی
عنه انتخابوي ؟
- لومړی کوشس کم چی د ژوند ملگري می باید باسواده وي
او که نه وه نویایی د مبارزه با بیسواده . کورس کی شاملم او خپله هم
شبه او وړ ورسره سبی وایم ترخو با سواده شی .



چهارمین جشنواره شعر جوانان

مباحثه از کلامه حبیب

وقتی شعری را زمزمه میکند چنانست که گویی دریایی از نسور در رگهای جانانت جاری میشود . صدایش آنچنان برجذب و نوازشگر و لطیف است که وقتی میشنوی تنهایی در وجودت میشکند، زیرا که در صدایش وسعت رویش و پایش است .

سیما شادان از زمزمه دیگلماتورانی است که میتوان گفت در بخش زنها چون او زیاد نداریم و اگر هم است انگشت شمار . وقتی عقب میکروفون قرار میگیرد ، وقتی شعری را از بیدل زمزمه میکند آنچنان با احساس میخواند ، آنچنان شعر را جان میبخشد که گویی این خود شاعر است که در نزد یکی ات نفس میکشد . بادنمایی از برشها بدیدنش میرم تا توشه بی برای مجله تهیه دایم ، مانند همیشه آنچنان که است با لطف همیشه کسی اش که خمیر وجود اوست با خوبی و مهربانی یک زن رو بروم می نشیند . هر چند که در برخورد هایش صمیمی است اما در گفتار خود نهایت جدی و دقیق است .

من بعد از سکوت کوتاهی از روی میروم :

- وقتی اولین بار عقب میکروفون قرار گرفتید و ا همه نداشتید ؟
- البته که و ا همه داشتیم ، حتی صدای قلم را میشنیدیم بخصوص که آنروز عبدالله ((شادان)) همراه با من اخبار را میخواند .
- و آیا غلطی نکردید ؟

- نه همه اخبار را بدون غلط خواندم .

- شما علاوه بر آنکه نطان خوب و ورزیده استید اشعار را نیز دیگمه می کنید ، آیا اتفاق افتاده که اشعار را غلط بخوانید ؟
- چرانه حتماً غلط خوانده ام زیرا گاهی همان لحظه یعنی در آخرین لحظات شروع پروگرام شعر را بمن سپرده انده بخصوص وقتی شعر از مولانا و بیدل بوده طبعاً که بدون غلطی نبوده است .
- شما وقتی اولین باری که شعر را دیگمه میکردید خواستید مانند چه کسی دیگمه کنید چون فریده انوری یا کسی دیگر و یا خودتان ؟

- چون زنده گی من با عبدالله شادان است من از او آموختم ولی تا اکنون از کسی تقلید نکرده ام . بودن عبدالله شادان نطاق ورزیده که دوبار جایزه اول دیگمه شعر را گرفته است ، فکر میکنم برای کافی است .

- شما اکثراً هنگ ها را نیز کارگردانی می کنید همینطور است ؟



پونتم در نیمه های شب به چه فکرمی کند

ترجمه علی اشرف

س- اگر بیگانه پس با شما تماس میگیرد و یا کسی دست شمارا میگیرد و یا دستانتان را در ورگوشان پیچد پس احساس به شما دست میدهد ؟

ج- در چنین حالات خود را تا راحت احساس میکنم و از این آشنایی ها خوشم نمی آید. اگر یک دوستم ، مادر و یا کسی را که دوست دارم مرا به اغوش میکشند البته که قشیه کاملاً جداست از چنین چیزها. و در راحتی خیلی به دورتم میدارم و اگر ضرورت بیفتد بگویم. پشت مورد آزار (پنج میزتم) در چنین حالت خیلی با قاطعیت و در جلو چشم همه عکس العمل نشان میدهم. خیلی میزنم و یا خنجر را میدرم. با آنهم در زنده گی حقی لسته پس هم خودم را تنها میدون دوست احساس نکرده ام.

س- لطفاً در مورد بوسه نشستن تان وارک و راست بگوید ؟
ج- من هرگز مردی را در ملاقات نخست نمی بوسم. آنرا استر بگویم به چنین منقالتایی دم نرفته ام. فراموش نباید کرد که مادر خند بوسه بهم نه در آمریکا ، آنرا بوسه دختران را به بیرون رفتن دعوت میکنند. زلو ارمی تان دعوت صورت نخواهد گرفت. بران هفتیسه سهنا استم و دعوت هفتیسه جرات بیشتر با داران. برناه کسی مراد دعوت کند. تمام باید بخور دیده در این باشد. بنابراین موه دانه زن میانم اما را به بوسه دو میانم

س- در نیمه های شب وقتی همه خوابند شما درباره چه فکر میکنید ؟

ج- فکر، فکر، درباره چه فکر میکنم ؟ این مربوط میشود به اینکه چگونه روزی را گذرانم.

س- آنروز بدی را گذرانده باشم ، از زرد میباشم و در بستم ((لوتن)) میزنم و اما آنروز خوبی برایم بوده باشد سر حال میباشم به بالشت میزنم و باید لبخند خواب میروم ، این مهم نیست که من چه ساعتی بخانه بر میگردم چهار صبح یا شش صبح ، من خواب سنگین ندارم هرگاه تلفون در یکی از اتاق های دورم زنگ بزند آنرا می شنوم و فوراً بر میخیزم. اما شب زنده دارم حاضری دم داشته ام و آن وقت بوده که یا ناراحتی روسی یا اختلاف نشوری با مادر و خواهر داشته ام و عاشقی میخواسته خراب شود. س- وقتی به اغوش کشیده شدید اید عکس العمل تان چه بوده است ؟

وای ! وار خندان ! این دیگره است؟ بعضی حال این مربوط می شود به کسی که مراد اغوش میگیرد.



میخواهم زنی باشم عاشق با خدا دوستی یک با یک مرد میتوانم بعد گسترده تری از سکس داشته باشم



چونان نسل نوین حدیثی و آزاد است و درین مسورد چسارت کرده با والدین شان حرف میزنند ، اما در مورد من صدق نمیکند چه من تراورده دهسه (۸۰) نیستم ، از تنو تا اندازه یی مسافه کار استم و عذرت میخواهم البته در آینده پیراز کسی اوقات نرم در زمینه صحبت خواهم کرد ، به عقیده من جوانی جو دارد درین مورد ابراز ندرند که از لسا نورو به پختگی بنیه در صفحه (۶۰)

بوسیدن یک امر طبیعی است و وسیله انتقال احساس دوستی و محبت تلق میشود. س- خوب اجازه میدید کسی جلو بروم و ؟

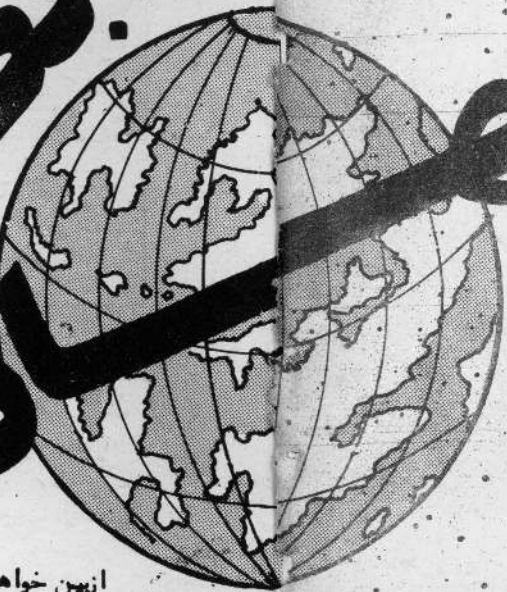
ترجمه: انجنیر حلیم

تأثیر عمده جنگ ذرویی سقوط ناگهانی و سقوط و متداوم درجه حرارت خواهد بود

تأثیر عمده جنگ

ذرویی سقوط ناگهانی و سقوط

و متداوم درجه حرارت خواهد بود



بگذارد فرض کنیم حادثه غیر قابل تصور وقوع پیوسته...
 سیمای جهان بعد از جنگ فاجعه ذرویی چگونه خواهد بود؟
 از پاسخ این سوال میتوان نهایت مشابهت را قاطعانه
 در برابر وجودیت (۵۰۰۰۰) سرگوله ذرویی فعلی جهان کار گرفت.
 در کفرانس های دانشمندان ذرویی در سیکو و واشنگتن شهرهای
 نیویورک و لندن کان جامعه علمی جهان به آخرین مسائلی و تحقیقات
 شان پیروان اینک جهان بعد از جنگ کثیر جرمی ذرویی چگونه خواهد
 بود توجه جدی مبدول داشته اند. تنهاسه سال قبل دانشمندان
 ذرویی این مفکوره که اگرچه وضع جهان بعد از جنگ ذرویی جلی فاجعه
 انگیز و ناگوار خواهد بود، ولی موجودات زنده به ناچار مانند کبک هتا
 کته نخواهند شد، کار کردند. این دانشمندان اکنون بعد از دست
 یافتن به حقایق تازه و اینکه برای همچو ((جوشینی)) استدلال ضعیف
 وجود دارد، تغییر عقیده داده اند.

خواهد شد و حداقل برای یکسال ادامه خواهد یافت.
 آفت ایکولوژیکی سرتاسری!

هفته ای بعد از انفجار ((زمنستان)) همراه با تاریکی تقریباً
 مطلق فرا خورد. صدها هزار تن خاکستر و دود آتش های شعله ور شد
 در سرتاسر قاره ها پرده غیر قابل نفوذی را بر روی آسمان خواهد کشید.
 شکل نورمال اتموسفر با هوای گرم در بالا و هوای سرد در پایین حالت
 معکوس را بخود خواهد گرفت.
 طبق نظریه ولادیمیر الکساندروف، درجه حرارت اتموسفر در
 ارتفاعات بین (۱۰۰۰۰) و (۱۵۰۰۰) متر تا حد درجه سانتیگراد
 خواهد رسید در حالیکه در سطح زمین درجه حرارت در حدود پنجاه
 درجه پایین تر از نورمال کاهش خواهد یافت. با این کار واکنش زنجیری
 از حرکت بازمی آید و منتهی به آفت ویدیخی ایکولوژیکی سرتاسری
 میگردد.

ناپودی حیات بصورت کل!

مردل سید بعدی های درود آنها یکی اتحاد شوروی از اقلیم جهان
 تأثیرات جانبی وحشت انگیز زمستان ذرویی را ارائه میکند. طوفان
 تفاوت نهایت زیاد درجه حرارت بین قاره ها و اوجبار (هوای خیلی
 آهسته تر بر روی ابحار سرد) منتهی به تند بادها و توفانهای شدید
 در نون های ساحلی خواهد گردید که این به توبه خود چنان بر فباری
 های شدیدی را بدنهال خواهد داشت که حیات را بصورت کل نابود
 خواهد ساخت. علاوه بر آن تغییرات اتموسفری سببیکل های درود و لوتیکی
 را کاملاً از بین خواهد برد و خشکسالی و نواذاری را بر قاره های وسیع
 بندگان و بدون خورشید حکمفرما خواهد ساخت.

بعبارت دیگر، هراتیه که از صهیبت آتش جان سلامت برده،
 سردی یا خشکسالی اثر از بین خواهد برد. یخبندان ناگهانی وسیع
 که الکساندروف مستحقکف آنرا پیش بینی کرده، برای جنگلات در ارتفاعات
 متوسط تها کن و کشته خواهد بود. جنگلات مناطق حاره و نیمه حاره
 بی که تقریباً نیمی از کله خشک زمین را در بر میگردد، یعنی طوری

از بین خواهد رفت زیرا این جنگلات حتی در برابر تغییرات جزئی درجه
 حرارت یمانور نمیتوانند مقاومت کنند.

صریخندگان دیگر!

الکساندروف معتقد است که تقریباً یکسال را در بر خواهد گرفت تا
 جهان باردگر تلاشگر روز روشن باشد. این چه چیزی را اشکار میسازد
 یا توضیح میدهد؟ جنگلات وسیع به صحرانیمه صحرای مبدل خواهد شد
 البدی (یا قدرت انعکاس نور) سطح زمین دوچند یاسه چند خواهد
 گردید که در نتیجه آن نور خیلی کمتری از خورشید جذب خواهد شد و
 بدین ترتیب تمام سیستم اقلیمی جهان دستخوش تغییر خواهد گردید.
 این نشاندهنده امکان پیدایش یک صریخندگان دیگر است.
 ملازمت الکساندروف و مستحقکف محاسبه کرده اند که در حدود (۸) ماه
 بعد از درگیری ذرویی، هوای گرم بر روی ساحات تبت و بعضی نقاط دیگر
 موجب خواهد شد تا برفها و یخبندانهای ساحات مذکور آب گردیده و
 در نتیجه آبهای خیلی زیادی بر روی قاره ها سرانبر خواهد شد. بار
 دگر سبیل عظیمی توأم با درجه حرارت قطبی همه جا را فرا خواهد
 گرفت.

تمام این ((سناریو)) ها تصور میکنند که فاجعه ذرویی در صورت وقوع
 در نیم کره شمالی رخ خواهد داد، چون کله های هوای سرد و نیم
 کره در اثر مانع اقلیمی غیر مرئی خط استوا از هم جدا شده اند. انسان
 میتواند تصور کند که بازماندگان این فاجعه نهایت در نیم کره جنوبی
 پناه گزین شوند.

زمستان ذرویی بر تمام مناطق تا چه خواهد انگذد!

بدبختانه به چنین امدها و آرزوها بخود دلپسه اند. طبق
 نظر الکساندروف این مانع را تفاوت های درجه حرارت بین دو نیم کره
 از بین خواهد برد.

این فرضیه که هیچ منطقه بی بر روی کره زمین از این فاجعه در
 امان نخواهد ماند بصورت تحقیق مستقل دیگری تأیید شده است.
 کارل ساگان دانشمند آمریکایی و گولیتسین و گهنوری دانشمندان

شوروی در مطالعات و تحقیقات شان پیروان تغییرات ممکنه در اتموسفر
 بعد از جنگ ذرویی به چیزهای تازه و مشخصی دست یافته اند. آنان
 توانهای خاکی را که بر سطح کره میخ بر وقوع می پیوندد بعنوان مثال
 می آورند.

طبق نظریه گولیتسین، خاکتوده هایی که از کره میخ در آسمان
 تابستان بلند میشود، تمام کره میخ را در ظرف چند هفته در بر
 میگردد و درجه حرارت کره میخ را بصورت کلی تغییر میدهد. سطح کره
 سرد میشود در حالیکه اتموسفر بسوی بالا گرم است و به شکل متناقض
 جهان پیدا میکند. همچو چیز مشابهی بر روی سطح کره زمین نیز اتفاق
 خواهد افتاد. بر طبق تخمین های نهایت مستطانه بی که بعمل آمده
 آلوده کی اتموسفر ناشی از جنگ ذرویی در تمام کره زمین از شدت شمعاع
 خورشید که به سطح زمین میرسد ظرف چند هفته در حدود (۱۵۰) -
 مرتابه خواهد کاست.

مردل های اقلیمی ایالات متحده و اتحاد شوروی نشان میدهد که
 بعد از انفجار ((صرف)) ۱۰۰ میگاتن ((معادل ۸۰۰۰ هیروشیما))
 کره زمین برای زندگی انسان یا هر ارگانیسم زنده دیگر جایی مناسبی
 نخواهد بود.

یک شب طولانی و خاموش

بر طبق نظریه ایرلیچ، دانشمند بیولوژی در پوهنتون ستانفورد
 کالیفرنیا، هر بخش از جهان زنده که از فاجعه ذرویی در امان مانده
 باشد در هر صورت محکوم به فنا خواهد بود. علت ساده آن اینست
 که فوتوسنتز، این پایه و اساس زنده گی نجات در تاریکی غیر ممکن
 خواهد بود و بدون زندگی نجات تمام حیوانات بازمانده از فاجعه از بین
 خواهد رفت.

حتی اگر تصور کنیم که شرایط نجات شکل ارتجایی بخود بگیرد،
 در آن صورت جهان با خطر دیگری یعنی تشعشع قوی ماورای بنفش مواجه
 خواهد شد.

تشکیل مقادیر نهایت زیاد نایتروجن اکساید در ساحه اطراف قشر
 اوزون اتموسفر طبق نظریه اسرائیل ضو، آکادمی علوم اتحاد شوروی
 بقیه در صفحه (۲۲)

اگر نوعیت و احوال کونی زنده می یابد و در آنجا عمل بینین اوست بر اراده ۳۱ آنه و غیر کونی او بیاسیر بیعی می تواند آید او را شکل ن مد و حتی جریان حسان حارن او را نیز تغییر دهد ۱۰

از حکایات باستانی هند
مترجم: ع. فرحسوی
پارسی و متن داری

شب شور و سرور بود چون شام
بایستی که بر این آرزای شده
بود شادمان گردیده بود بنا
و ملکه بخاطر دست یافتن به این
الطاف و بخشش شامی از شعایر
و مراسم را بر پا آورد و ریاضت های
بسیاری کشیده بودند از سر
آنها از زمان ازدواج شان در
دوازده سال قبل تا این زمان
کودکی بدنی نیاورده بودند
ملکه از سوی همه نزد یکان و
عزیزان تهنیت گفته شده بود
کودک خوشدل و زیاده رکاب او
لمیده بود و هنگام نیمه شب از
همه تقاضا شد تا بخیرد اخلسی
کاخ را ترک گویند تا ملکه
که خدمه ها در بیرون از اتاق
نگهبانی اثر میکردند خواب
را حسی داشته باشد و چراغها
خاموش شدند
ملکه ساعتی خوابید اما ناگهان
بیدار شد و بدظن رسید که نوری
در نزدیکی سرش ظاهر شده است
چشمهاش را گشود تا به منبع نور
نگاه کند آنچه را دید او را به
شگفتی واداشت آنجا یک موجود

نورانی ایستاده بود و دست
را ستر به سوی سرکودک نوزاد
کشیده شده بود چون ملکه به
آن نگریست موجود نورانی
دستش را عقب کشید و لبخند زد
ملکه بر حایر نشست و گفت
من نمیدانم تو کیستی اما یقیناً
تو پند موجود آسمانی هستی
چون نورانی خاموشی گردید این
کار ملکه را شگفت زد ساخت
ملکه گفت
- برا شما گفتمی زنده
و مود با نه افزود
- آیا شما یک موجود آسمانی
نیستید
رب النوع سرنوشت گفت
- بلی استم اما من رب النوع
سرنوشت ایتم و یگانه و شیعه من
اینست تا آنکه را در زنده کسی
برای یک نوزاد فراهم شده
است در پیشانی او بنگسیار
من نمیتوانم چیزی را بیشتر از آنچه
(کارما) برای یک کودک مقرر
داشته است از روزم من درختان
تولد هرکودکی را تعیینم اما
مردم مرا نمیتوانند ببینند اینکه

توانستی مرا ببینی بیانگر عفت
خاص و بدانی بی است که تو
یداری با وجود آنکه خود از آن
آگاهی نداری
ملکه در برابر رب النوع خم شد
و پرسید
- آیا آنده را در پیشانی کودک
من نباشته این برای من آشکار
نخواهید کرد
رب النوع سرنوشت گفت
- من نمیتوانم آشکارا تمس
اگر اینکار بکنم برای توست
ندارد از سوی دیگر اینکار
بدون هیچگونه تزیین با عفت
شگرفی تو خواهد شد
- شما همین الان نیم از آن به
را آرزو داشتید بدانم برایم
گفتید چنین به نظر میرسد که
هیچ چیز خوبی در سرنوشت
بسم وجود ندارد شما باید تمام
حقیقت را برایم بگویید در غیر این
شمارا نخواهم گذاشت که بروید
اگر با جبر بروید من خود را
خواهم کشم
ملکه این جمله ها را با صدای
نرم ولی مضم اغشار کرد
مباحثه بین ملکه و رب النوع
ساعتی ادامه یافت بالاخره
رب النوع مجبور شد تا برای ملکه
آشکار سازد که بر او در زنده کسی
خواهد کرد و دراز کاخ در
جنگلی خواهد زیست
ملکه دریا را بر رویید نگریست
اما بخورد جزای داد تا از
رب النوع خوشبختی تقاضا کند
که اندکی بارید بختی بپوش
را کاهش دهد
رب النوع گفت
- خوب من تضمین میکنم که او
هر روز توانایی شکار یک آهورا

داشته باشد و این امر بزرگی از
سرنوشت او خواهد بود بیشتر
ازین تازی کرد نمیتوانم
و سرانگین سخن ها رب النوع
ملکه را ترسید
روزها سپری شدند ملکه در
و وسواس خود را در دل نگهداشت
یک سال بعد شاه بیمار شد و
در گذشت وزیر سیمه کار او
تا شاهی را به بهانه اینکه
شهرزاده خرد سال است تمسب
کرد و در پیشان سعی کرد تا ملکه
و شهرزاده را بکشند اما ملکه با
شهرزاده کویت به موقع فرار
کرد و در جنگلی پناه گزید
پیش گویی رب النوع مرگ بسمه
و ا قعیبت پیوست هر گام ملکه
حال های را در گوشه و کنار جنگل
می گسترانید و صبح بعد آهویی
را در یکی از جال های یافت
ملکه آهورا به یکی از جنگل نینان
میداد و او آنرا در شهر می فروخت
و بهایش را به ملکه می سپرد
به این ترتیب سالها سپری
شد بزودی شهرزاده نوجوان
به یاری مادر شتابید در عین
حال شهرزاده به شاکردی یک
تارک دنیا رفت و نوشتن خواندن
و فلسفه را آموخت
روزی شهرزاده در اندیشه بی
با خود میگفت
- بسیار شگفتی آور است که
هیچگاهی بیشتر از یک آهور در روز
شکار نمیکم در حالی که هر روز در
پنج محل جال میگذارم و بسیار
عجیب ترینکه هیچ روزی را بدون
یک آهوی شکار شده سپری نمیکم
مادرش که این سخنها را
شنیده بود گفت
- این بخاطر است که شکار یک

آهور یک روز جزئی از سرنوشت
توست
به این ترتیب ملکه بخشی از
راز را آشکار ساخت شهرزاده
اصرار ورزید تا بداند که مقصود
مادرش چیست و ملکه مجبور شد
تا همه چیز را به یک به او بگوید
شهرزاده نشست و در سکوت
تزیینی فرورفت پس از سکوت
طولانی گفت
- مادر! من سرنوشت خود را
تعمیر خواهم داد
- بسم چگونه اینکار را میتوانی
بکنی کی میتوانی سرنوشت خود
را تغییر دهی
شهرزاده نوجوان گفت
- اگر من مسؤول سرنوشت کونی
خویشم به خاطر اعمال خود در
زنده می قبلی است بسم من
میتوانم اینکار را بکنم
شهرزاده ساعات طولانی بسمه
اندیشه فرورفت و بعد با چهره
مغمم برخاست
روزی یک آهوی عور پنج جال
فقط یک جال را در گوشه بی از
جنگل گسترانید و در یکی
پیشینی کرده بود یک آهوی را
در جال یافت
روزی بعد عور اینکه جال را
روی زمین بگستراند آنرا در
شاخه بی از درختی آویخت
با وجود آن صبح روز بعد آهویی
در جال گیر مانده بود
و بعد جال را در بلند ترین
درخت آویخت و همین سان گرد
گرد درخت آتشی بزرگی افروخت
نیمه شب از خواب بیدار شد
و موجود نورانی بی را در کنارش
یافت
شهرزاده پرسید

- آیا عارب النور سرنوشت
استیسه
رب النوع خشمگین گفت
- بلی من استم منظور تو از
آویختن نبال در درخت بلند و
افروختن آتس پیرامون آن چیست
ایا تو میدانی با وجود یک من یک
رب النوع است در نیای عینی
من خلاف قوانین طبیعی نمیتوانم
کار بکنم نمیدانی که بسردن
آهوی بالای درخت تازی است
دنیار
شهرزاده گفت
اما شکار یک آهور هر روز جزئی
از سرنوشت من است اینکه
چگونه آنرا در جال من گیر
میاندازی کارتوست
رب النوع گفت
- آیا باید بخاطر خوشبختی
که برای تو تضمین کرده ام مزا
حم من شوی
شهرزاده آهسته گفت
- اگر کار تاز شوارنی ساختم
تو در برابر من ظاهر میشدی
- اما تو چرا میخواهی که من در
برابر تو ظاهر شوم
- تا آنکه آنچه را در پیشانی من
نوشته بی و مرا محکم به زنده کسی
در تبعید میکند از جبین من
بزای رب النوع سرنوشت
سکوت کرد شهرزاده چشمانش
را بست و با حرارت و اشتیاق ملهم
از یک سرنوشت تو گردید لحظات
طولانی سپری شد شهرزاده
احساس کرد که دست رب النوع
از پیشانی او میگذرد بعد
چشمانش را باز کرد
رب النوع سرنوشت گفت
- با اراده و آرزوی خود تو قادر
بوده ای تا سرنوشت را عوض کنی
و افزود
- احسان و بخشش من با تو
خواهد بود
و آنگاه ناپدید شد
روزی بعد خوب شکی خوبی
قیام در کاخ سلطنتی را به شهرزاده
و مادرش آورد قاصد تخت و
تاج که مستبد و مستگر شده بود
از سلطنت خلع گردیده بود ملکه
و شهرزاده بزودی به سوی کاخ
رفتند همه کس ملکه را شناخت
چشم و سرور بزرگی بخاطر اعاده
تاج به وارث حقیقی آن برپا شد
و شهرزاده به حیث شاه تاج پسر
سرنهاد



مراسم یک تدفین

امپراتور

از آنجاییکه پیرامین ۶۲ سال مراسم تدفین امپراتور توری صورت می پذیرد، حکومت جاپان با مصلحت دبلوماسی رویرو بود؛ چگونه مثال، چطور میتوانست یقین حاصل نماید که جورج بوش مجبور نشود که تارسیدن نوبت الفبایی کشورش، جهت ادای احترام در برابر تابوت امپراتور، قریب سه ساعت انتظار نکند. اعضای کمیته موظف در وزارت امور خارجه جاپان تا ساعت ۲ یا ۳ شب روی حل همجو مسائل مصروف کاری بودند. قرار معلوم وزارت خارجه کشوری از وزارت خارجه جاپان تقاضا به عمل آورد، بود تا وقت مواصلت رئیس دولت متبوعش، به منظور رفع احتمال آماج گیری از طرف قاتلان سری نهداشته شود. حکومت دیگری خواسته بود که در مورد شاه کشورش ((که نهایت مغرور است)) توجیه بخصوصی میندول گردد. جورج بوش در نخستین مسافرت خارجی خود بحیث رئیس قوه اجرائیه کشور، با سران دولتی زیادی از جمله روسای جمهور فرانسوا میتران، از فرانسه، کورازون اکیانو از فیلیپین، حسنی مبارک از مصر، خواهد پیوست. روهامرفته از جمله پینار از ۱۴۰ هیات ملی شرکت کننده در مراسم در ۵۲ سران دول قرار داشتند.

درین مراسم جاپان بایست پلوما

سی امنیت سنن هبی بهم می میخت

قرار اظهار یک ما مورسابقه در جاپان مراسم تدفین امپراتور، از نگاه دبلوماسی، به مقایسه با بازهای اولمپیا ۱۹۶۴ و کنفرانس عالی اقتصادی ۱۹۸۶ در توکیو، شخصیت های برجسته (VIP) زیادی را در برهم آورد. بود هزاران ژورنالیست مطبوعاتی و تلویزیونی در شهر سرازیر گردیدند. اگرچه مواظبت و تغذی این همه مهمانان کار ساد موهلی نبود، در هلهوی آن حکومت صدراعظم جاپان بایست آنانرا از حملات تروریستی معشون نگه میداشت و مراتب معمول تشریفات بین المللی را با مراسم سنن شنتو منساخت. در حالیکه همه اینها خود را به بهترین وجهی در ذهنیت عام داخلی تبارز میدادند.

در واقعیت امر، توجه از متونی به مهماندار، یعنی خود جاپان، معطوف گردیده بود. هیرو-هیتوئه تاریخ ۷ جنوری درگذشت، مگر جسد وی معرولاکند در بین چند تابوت چوبی سلسلسل، با یک شمشر تشریفات برسران - به منظور اجرای یک سلسله مراسم پیش از مراسم اصلی در کاخ امپراتوری نگهداشته شد. با وصف پیشینی ها، که مرگ امپراتور احساسات ملی و انتحارهای سنتسی هب گریبان دست راستی را برخواهد انگیزخت.

مردم جاپان بر سازمانتداری رسمی در روزه به زندگی عادی بی نشان برداختند حتی چین غزا در آری بعضیها احساس مینمودند که با درگذشت امپراتور آخرین نشانه بیوندشان با جگه جهانی دم، با رسمولیت ازد و شرفشان برداشته شده است. مراسم تدفین میرفت که مصیبت های هنرمیت و انشال پیراز جنگ را به دست تاریخ بیسار. ازان نگاه، بعضی ها آنرا به جهت تجلیل تبار جاپان بمثابه نخستین بر قدرت غیر نظامی جهان تلقی میکردند، به همین علت حتی کشورهای که در جنگ جهانی دم از تحسار و ز جاپان آسیب دیده بودند، مانند چین و کوریا، ی جنوبی، به اعزاز ما موران عالیرتبه شان برداشته بودند، که در آنجا هنوز احساسات غمگین



بعضی از مهمانان خارجی، مخصوصاً وقتی که هوا سرد باشد، حسرت تحریم کننده گان مراسم را میخوردند. بارک شنجوکوگین، که باشکوه های گیلان خود شعرت دارد، به نسبت آماده سازی برای مراسم تدفین، بروی مردم مسدود بود در آنجا یک سالون مراسم، که دارای یک دروازه چوبی به ارتفاع ده فوت بود، ساخته شده بود. در مراسم مذ هب سیر ۵۵ ساله امپراتور نقش همانند آرو - رهبران مذ هب شنتو نقش بر گزار کننده رسمی مراسم را ایفا نمودند. در پایان مراسم مذ هب بیانییه های از طرف صدراعظم و دیگر ما موران جاپانی - ایزاد گردید و بند عوین در برابر تابوت ادای احترام نمودند و سپس تابوت به گورستان واقع در تبه های نرین توکیونقل داده شد.

از آنجاییکه هوای تیزوری توکیوسرد بود حکومت جاپان تا حد ممکن در وقت مراسم کاهش بعمل آورد تا مهمانان خارجی را هوای سرد آن پت نمایسد. البته صرف سمعی و معارف زیاد وقتی رضایت بخش تلقی میشود که خوشی خاطر مهمان را فراهم ساخته بتواند. د پلوما سنن زیگانه غالب اوقات سننسی حکومت را مجبور مشکلات جاپان را در خارج کشور بهتر جلوه داده است و حکومت موجوده جاپان نیز به چنین امری احساس نیازمندی من نمود. به این نسبت صدراعظم جاپان تا حدیکه ممکن بود شخصاً از مهمانان رسیده گئی نمود، اما نظریه کی وقت و تعداد زیاد مهمانان عالی مقام او، در دقیقه وقت را برای هر عیانت تخصص داده بود، امپراتور جدید و خاتمش از روسای جمهور و شاهان شخصاً رسید گئی نمودند و یان پیران ملاقات گروین بعمل آوردند.

زخم معده یک مریضی

نویسنده: کورون الله روحیان
مکروبیست

کشف میکروب کامیابلو بکتیر بیل -
(Compylobacter pylori)

در سال ۱۹۸۲ تغییر فاحش را در طرز شکم و اسباب گستریت های مزمن و فرخات خماساز هضمی بوجود آورد. تقریباً ۱۰ فیصد مرخصان قرحه اثنا عشری ۷۰ فیصد فرخات معده، میکروب بیلوری را در معده شان حمل نموده و محو همین ارگانیم از وجود بافت صحت و ترمیم گستریت ها و فرخات میگردد.

سابق تفکر در مورد اسباب فرخات یاز خم معده اکثراً به اساس تغییر توازن بین ترشح اسید معده و مقاومت میکروبی جدار معده فکسر میشد که تدای هم به همین اساس بیان میشد ولی در این اواخر فلان بالایی فکتور های که باعث تنزیل مقاومت جدار معده میگردد، تدفین نموده یک علت معده همین میکروب بیلوری را در یافتند که میکروب یک قدرت خاصی در تغییر محیط معده و محافظه موضعی معده و میکروبی آن را داشته و میکروب در جدار معده توصل نموده و باعث نابودی قشر محافظی میکروبی معده میگردد. اکثراً ۲۰ فیصد انسانها در یک وقت، صاحب این میکروب میباشند. افرادی که این میکروب را دارند ۲۰ مراتبه امانه تراز مرخصان نورمال خطر تشکیل فرخات را دارند، هر انسان ممکن در طول زندگی ۱-۲ بار به این میکروب صاحب گردند و نسبت به رشد بودن مقاومت فردی یا استعمال آنتی بیوتیک که ممکن به هدف دیگری خورده شود، این میکروب از صابین آن نابود میگردد.

در سابق گستریت ها و فرخات را مرتبط به قلوبی اثنا عشر - تشوش روحی، سکر و مسواد مخزش مثل الکول، مرچ، غذای تند، اسپرین و یا خانوادہ آن میساختند. ولی این مسواد فقط میتواند یک سرخی و تخریش و معضات تخریب جدار معده را تولید کند ولی نمیتواند باعث التهاب مزمن گردند ولی در صورتیکه قرحه موجود باشد باعث تشدد آن میگردد.

میکروب بیلوری یک میکروب گرم منفی شکل S مانند که یکانه میکروبی است که میتواند در جدار معده، کولونی های تشکیل داده و خود را از اسید معده توسط یک قشر بیلو از با کار بزیست و میوکشن محافظه کند. و اکثر این میکروب در رواجی که باعث ترشح میکوشن میگردد، تراکم نموده و در ضمن برای محافظه اسید میکروب، یک قدرت خاص فعالیت میتا بولیکی و تولید یوزیا هارکتالیزها را داشته که باعث تولید آمونیم باي کار بزیست از یوزیا میشود که مشابهت با میکروب های نوع سیمیا سیرولایا هاداشته و از همین سبب ممکن این میکروب در ابتدا از حیوانات به انسان انتقال کرده باشد.

برای اولین بار در ۱۹۳۸ Doenges
بقیه در صفحه (۹۰)

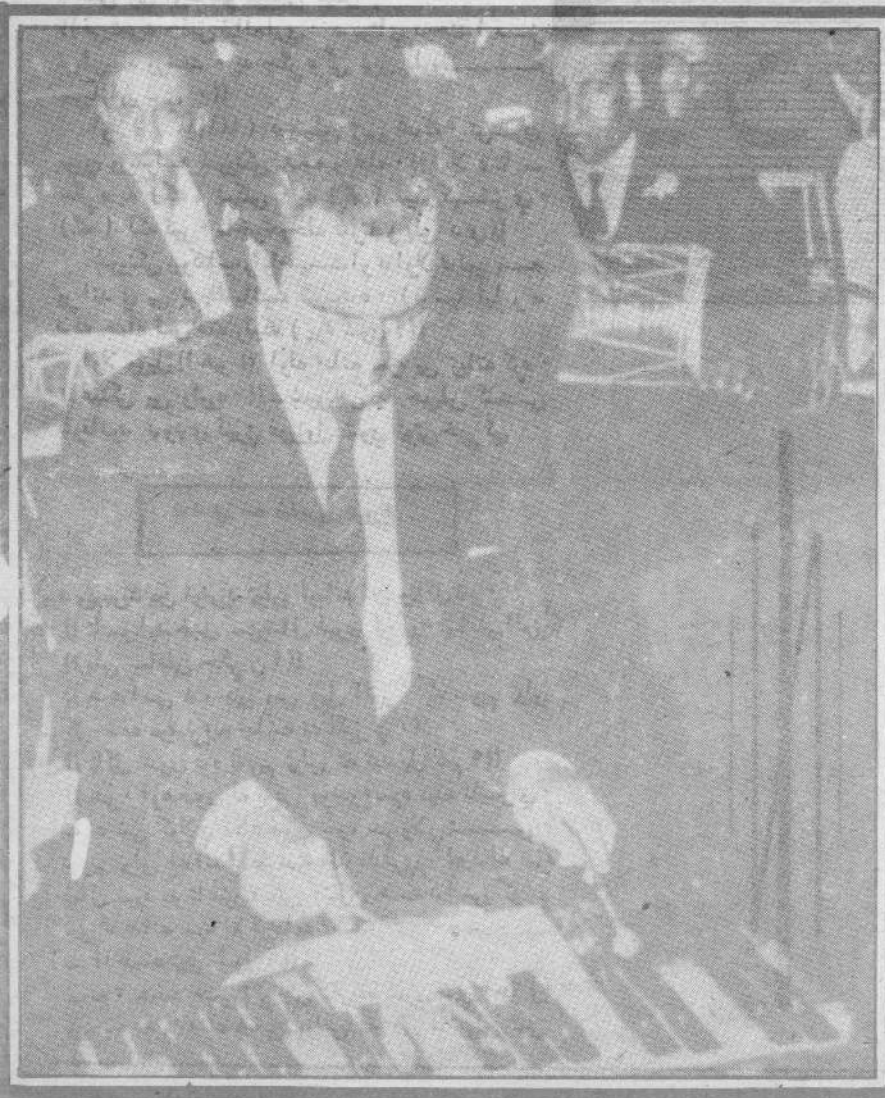


صدای

جاودانه سده ها



ترجمه: علی ائیسر



به‌مینگونه موکیش درین قام کردن ریکارد از لحاظ کمی آهنگهایش نبود. برای او یک آهنگ ارزشناکی این را وقتی داشت که احساساتش را در آن انعکاس دهد. به‌عین دلیل هم است که وقتی هزار آهنگ به‌جامانده او را در آن‌ها مردم بد آوری می‌گیرند پاسخ مساعد گرفته می‌شود. بسیاری آهنگهایش ملو از روح هنرموسیقی است. گدایان و شراب - نمند آن آهنگهایش بطور همگون حفظ می‌شوند.

موکیش چاند متور، همانند دیگر موسیقی (وسانت دیسای) باورهای بازگشتن و آرد نیای سینما شد ولی نتوانست در بیشتر از چهار نغم ظاهر شود. شکست او در بازگشتن به هنر او از خوانی این نیز تا "تیر منق" بجا گذاشت. حتی نخستین آهنگ غیر فلیش این را که به اساس یکی از آهنگهای ((بنکچ ملک)) سرود چنگی به دلها نزد همانطور که نخستین سه آهنگ فلیش این سرود توجه قرار نگرفت. او تا گریه در یک مکان بدون برداشتن یک کلمه مدتها باقی ماند تا اینکه در ۱۹۴۵ ((کشف)) شد.

عقیده عمومی بر این است که ((انیل بیسواس)) یکی از موسیقی‌دانان مشهور فلیش، برای اینکه از او یک آواز خوان بسازد موکیش را با سیلی زد. اما خود بیسواس این انسانه را زد کرده میگوید: ((شاید برای هر خواننده تازه کار در عصر موکیش عشق بوزیدن به آواز سیگل مود بود. من خوبی خرابی داشتم وقتی موکیش از ناتوانی این در سرودن آهنگ حزن بمان آورد. تهدیدش کردم که در جلو آرکستر -

لک و کوش خواهم کرد.))
بقیه در صفحه (۷۸)

گفته میشود وقتی شاهان می‌میرند خسوف رخ می‌دهد و طبیعت به عمیان بر میخیزد. ولی وقتی شاهان دنیای موسیقی - سیگل، موکیش و رنید - مردند چنین چیزهایی واقع نشد و در عوض نوت‌های ناموزون از سفوتی زندگی بگوش رسید. وقتی موکیش ((الوداع)) گفت اکثریت مردم ضایعه عظیمی را احساس کرده‌اند زیرا موکیش صمیمیت خود را به مردم عادی با آمیختن آرزوها و رویاهای آنها در لایبای آهنگهایش تبارز داده بود.

به اساس کار ((هنر رهنوش)) که به‌عهد گرفته است تا تمام آهنگهای موکیش را در یک کتاب جمع و انتشار دهد، موکیش در طول ۳۰ سال کار هنری اش مجموعاً هزار آهنگ دارد. یعنی بطور اوسط در هر سال ۲۸ آهنگ سروده است. از نگاه کمیت البته که تعداد قابل ملاحظه نیست، اما کمیت صرف تعداد و ارقام را بیان میکند نه قلسل تسخیر شده هنری را.

بطور مثال سیگل در تمام حیات هنری اش صرف دو صد و پنجاه آهنگ سروده ولی اینکه او چه سرود با ارزشتر است تا اینکه به چه تعداد در سرود! سیگل این امتیاز را داشت که آهنگها کمپوزیتورهای را خواند که انعام درین سودجوی نبودند ولی موکیش در آثارهای عنکبوتی سینمای تجارتن گیسر - مانده بود که بعضاً با وجود عدم تطابق برخی از کمپوزها با صدایش بطور لایبای می‌بایست آنها را می‌سرود، با وجود آنهم غالباً انسان - آوازین آهنگهای بدیعترین عارایی ساخت. طلعت محمود یادداشتن ششم آهنگ شاید در انتخاب کمپوزها سختگیرانه برخورد کرده است.



یک هزار آهنگ در ۳۰ سال کار هنری

صاحبا ز پوپل

ليلا، ليلا نو روز است خدايا دنيا کو روز است



نعيم پوپل چگونه مجبور شد وطن را ترک گوید



نده گان راد يو تلویزیون از طرف شما ازین غذا محروم اید علت چیست؟

— شما واقعتاً را گفتید من صرف در عروسی ها و محافل خوشی دوستان میروم و من.

— در راد یوتلویزیون چرا؟

— این چرا را باید از خود اینها بپرسید، از بد بريت موسیقی راد یو تلویزیون که زنده باشند در روزه های مایوسی را بروی من کشود اید. همین حالام در حد و د (۵) پارچه برای بهار تعبیه د پده ام. انراد ر طلوع سوزنیک ثبت میکم بعد از از زبانی اگر خدا بخواهد که بد پرفته شود انرا لبسنگ خواهم کرد.

— خوب نفهمید من کلام را از موسیقی آغازیدم ولی شما ما یوس گله و شکوه به خورد من داد پس بد یعنی چه. بیایید از سالهای دور صحبت کنیم از سال ۹۶ که همکاری تانرا باراد یواغاز کردید از همان اهنگ نخست او از تان برای اکثریت بد پند برنده بود و است. پس بیایید در قدم اول از سرینش های هنری تان بشنویم، بعد من ایتم به طرف تلخی هایش.

— شما حتماً استعدادی برای آواز خواندن داشتید ولی ایانزد کسی زانوی شاکردی هم زدید یا مشکل تعدادی از آواز خوانان ما گل خود رو بودید.

— من اساساً آواز خوانی را نزد برادرم نعیم پوپل امختم.

— میشود چند اهنگ او را نام ببرید.

— اهنگ: لیلیا لیلیا نوروز است خدا یاد نیاد نوروز است

همچنان اهنگ: قدح را سرگنیم شب را سرگنیم. از اهنگهاییست که در انوقت ها زیاد سزبانها افتاده بود.

— ای این اهنگ ها از مرحوم احمد ظاهر نیست؟

— اول نعیم پوپل انرا خواند. بعد مرحوم احمد ظاهر دوسه پارچه او را در کست خوانده است.

— اولین اهنگ من: نگاهت راز من برگیر و بگذر.

— در انوقت چند سال داشتید؟

— در حدود ۱۹ سال داشتم.

— برای چه کسی انرا خوانده بودید؟

— از شعران خوشم آمده بود.

— گویند تان که واقعتاً فقط همین بود.

— انرا برای کسی که فعلاً شریک زنده گی من است خوانده بودم.

— یاد راول هاهم از طرف راد یو مشکلات داشتید.

— بلی. اولین اهنگ راد راد یو با بسیار مشکلات ثبت کردم.

— در مجموع چند پارچه اهنگ در تان بشنویم، بعد من ایتم به طرف تلخی هایش.

— با آواز مقبولی که در اید ۷ پارچه خیلی کر نیست؟

— چه باید کرد کسی به راد یو تلویزیون راه نمیدهد.

— علت انرا میدانید؟

— بلی میدانم. انانیکه از زبانی اهنگ ها را به عهده دارند نمیتوان خواست شانرا بر آورده بسازم.

— اقتصاد من خیلی خراب است.

— فقط همین علت است.

— یک گپ دیگر هم است من نکایی بقیه در صفحه (۸۵)

گروه خودش قرار دارد. ازین هنر مند موفق صرف در حدود (۱۵) - پارچه اهنگ در ارشیف راد یو موجود است.

— از اهنگهای خیلی به نام او که در انوقت ها زیاد سزبانها بود اهنگ لیلیا، لیلیا نوروز است و اهنگ (قدح را سرگنیم شب را سرگنیم) میباشد که بعداً مرحوم احمد ظاهر دوسه پارچه انرا در کست خوانده است.

... و این همه راولی پوپل برام قصه میکند.

ولی پوپل آواز خوان خوش صدا را که سالهاست بروی پرده تلویزیون زنده ام در یکی از عروسی ها بالای ستر من بینم. او میخورد اید ((نگاهت راز من برگیر و بگذر که دیگر تاب دیدارت زدم ام)) این اهنگ را چنان با احساس میخواند که با کف زدهای مستند استقبال میکردم. مگره او را درین جا غیر مترقبه بیدار کرده ام از او دعوت میکنم تا به دفتر مجله بیاید که به قولش من ایستد و می آید.

شماره مشکل بیدار کردیم چرا انراد یوتلویزیون میگزینیم. علاقه مندان او از تان چی دارند؟ میگویند موسیقی غذای روح و زبان و احساسات است ولی تا جایی که دیده میشود بیننده گان و شنو-

بمبازند کشور ترک کند او نخست به ایران رفت. در انجا با گوشتوش خواننده و پرواز به ایران اهنگهای د و گانه اجرا کرد. حتی زمزمه بین وجود داشت که با گوشتوش رابطه عشقی قائم نموده و با هم از نواج میکنند. بعداً از انجایه فرانسه رفت و فعلاً در کالیفورنیا زنده گی میکند.

نعیم پوپل هنگامیکه کشور ترک مینمود متاهل بود او خانم افغانسی داشت که فعلاً هم با هم از زن و فرزندانش زنده گی مینماید.

ولی در انجا فعالیت گسترده هنری دارد گروه او بنام ((گروه کامپین)) نامیده میشود که در راه بین وقت میخواند ام احساس من کرد صدایش چون رودی در رگ های جان جاری میشود.

وقت او میخواند فضا بسوی گلبرگهای شسته شده میداد.

وقت میخواند تو میگفتی گلها میشکند و شاخه های خشک درختان شکسته میزند.

در بریت که آواز خوش نعیم پوپل آواز خوان جوان و خوشوش صداشنیده نمیشود زیرا که او در کشور پیرو برای مردم د پگسر میخواند.

نعیم (پوپل) در سال ۵۴ جبراً روی یک سلسله مسایل و قضا یا مجبوری ترک کشور کردید. و قضیه ازین قرار است:

د دختری که به یکی از خانواده های بانام انوقت منصوب بود به نعیم پوپل چنان دل باخت که وقت متوجه عشق یک طرفه خویش گردید دست به خود کشی زد ولی نجاتش دادند. خانوادها دختر تصمیم گرفت تا بخاطر نجات دختر شان از انشی که تنها خودش در ان میسوزد نعیم پوپل را مجبور

ولی پوپل درباره برادرش سخن میگوید

زاکا کال وولک د ژرما راکا کال یوپی

کی نقل زره نازره وی یو آزی
 د خیل احساس سره سم پرمخ
 یی د خیل مراد د لاسسته
 راور لود باره توله مخه رانکری
 زوی د مار به کال زیزید لسی
 هلك قهار شهوت پرست او
 خورا حساس وی اوزیزیدلی نجلی
 بنایسته وی به عابانیا نوکی
 د بنایسته ستاین د باره مار
 فوندي بنایسته اصطلاح وسیل
 کییزی .

نیکمرغه به وی که د مار به
 کال زیزیدلی د گامینی اوچرگی
 به کال زیزید لوسره واده وکړي
 خود بیژود کال سره به طالعمنند
 نه وی د پراگ او وحشی خوگ
 د کلو سره به بدمرغه وی .

به یو یزیم کی مارک نیسه
 موجود به توگه گیل کیزی د مار
 رانو پاچا (موجالیندا) بوداد
 سیل به وخت کی وژغوري مار
 خو پی ی ترهغه وخته پوری ساتل
 کیدی ترخود فیلسوف نگارچون
 د نظر له مخی انسانان د مار
 د پوهی سطحی ته ورسیدل .
 همدارنگه به بوداییم کی مار
 تهر چرگ د شهوت او خوگ د
 جهل سمبول دی .

د منحنی آسیا منحنی خلک په
 دی عقیده دی چی د مار به
 کال زیزیدلی نارینه که د سړی
 اومیزی به کال زیزیدلی نجلسی
 سره واده وکړي د هغه
 اولاد ونه به نامتوانان د خلك
 وی د مار به کال زیزیدلی نجلی
 که د چرگی اوتوپه کال زیزیدلی
 هلك سره واده وکړي دوی به
 نجونی زیزوی .

د منگولیا او منچوریا خلک عقیده
 لري : (د مار به کال زیزیدلی
 یو معتدل اوزره سواند مانسان
 دی همدارنگه دی به منطقی
 تیز فهم او برخله خبره ولاړ سړی
 وی خو عیب به یی دشرویاتو
 خنبل وی د زره مغلواو نوری
 اوز دی ناروی به ولری د د
 د باره لازم نه دی چی د خیل
 رییس (وظیفوی) سره جنجال
 وکړي به لومړی سرکی به رنغ
 یو سی او وروسته به له منحنی
 ولاړ شی .)

د تبت د شپيته کلنی کلیزی
 بیل د جینی کلیزی له بیل سره
 سمون نه لري به تبتکی دا
 دوره د سوي د کال خخه بیل
 کیزی به پداسی حال کی چی به
 جین کی د موزک د کال خخه
 بیل کیزی به د دوی ترمنخ توپیر
 به د روکلوکی دی به دی خاطر
 اوسنی شپيته کلنه دوره به جین
 کی به ۱۹۸۴ کال او به تبت کی به
 ۱۹۸۷ کال کی بیل شوه .
 د ۱۹۸۹ کال د فبروري د
 شپزیم نیتی به شیه نوي کال
 یعنی د زره مار کال بیل شو .
 (چی ۱۲۶۸ هـ ش کال هم به
 همدی نامه یاد یزی) د طبیعی
 عناصرو د دی رنگ سره
 مخه سمون لري کال مونث
 (نرم) بلل کیزی د خختیو
 خلکو په روایت به دی کال کی
 زوری او بد مرضی بیسی سختی
 نیستی تزلزل اوماته نه بیسیزی
 د منحنی اوختیعی آسیا په خلکو
 کی د مار خخه مختلف تعبیرونه
 شته جابانیا ن عقیده لري :
 ((مار د حکمت فراست اوارا دی
 خاوند دی خورا طالع مند دی
 هر خه ته بخان رسولی شی مار
 متکبر او مغروردی خوشتر یافغو
 سته شوی دی مار خورا خسرود
 خواه او موزی دی خود علاقسی
 په صورت کی مرستی ته هم دانگی
 کله هم داسی ساته کوی چی به
 مشکله خوگ بخان حنی خلاصولو
 شی مار د نوروه نظریو افیصلو

د هر عنصر د باره یوزرگی یعنی
 سورد اور ژر د مخکی سپین د
 اوسینی تور د اوبواوشین د در
 ختی د باره مشخص شوی دی
 کلونه به مذکر (کلك) او مونث
 (نرم) ټول هم ویش شوی دی .
 د موزک د پراگ نهنگه آس
 بیژواو سینی کلونه مذکر (کلك)
 اورد گامینی سوي مار میزی
 چرگه اوخوک کلونه مونث (نرم)
 بلل شوی دی .
 لویه یا شپيته کلنه دوره به
 خختیوه او منحنی آسیا کی لخورا
 پخواخه د تاریخ په مختلف زمانو
 کی منل شوی ده . د انگیزه به
 جین کی ترمیلاد مخکی به د وده
 پیزی به جابان کی به مغولستان کی
 به خلورمه پیزی به مغولستان کی
 د میلاد په خوارلمه پیزی ۱۰ و
 به تبت کی به ۲۷ ام کال کی منل
 شوی ده .

همدارنگه کال میاشت ور
 یی او ساعتونه هم د خاویو به
 نامه یاد یولی لکه د (صفر متر
 ۲ بجو) د موزک ساعتونه
 (۲-۴ بجو) د گامینی
 (۴-۶ بجو) د پراگ له
 (۶-۸ بجو) د سوي او هندا
 راز تراخه پوری یاد یولی
 لویه کلیزه :
 پنجه کوچنی د وولس کلنی
 د وری یوه لویه شپيته کلنه دوره
 جوړ وی به دی دوره کی یو
 خاوی پنجه واره به تکرار یاد
 یزی خوه هر وار کی یوزرگی د
 هر خاوی د باره مشخص شوی
 دی د ارنکونه د پنخو طبیعی
 عنصر یعنی درخته اور مخکسه
 اوسپنه او اوبو خخه اخیسته
 شوی دی د اوش به لاند نیس
 جدول کی به واضح ټول خبر
 گند یزی :

| | | | | | | |
|---------|-------|--------|---------|---------|---------|---------|
| مور | نر | ۱ شین | ۱۳ سور | ۲۵ ژر | ۲۷ سپین | ۲۹ تور |
| کوهسینه | بنیخه | ۲ شین | ۲۴ سور | ۲۶ ژر | ۲۸ سپین | ۳۰ تور |
| پراگ | نر | ۳ سور | ۱۵ ژر | ۱۷ سپین | ۱۹ تور | ۲۱ شین |
| سور | بنیخه | ۴ سور | ۱۶ ژر | ۱۸ سپین | ۲۰ تور | ۲۲ شین |
| نهنگه | نر | ۵ ژر | ۱۷ سپین | ۱۹ تور | ۲۱ شین | ۲۳ سور |
| مار | بنیخه | ۶ ژر | ۱۸ سپین | ۲۰ تور | ۲۲ شین | ۲۴ سور |
| آهن | نر | ۷ سپین | ۱۹ تور | ۲۱ شین | ۲۳ سور | ۲۵ ژر |
| میرمه | بنیخه | ۸ سپین | ۲۰ تور | ۲۲ شین | ۲۴ سور | ۲۶ ژر |
| لویز | نر | ۹ تور | ۲۱ شین | ۲۳ سور | ۲۵ ژر | ۲۷ سپین |
| چرگه | بنیخه | ۱۰ تور | ۲۲ شین | ۲۴ سور | ۲۶ ژر | ۲۸ سپین |
| لپیی | نر | ۱۱ شین | ۲۳ سور | ۲۵ ژر | ۲۷ سپین | ۲۹ تور |
| خوگ | بنیخه | ۱۲ شین | ۲۴ سور | ۲۶ ژر | ۲۸ سپین | ۳۰ تور |

نامه یاد یزی به دی ټول :
 ۱- موزک ۲- گامینه ۳- پرا
 نگ ۴- سوي ۵- نهنگه ۶- مار
 ۷- آس ۸- میزه ۹- بیژو
 ۱۰- چرگه ۱۱- سینی ۱۲- خوگه
 نوي کال به د جنوري د د یار
 لسی خخه د فبروري ترخلو رو
 پشتمی پوری (د جدید رویشتمس
 خخه د حوت ترخلورمی پوری)
 بیل کیدی تل د سپوزم به
 لومړی وړخ نامانعل کیدی .
 منگولیا یی ژری ویونکی خلک نوي
 کال (سگان سر) یعنی سپینه
 میاشت بولی نوي کال به نیمه
 شپه نه نامانعی بلکه د نوي کال
 به لومړی وړخ د سهار سپید وته یی
 نامانعی اوبه دی سهار دی یی
 سینی خلک د یویل کورته می د
 نوي کال مبارکی وایی اوسوماتو
 ویش د اعادت تراوسه پوری
 به منحنی آسیا کی پاته دی به
 به میلمستیایکی د فونواوشید و
 خخه نیار سوي خوار به دستر
 خوان اینول کیزی سپین
 خوار به سپینه میاشت لور
 حکمت د رلود او خلک په دی
 ارمان وه چی د خوار به
 نوي کال د رومو به زیانید وکی
 اغیزه لری او د پوی خور لسو
 به وخت کی یویل ته د خاویو د
 بجایانو د زیزیدولو هیلیس
 خرگند ولی اوبه مغولستان
 کی اوس هم د نوي کال لومړی
 وړخ د خاویو دورمی به نامه
 یاد ییزی .

نه ننگاری د دی پر خای چی
 د اقمری شمسی ویولو به به
 وی چی قمری شمسی
 مشتري زحل کلیزه یی ویولو
 برخه د انگیزه د لمر سپوزمی
 مشتري زحل او مخکی د حرکتو
 خخه ترتیب شوی ده د اداکبه
 هم د وولس کلنه بلل شوی چی
 د لمر به تاوخوا یان دی د مخکی
 د حرکت خخه تصحیح شوی او
 توگه ۱۱۸۶۲ کلنه دوره بولی
 د اوزره د لمر به تاوخوا یان دی
 مشتري حرکت دی .
 تراوسه پوری د دی کلیزی د
 پیدا کید و خای چاته بحرگند نه
 دی البته به آسیا کی دی خو
 به خختیوه یا منحنی برخه کی د
 خرگند نه ده د پوی خوانجو
 می شمیرنه د منحنی آسیا کوچنی
 کلنور خخه لیری بریسی اوبه قوی
 احتمال د جین د خوزون نجومی
 تاریخ لاسرته راور نه بلل کیزی
 د بلی خواد کلیزی ټول خاوی به
 لږ استقا (بیژواو چرگه) به
 منحنی آسیا کی ژوند کوی اونهنگ
 خوه هر خای کی ژوند کولای شی
 مخه نوحمل به سل کی دیوه روایت
 تا پیدا گاردی خو بیاه به
 اعتماد سره ویلی شوی د دی کلیزی
 جوړونکی صحرایی کوچیان دی چی
 د منتر کوچی مد نیت خاوندان
 وړه خرنگه چی مخکی مورویل دوی
 کلیزی دی کوچنی کلیزه د وولس
 کاله ده هر کال د یو خاوی به

د هر نوي کال به راتلو سره
 ټول خلک د نو یویدیدو البته
 نیکمرغه یویدیدو به تمه وی
 او هر یو د خیل قیاس سره سم
 راتلونکی اټکلونه وړاندی کوی
 د ابخوانی آسیا یی عادت به
 اروپا کی اوس د کلنور او کلچر جیز
 گر خیدلی دی خو پوهیزی
 چی راتلونکی کال د کم خاوی به
 نامه یاد یزی اوهغه ټول کالی
 اوما سکونه و فوندي اورد کال
 به لومړی وړخ یا شپه یو بنایسته
 نوبت ننگاره کوی به عانگری
 توگه منحنی د دی پویشتی سره
 پیره علاقه خرگند وی اورد سر
 زره غوازی چی د نوي کال نم
 د هغه خصوصیات او تقریبی
 اټکل شوی راتلونکی خان تصلیم
 کسری .
 د کلنور او ویش یوه خختیوه
 عنعنه ده چی د یو خاوی د
 کلیزی به ټول د کال د عدد سر
 خنکه د خاوی نم هم لیکل کیدی
 د اوش دوی د وری لری لومړی
 یی د وولس کلنه اود وده یی
 شپيته کلنه دوره ده کله یی
 پوهان د کوچینی اولوی دوری به
 نامه هم بولی د وولس کلنه کلیز
 د نورولس هاو کلیزه برتلسه
 د ویره معموله کلیزه نه ده به
 یقینی ټول د انگیزه د ویر
 حقیقی نه ده لکه یوه نجومی
 او کلنوری کلیزه چی ده به
 علمی ادبیاتوکی یی کله قسری
 کلیزه هم بولی خود ایقینی

د ننی آسیا و فرهاد محلی خخه
د شیر شاه رشاد ژباړه



مرزهای دانش

آزون دفاع میخواید

ترجمه از فریدون

آزون مدتها در ساحه پاييس سراسر (توسفيو جزمين) در ارتفاع ۲۰-۳۰ كيلومتر سطح زمين - منتشر است، هرگاه آن از ديگر تركيبات اتمسفيو جدا ساخته شود قشری با ضخامت ۳ ميلي متر را تشكيل خواهد داد، در حالیکه ضخامت مجموعی هواي نورمال به ۸ كيلومتر میرسد، آزون - راديو اکتیف ماورای بنفش خورشید را جذب نموده، مانع ضرر به پوستی - بالایی سطح زمين و مانع تغییرات حرارت در اتمسفيو میگردد.

آزون پس از جذب شعشعات ماورای بنفش خورشید کسب حرارت نموده و سپس آنرا در هواي محیط پخش و انتقال خواهد داد. آزون با جذب شعشعات گرم سطح زمين بر اقليم اثر افکند و درجه حرارت آنرا کمتری میکند. از جمله دشمنان عمده آن فنون - رون و محیط بحرکات مشترک کاربن و فلو و کلورو هایدرو کربن است که در میخان ها و کولرهايشکل مانع مورد استفاده قرار میگیرد. این ماده زهر آگین نبوده، توی فراران کم میباشد، در ارتفاعیکه انتقال میکند کاربن را آزاد می نماید، یک اتم - کاربن میتواند ۱۰۰۰۰۰ اتم آزون را تخریب کند.

برعکس فنون کاربان همان که کساید آزون و دیگر موادیکه تعداد آنها به ۳۰۰ میرسد، قشر آزون را تخریب می نمایند.

برای از یاد معلومات خوانندگان محترم نقل گفتگوی خبر -

نگار روزنامه از ویستیا با پروفسور ولادیسو زخاریف نماینده اتحاد شوروی در کنفرانس مونتهال که پیرامین اتخاذ تدابیر دروقیه قشر آزون از تخریب بعمل آمده تامله شدیم میشود: -

آهنک تخریب قشر آزون به چه پیمانهاست و ازین نگاه در سده ۲۱ چه چیزی را انتظار ماست.

در دهه ۲۰ که تاثيرات مواد مضر بر این مورد مطالعه قرار گرفت، چنین پیش بینی بعمل آمده که پایان سده جاری ۲۷ فیصد آزون کاهش خواهد یافت، مگر خوشبختانه این پیشگویی به حقیقت نرسیده است. قرار مباحثات علمی، در صورتی آهنک تشبیه شدت موجوده را حفظ کند، تا نیمه سده آینده از ۶ تا ۷ فیصد پوشش محافظه خود را از دست خواهد داد.

قدرت کم آزون اتمسفيو هیچگاه به یقین معلوم نبوده است، در - اواخر دهه ۴۰ و اوایل دهه ۵۰ مقدار آن صدمید بلند رفت ولی در اوایل دهه ۶۰ فیصدی آن دوباره پاييس آمد و پس از ده سال نسبت به دهه ۵۰ باز بلند رفت و از نیمه دوم دهه ۷۰ دوباره پاييس آمد، فعلا قشر آزون ۳ فیصد نازک شده است. - کاهش قشر آزون برای انسان چه تهدیدی را در قبال دارد؟ - لزوم نیست از حجام آنتاب نهاد تشویق داشت، چه لباس مادی - بپوشد (صفحه ۷۵)

آیاتصادم زمین با کدام ستاره ممکن است؟

فنا این دنیای آهنگهای اطراف ما، که بانجم و کواکب مریخ گردیده، نمایشگاهی را مانند دران هزاران هزار کواکب سیاره پرتو افشانی میکنند. زمین که مراتب این اجسام جویانگرمات در نظام شمسی است چندین بار از تصادم حتی سیارات دیگر که در مدار خود و اطراف آنتاب دور میمانند، نجات یافته است.

چه مشاهده خواهیم کرد - آهنکی از ستاره های جدار زمین تا دم نماید، فلما اظهار میدارند این کار در فاصله زمانی پنجماه و هفت سال بعد امکان دارد. بنا بر این درید و خلقت این امکان به میسر میسازد.

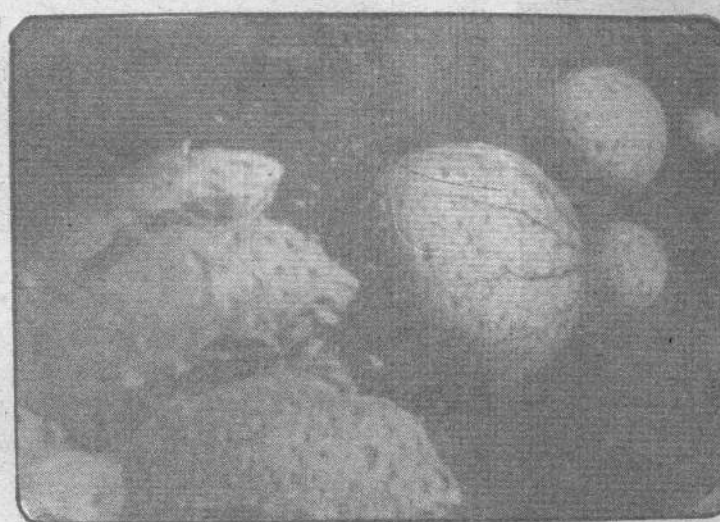
جمعیت پیوسته و نزدیک بود با رویکردن سال ۱۹۳۲ صحنیکه (هیومز) ستاره کوچک که شکل و حجم غیر منظم داشت و فلما آنرا کوه های پرواز کننده سسی نموده اند، تکرار کرد یعنی ستاره مذکور با زمین تا دم نماید.

کوه های پرواز کننده اصطلاحات تلکی است، طبق اظهار فلما نجوم در باره این اصطلاح باید گفت: کواکب و کوه های پرواز کننده مدارات عجیبی را در خلال حرکت سالانه زمین بدور آنتاب انجام میدهد که این کار فرصت های زیاد را برای تصادم با زمین میسازد.

طبایع سوزن، یکی از شاخه های سنتی ولی مهم طبایع خاور دور، در کشورهای کم رشد و فقیر از نگاه کاهش مبارک ارزنده تلقی شده می تواند اینگونه طبایع باید در کنار طبایع عمومی مورد بهره گیری قرار گیرد، برای نشان دادن ارزش آن مقاله زیرین ترجمه و تقدیم میگردد:

از چه شکایت دارید؟ بدین ترتیب پرسش را اکثر آغاز می یابد. - ارچه؟ از همه چیز، سر درد میکند، خواب ندان، اشتها ندان، یابیس از حد معیسن غذا میخورم، تکالیف عصبی دام، بابت عالم اندیشه های و تعاسیم به خواب میزنم ولی فردا باکس خالی از خواب بیدار میشوم، قهوه میبینم تا خود را تشکیسن دم، از دواهای مسکن استفاده می کنم، معده ام کس میشود، استفراغ دام و...

با وجود ائینان به محبت مندی - ام همه این تکالیف را دان - در اخیر بیماری به داکتر میگردید که بازنگی سازش نمی تواند. داکتر هرنگ میداند که امروز تقریبا همه کس به همچو تکالیف سرد چاراست. - پس شما را از نقطه زندگی تان، که در نایف - فغیت دارد، تدابیر میگیرم. داکتر بابت بیچکاری تخریب در آرای سوزن موماندنی به نایف مریخ نزدیک تر میگردد، جاییکه تقریبا همه از دست زدن به آن به تشکیسن می آید، درین اثنا داکتر در حالیکه سوزن بیچکاری را داخل ناف میسازد، بسوای انگیزن احساس لذت بخشی میشود، استفراغ دام و...



علمای نجوم اشاره میکنند اگر ستاره هیرمز با زمین تا دم میکرد درین صورت حرارت به طاقست ۱۰۰۰۰۰ میگفتن مواد منفجره بوجود می آمد، سیر عالم که ما آنرا می شناسیم تغییر می یافت، موجی زمین با بحرانات شدید از وی، امواج غبار و خراب، مواجه میگردد، این کوه تا دم ولو گرد را با یکدیگر به وقوع می پیوست تا اثیرات سالها سال در هوا باقی میماند. طبیعت زمین را تغییر میداد که منجر به وفیات موجودات و خرابی کاینات میشد. کواکب چگونه فعالیت می نمایند؟

علمای امروز نجوم به نظریه فوئذ الذکر با آنکه از جمله روایات و خیال علمی شمرده میشود، بسا در دارند هر آن اغانه میکنند: حدود شصت و پنج بلون سال قبل کواکب ضخیم دارای قطرش الی ده میل در اطراف زمین توسط قوه هولناک بقیه در صفحه (۷۴)

در جستجوی نقطه مرگ و طول عمر

در بایستخت جمهوری مردم کوریا نظریات خود را پیرامون طول عمر، که از هنده سان بدین - سو بر مبنای تدابیر مریضان و نتایج فنانع بخش آن قایم ساخته بیان میکند.

با ساین تیوری عمای طب سوزن، هرگاه عمل سوزن زنی در نقطه مدیه دیده بدن، که در روی جلد نقطه فعال بیولوژیکی دارد، صورت گیرد می تواند آن مد ها مرتبه بالا می رود.

این شیوه به صرف کمترین مواد کیمیاوی، احساس کمترین درد و حصول نتایج اعظمی منجر می گردد. به عقیده داکتر هونگ پیو - مون موی بیوشن تیوریا و نظریات زیاد و گوناگون و همچنان برای جوان شدن نسخه های

وی میگردد، تریزین تقریبا دو الی ۳ دقیقه ادامه پیدا میکند، جالب این که بیچکاری در نایف صورت گرفته ولی بیچار درد را در دو جناح چپ و راست و سپس در آلات تناسلی و در قسمت پایین معده پیکس Solar plexus نقطه دیگر زنده گی خرد احساس درد مینماید.

داکتور تریزین میدهد: ادویه جانب اعضای جریان پیدا میکند و وظایف شان مختل گردیده است. مریس نیز احساس می نماید که دوا مانند راکت رعبری شده به تعقیب هدایت حرکت میکند. داکتر هرنگ چنگ اون، سر محقق و امرانستیتوت طول عمر

بیشمار وجود دارد، ولی با انهم نمیتوانند که اسباب رطل را از زمین بپرنند و یا از وقایع بعدی جلوگیری کنند، به نظر مومون علامت اساسی بیوشن - رتد از بهم خوردن سیستم تنفسی، عدم گفای بدن در - تنفس اکسیژن، کاهش تدریجی انرژی عملیات، بهم خوردن سیستم حرکتی بدن مخصوصا در مفاصل و استخوانها، از یاد لذتی و از یاد شحمیات در خون، پیدایش نقصان در سیستم دفاعی بدن، سکتها قلبی، تشعیه قدرت جنسی و فعالیتها، جگر و دواهای بیوشن، از بیوشن، که بنام چیانگ سو ۲۳۰ در زبان بقیه در صفحه (۷۵)

بیشمار وجود دارد، ولی با انهم نمیتوانند که اسباب رطل را از زمین بپرنند و یا از وقایع بعدی جلوگیری کنند، به نظر مومون علامت اساسی بیوشن - رتد از بهم خوردن سیستم تنفسی، عدم گفای بدن در - تنفس اکسیژن، کاهش تدریجی انرژی عملیات، بهم خوردن سیستم حرکتی بدن مخصوصا در مفاصل و استخوانها، از یاد لذتی و از یاد شحمیات در خون، پیدایش نقصان در سیستم دفاعی بدن، سکتها قلبی، تشعیه قدرت جنسی و فعالیتها، جگر و دواهای بیوشن، از بیوشن، که بنام چیانگ سو ۲۳۰ در زبان بقیه در صفحه (۷۵)

پیرین چوپیره جیره موفق

یکی از غنربیشه گان بر فدرت سینمای غنند که نه تنها با آفرینش نقشهای در فم ها کاپوس ترس و دهشت را در ذهن تماشاگر زنده میسازد، بلکه از درنگی ((مردانگی)) بر میآید، بریم جو پرواست. غنربیشه را در فم ها کاپوس ترس و دهشت را در ذهن تماشاگر زنده میسازد، بلکه از درنگی ((مردانگی)) بر میآید، بریم جو پرواست. غنربیشه را در فم ها کاپوس ترس و دهشت را در ذهن تماشاگر زنده میسازد، بلکه از درنگی ((مردانگی)) بر میآید، بریم جو پرواست. غنربیشه را در فم ها کاپوس ترس و دهشت را در ذهن تماشاگر زنده میسازد، بلکه از درنگی ((مردانگی)) بر میآید، بریم جو پرواست.



سیدین خاموش شد

وچنان رفته بود که سینما گری برای همیشه چشم از جهان سینما و سینماگری برینده و آفرینشگری جاودانه دست از قلمزنی برگیرد. آن که میخواست از سناریوهای نوشته اش فلم و سریالی و نمایشنامه ها از بستر سپید کاغذ به پرده سپید سینما صفحه تلویزیون - صحن ستیز راه یابد و جلو آئین گرد - ولی در بیج که دست بمسرد مرگ آرزوهایش را به انجماد و کرختی کشانید بقیه در صفحه (۹۰)

مرد خشن با سحرین تیکو



در کارهای صحنه سازی فلم ها آموزش دید و به امورتیه فلم اشتغال پیدا کرد. نخستین چانس خود را در فلم (خط بزرگ) ((بیک تویل)) به دست آورد، پس از آن نزد بیک ده سال در فلم های ارزان قیمت وسترن (کاوایی) نقش های را ایفا کرده و بزرگترین چانس طلایی آب در سال ۱۹۳۹ به فلم جالب کاوایی بنام ستیگ کوچ (وضع گادی چهار اسب) مییابد. در سال ۱۹۶۹ به گرفتن نقش کاوایی در فلم ((مارشال)) جایزه اسکار را بدست آورد. درخشندگی او در چنین نقش ها برای - سالیان متعادی در زمره ستاره های ممتاز سینمای امریکا، او را از دیگر هنر بیشه گان متمایز می گرداند، به تایید این گفته هفده فلم اوسالهای زیبا دی بهترین ارقام احصایوی تمام - شاگردان سینما را بخود منحصر - ساخت. پس از آنکه جلو تر شد به رشته کارگردانی و تولید فلم پرداخت ولی درین زمینه موفقیت چشمگیری بوجود نیآورد. بقیه در صفحه (۹۱)

اوزنده گی را دوست دارد - شد و برای حقیقت وانعکاس از واقعیت ها در کرکترهای خشن نومیرت و عاطفه وانسان دوستی را با تمام جسارت در قید تمثیل آرایه میداد. این ستاره سینمای امریکا یک نام شناخته (جان واین) که نام اصلی آن ماریون میخاییل مورسیون کبتاریخ ۲۶ می ۱۹۰۲ از پدر مهاجر اسکاتلندی و مادر ایرلندی اش در ونیترسا (ایوا) امریکا متولد شد، مییابد. (جان واین) در ابتدا اعلا - نمند بود تا آنسر نوای هوایی و - چندی در مکتب دریا نوردی - تدریس دید و پس از آن به کارهای متنوع بار زندگی را بدوش کشید. در سال ۱۹۲۸ جان واین به استدیوی فوکس در شهر لانس - انجلس مراجعه کرده و در آن جا

نقش جدید من

امین رحیمی صحبت می کند



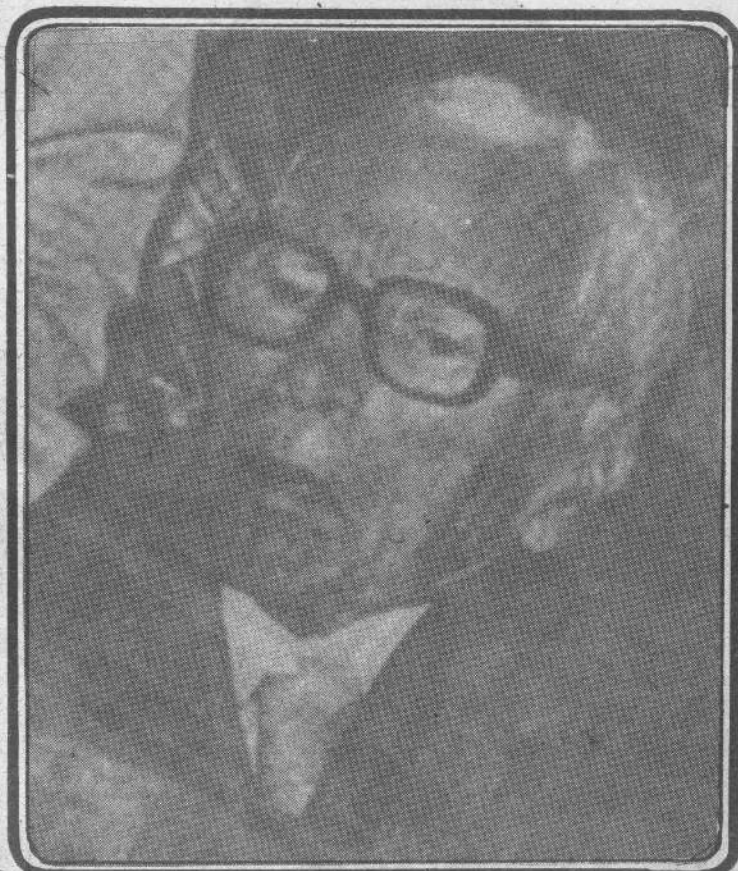
نقش جدید من در فلم هنری رنگه ۳۵ میلی متری بنام سفر مییابد که سناریست و کارگردان آن محترم سعید ورکری مییابد. بقیه در صفحه ۹۳

آرها



نقش

قافیه و قیافه کوچک درسیمای یک مرد بزرگ.



در صد سالگی
چارلی
 استعداده و شهرت افسانه‌ای
 چارلی در سراسر جهان
 معرفی است

شخصیت خالص که در زمان
 حیات خود به شهرت و محبوبیت -
 افسانه بین میرسند بسیاری انگشت
 شماراند ، بخصوص کسانی چون
 چارلی چاپلین که برای مدت زمان
 طولانی محبوبیتی پایان ناپذیر در
 میان مردم جهان داشته باشد .
 چارلی چاپلین بزرگ که در این
 روزها در سراسر جهان با حرمت و -
 ارادت نهاد به مقام والا او، صد
 سالگی تولدش را جشن گرفتند -
 استعداد این شهرت افسانه‌ای در
 ظهورش همین گردیده بود .
 دو سال پیش از ظاهر شدن چارلی
 برای نخستین بار روی پرده ، هر
 خانواده از تماشای آگاه بودند -
 عروسکها ، اسباب بازی کودکان و حتی
 مسابقاتی به نام چارلی چاپلین -
 مسمی گردید ، مردم رقص شبیه راه
 رفتن چاپلین ابداع کردند ، نامش
 ورد زبان اطفال بود ، حتی در فلما
 مقالات چاپلین پدیدار گردیدند .
 چاپلین سیمای جاودانه ، شخصی
 را در دل پرده ، سینما خلق کرد که
 همه مردم جهان ، خورد و بزرگ از
 دیدن آن شادمان میگردد و کیف
 میبرند ، کیدیهای او حکایتگر
 ناپسامانی های تجسم کننده ، تب
 های معین روزگاران فلغمای
 صامت و فلغمای ناطق ، روزتا روز
 کسب اهمیت و اوج مینماید ، بهترین



است که این بزرگ مردسینما
 همیشه ، کارگردان ، کمپوزتور و
 پرودیسور را از زبان خودش شناخت .
 - چه کارهایی که نکردم ؟ روز-
 نامه فروش ، شاگردی حروف -
 چینی ، شیشه سازی ، ساختن
 بازیچه ، اطفال ، نوکر داکتر و غیره .
 مگر در تمام این مدت مصروفیت به کار
 های جانبی هرگز هدف غایی اکتور
 شدن را از یاد نبردم .
 تازه مانیک تغییر حرفه میدادم هر-
 نوز از جلادادن بوتها ، شانه کردن
 موها ، پوشیدن پیراهن پانک و از
 رفتن گاه و بیگاه به تئاتر (بلیسک
 هاور) ابانه ورزیدم .
 - درستدیوی کمینی که مستون مک-
 سنت ، سه بیوت صورت کار بودند ،
 من هم طبعی بلهاس فادی در جای-
 ایستادم تا مک سنت مرا خوبتر ببیند
 اودر حالیکه آخر میگاش را میجهند
 و گرم تاشا ی دیکور سالن هتل بود ،
 ناگهان رهش را جانب من نموده گشت ،
 اینجایک چیز جالب ضرور است خود
 را بگونه کمید بینی میکاژکن ، هرچه
 میل داری بیوت ، هرچه نکر کردم
 عقلم قدنداد که چکونه خود را میکاژ
 کنم ، از میکاژ و لباس را بیوتی خوشم
 نی آمد ، در حالیکه جانب العاری
 روان شدم بفکر آمد که پتلون گشادی
 رابه تن و بوتهای کلانی رابه پا کنم
 کلاه شیوی خوردی بسرو کنم و صای -
 چوبین در دست بگیرم ، میخواستم
 که همه چیز باهم در تضاد باشند ،
 پتلون گشاد ، کرتی تنگ ، کلاه خورد
 و بوتهای کلان ، تعبدانستم که جوان
 مینمایم یا من بخاطر نبودن مک سنت
 مرا بزرگتر تصور میکرد ، اندیشه کردم که با
 ایزاد بیوت بزرگتر معلوم میشوم ، تبسم
 هنوز بر این روشن نبود ، مگر وقتی که
 لباس ها را پوشیدم و میکاژ کردم ، نا-
 گهان معلوم گردید که چه نوع تپین
 دارم ، ناظا هر شدن بیورود ستیتر
 تپ من در ز هنم جان گرفت و مکمل شد ؛
 همینکه در برابر سنت قرار گرفتم با
 تپیم کاملاً ساینز کرده بودم ، در -
 برابرش به جست و خیز و قدم زدن -
 پرداخته و صایم را حرکت میدادم ،
 در ز هنم حرکات کهدی و شوخی
 های نهادی شکل میگرفت .
 بقیه در صفحه (۱۴)

تعیین کننده صادق

۳۵

حکایت

قالت



مادر سراسیمه میدود تا فرزندانش را نجات دهد

چگونه در برابر چشمان مادری پسرش را به قتل رسانیدند

این حادثه چگونه اتفاق افتاد؟

مادر هر لحظه به پسر جوانش می‌اندیشید که نخل جوان قامت او چه بیهر همانه بین چشمانش از بیخ قطع شده و بزمین غلتید. مادر در خوابهایش، در بیداری اش، در اندیشه اش و در خیالش فقط او را میدید که بین چشمانش بخود می‌پیچید و هوا را چنگ میزد، دست و پیا میزد و بعد رفته رفته سست میشد و درازیه دراز بجای میانسد. آنوقت مادر سراسیمه و نسا آرام فریاد میزد و اندوهی بزرگ بر قلبش می‌نشست.

مرگ منتظر قاتل است

تقسیم دیواری ۱۱ حصوت سال ۶۶ رانشان میداد، عقربه های ساعت از عدد ۷ گذشت بود. نضا هنوز رنگ شیرین داشت که مردم کارته نوسراسیمه رو - حشترده با نیرهای پیچ گلوله های که از دهانه تفنگچه بی که پانگشتان یک جوان عاصی و قهر آلود فشرده شد از خانه هایشان به بیرون ریختند.

لذا برای مادر زیستن به اوج درد خود رسیده بود، روز هاگرسنگی کشید، تشنه گی دید یکسال از اداره بی به اداره دیگر رفت و از محکمه بی تا محکمه دیگر قضیه را تعقیب کرد تا بالاخره بتاريخ ۱۱ اردیبهشت ۶۷ برای اطلاع داده شد که قاتل پسرش به اشد مجازات یعنی اعدام محکوم گردید.

یکسال ازین حادثه المناک گذشته بود که زن سنی انگشت به دروازه دفتر کوید و اجازت ورود خواست و آنوقت بدون مقدمه گفت: ((قاتل پسر مرا محکم به اعدام کردند، آمده ام تا از شما بخواهم که این قضیه را در مجله تان بنویسید، و آنوقت به تلخی گریست، و بعد از سکوت کوتاهی به صحبت خود ادامه

داد: در سال ۶۶ راضیه دختر را که کارمند وزارت مالیه است با نعمت الهه نامزد کردم همسوز سه ماه از نامزدی آنها نگذشته بود که بین آنها مخالفت آغاز گردید، یکبار بتاريخ ۵ نور دختر را در محل و خیفه اش لت و کوب کرد. بود بعد او را از موهایش گرفته به دفتر کارمن آورد و گفت: ((بگیر دخترت را، چله سرا پس بده)) در جوابش گفت: معامله مادر خانه بوده من و تو در خانه گپ میزنیم.

بعد بتاريخ ۱۸ نور سلامت ۲۱ بعد از ظهر خانه ما آمد میخواست دختر را سینما ببرد ولی راضیه که همان لحظه از رختشویی خلاص شده بود نمیخواست سینما برود. وقتی شوهرم داخله کرد، نعمت الله بالایی شوهرم تفنگچه کشید مرمی که از تفنگچه او خارج شد به ستون سقف - انه فرو رفت که مو ظفین حوزه ۸ امنیتی هم از

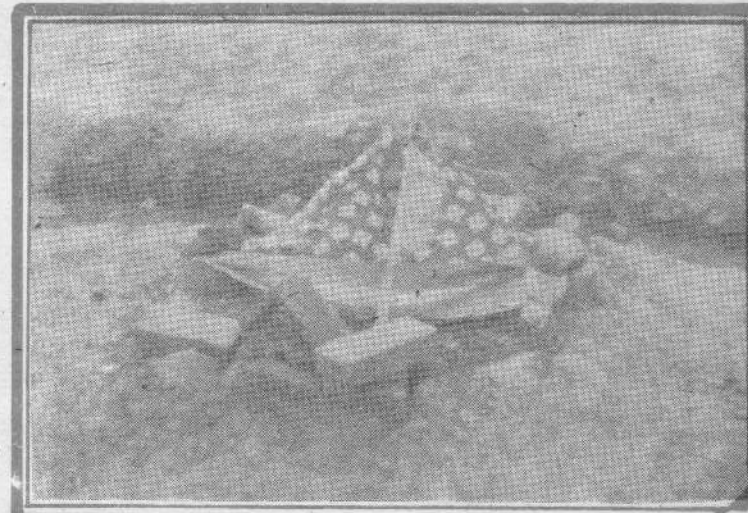
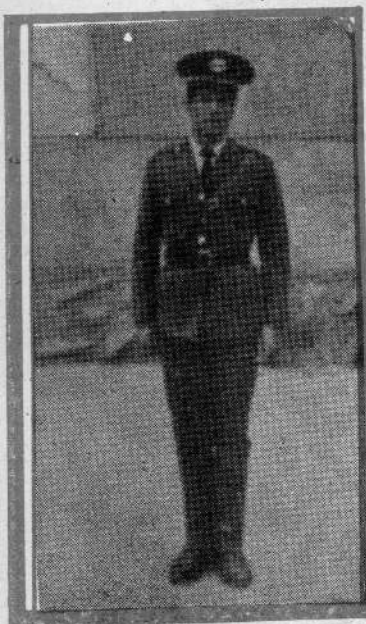
موسخ آگاهی دارند، در آنروز هم بدختم گفت: ((چله مرا پس بده)) دختر در جواب گفت: من دختر افغان استم اگر چله را دادم پس نمیگیم. دختر به اندازه آخر توهین و تحقیر شده بود بخصوص وقتی پدر من او پیش چشمانش تعدید شد نتوانست تحمل کند لذا نامزدی خود را با اوفسخ کرد.

با وجود آنکه دختر نامزدی خود را با اوفسخ کرده بود بتاريخ ۲۵ اسد وقتی از وظیفه بخانه می آمد باردیگر در نزد یکی خانه او را تعدید کرد و بالاییش چاقو کشید که با مداخله مردم و کوچگی ها دختر بخانه آمد.

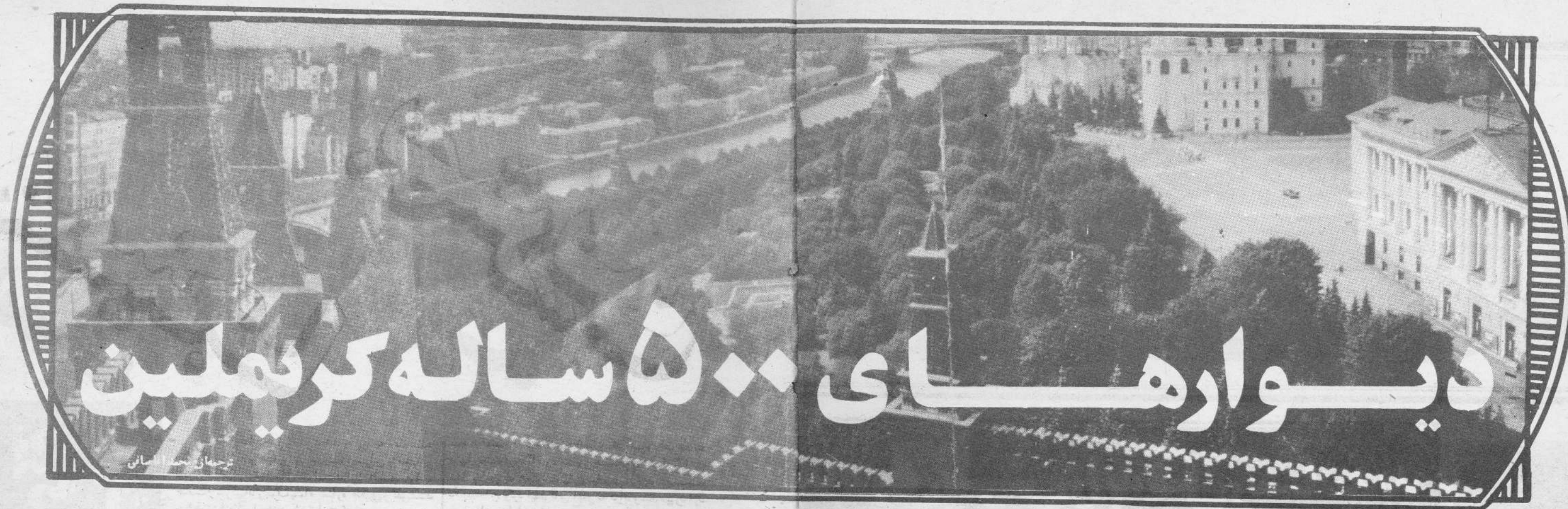
- آیا آندو قبل از نامزدی همدیگر را میشناختند؟ - نه شناخت قبلی بیین آنها وجود نداشت شوهر دختر کلانم با شوهر خواهر نعمت الله دوست بود و این وصلت به مشوره آنها صورت گرفت، نعمت الله

دختر دیگری را در نظر داشت که باید با او نامزد میشد و لسی فامیلش رعایت نداشتند. وقتی باد ختر من نامزد شده دختر همه ما زیاد خاطر او را میخواستیم اما او از همان نخستین روزهای نامزدی باد ختر سر ناسازگاری را گذاشت، و هرگز نظر دختر و خاطر دختر را نمیخواست.

بقیه در صفحه (۸۷)



یاد بود مرگ جاوید در کوچه منزل شان



دیوارهای ۵۰۰ ساله کرملین

تیمارستان

کرملین اهمیت و مفهوم این کار در چیست ؟
 دیکی از انسانه های باستانی در باره آفرینش که تا به نهم آن معلوم نیست با رجوع به امپروسه پیشگویی نموده بود که درین مثل شهر بزرگی ایجاد میگردد یک قلعه مثلی اعمار خواهد شد (سلطنت سه بعدی).
 و درین شهر اهالی بیشتر از قبایلی مختلف گرد هم جمع میشوند و واقعا دیوارهای کرملین عینا به شکل مثلث متساوی الاضلاع ساخته شده است.
 الساق خط دومی استحکاماتی کرملین با دیوارهای کرملین یک مثلث بزرگ دیگری را تشکیل داد که شامل میدان اساسی پلخت - میدان سرخ میباشد.
 کلیسای ترویتس که رود و مرکز هندس تمام استحکامات مسکو و سمبول ((سلطنت سه بعدی)) در میدان سرخ گردید (که امروزه نام کلیسای یگورسکی ها کلیسای واسیلیا بلاتنوسه معروف است که در اواسط قرن شانزدهم توسط ایوان کروتنه - بنیادساز تاجیک از پیروزی - برخانی قزاق ها ساخته شد.)
 قرن (شانزدهم و شانزدهم) عصر وسعت سه سبب استحکاماتی سرحدات دولت جوان مسکو و روابط وسیع تجارتی بیرون آمدن اودر صحنه سیاست جهانی - مانند دول بزرگ اروپایی میباشد.
 در زمان ایوان سوم جهت دفاع از حملات اجانب قلعه های یکی بی دیگری مانند قلعه نوگ گردید ایوان - گردید، کولونو و غیره احداث گردید.
 در آن زمان مکتب شهر سازی روس ها به اوج بیشتر خود رسیده اما با آنهم جهت اعمار دیوارهای پایتخت روسیه معماران ایتالیایی دعوت گردیدند.
 بقیه در صفحه (۸۶)

جهان را آغاز نمودند.
 بیانه عظیم کارها، اعمار برج های اساسی، دیوارها و کلیسای کرملین که در مدت زمان ده سال توسط ایوان سوم انجام یافت، حتی امروز موجب شگفتی جهانیان میباشد، چنین ساختمان بزرگ را در آن زمان حتی اروپای غربی هم نمیدانست، در نظر اروپاییان کرملین سمبول نیرومند دولت مسکو محسوب میگردد.
 اعمار استحکامات کرملین به ترتیب معین صورت گرفت، در محلات نامحفوظ دفاعی در قدم اول برج ها و بعدا دیوارهای بین برج ها را اعمار نمودند.
 اولترازمه برج (تائیسیتکا یا) اعمار گردید.
 تحت برج مذکور چاهی را حفر نمودند، بودند که در نیمه یک راه مخفی به رودخانه مسکو متصل میگشت تا در مواقع محاصره کرملین را از راه آب اکمال کرد، بنا برین برج بدین نام (تائیسیتکه یا) مسمی گردید.
 در اوایل قرن شانزدهم در اطراف کرملین شروع به اعمار دیوارهای جدید نمودند. در سال (۱۵۳۸ م) تحت رهبری معتمد سراتالوی (پتروک) دیوار دومی مسکو اعمار گردید، قسمت اعظم این دیوارها در دهه ۳۰ قرن حاضر تخریب گردید.
 در سال (۱۵۸۵ م) دیوارهای شهر سفید (که در آخر سده هژدهم جای آنرا حلقه خیابان سرسیز عوض کرد) اعمار گردید. این یک امیل مقبول مسکو بود که توسط معمار روسی (نیویرکون) ساخته شد و در سال ۱۵۹۲ در مدت زمان ششماه بزرگترین دیوارهای شهر در جهان، دیوارهای پانزده کیلومتری جوسی که در محل آن بین قرون (هژدهم - نوزدهم) باغ حلقوی مسکو ایجاد گردید.
 دیوارهای جدید یکجا با قلعه در قرن پانزدهم تا سیمیل واحدی را تشکیل داد، بدین صورت در زمان چیزی بیشتر از ده سال استحکامات نهایی مرکز روسیه اعمار شده اساسا - دیوارهای -

دیوارهای کرملین، در واقعیت امر، به یک مخطط معمولی گنجه معنوی آثار هنری استادان بزرگ مبدل گردیده است. از همین نگاه است که سالانه مشهوران رشته های گوناگون هنر، شعرا و مسلمانان پیشانی پروانه وار بدوران گردی آیند و از تماشاای آن حظ وافری برند.
دیوارهای کرملین مسکو ۵۰۰ سال عمر دارد
 دیوارهای کاخ کرملین که ۵۰۰ سال عمر دارد معمول دولت روسیه گردیده است. در مثل کرملین روزگاری جنگل انبوه قرار داشت که نام مثل - تپه پرویتسکی از آنجا گرفته شده است. در سال (۱۱۴۷ م) امپروسه (پوری دولگه روکی) درین تپه در کنار رودخانه مسکو اساس شهر را گذاشت. اعمار شهر در آنزمان معنای ساختن قلعه را داشت، معلومات کسی در باره دیوارهای باستانی مسکو حفظ گردیده است. نخستین استحکامات چوبی که در سال (۱۱۵۶ میلادی) ساخته شده بود، طبق معلومات در اشر حجلات تاتارها طعمه حریق گردیده و این دیوارها با زحمت بیشتر تجدید ساختمان گردیدند و در زمان امپروسه (ایوان کالیستی) در آغاز قرن (XIV) چهاردهم در مدت پنج ماه به استحکامات دیگر قدری قوی تر از آن تعویض گردیدند. اعمار آنها هم بیشتر از ۵۰ سال طول نکشید. در نیمه دوم قرن چهاردهم (روس دیمتری دویتسکی) تصمیم گرفت تا استحکامات جدید سنگی اعمار نماید.
 در قرن XV یانزدهم تحت رهبری شخص امپروس بزرگ روسیه ایوان سوم و معماران ایتالیایی (انتسون فنانین، مارکو روجو، پیوتره انتونیوسولون، الیگز نپانین، میلانتس) به همکار استادان مسکو در صورت وقوع رخدادهای جنسی تنها پوشش خشتی بارها مورد تجدید ساختمان قرار گرفته است.

امعار گردید، این دیوارهای دو کیلومتری، با در نظر - دایت شکل اراضی منطقه، شکل خط منکسور داشت تا از هر برج تمام نقاط مشاهده شده بتواند. - دیوارهای اولی کرملین، بصورت کل، شکل مثلث متساوی الساقین را داشت. در سال ۱۵۳۸ دیوار های دومی آن، بدور دیوارهای اولی پانثل اولی، که میدان سرخ را احتوا نمود، ساخته شد. قسمت اعظم آن در دهه ۳۰ سده روان تخریب گردید. در سال ۱۸۸۵ دیوارهای شهر سفید اعمار گردیدند که در اواخر قرن ۱۸ با حلقه خیابان سیزتموش شد. در سال ۱۵۹۲ بزرگترین دیوارهای شهر جهان، که ۱۵ کیلومتر طول داشته و از چوب ساخته شده بدست ساختمان سپرده شده که در سده های ۱۹ و ۱۸ بجای آن باغ حلقوی مسکو عرض وجود نمود. کلیسای ترویتسکی که رود، مرکز هندسی تمام استحکامات مسکو و سمبول ((سلطنت سه بعدی)) که امروز بنام کلیسای یگورسکی ها کلیسای واسیلیا بلاتنوسه معروف است، در میدان سرخ جلب توجه میکند.
 بدین صورت، اعمار استحکامات قدر دولتی روسیه طی یک مدت طولانی به مرحله اکمال رسید. برجها و دیوارهای کرملین از خشت های خوب تکلیس شده سرخ ساخته شده که هر کدام در حدود هشت کیلوگرم وزن دارد، معموره چلیپا مانند ازین و آهک ساخته شده که عملا دیوارها را محفوظ نگه داشته است.
 اگرچه استحکامات کرملین گاه گاه از حملات آتش سوزی ها، نبرهای تپ، انفجارات و تپ ها صدمه برداشته مگر هیچگاه به حملات مستقیم مواجه نگردیده و بنابراین نمانهای بزرگی ندیده است. در صورت وقوع رخدادهای جنسی تنها پوشش خشتی بارها مورد تجدید ساختمان قرار گرفته است.

کاخ کرملین، که یکی از بزرگترین بناهای دولتی تا به نهمی شمار مرود و وسایات شگفتی تماشاگران را فراهم می آرد، در سده پانزدهم و در دوره زمامداری امپروسه روسیه، ایوان سوم، بدست معماران روس و بدستباری استادان سنگ کار روس اعمار گردید. به این کاخ عظیم بنظر اروپاییان به نظر معمول عظمت و نیرومندی دولت روس نگاه میکنند.
 انگیزه اعمار کرملین را احداث شهر مسکو تشکیل میدهد که در سال ۱۱۴۷ میلادی توسط امپروسه پوری دولگه روکی، پالان تپه کنار رود مسکو صورت میپذیرد چه در آن روزگاران اعمار شهر معنی ساختن قلعه را داشت و کرملین قلعه بی بود که جهت همه شهر مسکو بنا کناری شد. از آن زمان به بعد شاهان روس، یکی بی دیگری، به منظور دفاع شهر از بیوش های بیگانگان، به ساختن و تکمیل و تجدید استحکامات شهر پرداختند.
 کاخ کرملین مثلثی از برجها، دیوارها و کلیسای های است که در دوره های شاهان مختلف، مخصوصا دوره ایوان سوم، ساخته شده است. در گام نخست بدور قلعه ابتدایی، مخصوصا در قسمت های غیر مسکن، به اعمار برجها توجه مبدول گردید. این برجها، که تعدادشان به بیست رسید، هر کدام سیمای معتمدی و نام مخفی بخیرود دارد. نخستین برج طوری ساخته شد که تحت آن چاه عمیقی حفر گردیده بود. این چاه انیسک راه مخفی یا رودخانه ارتباط داشت تا کرملین در صورت محاصره از همین سبب به ماینیتکه به معنی گردید.
 بعد ها، در اوایل سده شانزدهم، در فاصله های بین برجها، دیوارهای محافظتی بدور کرملین

کاخ کرملین، که یکی از بزرگترین بناهای دولتی تا به نهمی شمار مرود و وسایات شگفتی تماشاگران را فراهم می آرد، در سده پانزدهم و در دوره زمامداری امپروسه روسیه، ایوان سوم، بدست معماران روس و بدستباری استادان سنگ کار روس اعمار گردید. به این کاخ عظیم بنظر اروپاییان به نظر معمول عظمت و نیرومندی دولت روس نگاه میکنند.
 انگیزه اعمار کرملین را احداث شهر مسکو تشکیل میدهد که در سال ۱۱۴۷ میلادی توسط امپروسه پوری دولگه روکی، پالان تپه کنار رود مسکو صورت میپذیرد چه در آن روزگاران اعمار شهر معنی ساختن قلعه را داشت و کرملین قلعه بی بود که جهت همه شهر مسکو بنا کناری شد. از آن زمان به بعد شاهان روس، یکی بی دیگری، به منظور دفاع شهر از بیوش های بیگانگان، به ساختن و تکمیل و تجدید استحکامات شهر پرداختند.
 کاخ کرملین مثلثی از برجها، دیوارها و کلیسای های است که در دوره های شاهان مختلف، مخصوصا دوره ایوان سوم، ساخته شده است. در گام نخست بدور قلعه ابتدایی، مخصوصا در قسمت های غیر مسکن، به اعمار برجها توجه مبدول گردید. این برجها، که تعدادشان به بیست رسید، هر کدام سیمای معتمدی و نام مخفی بخیرود دارد. نخستین برج طوری ساخته شد که تحت آن چاه عمیقی حفر گردیده بود. این چاه انیسک راه مخفی یا رودخانه ارتباط داشت تا کرملین در صورت محاصره از همین سبب به ماینیتکه به معنی گردید.
 بعد ها، در اوایل سده شانزدهم، در فاصله های بین برجها، دیوارهای محافظتی بدور کرملین

بنای بزرگترین دولتی تا به نهمی شمار مرود و وسایات شگفتی تماشاگران را فراهم می آرد، در سده پانزدهم و در دوره زمامداری امپروسه روسیه، ایوان سوم، بدست معماران روس و بدستباری استادان سنگ کار روس اعمار گردید. به این کاخ عظیم بنظر اروپاییان به نظر معمول عظمت و نیرومندی دولت روس نگاه میکنند.

فروشنده‌های سبزه‌ها در انگلستان

فروشگاه آناه‌ها در هندوستان بزرگترین فروشگاه جهان

سخت اعتماد دارند * متخصصان کارآموده هر هفت
دیارتمنت فروشگاه به منظور جستجوی اشیای گران
بها و نادر به هر گوشه و کجایند نیا سفر میکنند * با
علاقه‌مندان و گردانندگان آثار به داد و ستد می‌پردازند
و در حراج‌ها اشتراک می‌ورزند *

انتونی سبزه ۴۹ ساله * امر در بیارتمنت
نقاشی * همین تماشای سالون فروشات اکتفورد به
اثری بنام منظره انبار صحرایی عهد ویکتوریا * که
به صورت رنگه آبی کار شده است * برخورد به آن -
چنان علاقه‌مند شد که به همکاری و وظیفه داد تا در
حراج آن شرکت جوید * این اثر هنرمندی گمنام از طریق
مزایده به قیمت (۶۰۰۰) پوند به سبزه تعلق
گرفت * چه سبزه حد سر زده بود که این اثر از -
نایفه رویایی قرن نوزدهم سامویل بالمر است * بعد
ها آنرا به ۴۰۰۰۰ پوند به فروش رسانید *

انتونی گاردنر * مسوول آثار هنری جنوب شرق
آسیا * ضمن دیدار از توکیو یک اثر برونزی با ارزش
تاریخی را با آنکه خیلی خورده هم شده بود خرید
و ترسیم نمود *

بعد ها معلوم شد که برونز منجوسری * یکی از امر -
پیدان بود * از موزیم میانامی بنگله دیش آمد *
است * اومیگوید * (احتمالا این برونز رزمیان
حک هند و پاکستان به سرقت برده شده باشد * ما
کاملا آماده ام آنرا بازگردانیم مشروط بر اینکه مقدمات
بنگله دیش تعهد بمانند که آنرا در موزیم ایالتس
بدون امنیت نگذارند ((

با امانده * مجدد برونز * سبزه مبلغ (۵۰۰۰۰)
پوند قیمت بازار را از دست داد و این گذشتی است که
گاردنر آنرا چنین توضیح می‌دهد * ((آنچه را که ما
انجام می‌دهیم عبارتست از حفظ آثار برای نسلهای
آینده است))

در حمله آثار افغانی مجسمه‌هایی از گند ها را
که از نظر مضمون بودایی و از لحاظ شکل یونانی بود *
و میراث فتوحات قرن سوم قبل المیلاد سکندر کیس
بشمار می‌رود * نیز در این فروشگاه وجود دارد *
گاردنر می‌گوید که تا این اواخر آثار هنری و مناظر

سلطان در تدارک هدیه‌ی بی به ملکه
انگلستان از جواهر فروشی سبزه و سران واقع در
لندن * که (۳۰۰) سال قدمت دارد * استمداد
جست * شرکت در ظرف یکماه ستاره طلایی و گلوند
جواهرنشانی ساخته و را اختیار شد گداشت *

این شرکت برای بیش از (۷۰) کشور جهان و
همچنان برای ملکه * شعزاده فلیپ و شعزاده ویلز
مدال ها و زیورات طرح و ساخته است که همین امر
موجب شهرت جهانی آن گردیده است *

این فروشگاه به عنوان مخزن آثار هنرهای زیبا
سالانه بیش از (۳۰) میلیون پوند سترانگه داد و ستد
دارد * هرگاه بهترین را می‌خواهید * همینجا است
گزانبهاترین آثار در همینجا است *

تلفورد شوت * امراداری فروشگاه اظهار
داشت * (این فروشگاه در سطح جهانی جالب
ترین نوع خود است *))

نمایشگاه‌های سه منزله و گالری‌های آن از -
مجسمه‌های شرقی * منسوجات * نقره * باب * نقاشی -
ها * جنی * باب * مسکوکات * کتب * مدال * و تعداد
زیادی از ایشیا * و احوایر برانگیزند و جالب‌الگند *
است * جالبترین بخش آن قسمت آثار چینایی و جا -
بانی است که یکجا با دیگر بخش‌های شرقی منبع
ثروت درآمد شرکت را می‌سازد * اجناس ترتیبی
از قبیل عاج * برونز و جنی باب چنان با نظم و شکوه
خاصی در آنجا چیده شده است که کویلا خان
میتوانست آنرا به شرکت * خویش در خاناد و انتقال
دهد *

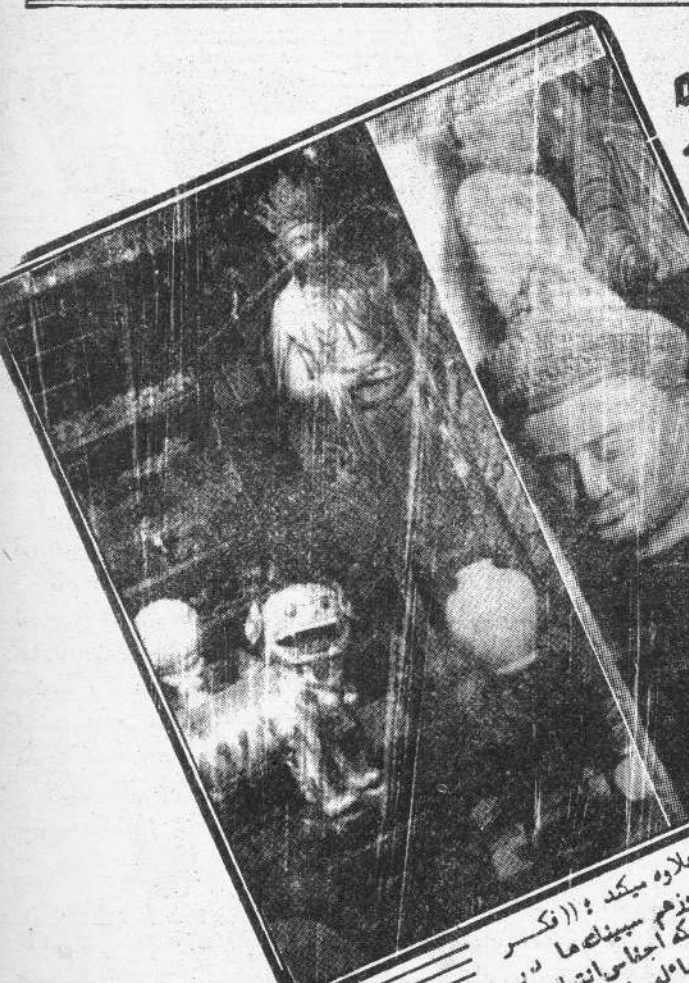
فروشگاه در این اواخر قار شده است که ۴۰۰۰
لباس کلاسیک شبانه را که مربوط به سال ۱۹۵۰ -
است و روی آن شلنگ نقره‌ی که منقوش با جهره ملکه
سکات می‌باشد * در برابر ۵۰۰۰ پوند به دست آمد *

داشتن همجو اجناس در لکتر توجه علاقه‌مندان
ماورای ابحار را بخود جلب نمود * است * یک امریکایی
سخت علاقه‌مند است تا در برابر دست‌آوری مجسمه
های سنگی هندی هر چه بیشتر پول مصرف کند *
مشتریان خصوصی و موزیم‌ها به فروشگاه سبزه

مغازه های لندن



میکایل سپینک، ۳۱ ساله، کارشناس ماهر هنر های اسلامی گفت: ((حتی در دوره مقدساتی مکتب می دانستم که به شرکت می پیوندم)) هنگامیکه نامبرده از رشته تاریخ و تاریخ هنر در کالج فنان تحصیل کردید از طرف صوفا پیش در امرتجا



رئی شرکت پذیرفته شد. او علاوه میکند: ((فکر میکنم خوش استند از اینکه تا هنوزم سپینک ها در شرکت وجود دارند. برای آنانیکه اجناس انتیکه را جمع آوری میکنند، شاید این مسأله پیکار رشته ارتباطی دیگری باشد.))

جنوب شرق آسیا کمتر بوده و ناچیز شمرده شده است. ولی از آنجاییکه این آخرین تمدن بزرگ بشری است چیزهای زیادی را میتوان از آن گردآوری کرد. قیمت تثبیت شده هر پارچه آن تاکنون در حدود چارمیلیون دالر بوده که با این پول به مشکل میتوان نرسید. از رینویرا خرید، هنوزم بزرگترین آثار این مناطق را میتوان در بدل (۵۰۰۰۰) بوند بدست آورد.

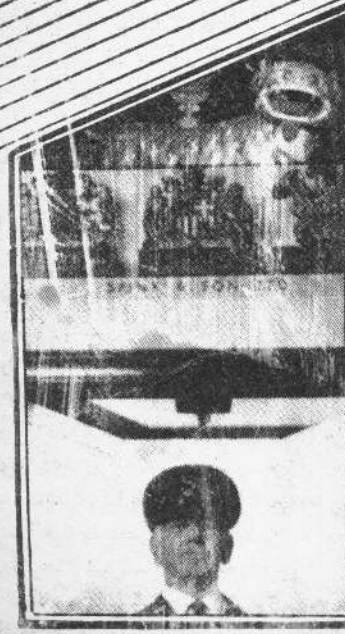
دیپارتمنت نقره ای، کاد موند لیرد کلاویز مسولیت انرا به عهده دارد، برایم نیست به تازه می رونق پیدا کرده است، خریداران در جستجوی متاع خوب اند و داد و ستد نقره باب ناد بازار خوبی کسب نموده است. بیاله می مربوط به الهیزابت که ده سال قبل مبلغ ۱۰۰۰۰ بوند ارزش داشت، اکنون بهای آن به بیش از ۱۰۰۰۰۰ بوند رسیده است.

در حال حاضر، کلاویز لندن را به مثابه مهمترین بازار نقره میشناسند، در این تازه گی ها، مالک یگانه یادگار بیروزی مسابقه اسپ دو انی چیزم دم یعنی قاب باستینگ ستون در سال ۱۶۸۸ اطرفی کلان نقره پی که به سیک جینایی ترین یافته، میخواست انرا به فروش برساند، این شخص به فروشگاه سپینک مراجعه کرد و آنها مشتری اروپایی را پیدا کردند که حاضر شد مبلغ (۲۵۰۰۰۰) بوند در برابر آن بپردازد.

باتا، سینر دیپارتمنت مسکوکات در سال ۱۸۲۰ - سپینک نخستین قدمی را برداشت تا حیثیت یکی از بزرگترین معامله گران هنرهای زیبا را در جهان کامی کند. در حال حاضر باتریک فینن مسولیت این

دیپارتمنت را بعهده دارد، نامبرده یاد آور میشود که مسکوکات کلاسیک روسی و یونانی از جمله مسکوکاتی است که در سطح جهانی طرفداران و علاقمندان زیادی دارند ولی معامله گران بر تازنی مسکوکاتی را که در انگلستان ضرب زده شده اند ترجیح میدهند. زمانی انگلستان بیش از (۷۰) صرا - بخانه انگلوساکسون ونورمان را دارا بود و بعضی از علاقمندان تا که میتوانستند سکه جمع آوری کرده اند، برخی دیگر صرف سکه های طلا یا سکه های بزرگ پنج شلنگی را جمع آوری کرده اند، در این تازه گی ها، سپینک، سکه پنج شلنگی گوتیک عهد ویکتوریا را به مبلغ ۱۲۴۰۰۰ بوند بمزاید گذاشت و ریکارد جهانی را قایل کرد.

معامله داران شرکت شامل کسانی همی شوند که مایلند اشیای خود را به فروش برسانند چنانچه زنی در باغچه شهری تازه بیل زده شده سکه کوچکی را دریافت، فینن با تشخیص اینکه این سکه یکی از سکه های اولی انگلوساکسون دوران شاه (اوسا) در قرن هشتم است آنرا به مبلغ ۳۰۰۰ بوند خرید و واژن خوش شد. بقیه در صفحه (۸۹)



زندگی استعساله کی

از سلسله کشت زار سوخته

تعبه کننده صباح الدین رهش

اوراد یکی از شعبات جنایی خازندوی میبایم . شوهرش به جرعت اعتیاد و فروش هیرویین در اینجا توقیف است . نگاه های وحشی و روسپیانه دارد . به خنده های بی معنی و لحن بی ادبانه عادت کرده . بیان عربان دارد و شبیهان از گفته هایش نمیشود . به مشکل موفق میشوم که قصه اش را از خود نریشم ، میگوید : ((ما قصه میکم به شرطیکه تو او رو چاپ کنی که کل دنیا نم مره بفانم و فغانم که چی دل کلانی دارم و دگه مره ملامت نکن و نگوین که ما به دل خودم زن هر جایی شدیم و ...)) قبول میکم و او بازسان خود قصه میکنه و من با زبان خود می نویسم :

شاید در آن زمان نمیدانستم که چه سرنوشت شومی - آنگاه باشم و بی عفتی انتظام را خواهد داشت ، هنوز سالهای ده هم عمه بود که درد مرگ مادر مانند هر طفل بی مادری رخنه سوزنده می درمن بدید آورد ، فضایی هرات زمین (زادگاهم) برایم تنگ شده بود . همیشه بیاد مادرم میگیرم ، بیاد مادرم که مرا (گل بی بی) خطاب میکرد ، گلی که برپرشد - گلپیکه یارای ایستاده می در برابر نسیم صبح نداشت . در تلاطم یک توفان از سرزمین برکه ها و لجن - زارها در میافتد . مدت کوتاهی از مرگ مادرم میگذرد که پدرم به فکر همسر دیگری میافتد و اما هیچکس حاضر نیست تا با مرد کلان سن که پدر یک دختر هم است ازدواج کند و سرانجام خانواده بی ازقائتر مردمان عیش و هوس حاضر میشود تا دخترشان را به عقد نکاح پدرم در بیارند ، به آن شرط که من باید الی رسیدن به سن بلوغ و قانونی پانزده سالگی آن فامیل گردم و ایام نامزدی را به خدمت در آن خانسه گذاشته شوم ، آنها در شهر کابل زنده می میکنند و بعد از آنکه پدرم شرط را میدهد ، من به کابل انتقال داده میشوم - حالا دیگر برایم جز یاد های از مادرم به ارمان نرسیده ام ، چیزی وجود نداشت . او مرد و مرا با کوله باری از اندوه و آشک - تنهایی و بی خانه گی در این دنیای بزرگ برای گریستن و کوچک برای شاد خندیدن ، تنها گذاشت . من طفل بودم - شاید هنوز از راست و چپ چیزی نمیدانستم - هم خانه هام همه مردمانی بودند که تازه با آنها آشنا شده بودم ، تازه د شناسمایشان نگاههای گوشه رانواز میداد - من تا حال از سکوی بلندی دست و پا زان برتاب شده بودم - هنوز به زمین نخورده بودم - شاید در نهایت نفسهای تنگ ، در یک شب سیاهتر از هر سیاهی به زمین خوردم و دره - دره چون فریاد هایم با شنیدم . آنشب در دست شپش بود که ننگه های از آغاز مرگم بر صفحه زنده گی ام نقشه شد . من آنشب مردم و تا حال بر طومار آن مرگ رنج زنده گی دور از عفت رامیسم - آنشب نامزد جوانی می بروم مانند چند یسن

شب دیگر به بستر آمد - به بستر دختر دوازده ساله ای که از کسالت کار بام تا شام میخواست آرام گیرد - من از بوسه هاود ست بازی - هایش جز آزار چیزی دیگری رانمیافتم - شب مرگم به نیمه اشرنرسیده بود که با چینی خود را غرق دیدم ، و من آنشب چرکین مردن را فرا گرفتم - دیگر دختر باکره بی نبودم - من دیگر (گل بی بی) مادر نه - زن دوازده ساله بی بودم .

و شبهای سیاه یکی بی دیگری مانند لحظات آنگاه از توهین و ظلم بر من گذشتند - در سیزدهمین سال عمرم آنقدر خود رانانتهوان و ذبون یافتم که ناگزیر از خانه وهم خانه ها فرار کردم .

فرار - این بزرگترین دروغ - این بی بنای ترین واژه در انبوهی از آدمها و آدم نماها چه کنی میتوانست به من انجام دهد ؟ به خاطر دارم که راهروهای کارسرت کارت - سه کابل را با گریه و فریاد به استقبال یک شام بی مکان میشتافتم - چشمهام به من میدیدند و شاید تنها برای همان لحظه تا صاف به حال میگردند .

در حالیکه سخت میگریستم بیزنی با مهربانی دست به سرم کشید و چنانیکه باید به گریه طفل سیزده ساله بی ارزش داده شود ، دلیل ناراحتی ام را بر سید تنها همینقدر گفتم که در خانه فامیلم برایم حای زنده گی نیست و پدر و مادر ندانم - خانم بیو مرا به خانه خود دعوت کرد و گفت میتوانم دخترش باشم . زن سیزده ساله بییکه سرگردان یک سرنوشت شوم در کوچه های شهر نادیده می بود ، زیاد از این تعارف چه میتوانست بخواهد ؟ چه میتوانست از روز کند ؟ و من بدون هیچ پرسشی پذیرفته در حالیکه دست بیروزن رادربین موهسای چرک لمر میگردم و لطف غرض آلودی را احساس میگردم ، راهی منزلش شدم ، در خانه محقر بیروزن یک پسر جوانش نیز با او زنده گی میکرد که از همسرش جدا شده بود و در یکی از اولین شبهای زنده گی در این خانه محکم به پذیرایی وهم آشپزی او گردیدم - ناگزیر به اطاعت بودم بخصوص حالا که از کیف بردن نیز کم بهره داشتم زنده گی در این خانه نیز عمر کوتاهی داشت هنوز کسالت از زنده گی ام در این خانه نگذشته بود که یکروز همیستم گفت : ((کالایته جمع کوکه ترو به جایی میسوم)) و من نمیدانستم که کجا و به چه مقصدی میرم ، صبح وقت سوار سرویس سفیری شده بازمانند قند ها گردیدم . رفتن از شهری به شهری حالا دیگر برایم مفهومی نداشت چه من از خود نبودم - شاید اگر صاحبان نمیخواستند به زنده گی کردن نیز اجازه نمیدانستم .

در قند ها مرید در یوریکه در انتقال مال تا جرمان از یک شهر به شهر دیگر کار میکرد ، مراد ریدل بول - بولیکه قیمت من بود و تا حال اندازم - انرا نمیدانم از نزد صاحب قبل ام خریدم . (بخاطر آمدن بود که زمانی پدرم مرفی را خریدم بود و از دوا ایتران تا خانه آورده بود و من فکر میگردم که با پاسر قیمتش را خواهند دانست هرگز) .

من حالا دیگر یک زن نوجوانی بودم که کمتر میتوانستم از سرنوشت

آگاه باشم - در زمانیکه شاید سرنوشت راه نامش نمیدانستم ، زمانیکه خود را غنچه به نجای میدیدم ، نمیدانستم که چسرا باید محکم به زنده گی شو و اینبار تقدیر مرا دوباره به کابل آورد - نمیدانستم که اینبار چگونه مصدر خدمت به ماحم خواهم شد ، وقتی به کابل در خانه بی انتقال داد ، فکر میگردم شاید در اینجا تنها یک مانت داشته باشم ، اما در رخ که اینبار هر شب و یا چند شب بعد مالکهای موتقی را باید پذیرایی میکردم - با عین این آدم نماها خود را برایشان سرویس کنم ، در دستهای قهار و وحشی شان بلوتم و دره دره - وجود را ، وجود کوچک را برایشان تعارف نمایم صبح عا از کسالت شیهله بخوام

تعبه کننده صباح الدین رهش (۸۶)

سر گذشت یک زنده گی پر باد رفته

ازهرتسی



پسر بچه ارمنی عملیات بسیار نادر را گذراند

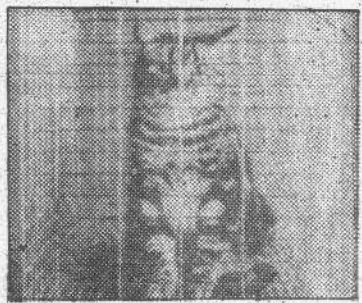
وقتی زلزله فاجعه آورده شهر سیتاک ارمنستان را تکان داد، قارن- قاجاریان مانند هزاران طفل ارمنی دیگر در مکتب بود، مادر وی برای نجات پسر نه ساله خود به مکتب شتافت اما ساختمان زلزله خاکی شده یافتند. خوشبختانه قارن با عده معدودی زنده ماندند اما چشم چپ و دست راست خود را از دست داده بود. فقط عمل جراحی بسیار مغلو او را نجات داده می توانست. دکتران شوروی که برای زنده نگهداشتن مریضی های بسیار و خیم زحمت می کردند به پدر و مادر او توجه کردند طالب کمک از دکتران امریکایی شوند.

قارن و پدرش در اوایل فبروری به امریکا رفتند و از کمک های معسره مند شدند که به منظور مساعدت طبی به آنها رسیدگان زلزله ارمنستان تدارک دیده شده بود، قارن به شفاخانه اطفال در فلادمپس در ایالت پنسیوانیا برده شد.

دکترول، وسترمان دهن شفاخانه پسر از معاینه پسر بچه گشت دو انگشت پای چپ قارن را به دست راست او پیوستند و زنده ایمن عملیات که دو انگشت را از پای او بدر آورده و دست راستی بجه زدند چهارده ساعت را در هرگزوت، دکتر وسترمان یک وید دست قارن را نیز با وید ساژ او تمهیز کرد.

وقتی عملیات بسر رسید، دکتر متوجه شده خون در بخش تازه پیوند حورده جریان ندارد و چندین ساعت دیگر برای جریان دادن خون صرف شد، این عملیات بسیار مغلو نیز مایکروسکوپ انجام شد و نتیجه آن قناعت بخش است.

قارن یکی از ۳۸ طفل ارمنی است که برای تداوی به ایالت متحده فرستاده شدند و با این احساس معجزه سیامگدان از دکتران امریکایی به وطن بر میگردند که خوش هایش را به او باز گشته اند.



ازهرده پیشک اروپایی، یکی مصاب مرض ایدس است

دانشمندان آلمان غرب تخمین می کنند یکی ازهرده پیشک اروپایی یکی مصاب مرض است که شبیه ایدس میباشد. پیشک با معمولاً این مرض را از جمله می کشد مگر می کنند. ماهیان هارزینت بروفیسور هالندی میگوید تا چهل درصد پیشک ها در اروپا این مرض را با خود انتقال میدهند اما این مرض به انسان سرایت نمی کند. آزمایش روی انسانها به یک با چنین پیشک ها در تماس بوده اند ثابت می سازد که آنها دچار این مرض نشده اند.

پولیس دریایی سگرت کشان

مقامات مانه لاد در محلات عامه سگرت دود کردن را ممنوع کرده اند و ۲۰۰۰ پولیس فلیمین در تعقیب آنان گماشته شده اند که مقررات را نادره بگیرند، واکسیر چنین شخصی بدست پولیس یافتند از ۲۰۰ پوسوتا ۹ دالر جریمه داده روز زندان، چرا خواهند دید. طبق این مقررات هیچ شخص اجازه ندارد در سینماها، همها های شهری، رستوران ها، هتل ها، مکتب و دفاتر رسمی سگرت بکند و اما مخالفین این اقدامات داهیل میاورند به غیره و مقامات مانه لاد اولتر گرتش موتوهای سگرتی میخی پس را ممنوع کردند که ستونهای از دود غلیظ را به هوا بلند می کنند و آلودگی محیط را بازمی آورد.

لیزتا یلورا با قانون گلا ویز شده

مایکل ویلینگ جونیر، پسر لیزتا یلورا با اصرار به عدم بازگشت به سرش به انگلستان حکومت ایالات متحده را به حشم آورده است. از دست داد. سناتور جان ورنر، شوهر پیشین لیزتا، میخواست از مقررات مشخص مخدر گردید. بود خود که از قوانین سختگیرانه این حکومت، طبق قانون امریکا بیامون مهاجرت ظاهره رفته ایالات متحده، سبب می شود که است زاین امر منجر به ایحسان وی حق سکونت دائمی خود را در سرودهای در آن کشور گردید و آن کشور از دست دهد.

بخطرات جلوگیری از قمعین کاری پدرش را کشت

در ایالت میسیسیپی آمریکا، متعلی پدرش را به قتل رسانید که میخواست او را نسبت اخسند نمرات خرابش تنبیه کند. مسوول بخش رکی بانکر میگوید: والدین این پسر خطرتنبلی واخذ نمرات پایین او را ملامت کردند و پدرش خواست او را با کمر بند ی لت و کوب کند، اما حاجی دانیل ۱۷ ساله پدر ۴ ساله اش را - پیش از توسل به قمعین کاری با ضرب گلوله از یاد آورد. قاتل به انتظار محاکمه در زندان به سر می برد.

خانه‌چی ها



یک سگ ایرلندی به اسم سیتلوریتا در اوایل بهار ۲ نوزاد را بد نیا آورد که رحمت عمه نوزادان خوب میباشند. خوردترین نوزاد که وزن آن از عمه نوزادان کم است به نیتا میباشند که بحالست

عادی نموی نماید و در تداوی و تربیه این نوزادان مالک آن توجه جدی میدون داشته و تحت نظر داکتر جوانان تحت معالجه قرار دارند. سیتلوریتا بعد از دو سال نوزادان را بد نیا آورده

تهیه کننده حسن نیر

آتش سوزی در ستدیوی تلویزیون میسور ۲۰ نفر را هلاک ساخت

حین فلمبرداری یک سریال تلویزیونی در شهر میسور هندسه آتش سوزی ۲۰ نفر را کشته و ۲۵ نفر را زخمی ساخت. آتش سوزی در ستدیوی رخ داد که سنجی خان هنریشهر دایرکتر سریال ۵۲ قسمتی ((شمسیر تپوسلطان)) را تهیه میکرد. علت حریق هنوز معلوم نشده و سنجی خان به نسبت حراحتیکه برداشته در بیمارستان بستری گردید. همکوران گفتند که خطری جدی زنده می اورا تهدید نمیکند. قرار بود این سریال از ایرسل آیند و در تلویزیون هند به نمایش گذاشته شود. در این سریال سنجی نقش تپوسلطان پادشاه انسانوی قرن ۱۸ را به عهد داشت.

از هر یکجا

اکیهیت و سالیانه دو میلیون دالر

میگیرد



اکیهیتو امیراتورجدید جاپان سالانه ۲۵۷ میلیون (معادل ۲ میلیون دالر آمریکایی) به عنوان معاش دریافت خواهد نمود. این درست همان مقدار پولی است که پدرش هیرو عیتو بدست می آورد. انون بران ۲۵۰ میلیارد (۲۰ میلیون دالر) دیگر هر سال به صیغه مصارف دربار به وی پرداخته میشود.

همه حیوانات از خود حقوق دارند

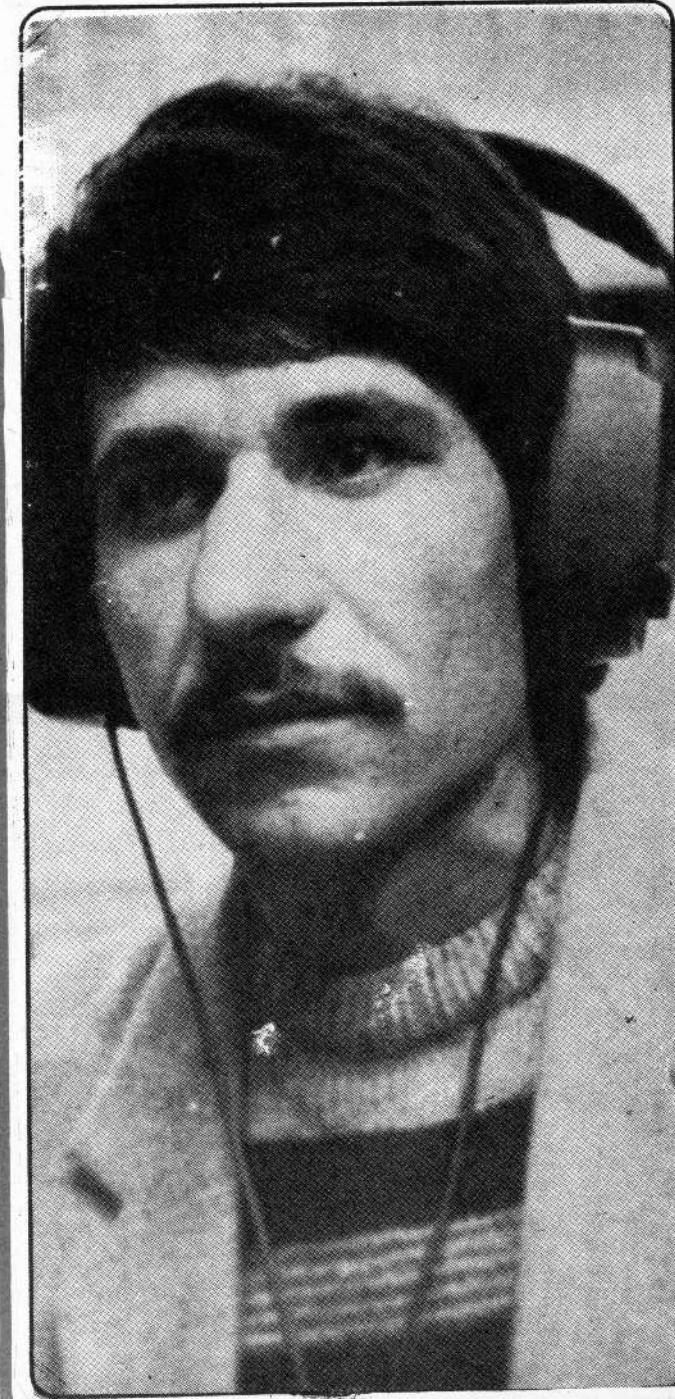
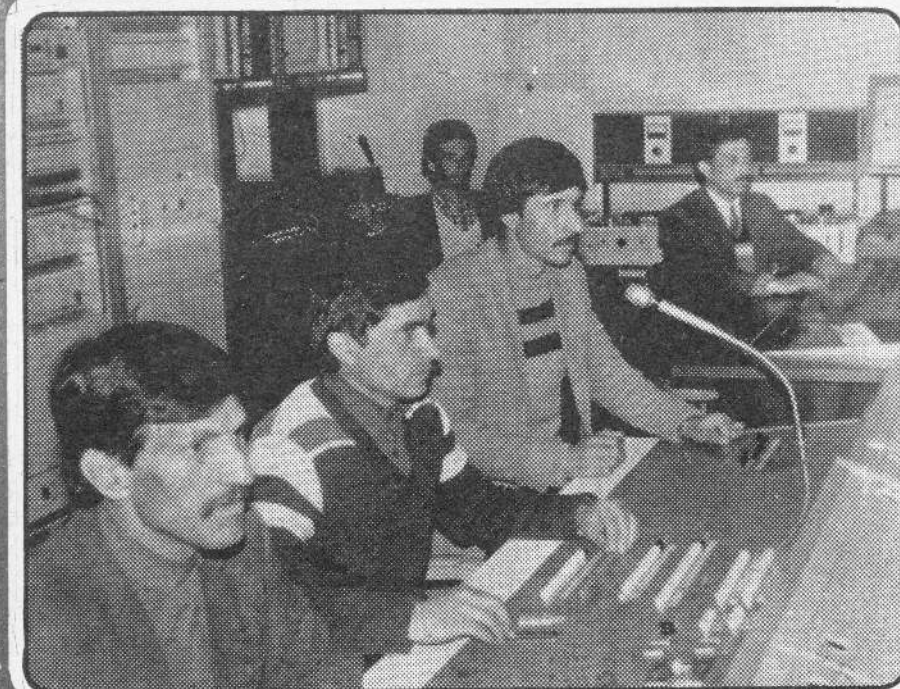
اختلاف نظر درباره حقوق حیوانات نهاد است و سازمان و اشخاص اصلا ذهن زمینیه چیزی نهادند. تعداد نهادی به این عقیده اند که تجارب فراوان به شمول غیر انسانی روی حیوانات صورت میگردد که همواره در هر کجایا سنجی های علمی بنیضور بهبود زندگی بشر نیست. آنها به ضرورت رفع شرایط خرابی که این حیوانات نهادار میباشند و نیز قطع تجارب روی حیوانات مذکور تاکید دارند و میگویند همه حیوانات بنهاد این اصل ساده که زندگی بدون توجه به اینکه چگونه میگردد، زیبا و دلپذیر است حقوقی دارند. بحث انسان این وظیفه ماست که زبان این بی زبانان و نگهبان این بیگانهان باشیم.

مجله تالوژی

مسابحه از اسد بدیع

سی از یک دهه

گفتگوی بانجیب ساکب ژورنالیست نویسنده و دایرکتور مستعد که از هفت سال به این سو برنامه تلویزیونی مجله را تهیه مینماید



بایک تالوژی نقاشی از تشریح های طبیعتی - با الفقه در برنامه گنجانیده میشود تا از این رهگذر نیز در تظیف ذوق بیننده های خود سعی داشته باشیم، چنین برنامه بی طرف توجه و علاقمندی تشریحی از بینندگان تلویزیون هست، چون مجله تلویزیونی در جایگاه یک برنامه اختصاصی هنری - ادبی در سطح نسبتاً بلندی ارائه میگردد، بنا براین بیننده های برنامه نیز در برگیرنده تحصیل کرده کویاز صرف یازدهم مکتب الی بالاترین - سطح دانشی است که البته هر بیننده بی با در نظر داشت اندازه - آگاهی و علاقمندی خویش میتواند به نسبی با پرداختن های برنامه، موافق شود.

س - در سال جدید چگونه مجله بی راه برای تلویزیون پیشین هستید و آیا حالا کدام کنی و کاستی در آن اساس میکند؟

ج - تصمیم داریم این ساله را با بیننده های مهربان برنامه ام درجهان بگذاریم، یعنی با راه اندازی یک همه پرسشی از طریق خود برنامه هفت اتو ارسال بقیه در صفحه (۱۱۰)

تان باشید، کدام بخشها را بیشتر می پسندید؟

برنامه مجله تلویزیونی یکی از برنامه های اختصاصی تلویزیون است که در سطح بلند هنری ادبی انتشاری باید، طبیعتاً این برنامه بنا به ضرورتی ایجاد شده است و اهداف مشخصی را دنبال میکند، در گام نخست این برنامه با اشاعه بخش ایجاد مختلف هنرهای مختلف و جهان جنبه های فرهنگ کشورهای مختلف پردازد، مطالب مجله تلویزیونی آنکسوبه معرفی و تظلمی هنری فهم کلی و عام آن به مثابه یک نیاز حتی عاطفی و روانی انسان - اتکا میکند و از جانی دیگر، به تحلیل و وارنهای خواص و جوانب قابل تامل آن، دستی یازد، تا بدینوسیله ضرورت وارزشمندی هر هنر را برای خود، با زتاب داده باشد، یکی از زمینه تین اهداف برنامه، پیش کشیدن موضوع - (پرویش هنری) است آهنگهاییک در برنامه برگزیده میشود به همین هدف است، یعنی خویشتن آهنگ ها، در جایگاه یک اثر هنری - مستقل - مثل یک پارچه شعری

هنری اما با در نظر داشت محدودیتهای فراوانی که در برابر خود داریم، در زمینه پرویش، صرفاً مستقیم حکم فرموده ما من همکاری همراه است که لازم میدانیم از سبب بدین جهت و حاصل ما در قاتله اش سپاسگزارانیم کم.

و اما در زمینه نوشتاری ارسال هم برنامه بدینگونه مسئولیت برنامه، کلا بدوش من گذاشته شده، علاوه بر نوشتن بخش های درونی، بنا بر مرسوم موجودیت نهی شده، پشتو در اداره، ما نوشتن بخشهای پشتوئی برنامه را نیز به شکل ناگهانی انجام میدهم.

در گذشته نهی شده گان - دیگری چون شهره داء، زین انیسو، و اکبر کرگر (در بخش سخن هفته) منزه آسوده و اصف معروف نیز با من همکاری بودند که اکنون صرف مستقیم سرپرانی همواره برای هر برنامه ام یک مقاله خوب می نهد.

س - حقیقتی وجود دارد که یک مجله به روشهای مخصوصی به یک هر تشریحی خود، تشریح میکند، آیا مجله شما در کدام خط تشریحی رهسپار است؟ بیننده های برنامه، تان بیشتر بی - کسانی هستند و اگر شما بیننده مجله

۱۳۶۰ تاکنون یعنی مدت هفت سال است که با تهیه، نوشته و دایرکت برنامه، مجله تلویزیونی بارادیسو تلویزیون همکاری دارم کار من در - تلویزیون، اساساً در دو جهت - شکل یافته است: کارگردانی برنامه ها و نوشتن گسی متین هنری - ادبی.

در بخش دایرکت، علاوه بر مجله تلویزیونی، برنامه کتاب را نیز برنام ((برگها)) اساس نهادم که نهی شده کی و کارگردانی اثراتینیه مدهه داشتیم، جدا از آن، دهها برنامه فوق العاده هنری - ادبی و نمایشهای تلویزیونی راتیمه و - دایرکت نموده ام، البته در حاشیه، از نوشته، سناریوی فلم داستانی ((سهند)) تیاتر تلویزیونی ((طلوع سانه ها)) بخشهایی از نخستین سهال تلویزیونی انقانی، چند داستان و شعر نیز میتوان یاد کرد.

س - کی هادرتیمه برنامه مجله تلویزیونی شما راهگاری میکنند؟

ج - گرداننده گان برنامه مجله تلویزیونی همانطوریکه اصول تهیه آن ایجاد میکند، با مست مشکل میبود، آنک یونیت وسیع مشخص در مرم بخشهای فنو و

که راه، موسم ستدر دوید برتو شده، کارگردانی در همه آنها هست، بازاری ندارد، از اصطلاحات هرزه، این سلسله گرفته تا بسیاری دیگر از لازمه های فنو کار، کلا خلاصه - میشود به چند تکلیف و اصطلاحی (شاید درست و شاید هم نادرست) که از سوی برخی از کارگرداران - غیر مسلکی، تدوین شده است. اما، کار من وقتی کارگروه کبری از دایرکتوران تلویزیون، مبتنی است بر تجاریک حین کار و اصلاح بدت می آورند، اینجا اصول میزان - مؤقت یک کارگردان بستگی دارد به ابتکار، دید هنری و استعداد شخصی او، که در هر صورت و در همه جا، لازمه اساس کارگردانی برنامه های تلویزیونی است.

س - تحصیل اصلی شما در کدام رشته است و چند سال است که بارادیسو تلویزیون همکاری دارید، کدام برنامه ها راتیمه کرده اید (البته جدا از مجله تلویزیونی) و آیا با کدام ارگان دیگر نیز همکاری دارید؟

ج - من تراکیری رشته ژورنالیزم را در سال ۱۳۵۸ در دانشگاه ادبیات و علوم بشری به پایان برنم و از سال

در تلویزیون، در ایلام داشته های نیم جان و نا پخته (روشن سازی هنری)، برنامه (مجله تلویزیونی) یگانه برنامه نفس کی و زنده، هنری ادبی است که صیقل معقول سلامت آرایه مؤثر را دارد و بیشتر برای رانفان و رهبران هنر و ادبیات درخور قبول و پذیرش است.

بانجیب ساکب، دایرکتور جوان و آگاه برنامه (مجله تلویزیونی) که خود، انبیا، نهی شده و شامسر است، نوشته ها و کارهای دتسوق هنری - ادبی اش، صداق لبید صیقل روشنگرانه اش میباشد، گفت شنودی تمهه دیده ایم که پیشکی شما شود:

س - آیا در رشته دایرکتوری تلویزیون بهره در زمینه برنامه سازی - تحصیل بخصوصی کرده اید؟

ج - کار در تلویزیون طویبت که معایب و روابط بخصوصی در رابطه با دایرکت برنامه ها، از قبل تدوین شده است. من به اقتضای تخصص مسلکی ام، کم پیش چیزهایی در دانشگاه و هم از ایلامی کتابها آموخته ام. اما در تلویزیون ما، همانطوریکه اشاره کردم، بسیاری از مواردی

دوست میدارم و را

قند جویی ، بند جویی ، ای جناب
 هرچه میجویی بجو
 بیکران بحرست ، گزهر بیحما ب
 هرچه میجویی بجو
 فارس گویی ، دري گویی و را
 هرچه میگویی ، بگو
 لفظ شعرو دلبري گویی و را
 هرچه میگویی ، بگو
 بهرمن تنها زبان مادر است
 همچو شیر مادر است
 بهر آن تشبیه دیگر نیست ، نیست
 چونکه مهر مادر است
 زین سبب چون شوخیهای دلبرم
 دوست میدارم و را
 چون نوازشهای گرم مادرم
 دوست میدارم و را

مومن قناعت

کاسیر

بلبل به فغان چه کار دارد
 نه که خبر از بهار دارد
 قمری به طلوع صبحگاهی
 جشنی به چمن هزار دارد
 چشمش ز شراب ناب امشب
 پتگرکه چنان خمیاز دارد
 مردم زنگاه آشنیش
 گلگونه قبا ، نگار دارد
 اندام ظریف و نقره فامش
 بردل هو من شکار دارد
 آید بیم ز راه شوخی
 حیف است به غیر نظر دارد
 صید کشته بود و بناز و رامش
 خون شهدا ، وقار دارد

مشوش

من مرغ اشم
 شب را بزیر سرخ بر خویش میکشم
 در من هراس نیست ز سردی و تیوه گی
 من از سپیده های دروغین مشوشم
 سیاوش کسرای

این شیشه ، دل ز سنگ روزگار
 نشکست ولی نگار دارد
 پژمان شده اسپیر زلفش
 صد همچو منی بتار دارد

بچه دیور

داکوشی ستا بر سپین مخ خوری وری شوی
 که ز ما بر سیاوون تیاری خوری شوی
 ستا دسترگود خیال سیوری چی بری ولوید
 پرورشوی دارمان توری تیاری شوی
 ستاد بزند و گنو تکه نه وه ، خه وه
 ورسره می چی اسری خاوری ایری شوی
 درسی شوی دادی خیلی بنییرا گانی
 نه چی زما دعاوی تالره بنییرا شوی
 چی ترکی تلی ستا دادا گان سو
 هغه لاری زما ستا تر منعه پیری شوی
 دما بنام له تیکی تیخ دهلال ووت
 د هسک مورگی د شفق به وینوسری شوی
 چی ورتل به سرولمبو لکه اور بنستی
 به هغو بلهارو لکی هد پیری شوی
 چی د مینی د محفل بلی لوی وی
 خاورو لاندی خه بنایسته نیگی خیری شوی
 بیا به و سپری رسی د سرو رید سو
 که به سرو وینو خرویی می میری شوی

پوهاند زیار
۶۷۲۲۲

بچه تو در کجاست

فسرده روح مرا با گل و بهار چکار
 ز نو بهار چه گویم به لاله زار چکار
 ببین زکان طبیعت به که سار سبزه
 مرا به دشت و دمن بی تو گلزار چکار
 ببر کنسید و چمن جامه نگارین خوش
 مرا به گلشن د بیای مرغزار چکار
 صبا نسیم تو آورد طرف لافه من
 جدا از وادی عشقم به جویبار چکار
 د مید صبح بهاران رسید وقت طرب
 مرا به بیک فریبند و خمیاز چکار
 فغان و ناله مرغان خوش ترانه شنو
 مرا بی باغ و به گلگشت نوبهار چکار
 بیا که شوق رخت در دل جوانه زند
 قسم به تار دوزلفت به شام تار چکار
 د رخت و باغ و چمن بین چه جامه زین
 مرا به سپروسفر سوی گل بهار چکار
 خروش موج بد ریاحه مستی هادارد
 شکسته شیشه قلبم مرا قرار چکار

مته، نیت

گرتویند اري دل م را حزتو یاري هست . نیست
 یاغم را غیر مهتر نمکساري هست . نیست
 گر بگویم سینه از دست تو بر خون نیست . هست
 و برپرسی گرتو در خاطر نمباري هست . نیست
 گر کسی گوید که درد نیا به دوش زنده کسی
 سخت و سنگینتر زه جریار یاري هست . نیست
 بیش تیرت گر بگویی دیده برهم زد . نـزد
 چشم مست را از این دل به شکاري هست . نیست

غزل

ماد خپل سرویش خکلی دی به دی کوخه کی
 به مائل کانی وریدلی دی به دی کوخه کسی
 به ما دینس او وفا زیادنی ولسی کوی
 تامل خندلی مازلی دی به دی کوخه کی
 ستا به غضب غضب کاته نوي خبره نه ده
 داسی می لیرد پیرخه کتلی دی بعدی کوخه کی
 سترگی خمار شوندی مسکی انگلی ولونه ولسونه
 خه خطرناک قاتلان بنگلی دی به دی کوخه کی
 ستاد بهار بهار بخوانی شراب به جا وری ی
 مائل د هجر زهر خنلی دی به دی کوخه کی
 توتی توتی کچکول بی مه زاری دژوند ملگرو
 سائل د زره توتی شیند لسی دی به دی کوخه کی

ابوالقاسم لاهوتی

دخوانی گلونه

زیاد مینی بنگلی بنگلی پسانسی
 چی د سپرلی بنگلا پری بیه بنکاریده
 به مرمونولپوچو خوب ته بی سرنه تیتاوه
 د بپنشی عظمت نینه بی
 پرته خته کی وه
 دغه غرور بی د پیری بیرونو
 مات نه شوکر ای
 کره صدقه بی له زلفانو
 دخوانی گلونه
 خودغه تورماران بی
 کله د غاری امیلونه نه شول
 چایی دیانور زیدل
 به شپه کی ونه لیدل
 به جوانی برگ مینی
 د جاخماري نازینی سترگی
 باندی نمجنی نه شوی
 خودخوانی گلونو
 د جانا زکوبینوته
 باسته فرشونه جور کرل

رحمت شاه سائل

پروانه ها

پروانه های پروانه ها
 پروانه های خوشنما
 پروازتان بس دلنشین
 بر آسمان و بر زمین
 کالای خوشترنگ شما
 رقم شما، جنگ شما
 روی گل و روی چمن
 روی علف های دمن
 مستانه بال و پر زید
 بر روی من بر پر زید
 گفتم بگیرم بالکت
 آن بالک خال خالکت
 از دست من گشتی رها
 رفتی سوی تخت هوا

رازن روپین

قتیل خور یانی
کابل ۲۰ مه ۱۳۶۲

شبه

شب التیام زخم تن تاب دار خویش
 در شام تار طرز صدایش نخواند است
 اما
 زلفان تار دختر شب
 روی ماه را
 در چنبر طلسم سیاه کشید است
 اری !
 شاید که زنده کسی
 یک انتظار دخت شب خوابدید ما است

حمید مهرورز

برادر خدا

دست بر از نیازمن و بارگاه تو
 آه ای خدای من!
 چون شاخه های خشک درختان
 در آستان درگه * تو با کمال عجز
 از فرط یک نیاز
 سر بر کشیده از تو طلبگار حاجت است
 دستم تعی مدار
 آه ای خدای من!
 و این قلب من که جایگه ذات پاک توست
 و اینسان غمین مدار
 هرگز رواندار خدایا که قلب من
 در این زمان که اوج جوانی زنده گی است
 از غم بمیرد و شود خالی و تنه
 هرگز رواندار خدایا که چشم من
 در شمری فروغ جدایی شورسپاه
 مرضیه عدیل

شهباز

هر شب که آسمان خیالم درین دینار
 با چلچراغ روی تو چون روز می شود
 هر شب که دست باد از آن سوی کوهها
 بوی تراب کلبه ای من می براكند
 من، لوح خاطرم:
 با قاف قامت تو،
 دل انگیزی کنم
 با یاد پادشاه تو،
 شهبازی کنم
 محسبی "سروش"

لیون

د عشق زخوره شول لبه لیون سی
 تو رو تباروی شول د یوه لیونی
 میگی ی خود د ن هدا وریکی ناخسی
 بگی د یوه نه دی هغه لیونی
 د اچی بی د ریغه بری قدم زدی آشنا
 کلی کی نه شته دی بیوجه لیونی
 د عشق په توری به د ا روه بحر وی
 کله کوی جاته سجده لیونی
 زهیز به کوریه لبی پلی وی لا
 ترخوچی پاتی وی د ا (دوه) لیونی

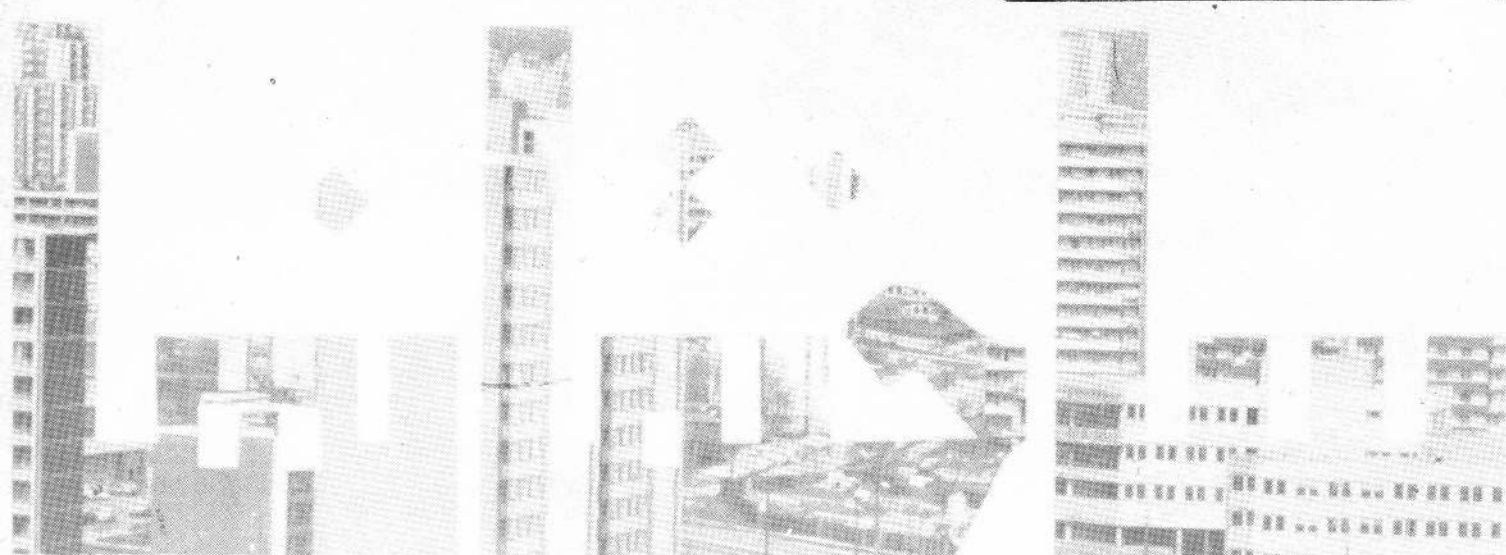
السمعیل

شبنم پاک سحر

واضح باز میانند
 نشان شیخ اندامت
 به دیوار دل پادم
 که می آیی به سوری من
 به دیت ابروی صفا
 و یاد ستان البرزانی
 خدایا، نه، چرا سر زان
 که شیخ است این که میگرد
 نه دستان سید مریم تو
 تو در شمر سکوت و خلوت خواب سحر گاهم
 مثال شبنم پاک سحر گاهم
 در آغوش نرمانوسم
 که جوان د ستاهای کودک شیخ چمنزاران
 به رویت باز میگرد
 ارسالی: محمد اسماعیل برهان اندالی

بهار و باری

یک عصر تو بهار
 من باشم و نگار
 درختان تنگنومه بار
 بازان ریزه ریزه وهم مست و بیقرار
 من با ادب بوسه بچشم زلف او
 او از رواج ناز شود سرخ و شرمسار
 وانگه بجام چشم اوستای من بنبار
 یک عصر تو بهار
 من باشم و نگار
 ((لومان)) تویی خنار
 ارسالی: محمد طیب (لومان)



سربه آسمان میزنند

ساختمان ها و مزارع سه سه
فلك كشيده در جهان آنقدر نهاد
نمست • مزارع آسمان خورش از -
همان آفا ز مورد تعجب و حیرت مد و
زیادی مردم میشد ، این نوع معماری
نشاندهنده اوج ترقی تختک
دین هیا آن مرحله تاریخ است •
در آفا ز چنین مزارع یک چیز
کاملاً لوکس حساب میرفت و ملتی که
آنها بنا نهاد ، بود به آن افتخار میکرد
ولی امروز مزارع آسمان خورش نظر
به ضرورت اعمار میشود ، کمبود مسکن
، کوشش برای داشتن مراکز بزرگ -
خدماتی و ادارات دولتی از عوامل
امار چنین مزارع سه فلك كشيده
میشود •

تا امروز با برج ایفل ایستاده است حتی
انسان امروزی از دیدن این هرم -
دست تحریر به دندان میبرد •
انکشاف واقعی ساختمانهای
بلند از زمان گوتهك آغاز میشود •
دین زمان در تمام جهان کلیساها
و اماکن مقدس که باید بگفته نشود
در عرض و طول ، بلکه در ارتفاع نیز
رقابت مینمودند ، اعمار شدند •
کفایت میکند که کلیسای پتر مقدس
راد در شهر رم که ارتفاع مناره آن به
۱۳۳ متر میرسد مثال آورد ، هم
چنان باید از قصر گوتهك در شهر
کولن آلمان یاد دهانی کرد که
۵۷ متر ارتفاع دارد •

بها دگارهای تاریخی همگون در
زمانهای بعدی رومانتیزم و کلاسیسم
نیز در پی هم ، ولی همان آمدن برج
ها ، آنتن ها و آسمان خراش های -
صوری با استفاده از تکنالژی جدید
بستگی مستقیم دارد •

اولین برج فولادی با ارتفاع
۳۰۰ متر که مدت نهادی در جهان
بگانه برج از نوع خود بود ، برج مشهور
در شهر پاریس است که همه ما آنرا

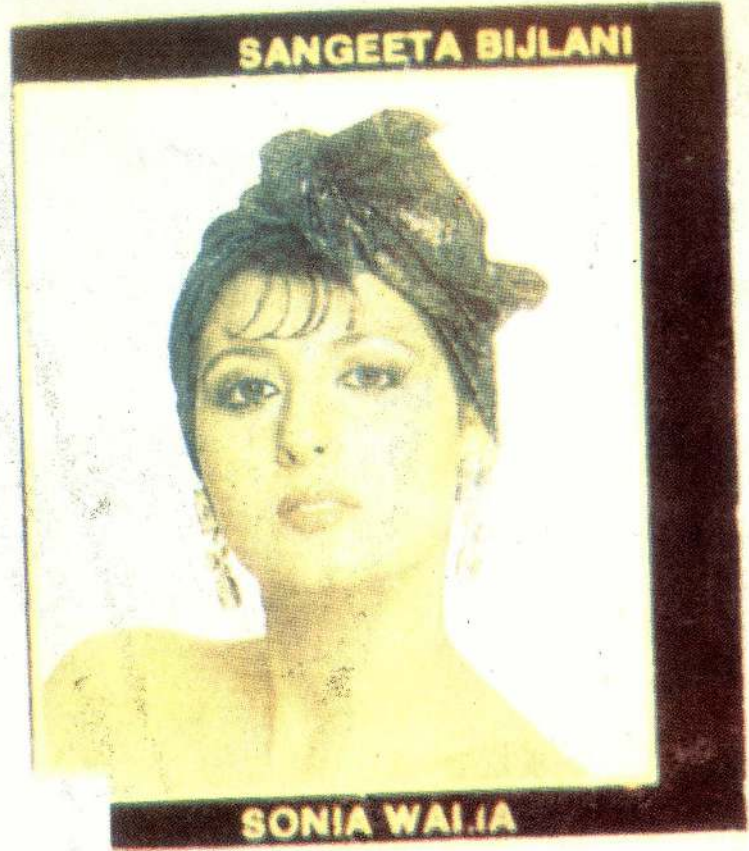
نبر نام برج ایفل پاریس می شناسیم •
این برج طی مغل مجالی بمناسبت
تعیینگاه بین المللی در سال
۱۸۸۹ افتتاح شد بنام مهندس و
طراح آن گوستاف ایفل منفی شد •
این برج به جز جدا ناپذیر پاریس -
تبدیل شد و در اکثر نقاط جهان -
مادل های این برج گایی و اعمار
شده است •

بکار در برج ایفل مدت نهادی -
شکستنده شده ، بالآخره در سال
۱۹۳۰ زمانیکه در شهر نیویارک آسما
خراش کولمبیا بلدیگ (CHURCH
BUILDING) که ۳۰۶
متر ارتفاع دارد ساخته شد ، بکار در
برج ایفل نیز شکست • بعد از مدت
نهادی مقام اول را در داشتن ساختن
های بلند منزل نیویارک کایی کرد •
مزارع امپایر سٹییت بلدیگ

(EMPIRE STATE
BUILDING) این مقام را برای -
نیویارک گزین کرد ، این ساختمان
بدون آنتن که بالای آن نصب است

۳۸۱ متر ارتفاع دارد •
آنقدر زمان دیری نمی گذرد که -
ارتفاع فوق راساختن دوج مرکز
جهانی تجاری (WORLD TRADE
CENTER) که ۴۱۲ متر -
ارتفاع دارد ، نیز گرفت • ارتفاع -
۴۱۲ هنوز هم نتوانست به بلند -
تهن ساختمان جهان که در شهر
شیکاگو واقع است برسد • ساختمانی
که در شیکاگو واقع است دارای -
۱۱۰ طبقه (منزل) بوده و ۴۴۲
متر ارتفاع دارد • این ساختمان بنام
SEGRS TOWER یاد میشود •

در طولی ساختمانهای بلند
منزل ، آنتن های پخش امواج رادیو
و تلویزیون به ارتفاعات بلند تر اعمار
شدند •
در سال ۱۹۶۴ ارتفاع ریکوردی
را برج تلویزیون شهر توکیو که ۳۳۲
متر داشت به دست آورد • این برج
بقیه در صفحه (۷۴)



SONIA WALIA



از دنیای مود

توسعه و عالی



حرف‌هایی از دومودل معروف

تازمانی که فلم

((خون بھری مانگ)) به معرض

نمایش قرار گرفته بود اندیشه ((سونوالیا)) به شابه طلوع و غروب آفتاب آکنده از سایه ها و روشنی هابود ، گا هن تھین امیدوزمانی توام بادلھرہ جاس ۔ برای آتھ قہل ازاین فلم ، درنلم های ((تیرئ - شھرین)) و ((آگوشن)) نیزظاھر شدولی شمئ ازکار خود نگرفته بود ۔

وقتی اورادرد ((پانسوتی)) که زنده گی میکنسد

ملاقات کردم در برابر پریشی گت :

((بدون تردید فلم ((خون بھری مانگ)) برای - ثبوت اھلیت هنری من ، وجہ تعیین کننده یسی داشت)) ۔

ایمعدانھک وقتھ کوتاه ، به دنبالہ حرف هایش افزود :

((خوشحال استم ازاینکه ((راکش روشن)) درنلم خود برایم فرصت کار داد ویا این زمینہ سازی، شناختی بین ماپدید آمدوموقع یافتم تا مردم برای هنرواستعدادم تھمتی قایل شوند وازنمایش فلم به اینسوہ روزی رابہ یاد ندارم کہ زنگ تیلفون به صدا نھاید وازکارکرد - موقعیت آمیز من حرفهای نرتند و برایم تھریک نگھند ۔

عدہ بی راعتھدہ براین است کہ ((راکش روشن)) کارگردان فلم ((خون بھری مانگ)) ازمن به شیوہ نا-

جایزی استفادہ کردہ وکارحوش شنا با لباس های ((سکس)) مرابہ انظارجلوہ دادہ استولی اقتصاد

من این است کہ اگر درکارحوض شناہ لباس شنا رابہ تن داشته ام کہ به مقتضای صحنہ فلم است این چه گناہ کبیرہ است کہ ازان حرف نامی بافتند ؟

آیا تھنچیک بھتندہ این است کہ درکارحوض شناہ دخترئ با لباس سوراپا مستور جا-ر شود ؟ ایادرمحل-

شناہ پوشیدن لباس شناہ امرکاملآ طبیعی نھست ؟ اگر کارگردان مراد درکارحوض شناہ با لباس های

کہ ((سونم)) درنلم ((وچی)) ظاھر شدہ است و ارد ہکرت بدون تردید این حرکت کارگردان از لحاظ هنری جغای بزرگی بود کہ برمن تحمیل مھشد ۔

درنلم ((آگوشن)) نقش نیک خنومند به نام رسیدہ بی رامتھدہ بودم ۔ نقش نہایت پرازنوامش وایدامات بود ولی کارگردان ، مراشیوہ کار را آموخت و مرا خوب یاری رسانید ۔

درنلم ((تیرئ شھرین)) نقش کوچک داشتہ یک فلم هنری بود ودر تلویزیون ہم به نمایش گذاشتہ شد ۔

((سونوالیا)) درنلم های نهادی ، درنقش های مختلف ظاھر مھشود ، درنلم های ((جین داتا)) و

((مھاسنگرام)) یا ((ادیتہ پنجولی)) ودرنلم ((نمئری آدمی)) با ((متھن چکروتی)) درنلم

((مستروسنر ۴۲۰)) با ((راج بھر)) همبازی مھاشد ۔

منافع برایم ، یک عدہ ازفلسازان جنوب ہندوستان نیز رغایت او رابرای بازی درنلم های جنوب حاصل کردہ اند کہ وی صھمانہ ومعدہ ہ همکاری به آنها دادہ است ۔

دراین بارہ اوصوف هایی دارد یہ این تحصیل ((من عجلہ بی ندارم کہ دھل ان بہ اوج شھر

برسم ، برای تسخیر و تصاحب این مقام تامل وشکوبایی فراوان دارم ، برای تعدد قرارداد بازی درنلم ها

هم دلچسپی فراوان ندارم ، ازاینکہ همبازی من

کھست ، بسیار نمی اندیشم ۔

برایم بسیار بی تفاوت است کہ درنقش مقابل من کی قرار دارد ، مثلیکہ قہلا گھتم درنلم ((تیرئ شھر

مین)) در برابر ((مارک نیئر)) ودرنلم ((آگوشن)) مقابل ((اکھرخان)) ودرنلم ((مھادیو)) با ((ونودکنندہ))

شاہرہ بازی شدم ۔

من بہ دراست وجرا ت این موضوع را تھیبند مھکم کہ بہ خنومندان نام نهاد ولی نامدار درگز تکیہ

نمی نمایم ۔

حالی کہ ((سونوالیا)) دروازہ کاروبار مود را بستہ ودرنمایش لباس ها-ہ نمیگردد ، خودش می

نھد :

((موقعیت کھونی حکم میکند کہ بعدازین سینما وخنومنا می مرکز تمام توجھاتم باشدہ نہرا نقش راکہ

درنلم ((آگوشن)) ایذا نمودہ بودم رھ معرفتہ قناعت بخش نبود وچا کہ فلسازان معروف بہ من چشم

امید دوختہ اند لایم است من ہم تھن های فراوانی ازخود نشان دھم)) ۔

درخجش دنیای مود ونھشن ((سونوالیا)) عکس- العمل خودداینگونه تھازم مھدہد :

((اگر پھشنهادی در مورد نمایش لباس برایم برسد رذنی کم مشروط براینکہ طبع ونحوہ نمایش قابیل

تاجهان سینما

سونووالیا و سنگیتا بجلانی چه میگویند؟

توجه باشد تصمیم گرفتیم بهر نوع پیشنهاد سونووالیا
حم نیک و لوکه از ایشاد بولی ، قابل توجه میباشد))
«سونووالیا» از آنانی که در عیال اوسرف هالی
نیاس من گویند ، در یو خون داشته میکند :

((نمیدانم چو آمده بی به عزتنامه و دیگرگون من
اعتزاز میباشد ، تردید ندارد که در لسان انگلیس
مهارت کم تغییر دارم ولی نباید انکار کرد که از انسان
صحنه اردو دهندگی هم بهره و فنیتر گان دارم ، روی
این اصل توانم نیکم به انتقاد انانی که عقیده -
ندارند ، اردو را به شیوه آمخته با انگلیسی اداسی
کم یاد بگیرم بقاد آمیگ دارم .

اعتزاز میکنم که حضرت ارجهان مود به دنهای
سینما خالی از اشکال نیست ولی این ادما درست
نیست که میکنند مود را لباس هاتراندندری هنر
ندارند)) .

((سونووالیا)) که از کار روزنامه نگاری حاصل
قام ((دخترهنگ)) پیوسته به ترقیات قابل آمده
میکند : ((والدینم در هر قدم مشور کارهایم بودند
به استثنای شمول در کارهای هنر سینمایی ، تا آنکه
سوانحار آنها را تمناعت دادم و رعایت شان را در این
مورد حاصل کردم)) .

برای اینکه ، دین فرصتیکه من راه خود را در
سینما شخیر میکنم ، آرزو ندارم در محدودده ، نقش های
منفی گیر شوم زیرا به صراحت میگویم که نقش هالی

منفی مورد علاقه من نیست

در این اواخر رزمه بی از عشق و داستان عشق او
با ((وتودکنه)) بجز هاسرید ، در حالیکه از این
رزمه ها کاسته شده است و او به راحتی نفس تازه
میکند ، در این باره تصریحی ندارم این شرح :
((من با ((وتودجی)) در ظلم ((معاذی)) در -
مسئله ((اوق)) صرف بازی بودم ، چون ((وتودجی))
مرد مسیح الصدر بوده و در بسیاری از موارد اندیشه بی
یک سان داشتیم اینه خاطر اینکه با دیگر تازه کار
بودم ، به حیثیت هنرمند تجربه کار را سوخته ،
شماره خود را در اختیار من میگذاشت و برای بازی میرسانید
که از این سلوک انسانی او خبر نگاران بدون در نظر داشت
حقانیت موضوع ، دست به شایعه پراکنی زده سانه
را به شوه داستانهای تحلیلی انعکاس دادند .

این رهداد در حالیکه روی احساس ما ، تأثیر
ناگوار بی جا گذاشت ، هر دو تصمیم گرفتیم به اشکال
همکاری دوستانه بی شایه خود خاتمه بدهیم .
نوا مقاومت در برابر شایعات غلط و انرا هات بی اساس
که با شایع بیگ های فراوان سمت دهن میشود حوصله
شکوهایی خازر الماده میخواند)) .

سونو والیا میگوید : ((من به خود باور دارم که در سال
های آینده ، به عنوان یک ستاره شناخته شده و
موفق عرض وجود کنم با این تلقی ضمن بران دارم نقش
های را بازی نمایم که دارای نرم احساس باشد تا
هفت احساس نقش را به صورت متوازن انعکاس داد .
بخوانم .

من عقیده دارم که با تمویل هر نقش بیت هنرینه
میتواند بول قابل توجه ذخیره کند ولی برای هنر
خدمتی را انجام داده نمیتواند . از اینروست که با هر
نوع نقش دلچسپی ندارم و اگر چنین میگردم امروز
در مقام یک مجری می بودم و در یک ((پانسیون)) زندگی
نمی کردم)) .

و اما در مورد ((سنگیتا بجلانی))

شهر هر مود را لباس در جهان سینما ، موفقیت

قیه در صفحه (۷۸)



برفراز تياتر ويا سينما

خورشيد



به جست
- خورشيد جان عقيد ه شما در
را بطه به داشتن يك سينماي
خوب چيست ؟
- بعد از لحظه بي درنگ افزود
بايد براي يافتن سينماي خوب
اولتر از همه در جستجوي فرهنگ
مليتها بود . در يك فلم نيز بايد
اندیشه بران داشت تا
محتوي از يك تفكر اصيل و فر
هنگ جامعه گذران زندگي مي
نمايم ، ما به داشته باشد .
- ستم شما در بهتر شدن سينماي
افغانی از چه قرار است ؟
- من بعنوان يك فرد در عين عرصه
نميخواهم بصورت ديگري تفكر کنم
فقط تلاش ورزيده ام با نهايت
صميميت و بي الايشي به اجرا گير
فتن كر كرسپرد شده ، روايت -
نظم و دي سيلين - داشتن اخلاق
خجسته و احترام متقابل ستم خود
زاتاهمين اكون با صداقت تمام ادا
نمايم .
- ميخواهم بدانم كار كردن هاي
سينمايي شما از كم فلم و
چگونه آغاز شد ؟
- من با پيشينه كار را دي
ام با علاقه مندي كه در
بقيه در صفحه (11)

- سينما يك شاخه با اهميت فر
هنگ بشمار ميرود ، دست باز دين
بدان جرات ميخواهد و ايشان
جلاليش جنين بيكره زيبا و انساني
منحصر به ذكور نيست بكون طبق
حكم زمان ، اناك جامعه ما
مي تواند در رشد و پيشرفت اين
بديده والا از اهميت با ارزشي
برخوردار باشند .
- اگر همانند همه زنانك كه
به سلام اين بيگنره رجوع كردند
و بعد بلاد رنگ و داع كردند چي ؟
- شما مي دانيد كه جامعه ما يك
جامعه عقب مانده و رويه انكشاف
است و از چنانسي بديده سينماي
ما تا هنوز نتوانسته هويت ملي
خود را كسب نمايد و استند عد ماي
كه بنا بر تخيلات واهي گرا يانه و يا
مكن اشكالات ناشي از تعصب و
ريا ، باي خود را از عرصه تعاليت
باز مي دارند . ولي من پس از ان
مي انديشم كه نبايد عقب گرا بود
و سوي سايه رفت ، سايه بيگنه
سپوش به تاريكي و لغزند ه گسي
مي انجامد . چرا ، خرد مندانه
به سوي خورشيد گام ، بگام پيش
نرفت و از خورشيد بيگنه اشعه
برفروزش همگاني است ، سود

اين بار در رابطه به ويژگي
هاي هنر و شناخت بهتر هنر
مندان سينماي افغانی ، با ي
صحبت هنرمند مجرب و مستعصي
كه پيشينه كار كردن هايش از امواج
راديو آغاز و در زمره نخستين
اكترين هاي (هنر پيشه گان) تياتر
سينما - تلويزيون با درخشش
چشمگير جا گرفت و در آثار راديو ،
تياتر ، سينماي و تلويزيوني موفق
از آزمون بدر آمد و تلاش بيگير
و علاقه وافر از زمره موفق ترين
چهره هاي سينماي افغانی در
سطح كشور شناخته شد .
نشيم .
اين چهره پر درخشش محترمه
خورشيد است كه دعوت ما را با
علاقه مند ي و محبت پذيرت ايك
توجه عزيز خواننده گان گرانقدر
را به گفت و شنود اين هنرمند
معطوف مي داريم .
- ميخواهم نخستين سوالها
چنين طرح كم :
- در نظر شما موجود
ديت اناك در بيگنه
سينماي نو پيا خواسته
ما ، از چه اهميتي
برخوردار خواهد بود ؟

همپينكه اثری از خود به جا ميگذارم براي من افتخار است
استعداد ده ها بايد به وقوع كشف گردند

اسرار خوردنی ها

بادرنگ از جمله سبزی های بسیار معمول بوده که نوع آن خیلی نهاد رایج است. بادرنگ تا به سر سردکننده و طراوت بخشی داشته و قهقهه ها حاوی تمام عناصر است که برای بقای سلامت و زیبایی ضرورت است.

بادرنگ به انواع گوناگون با تفاوت شکل، اندازه و رنگ وجود دارد. رنگ آن از سبز کم رنگ تا سبز تیره است. بهترین نوع آن بادرنگی است که تازه و صفت بوده و شکل منظم و رنگ سبزه تیره داشته باشد. پوست بادرنگ نهالیت خفید می باشد. نهالیت تمام نکبات و مسمومیت ها در آن موجود است. از این رو بادرنگ را نباید پوست کرد.

در علم گیاه شناسی آنرا بنام کوکویز ساتیوا می نامند. بادرنگ را صوری ها، یونانی ها و روسی های

قدیم می شناختند و در قرن ششم قبل الميلاد در چین پیدا شد. اکنون این سبزی خفید در سراسر جهان کاشته میشود و از آن استفاده میکنند.

ارزش های :

از نگاه تغذیه، بادرنگ حاوی نسبتاً خدار نهاد متوال هاست. تحمیل این صوره سبزی مانند نشان میدهد که در صد گرام آن (۱۶۳) فیصد رطوبت، (۴) فیصد پروتئین، (۰) فیصد فایبر، (۰) فیصد کربوهیدرات موجود است. مقدار متوال ها و مسمومیت های آن حاوی (۱۰) ملی گرام فیصد، فاسفور (۲۰) ملی گرام فیصد، تانین (۰.۳) ملی گرام فیصد، تانین (۰.۲) ملی گرام فیصد، تانین (۰.۲) ملی گرام فیصد می باشد. ارزش آن از نگاه

کالوری (۱۳) است. علاوه بادرنگ منبع با ارزش پتاسیم، سدیم، منگنز، سلنیوم، منگنیکان، کلرین و آهن است.

خواص طبی :

بادرنگ حاوی مقدار (۶۴.۰۵) فیصد متوال های القلی ساز و (۳۵.۹۵) فیصد متوال های اسید ساز می باشد. از این جهت خاصیت معالجه و درمانی این صوره رادری کرد. بادرنگ در حفظ القلیت خون خفید است. علاوه بادرنگ از بهترین مواد ادراور آور طبیعی بوده که دفع و جبهان ادراور را بهبود می بخشد.

نکته :

بادرنگ دارای مستقل ضد قضا می باشد. کمانه که به قضا می چسبند اند می توانند با خوردن روری دود بادرنگ از فوائد آن مستفید شوند.

اختلالات معده سی :

صا ر ه بادرنگ در معالجه هلیکوباکتری و زخم های معده و

باد رنگ

مترجم انجنیر حلیم

سبزی مفید برای صحت و زیبایی

انتفاخ خفلی می باشد. در چمن مواردی هر دو صفت می باشد. (۴) تا (۶) اونس آن تجویز می شود. از این که بادرنگ حاوی (۱۶) فیصد آب بوده مقدار صا ر ه آن بیشتر است. بادرنگ سبزی مفید و را خفلی زود بر طرف می کند.

بیماری های رایج :

صا ر ه بادرنگ در معالجه هلیکوباکتری و زخم های معده و

هنگامی که با شهرد لمه مخلوط شود برای شکستادن و حل ساختن سنگ در مجاری ادراور و تقویت اسید ادراور می باشد.

باید که با آب تازه تازگی مخلوط شده به مقدار یک یاد او ص هیک ساعت بعد دوی خفلی خفلی برای رفع تشنگی در هنگام حله کولسرا مسوی می گردد. این صا ر ه مخلوط توانی مایع الکترولیت را که در اکثر بیماری کولرا مثل گردیده، حفظ میکند.

جوش ها و داده های روری جلد :

صا ر ه بادرنگ در بر طرف ساختن جوش ها و داده های روری پوست مؤثر ثابت شده است. به منظور اخذ نتیجه بهتر صا ر ه های زودک و کاهو را با پوست صا ر ه بادرنگ مخلوط کرده، اضافه کردن مقدار کم صا ر ه شاد در بعضی موارد قدرت درمانی این ترکیب را بیشتر می سازد.

بادرنگ بخانه ماده حفظ زیبایی

ماسک بادرنگ رنده شده روی صورت، چشمها و گردن برای (۱۵) تا (۲۰) دقیقه قوی خوب برای پوست صورت است. بخاطر استفاده از این ماسک با پوست دراز نکند. استفاده منظم بادرنگ از بهداشت جوش ها و جگر و خفلی صورت جلوگیری می نماید. صورت را با طراوت و شفاف می سازد.

بادرنگ را می توان با سبزیجات، حبوبات، صا ر ه جات و صلا د مصرف کرد. معمولاً از بادرنگ بعنوان صلا د به شکل ترکیب با زودک، لبلبو، باد نجان روری، ملی، کاهو و سبزی های دیگر استفاده می نمایند.

اضافه کردن شکر در این صلا د آثار خوردنی لذیذ را از آن خا م صرف کرد نهرا ارزش درمانی آن در اثر پخت از بین می رود.



پونم ...

بقیه از صفحه (۱۲) رسیده باشد در غیر آن شکلات نهدی موجه خواهد گردید. به هر صفت تاردوانند مناسب نیست. صداقت و وفاداری جوهر انسان است با چندین مرد در یک زمان دوست بودن مقلان نیست. به نظر شما دوستی های افراطی ممکن است؟ ج - چرا نه، دوستی یک زن با یک مرد میتواند ابعاد گسترده تری از سکس داشته باشد. س - در فضا شادمانه رجهه بی صا مردی گیر می آید، چه ؟ کرد؟ ج - واصل، دیوانه خواه شد مخصوصاً اگر از آن مرد خوشم نیاید در چنان حالت خود را به آب پوت همک تا از آنجا فرار نماید و لو بداند شادمانه زنده بلم می کند. س - شما در نگاه انسان خیلی معصوم و پاک جلوه می کنید، آیا

دنوروزیه ...

د (۱۹) مخ پاتی نوبه سی. ارد نوروز سندی و ایسی داجی: خاوند، بیاد پسرلی کس له وجه با گند لونگوبوی را خینه د پسرلی به ریخو را شسته چی تور تکی رته کیزدی و غورویه حیوانان هم به دغه و ریخ بنگلی او نوبی کالی اغوندی خیل توستک را اخلی. تا کلیومیله خایونوتسه یسی. اتیونه کوبی، بنی ولی او. سلنگی وهی چی دنومور و لوبو اتسل ته دکلی د سبب ز پیری له خوابه گوته شوی بگری د پالی به توگه ورکول کیزی به خینوسپورکسی حیوانی بیغلی خیلونامزاد شویو ملگروته هگی ایشوی، نقل، نیسی او توتسه هغوته ورکوبی)) د هزاروه سیمه کی برعمومی دود و نوبرسپورلی خانگی دودو ته هم ترسترکوبی به دی باب د هزاره ملیت یوتن و ایسی جسی

د حیوان اتل) دراتگه به انتظار به تال کی کینی د هغه دراتگه لار بخاری اوبه گزار کراریسان زنگوبی خوله بده مرغه چی به تال کی چی خوب روری او همداسی وید به پاتی کیزی. داهم اسطوره ده چی د پسرلی طلسم بی به جادوی خوب خوبولی کوبی د. نوروز حیوان را می اوتییزی به باغونو او راغونوکی او گلزارونو. د پسرلی د گلنوبد ناویونی ته خان رومی. خونوروزی بی بی خوارکی چی کله سترکی برانیزی گوری چی ددی له بی بروایی خنجه بی یارد نوروه نیز و کسی لویدلی دی. دغه حال نه نس زغملائی. د لیونوتوب خیره پری را می او بخان له تال خنجه اجوی. که چیری به اوبوکی لویدنه نوهغه کال مسوراود برکتونو کال ویا و که چیری بی به وجه کی رلویدنه هغه کال بیاد و جگالی او خواری کال ری. د همدغی فولکلوریک کیسی برینست هیله من یوچی سز کال به اوبوکی لویدلی وی خوش نس کال موز ته برکتونه اوسوگالیسی د پالی کری.

خورشید بر فراز ...

بقیه از صفحه (۱۹) زمینه تمشیل داشتیم در سال ۲۰۰۰ راه موسسه آر یا نا فلم راد ریش گرفتیم و با آشنایی مترجم انجنیر لطیف محترم عباس شیان، محترم توریالی شفق در فلم های چون: سیاسی و جلالی، غلام عشق، دام سرگ، مزوره سبز، مرد هار و قول اس، کلام های استوار، فرجام صبور، سر باز، فرار، گناه، برنده های مهاجر، مسافر و سفر نقش داشتند و داشته های تلویزیونی ام میارند از: فلم هنری کفر، نوای تشلیق زن عروس، د لمره لور، شمع زن، د هک، من و شما، پشنامه ها و تیاتر تلویزیونی: غم مانی، زهره و عید الله، امضا و زیر زن، زمین، مرگ المازوف، آدم هسا، عروس، اشتباه عبرت انگیز چند دیگر ...

مند افزود: من از همکارانم صمیمانه توقع میبرم تا صرف نظر از بد در آیس ها و آوند بیخه بخود داشتن ها چی بهتر که در یک وحدت از کا نیکه دست به دست هم داده، کام بگام در راه رشد و انکشاف هنر هفت (سینما) قدم نمایند. بخاطریکه میتوان به این نکته باور داشت وهم بدان تاکید کرد، که در کشور ما در همه رده های هنری و درین شمار هنر سینما - استعداد های آفریننده بریافت - بلیت باوروی و شگوفایی فراوان اند، استعداد هاییکه اگر موقه موقه به کشف آیند، بد رستی رهبری و مستند می گردند، در اندک زمان شگوفه میدهند و هنرمند ما به آفرینش های قابل بقایه با آثار جهانی نایل می آید، به امید آنکه همه توانایی ها در خدمت رشد استعداد ها و ظرفیتهای هنری بکار افتد.

مرد ها را چگونه

40 مینرنا

آیا فحاشیهای فیزیکی مخصوصاً زنده گی زنانه را اصله میزنانه

جهنیکولوژی خاخر نشان میسازد که هرگاه یک زن ورزشکار بیش از دو ماه قاعده نشود در زمینه باید اندیشید و بعضاً تعویق قاعده کی راجحاً یک عادت پذیرفته اند ، ولی در تشخیص ساله ، پرا بلعهای سی عرض وجود میکند ، زیرا خانم کریستیانسین بدون اینکه فهمیده شود ، سه ماهه حمل داشت . داکتر معالجی مترود بود که شاید عامل عمده در زمینه خسته کی باشد . متوقف شدن قاعده گی اولین علامه حمل است . ولی کریستیانسین قبلاً نیز عادت داشت که بعضاً قاعده گی این بس تعویق بیافتد .

مینمانسیکیستهای گونه کوتی در مورد توقف قاعده کی زنان ورزشکار وجود دارد که یکی از آنها کسی شحم وجود است . شحم بدون - هورمون اندروجن را ، که از غده های ادرنال تراوش میکند ، در نتیجه تغییر کیماوی به نام اروماتایزیشن به ایستروجن ، که هورمون جنس مونث است ، تبدیل میکند . این ترکیب جدید ضمیمه استروجن میشود که توسط تخمدان به وجود می آید . (چاقی اضافی در جنس مذکر ، علامه زنانه مانند جمع شدن شحم در اطراف پستانها را با خود دارد .)

برای آنکه سطح استروجن را به گونه قناعت بخشی در زنان حفظ کرد ، شحم وجود آنها باید حداقل ۲۰ فیصد وزن بدن شان باشد به صورت نورمال در زنان خانم

بقیه در صفحه (۷۷)

اندروجن بر رشد عضلات تا شیر میگذارد و در نتیجه آن پالای وجود زنان موی بیشتر میرود و عضلات شان قوی میشود . سابقه های زیبایی اندام ، در حالی که بیشتر سابقه کننده ها از نظر فیزیکی جذاب اند ، این تصور نادرست را از بین برده است . به هر حال بازی با وزنها نوعی از مقاومت رابه عضلات میباشد .

هرگاه این ساله که اجزای تمرینات با وزنها سنگین به بزرگ شدن عضلات می انجامد ، مورد قبول باشد ، استفاده از وزنها ی سبک و تعریف متواتر ، به انفر شدن جسم می انجامد و این میتود است که اگر زنان آن را ترجیح میدهند .

چقدر باید وزن سنگین (یا سبک) باشد ؟ در زمینه کدام قاعده قابل ملاحظه می موجود نیست . ولی مطالعه ساختمان وجود مردان و زنان بر مبنای گزارشها حاکی از آن است که به صورت اوسط بزرگترین مقدار وزن در تمرین عضلات سینه برای مردان ۱۶۶ کیلوگرام و برای زنان ۵۰ کیلوگرام میباشد . این گفته چنین معنی میدهد که برداشتن وزن بیشتر از صد پوند آسیبی به زنانه گی زنان نخواهد رسانید .

داده اند . چنین وضع زنان دیگر را متیقن میسازد که بسیاری از آنها ها در مورد حامله گی و خطرات - نریسهای فیزیکی رایی اساس بشمارند ، البته در این نوشته ما خواهیم - کوشید که حقایق را در بین زمینه روشن سازیم .

نیمه دوم قرن بیستم نسبت به سالهای قبل از آن با زنان بیشتر مهربان بوده است . البته این هم نتیجه مبارزه سر سخت زنها برای رسیدن به یک سطح بلند زندگی میباشد . امروز زنانی که دل مرد ها را میبایند و هم از نظر فیزیکی جوان اند ، رویه تزاید است . از ((راکل ولش)) گرفته تا ((ریکا)) هم بر نرم سازی وجود تاکید میکنند . بعضیها معتقد اند که تمرینات با وزنها ، بعضاً خصوصیات زنانه کی زنان را از بین میرد این پندار مرد شدن را از دیاد سطح اندروجن (نوعی هورمون جنس مذکر) تشکیل میدهد . هورمون

کریستیانسین یک زن پرکار است . در سابقه هایی که انجام میدهد ، همیشه مقام دوم و سوم را حاصل میکند . او به نسبت ولادت سپورت ((دوش)) را مدتی متوقف ساخته بود ، ولی بعداً آنها از سر گرفت . اگر چه او میاند که مادر شدن او را از دست قهرمانان بیرون کرده است ، ولی چنین نشد . او در سابقه هایکی بعد دیگری به پیروزی رسید و تا اکنون هفت ریکارد های پنجهزار متر و ده هزار متر را حفظ کرده است . مثالهای دیگری نیز وجود دارد که بیانگر حالت زنانه است که بعد از حامله گی ولادت نیز لقب قهرمانی رابه خود اختصاص

نیمه آدم نیمه حیوان

اسرار جاودان ابوالهول



چهل و پنج قرن قبل زمانیکه فرعون ((خفرن)) دستور داد که اوزار رکاب گیزه به شکل ابوالهول (سفنکس) (نیمه آدم - نیمه حیوان) جاودان سازد، از همان زمان تا حال این ترکیب عجیب هنر فنانان راه خنود مشغول ساخت و به متابعمای بدون جواب و سرگنج کند مای باقی مانده.

مرد جوانیکه بدون کدام انگیزه مهم کسی را به قتل میرساند به شهرت یوازند یک میشود. پیش از آنکه به شهر برسد در کوه صعب العبور و مرتفع نیکون بسا موجود عجیب و بیرو میشود. شیر بالدار با کله زن، که معای را از جوان میرسد، چیست آن در روی زمین یکی باد و دیگری با سه پا و یکی هم با چهار پا که بنده یک نام یاد میشوند. یگانه موجود است که بر روی زمین، در هوا و آب حرکت میکند. تغییر چهره میدهد. با تمام این باها و وقتیکه حرکت میکند سرش کم است.

موجود عجیب از همه همشهریان تویا، این سوال را می پرسید و بسیاری از ساکنان باید قربانی میشدند. زیرا جواب گفته نمیتوانستند.

ولی مسافر بنام اود پی معمارا حل کرد و در جواب گفت: ((انسانیکه توازن هن خود داری)) در ابتدای زنده می زمانیکه هنوز کودک است و راه رفته نمیتواند به چهار پا راه

میرود. بعد از یاد و باوا از طرف شب به اسباب قانون حکمت متصل به پای سیم میشود.

و موجود عجیب و وحشی که شهر نیوارا به خطر مواجه ساخته بود و جواب معایش را بدست آورد. به پایان میافتد.

اود پی مورد نوازش قرار میگردد و سیه یاد شاه یوکاستارا نصیب میشود. بدون آنکه بداند که با مادرش ازدواج میکند و حکمران کند و رمیشود.

یونانیان قدیم هیچ وقت در پیدا این موجود اسرارآمیز: جنس سره، نیمه زن، نیمه مار ایخید، سگد و سوره اوتروس و غیره هم عقیده نبودند. همچنان در باره ترکیب زن و شیر عقیده دیگر نیز موجود است: که از طرف رب النوع خیر از حبشه برای محازات شهر تیا فرستاده شده.

موجود عجیب که بر بسیاری از گلهای های یونان باستان تصویر گردیده با برنده آن اود پی بگمان اغلب در یونان از طرف بحیره مدیترانه آمد. زیرا ابوالهول تقریباً ۲۶۰۰ سال قبل از میلاد یعنی ۵۰۰ سال قبل از میلاد ابوالهول کار تیا، قدمت دارد.

دو حیوان انسان نام بسیار کم با هم شباهت دارند. موجودیکه در کوه نیکون جا داشت زن است با تنه از شیر، باقیان زن و داریا.

لها و ابوالهول مصری بال ندارند و به اساس نظر ابوالهول شناس، هانیس و پیش نمایا گستر یاد شاه به شکل زمین روی با تقدس خدایی میباشد. در این چهره او جانشین رب النوع آفتاب میباشد که سمبول زمینی آن شیر است. فرعون خفرن ۲۶۵۰ سال قبل از میلاد دستور میدهد که قله بی از یک بلاک بزرگ سنگی به شکلی ابوالهول تراش گردد. ابوالهول خطوط چهره فرعون را میگیرد و بنا نوار عنقوی شاهی پیوند مییابد.

در حائیکه بدر خفرن، خیسویس دستور داده بود که سنگها را بر روی داخل اهرام که بنام خود شرمسی است، بقراند. حالا حیوان شاهی مرتبه بزرگ شده بر روی زمین دراز کشیده ۲۱۰ متر درازی و ۲۰ متر ارتفاع، در طول سده ها، رنگ های بیابانی یادگار خفرن را پوشانیده بیود. در آخر قرن نوزدهم بود یک قسمت آن از خاک برآید و از سال ۱۹۲۶ است که ایسن آدم - شیر را به شکل بیبنیم که در اول بود. ولی روی ابوالهول زیاد ضرر دیدم زیرا در قرون وسطی توسط یک سلطان با توپ زده شد.

هیچ فرعون دیگر مانند خفرن با این عظمت جاودان ساخته نشده و این مجسمه نیمه آدم نیمه حیوان برسد. های مابعد خود زیاد مورد تقلید قرار گرفت. بعدا

نه شیر در مصرفیافه زن را گرفت. بسیاری از همین نوع مجسمه ها به شکل نگهبانان در پیش روی دروازه های اماکن مقدس گذاشته شدند، که اکثر آنها با کله های از قوچ، نهنگ و باز میباشد.

از این نوع موجودات، غمخوار حکمت مند همی در تشریفات نیز از آن استفاده بعمل آمد. در لوکسور راهروی از این نوع موجودات را ساختند که در طرف راه قرار دارند. همچنان در غرناطه از قرن هشتم راهرو از ابوالهول ها (سفنکس) بنا یافته که کله هایشان از قوچ بوده و تا حال پابرجاست.

برای توضیح ایده و شکل ابوالهول هانس ویشین اسناد زیادی را گردآوری نمود، او به هزاره ها انواع اشکال از این نوع مجسمه ها در کتاب خود بنام (ابوالهول) اشاره نموده و تعداد مصر زیاد تراز ۶۰۰ ابوالهول را تثبیت نموده که زیادتر آن ۲۶ قرن قدمت دارد. صد هاسال بعد در سوپتامیا بوجود می آیند و سر از آن در گریست و یونان.

ابوالهول سمبولی از حکمت و نیاید قدیم است که اول از ساکنین شهر تیا و بعد از او پی معمارا رسید تا که در آینده خود ش به یک معما تبدیل شد. چطور پیدا شد، چی معنی دارد، ترکیب عجیب کله انسان با تنه حیوان؟

ملک جهانی که بزرگ می‌شود

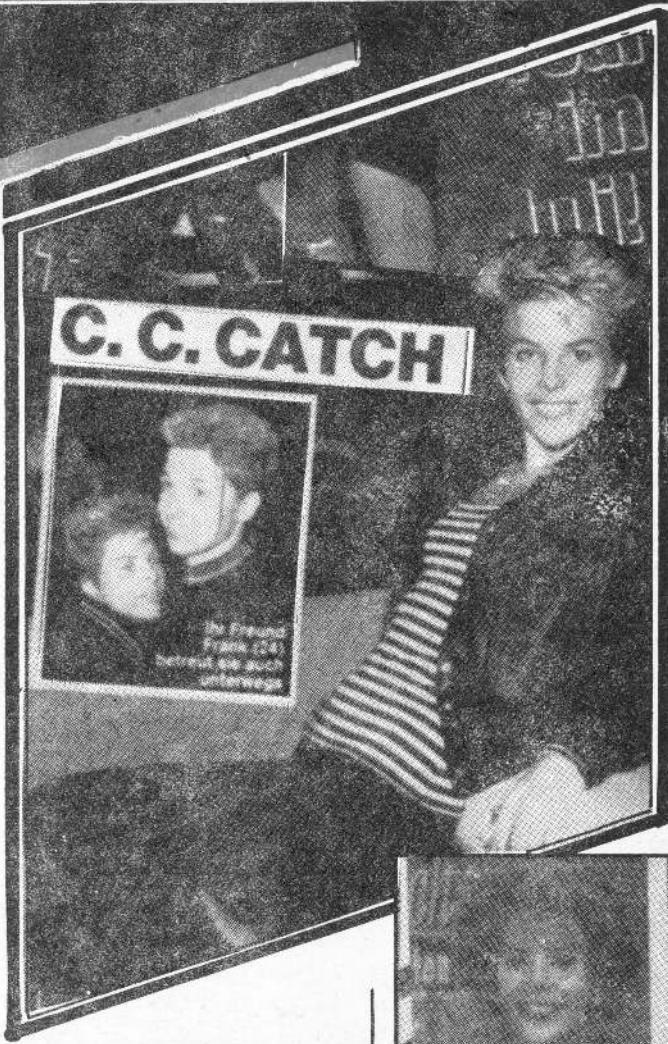
«من می‌دانم قلب خود را قدرتمند
کنم، تازه بی از سعی سعی هیچ»

می‌کند. کمپوزیتور مورد علاقه اش دیتز بولن از برود یوسران معروف آلمان غرب می‌باشد، زیاد تر و - همیشه در سفرهای هنری اشتراک می‌نماید، ریکارد های فو العاده جالب و زیاد عرصه می‌نماید که به مجرد رسیدن به بازار فروش می‌رسد.

قهه به شهرت رسیدن او هم جالب است، سی سی کیچ قبل از اینکه خود را بچیت یگانه خواننده تثبیت نماید، در گروه هنری زنان بنام ((اسی میل)) ترانه می‌خواند، در روز هاییکه خواندن هایش را در رادیو ثبت می‌نمود، در آنجا همیشه اتفاق می افتاد که از کارهای خلاق دیگر این هنرمند برود یوسران آلمان دیتز بولن تعجب می‌نماید. تودرن تلاکنگ یکی از برود یوسران آلمان و تنیکه کنسرت آن گروه زنان را از رادیو شنید، سی سی کیچ راه استدیو دعوت نمود، اکنون در تمام جهان از کنسرت‌های او بخاطر علنی آواز زیبا و نرمش که شنونده گانش راه هیجان می آورد ستایش و استقبال گسترده می‌شود. بعضی می‌ایند شعرو کمپوزیکه بنام ((بخاطر

اینکه توجوان هستی)) توسط دیتز بولن ترتیب گردید اولین گام موفقیت و سر آغاز شهرت سی سی کیچ بشمار می‌آید. با آنهمه تلاش و فعالیت‌های هنری او بلا نهای در آینده دارد، و - همیشه در کلمات این هنرمند آمده است ((در زمان ماستاره های معروف و معروفه های تازه ظهور می‌نماید که تصور و بینش آن مشکل است))

در این اواخر موسیقی با سیر صعودی روبرو تکامل است که در این راستا خلاقیت و ابتکار سی سی کیچ در شو های تلویزیونی مقام عالی و برجسته را حایز میگردد. تاننا جیان کسرت‌های سی سی کیچ به ده ها هزار نفر میرسد، سی سی کیچ و گروه هنری امرینام ((کوله فیوز)) نه تنها مورد استقبال علاتمندان قرار دارند بلکه در جهان نیز هواخواه و شهرت زیادی بدست آورده است.



می‌نمایم.

در یک شب مقبول بچیت هنرمند د یسکو تبارز می‌کنند. خواندن زیبایش با هم می‌توانم قلب خود را قدرتمند ((مردم را هیجانی و آرام آرام به شور می‌آورد، خواندن های زیبایش از اعماق مردم تبارز نموده بچیت د یسکو زدگرم در تمام اروپا شهرت یافتند ریک نمایش تلو - یزیونی که د یسکوی فوق العاده اجرانمود بنام ملکه د یسکوی را خود شهرت بسزایا کسب نمود. این سی سی کیچ نه تنها در اروپا بلکه در جهان نیز شهرت دارد، نام اصلی وی کسور سولیراست که در سال ۱۹۶۴ در هالند تولد یافته فعاله در آلمان غرب زنده گی دارد، رنگ دوستداشتنی اش سیاه است و برای لباس‌هایش رنگ‌های آبی کمرنگ و زرد را انتخاب



دنیای بزرگ موسیقی همچون بحر خروشان نیست که از امواج پرتلاطم آن انسان این موجود آفرینشگر و مبتکر همه توانمند ی - اش سروده ها و پارچه های رابره می‌گیرند و آنتی‌نوس های بیکران آنها در نوردیده به سوی شادی های فرج‌بخش و نشاط آنزرا ره می سپارد.

اینکه باد ست یازدیدن به جهان موسیقی - گل خوشه یی را ازین سرزمین هستی آفرین به شناسایی می‌گیرم و هنرمندی رابه نام من: من کیچ باهمه محبوبیت هایش به شما معرفی

لرغونې نوروز او

نوروزي دودونه

د ليمه ليکه



کال له سختيوسره خداي پاماني کوي او نيکمرغيو ته ورژد ي کيزي زمري په ميواو کي نوموړي - د دودونه تراوسه پوري په پوره برتم سره نما نخل کيزي او تراوسه لا زمري خلکونه دي هيرکري له اولسي او اتلسي بيړي رايه دي خوادغه دودونه په لزاو پير تويرسره نما نخل کيزي شمير - الدين ظريف صديقي به دي - باب وايي ((له کابل کي دغه ميلي لومړي د جبه بياد سيا مندي - بابرباغ، د سخ او دنيا لگير د اينود لو او زگر د ورخي د ميلو په نامه جوړي شوي او تراوسه پي خيل او پير برتم عمداسي ساتلس دي په عرات کي هم دغه دود په تخت صفر بل مالان خواجه سپاران خواجه صفا ريگ روان په خانکر و ميلواو خو سيو سره نما نخل کيزي په مزار شريف کي د گل سرخ ميله جي خلويست ورخي روانه وي په دغه ورخ ملتهد حضرت علي جنده پورته کيزي جي په کابل کي هم د سخ جنده او د مندي توغ په عمدغه ورخ پورته کيزي

د نوي کال د ميلو په باب غلام محي الدين ملکري جي د خلکود فرهنگ د خانگي مسلکي نري دي وايي : ((د نوروز په شپو ورځو کي به گند هارکي د شالمار بابا ولي، جهل زيني په گرد يزي کي د (روحاني ما - حب)) په کونړ کي د پير بابا اوسه ننگر هارکي د ولکي بابا ميلس د يادوني ورځي په پښتني سيمو کي نجوني او پيغلي نوي او نکلکي کالي اتوندي تبيل وهي زيارت ياتي به (٦١)

دغه اوسني تاك ووايموه يي په خپل وار انگور شوه باجاله هغه وروسته د سپرغ د دغه لطف په ورځ هرکال دنيا لگيد کينه لسو دود پيل کي اودايي په گوته کړه جي هرکال بايدغه ورځ د خوښيو او خوشحاليو په جوړولو سره پيل شي .
 د ((سيزه بدر)) له لسو شگومونو څخه يوهم د باران اور پيل دي جي هغه به يي دنیکمرغه قال په توگه ياد اووه په ديار - لسمه ورځ جي دنوروز باي وهم ټول ټول مراسم ترسره کيدل نارينه زويه بهلواني کولي ميلونه به يي وهل زړه وينخوا ويند و په خپل وخت به ندرنو هلنگر نو په تودولو او د خيرات او خيانت په برابرولو باندې تياروه بخوانس نجوني او پيغلي به په دنوروز جو کي به شيلو کي کزيدي په شيلواو سمور کړوند وکي به يي خوښي کولي اود را توکيد ليوشيلو بايي اوڅانگي به يي دنیکمرغه شکم په نيټ غوټه کولي له لگيد لو او بلو خوا وروڼو څخه به يي په خاښو ناروغيو ادا کانو توپونه جون کله به يي جي وايه سره غوټه کول د هغو غوټه به يي د خپلي مينی او بلاتي ور عنوان په نامه اېوله د نوروز په درشل ((سيزه بدر)) کي به د باندې باور و جي ټوک يي دغه دود نما نخل او نه يي ميروي هغه د تيارو زار -

لومړي شپي مراسم يي د سندان تيار يي به نيول کيده اووه ټوله ميوه به لند يده اووه شين د سترخوان به وغوړيده جي بيل به اووه سين باندي واوښت پير سيره برهڼو به يي باکي اوسه هم راوړي ياد کال د اوښتون په شپه کي به جي اوه ونيور يي اوله هغو سره سم به د خوښيو جشن او موسيقي پيل شوه دنه روزبه ورځ به د بزگر ميه هم جوړ يده دغه ورځ د جمشيد ((يما)) پاچا په عصر پوري اړ وند بولس .
 په دغه باب لرغوني انسانه ده جي وايي : دغه پاچا د ليدني کتنس ورځ درلوده جي دروازه يي د عامواو خاص ورځ پرانيستی وه هوکي پرانستی وه ځکه جي تر شنه اسمان لاندي به ازاده فضا کي دي ليدني کتن صورت نيو جي دعاسي ميلي بڼه يي نوره کړ يوه د ميلي په خوښيو او تودو کي د هما يا سپرغ مارغه له الوتنس راهيت شواو هغه څه جي يي په مښوکه کي وود باچا په قدمونو کي و اجول او وروڼه يي وغوړول کوم شي جي مارغه راوړي و پوهانو ترخپل نئ لاندي ونيول او د نبات دانس يي تشخيص کړي باچا حکم وکړ جي دغه دانس بايد سپين پيري او يوه بزگر په ځمکه کي وکړي د کرلونه ديارلس ورځي وروسته هلته نيا لگي را توکيد لي ووي -

ترکومه خايه جي زمري د خلکو او زمري د بلرونو ژوند په باب څرک لکيدلي ((نوروز)) اود هغه اړوند مراسم زمري په فرهنگ کي د باطرنی وړ لرغونتيا لري ځکه نو دغه مراسم له يوه پښت څخه بل ته اوله بل څخه بل ته ليز ول شوي او تر زمري پوري رارسيدلي دي د پخوانو اريايانو په زمانو کي به جي کال پاي ته رسيد د کال وروستى چارشنبه به يي په برتم سره نما نخل دغه چارشنبه د سوري چارشنبه په نامه سره ياد يده او په هغس کي به يي ميلي کولي ځکه جي داد بسرلي د برتم په درشل کي دنوروز ميلس پيل و په دغه ورځ به يي اورونه جي پات او پيغلي توک و بلول او هغه منگي اوگري يي جي پښي ((مهرگان)) به جشن کي به يي لغلي نه ټکول به دغو ورځو کي به يي ماتول داله ژمي او ارامى سره د خداي پاماني نښه وه په اسطورو کي راغلي دي جي له سوري چارشنبه څخه ديارلس ورځي وروسته واپه به فارس ژبه د ((سيزه بدر)) په نامه ياد يزي زرد شتيانود د دود يار لسو زونو پيل د ((اښاد)) او پاي يي د ((پهشتوار)) په نامه ياد اووه اووه دغو ورځو کي به دنوروز ميلي وي له سوري چارشنبه څخه وروسته به بيا د کال

شاید خنده گنید

روزنامه بایین بیاید . دوم اینکه ممکن است میزان انتشار بایین نیاید ! و در صورت
 ارسالی ژولیا (بهارا کبزراده) از بدخشان .
 شخص پیراهن را زدید به پسر خود داد که بفروشد ، پسر پیراهن را به بازار برد و از او زدیدند . دست خالصی مراجعت نمود ، پدرش گفت پیراهن را چقدر فروختی ؟ گفت به همان قیمت که تو خریدی . بو - دی ارسالی محمد ابراهیم هجران

مدیر یکی از روزنامه های معروف ، نویسنده یکی از سر خواننده ترین ستونهای روزنامه خود را خواست و به او گفت : میدانم خسته شده اید ، برای رفع خستگی حاضریم شش ماه مرخصی به شما بدهیم . نویسنده سرش را خاراند و گفت : از لطف شما متشکرم ولی من این مرخصی را قبول نمی کنم به دو دلیل : اول اینکه ممکن است در نتیجه تعطیل شدن ستونی که من می نویسم میزان انتشار



ای یاری وفا ، تو بوکس کو مه دفاع



اخبار سال

خبرنگار اختصاصی ما ، شافلی میرزا شاکسار که همیشه مصروف جمع آوری اخبار خالص می باشد ، برای این شماره این اخبار را تهیه دیده است :

* در اثر زرد و خوردی که بیسن احمد خان و برادرش (فرید خان) در اتاق نشیمن شان صورت گرفت ، تمام نشیمن های اتاق شکسته و قسمت اعظم فرش و ظرفی که موجود بود از بین رفت . در این جریان ، احمد خان دست راستش را از دست داد و فرید خان در ناحیه قلبش زخم شدیدی برداشت . بدرفامیل وقتی که حال روز

فرزندانش را دید ، عاجزانه ایشان را به نفاخانه انتقال داد و در نخستین روزنه تمام تمام معاشین را که بعد از این تمام عرق ریزی به دست آورد ، بوکس مصروف نمود ، بلکه پسندین مزار افغانی فرستادار شد .
 خبر می افزاید که برادران زرد و خوردی میکنند ، بعد از آن که به حال آمدند ، اعتراض کردند که علت مشاعره شانرا نمیدانند .

از تیلیفون نمبر ۵۴۰۰ می شنویم

انا نسر تلویزیون :
 بیننده گان گرامی ، اخبار را شنیدید ، حالات توجیه تانرا به تیسره به تعقیب آن به تعاشای را بر تانرا معرفت داشته و در اخیر فلم هنری عنندی به نام (سو ستوری) پیشکش میگردد .
 * * *
 جرنگ ، جرنگ ، جرنگ
 - بغوامید ، تلویزیون است .
 - او نوکیوال ، اول اعلان کردید که فلم (سلطان قلبها) را نمایش میدید ، حالا چرا فلم لوستوری را انانوردادید ؟
 - امر مقامات بود .
 - کدام مقامات .

تیلیفون نمبر ۵۴۰۰ که تازه در جوات - فجات (۲۲ گانه شریک) به فعالیت آغاز نموده ، اخیراً توسط اپریتوران فعلاً خود گفتوگوهایی را بلی را ثبت نموده که اینک پیشکش میگردد :

جرنگ ، جرنگ ، جرنگ ۱۰۰
 - بغوامید ، اداره نشرات تلویزیون است .
 - نشرات تلویزیون است ؟
 - بلی ، بغوامید .
 - بیشتر اعلان شد که امشب فلم هنری ایرانی به نام ((سلطان قلبها)) نشر میشود .
 - بلی درست است .
 - اما از آنجایی که این فلم را دیشب از طریق وید یوکست در خانه تماشا کردیم ، ام و برای فامیل ما تکراری می باشد ، امرو می کنم و آن فلم هنری

(لو ستوری) را ناسر کنید .
 - ببخشید ، آخران فلم را بنا بر تقاضای مکرر بیننده گان تلویزیون و ضرورت نشرات پیش آماده ساخته ایم ، ایشان ندار که آنرا ناسر کنیم .
 خاموش با سر مامورت مستخان نکن .
 میدانی ، من یکی از مسؤولین بلندرتبه استم ، من (. . .) استم که امرو کم .
 او ببخشید صاحب ، صاحب حتماً تغییرش میدهم ، صاحب ببخشید ، صاحب .



تما با هنر نمیشه



از خود شما

سوال
گفت: يك سوال ميكم، اگر جواب دادی مردی.
گفتم: بگو، تا مردانگی ام ثابت گردد.
گفت: آیا میتوانی برای همیشه خشویت را نزدت نگهداری؟
گفتم: نامردم، جواب نمیدهم.

مادر: انسان با کارهای خوب به بهشت، با کارهای زشت به جهنم میرود.
پسر: انسان چه کار کند تا به سینما برود.

ارسالی هماپرویز از بونهعی
ژورنالیم ویان برویز از بعه بلخی

((امتحان))

يك سوداگر معروف دریایی از همسرش خواست که تا عشق و علاقه خود را نسبت به او آزمایش عجیبی ثابت کند. مرد به زن گفت: - اگر راست میگویی و حقیقتاً مرا دوست داری برو چشم بسته بر لب بامی ایستاد شو، سه مرتبه دور خودت بچرخ بعد به هر طرفی که من میگویم قدم بردار.
خانم نه تنها زیر بار این امتحان بزرگ نفرت بلکه آقا را به محکمه کشانید و از وی طلاق گرفت.

((در صنف))

معلم: پنج چیز را نام ببر که صد سال پیش اصلاً وجود خارجی نداشت؟ شاگرد با کمی مکث: سنجی دست، کارکرد، میناکشی، توپسرا، اندرسن و نواد رامز.

مادر زن یا روزنامه

شخصی به دوستش شکایت کرد که: خشمم مثل روزنامه است.
- چگونه زیاد حرف میزند؟
- نه هر روز به خانه ما می آید.

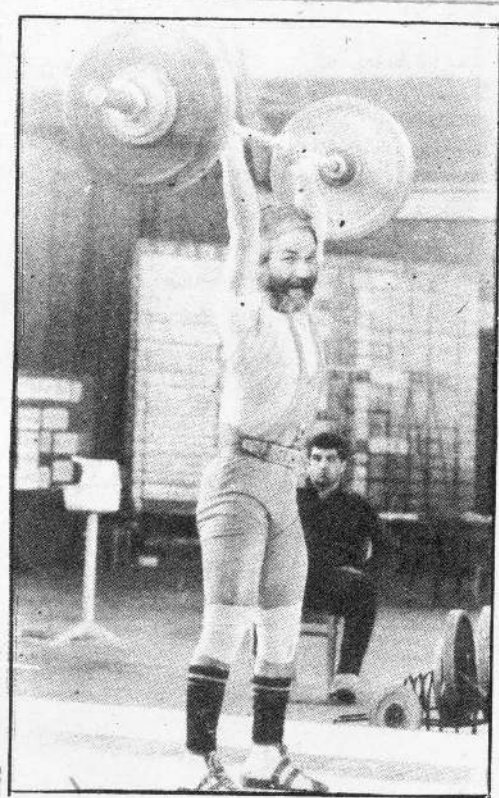
راه حل

رئیس اداره حسابداري است شرکت تجارتي ربه معاون خود نمود و گفت:
- حالا چطور به رئیس عمومي بگوييم که تحويلدار پنج مليون فرانک موجودی صندوق را برداشته و فرار کرده؟
معاون: ميگويم چطور است این ماموريت را به آقای دوران که لکت زبان دارد بگذاييم تا آقا ر رئيس از جريان مطلع نشود.

اندرزهای مطابق روز

X بگذار کودکان مکتب را ترک و در مسدود بمانند تا مسؤولین سیل صف منتظران نانوائی قرار گیرند.
X لقب نهرمانی را به دست آرند.
X بگذار تلویزیون شروع گردد و ما را X بگذار انتقادات را مسؤولین پشت خواب ببرند.
X گپ زن که يك جنس به صد نسخ نکنند.
X عرمه گردد تا پاره‌های از خواب بیدار X چپ باش تا مسؤولین بخواب روند و شهریان از گرسنه گي بنالند.
X خاموش باش، معازره مای کوبونی نوشته: جاله

نورانی بوموقع



معلم صحنه خوب است

د بیوزیک تن از دست پیرایه است کمترین تیم، به اندازه آن که نانسند و کند از آن دیگرها را رئیسند با بی اعتمادی همکاری نمایند خود را به خانه رسانده، خود را بس نبود.
خبرس از این که خبریان کابین از این خود کشی به جانیه موقع تغییر احب سوسوف لبراز خوش وقت در دانی نموده، از روند انامه این سلسله در ریاست بدنه می باشند.

خبرنگار: میرزا شاخسار

شخصی نزد دوستش شکوه میکرد که: میدانی چقدر همسایه بد دارم؟ دیشب تا ساعت ا شب با مشت به دیوار اتاق میگویند! دوستش پرسید: آنوقت تو خواب بودی. آن شخص گفت: نه، خوب بخوابیده بودم زیرا با اکورد یونم تمرین میکردم.
ارسالی عطیه

همسایه بد

مینیاتوره‌های طلایی

اگر اثریست مولف را بد زدی آنرا بد زدی گویند . اگر از چند مولف را بد زدی این دیگر تحقیق است .

به هر اندازه ای که فکت ها کم باشد بهمان اندازه اشکال زیبا می باشد .

چیزیکه امروز حقیقت است فرد انسانی تخریب پیش نیابد .

اگر واقعیت ناخوش آیند و یا غیر منتظره باشد بدان کسی باور ندارند .

بهترین منطق منصفی است که بعداً بوجود آید .

تاریخ برای ما می آموزد که از او چیزی نیاموزیم .

به هر اندازه که بالای اندیشه خود گارمیستی به همان اندازه متیقن میشوی که بیگانه است .

از تمدن گذشته و نواریهای آینده به وجود می آید .

زمانیکه همه چیز گفته شود و عملی گردد زیاد گفته شده .

از اندازه عملی شده .

مادرکلان : عسوی از نامیل که نس تواند از غنید ای بیرون آید .

خشو : مشاور با المقطع در پروم های خانگی .

بیکار : حیوانی که وقت را میخورد عروسی : (عقد) قماریکه مردان در آن آزادی خود را دو میکنند و زنان خوشبختی خود را .

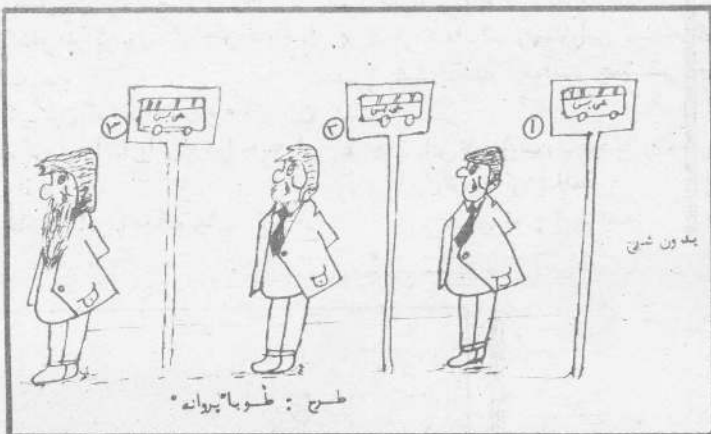
جنگ : دو بیلوماسی بین المللی که مدق خود را از دست میدهند .

دشمنان : مگوری از دستان که نمیتوانیم خود را از آنها دفاع کنیم .

کارتون



طعم است



طرح : طوبه پیرانه

نیم کاسه های زیر کاسه

مارک تواین روز جمعه را روزی شوخی میشمرد .
یکی از دوستانش روزی برای پیش گفت :
... دوست عزیزم جمعه شخصیت های بسیار بد نیامده اند مانند جورج واشنگتن ، تایلین ، شین و کلاستون .
... مارک تواین موافقت کرد : ممکن است ولی فراموش نکنیم شخصیتها مردند .

امیل زولانزد ، اکثری رفت ،
... دکتر پرسید : چه شکایت دارید ؟
... خود را ضعیف احساس میکنم از چند روز است که یک لقمه راهم در دهان نگذاشتم .
... دکتر سر از معاینه برای پیش نسخه نوشت :
... ای تابلیت ها برای اشتهای تان کف میکند .
... امیل زولانزش را با ناراضی نشود داد و گفت :
... دکتر صاحب این تابلیت ها ایراد من کف نمیتواند من اشتهای من را ولی چیزی ندانم که بخورم .

مدیریت باشد کسی دیگر را ندیدند .
محمد سرور خبرنگار که به خاطر تعبه صاحب تعبه نسبت به دیگران رحمت نیادتوری را مقبول شده بود به آنشخر گفت :
چند روز پیش مدیر صاحب برای مامکتور روان کرد که بیاید با ما صاحب کهد ، ولی حال خودشان شریف ندارند ، آیا شما حاضرند کجارتی اند ؟
معاون شعبه گلشن را مصاف کرده گفت :
وله راسته بگویم ، به هم تعبنام که مدیر صاحب کجارتی ، مگم دیروز در امری امضا صحه علیا داد کهده سینما قلم نهند شده ، شاید نمونه رفت باشن .
محمد سرور که گوی خشکی

بی غم باش لالا

سفر اراخان مدیر تیلیت و تروص فاجیکه ساختن طلی مکتوب -
... رسمی از خبرنگاران را دیو و تلویزیون دعوت به عمل آورد تا ساعت ۱۰ هتل از ظهر روز دوشنبه به شعبه اش آمده با او جوار امر مربوط مدیر پیش صاحبه نظیفند .
روز موجود فرارسید ، مسئولین تلویزیون با هزار جار و جنجال ، موتو ، کمره ، ایت و همکاران شنیکر و فی را آماده ساخته آنجا رفتند .
همون که داخل شعبه شدند به جزارتشخص که پهلوی مدیر شسته و معلوم میشد که باید معاون

شده پوئیسید :
ایا پیر به شعبه خات آمد ؟
معاون جواب داد :
ایره خوب میخام که تی ، به خاطر که مدیر معادلت نداره وقت که بر آمدن پیر بیایسن .
تمام خبرنگاران و همکاران تخنیک در حالی که سخت آورده شده بودند دهناره به ظرف اداره تلویزیون حرکت کردند .
در نیمه راه شهر حسن فلمبردار بیکاره همه را مخاطب قرار داده گفت :
اوپسده ها ، اینها حومه خوب سرگردان کردن ، مام کارز میکنم که تازنده استر یادتان نره ، اوهم ای که برشان میکنم که روزیکنیه آینده آماده باشن ماسی ایم ، باز

متولدین ماه اسد :

خوش شانس شما در اینست که در راه بنامت آوردن مواد بخته سیلواز خود مقابلهت نشان نمیدید اما ممکن است حیوان بالاندن به سرسری ملی بس جراحی بردارید که بعد از رفتن نزد دایر این تشویر رفسع خواه شد .

متولدین ماه سنبله :

شما دم کم حوصله بی استید به مجرد تماس کردن بایک تینگ یا کراچی روی سرک باد ستغرو - شان برخاطر میباید ولی بایک محتاط باشید که انعام بر - گری کم از شما نیستند احساس اس انتقاد بدی تان را تقویت - کنید .

متولدین ماه میزان :

تشویشی که از ناحیه بلند رفتن تکت ملی بر در شما ایجاد گردیده است انقدر جدی نیست در میزان هم نگران ایکی د واقعا تان را صاحب میزند ندیده رستوران اکتر سرزید زیرا مقابل مگر حساسیت دارید .

متولدین ماه عقرب :

همیشه از روند استید تا در هر جا از جمله موتملی بر موقف خوبی داشته باشید از همین رو با دید جالبی به لگن موتر جمله ورمیشود اما متوجه باشید که جیلک تان را حین رسیدن به هدف کم نکنید .

متولدین ماه قوس :

ادم با اراده استید وقتسی بخواید کاری را انجام دهید بدون توجه به سنگینی آن ، آن



فالی که طنز نویس دیده است

متولدین ماه حوزا :

ارزواییه به خار به دست آوردن کین لیت به سو میروانید به جزازته و بالادین چندین هفته به تمرین رسید به مشکلات زنده تی تان انامه از این افزوده نمیشود به زودی بوجی اردی به غدومی اندازید .

متولدین ماه سرطان :

شما دم خون خرقی استید بوی ونگه گیاه کارسری در شما اثری نمیکند ببول صفای را در مواقع معین میبرند از بد بجز واسطه ها واسطه های قوی پیدا خواهند کرد .

متولدین ماه حمل :

امید وارزوه و قیمت کوشش از سر تان به اسمانه ای هفتم پرواز کنید در هفته که پیشرو دارید روزی این خوشی را در تان تیل سیری مینمایید در باره تخم مرغ کمتر فکر کنید .

متولدین ماه ثور :

همیشه با ما مورین متاز به بر - خورد صمیمانه دارید خوبست به خاطر رفتن تان وقت ترا - خواب برخیزید تا با اطفال تان کمتر سرنا بنوازند کوشش کنید بی د بار در هفته به دفتر سرزید .

را انعام میدید مثلا شما قادر استید به اس وقت از نانوای نزدین خانه تان نان بدست بیاورید اما متوجه باشید که نفع شما درسی واسطه شس شماست .

متولدین ماه جدی :

ناراحتی های که از ناحیه بلند رفتن مواد اولیه طسرف صورت دارد بی فایده است در اینده نه چندان دور شیز - خانه تان را قطنی روغنی رنگین خواهد ساخت براد بومک بشنوسد زیرا مقابل سایل تکراری حساسیت شده بد دارید .

متولدین ماه دلو :

فکر مرغ بلورا از خیال تان دور سازید . کتوبه بازار بروید بی نشی ملی بر شمارامتا شر میسازد ولی باید بدانید که این موضوع د پتغادی شده است شما هم مانند مسولین در زمینده معافیت حاصل نمایید .

متولدین ماه حوت :

اگر شما امور دولت استید ، اطفال تان در نانوایی مصروف اند و شانس کامیابی در مکتب کم دارند ، وظیفه شماست که به معلم آنان واسطه پیدا نمایید که در جمله مشروطان ختم سال ، کامیاب گردند ، حتما بخت اطفال تان بیدار میشود ، تاراحت نباشید اطفال تان را تشویق نمایید که بوظیفه خود در نانوایی بگیرانده ادامه دهند از لیل سعادت

تعمیر باید به صورت نمونه در این شود و تولیدات فابریک هم به قسم نمونه به نمایر گذاشته شود تا از آن چند شات بنهیم ، در روزی که ماهی آیم ، تمام کارگران و کارمندان مدیریت تان را جمع کنید تا با آنها دم صحبت نماییم و در ضمن برای تان جاشت (۱۲) نفر خبرنگار و پرسونل تحمینی مسندا تهیه کنید .

برای سرفرازخان بکجید کارهای را که کفتم حتما باید انجام دهند ماه صورت حتمی آیم .

معاور گفت : به چشم و حتما برشان هم .

روز موعود فرارسید اما هیچکس برای صحابه به شعبه سرفراز خان نرفت .

روزی که رسید نصیم . همه در حالی که لهخندن بر لب داشتند قبول کردند .

همین که به دفتر رسیدند بشیر حسن نظیر در گوش تلفون رایسر داشته به شعبه سرفرازخان تلفون کشیده گفت :

معاور صاحب محترم ، از کجه تمیه صحابه از مدیریت شما با تمه مهم اثر ، برای مدیر صاحب سرفراز خان و امیر شعبات شان بکجهین (لینا یادداشت کجهن) که مارونیک شنبه آینده ساعت (۱۱) می آیم ، مارو بر سرفرازخان و آمرهلس باید رهبر موسسه هم دعوت شود ، چند جریده دیواری به تشریفسد ، تاریخچه مفصل فابریک نوشته شده جانر باشد ، بخشهایی مختلفه





دوهامه پيښه

د راد پو- مجلي پسر لک
پسي داستان

سرپرست رئيس

نطاق : دراد يوچريد ي برله
پسي داستان د پروگرام اوږد-
ونکو لوستونکو سلام)
تاس په تيره گڼه کې ولو -
ستل چې د پتا توستينولو د ریا -
ست ريس د مقاماتو د لزم د پيد -
ياد ناغږي له کبله برطرف شو .
بي له دې چې بل ريس وټاکل
شي او ياد رياست د کم مرستيال
د سرپرستي مکتوب راشي . د ريل
ست د چوکي د نيولوبه خاطر د
اداري اوفسي مرستيال ترمنځ
رقابت او کش وگيرمنځ ته راغی . په
لومړي ورځ له سهاره ترغرمسي
پوري اداري مرستيال به چوکي
پوري نښتي و . خو کله چې د -
پنځو دقيقو له پاره له چوکي پورته
کيزي او د باندې وځي . نو فسي
مرستيال د رياست په چوکي پښه
ياتي (١٠) مخ ته



نانوای

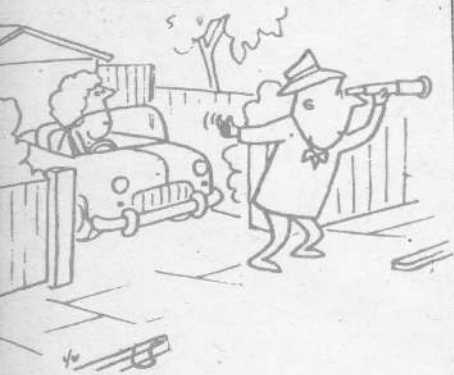
دغه مهم اوحياتي لغت په
معاصرو قاموسونو کې د اډول تو -
ضیح او تشریح شوي دي :
(نان) د ډوډي او -
(واي) د واخ مانا لري .
يانې کله چې خوک د پښار په
نانوایانو کې په پنځو ډوډيو پيس
(واخ) چيغې ووهي او هغه
هم په لاس ورته ورنه شي .
.....
غور خوره . غوري وايه . خو په
غور وڼه تير وځه ا



علمي تخييلنه

هغه خوک چې دغه ليکه لولي غرموسې د نښونځي په دوران
کې د نايټروجن دوراني حالت د بيولوژي په کتاب کې ترسترگو
شوي دي ، خود لته د نايټروجن پرمخې د يوې بلې ډيرې مهمې
اوحياتي مادې د دوران په باب غږيزو . دغه مهمه اوحياتي
ماده د سر کونوله باسه هغه خاوري او ډوډي دي چې هره ورځ
په زمونږ ښاريان په دوراني ډول دخولي اوزي له لاري سز او
کولمونه ننه باسي . او د لري ترهغې روانه ده چې خود ښار
په واټونو کې دخټو او ډوډو دغه حال وي .
له دې خبرې سره دا خبره يې لا پراتواره په ثبوت رسپيزي
چې حاده څه ډول له يو حالت څخه به بل حالت بدليزي او خپلي
بقا ته دوام ورکوي .
راغی چې په دې باب په خپله دغه دوراني حالت ته
ورنښوئو :
.....

نردی لیدونتی هیله او د سنځی وریوری



دیوډاگانو غونښتلیک

د راپیو، تلویزیون، وریوریا،
مجلو او جریډ و محترم موسولینو!
خوږه وړخ وینواو اوږدې سینه
تلویزیون او راک یوکی د ماشومانو
او حیواناتو له پاره ځانګړې څېړنې
څېړنې او هم په مجلوماتو کس
دغه ټول ګلښې ترسټرکو کړې.
خود یو ډاګانو څېړنه تراوسه نشه
چالیدلې، نه یې اوږدلی او نه
یې هم لوستلی ده. ایا یو ډاګان
غوز ونه نه لري، زړه ونه نه لري،
اوسترګی نه لري یې خوږ یس
د دې ټول څېړنو تم نه خوږي.
د ایه موسور اوږدلی وي چی:
زاره به خواږه، مرګه یې د یې-
سار، خواږه د امانانه لري چی
سړی به مړه ګیډه لیتی یا اوکوره
وڅوړي، بلکې روحی څوړونه چی
د خولې په ځای د سترګو او غوږونو
له لارې کولمونه ننوځی هم اړتیا
ده. هیله کړې چی د دندې
اړتیا به پام کی نیولوسوه (د بو-
ټاګانو نړی) ایه نوم څېړنه به
څېړلو څېړونوکی وړتیا ته کړې.
ستاسی اجزا توتو غوز اوسترګی
به لاریو.

بریالی اوسی

کاکا سفندرد یو ډاګانو د تولنسی
سرسرست

وکتل شو!

د یو ډاګانو دغه غوښتنه به ځای
ده اوله عمدې شیبې وروسته به
د بدجاړه هتې هتیاو د یو ډاګانو
د نړی په نیم یوه ټوکرې به هتې
کی وړتیا ته کړې.

ګندنه

زه مجنون د ګندنې م، ګندنه زما لیلاد ه
به لاسونه راغی ملګرو، کبرجنه یې وفاد ه
اوس یې سینه بازاری ده، له پتی تللی د ګان ته
به مفلس مین شرمیز ی، ښکته ما ځنی اجداد ه
د مهران مودی اوز د ی شوی، د وصال په طمعه طمعه
زړه زما ورسس وړان د ی، د اېن غم یې پرواده
زه د یواښتک به هیله، تیرم میاشتی ګندنه
داله ځمکی نه عواته، پورته شوی به هوا ده
لاهم وړخ به وړخ جکیزی، یو ځیران رانیتنه شوه
د نړخونو په سیالی کی، ګله ګله له (پامپا) ده
به مړه ګیډه، عینکله، ماونه خوږه به مینه
د اچنی ورکه ده له مانه، نوله ما ورکه د تیا ده
که یې نړخ راکښته نه شی، د خوراک عیله یې به کړه
ای مفلسه حیبت ته کوره، ګله خوراک ګی اشتهیا
بخوانی مینی اوسنه شته، زړه د ی عیله یاری کړه
اول نړخ کوره بازاری، ګندنه یې مینی ته سودا ده
غسی نه چی لیونی شی، به کونډه بازارونو
خه به لاس درله درنه شی، د ابله تما شان ه
نورنم افریاد ونه کړې، زړه کړه صبر ګندنه
ای مفلس ګندنه خوږه، د ازما درته وینا ده



میږز له میږسره خه څپیلوی لری؟

میږخوتول بیژنی چی د دفتر
په کوچ کی به څلور ښو ارام
ولار وی اوبه رمسی وخت کسی
میږزایان ورباندې څپیل سرز دی
اویده کیزی.
راعی وګورچی میږز اخه ته
وایس: میږز له دوه برخو
(میر-زا) خخه جوړ شوی دی
چی دوه لاسونه، دوه ښی،
دوه سترګی اودوه غوږونه لري.
اوس که (میر)، (میر) او
(زا) د وار ه سره یوځای کړو
نوبه یتو سترګو ویلای شو چی:
میږز اهغه (میر) دی چی له
(میر) خخه زیږیدلی دی.
(څپرکی)



په لاسونو دانه با ښو ښو

په کلا ښو ښو کار ښو

دیوډاگانو نړی

یوه ډاګانو څېړنې به کوره ده
په وړی ګلښی ته پامت وړ اړه
په وړی یې خوږه له
دوی د وار وید خوله ښو ښو
راهه اوبه سترګو اوسکی ټولنی
یوس چی دغی عیسی بیسی ته
هت پت پاتی وکله یو ډاګان و-
پوستل
- کاکا خانه (ولی زار ی)
- څپیلو ښو ښو ښو... نه پامه
خوله کی غا ښو ښو شته اوسه
په وړی ښو ښو ښو وه لای
خودغه ځوان چی غا ښو ښو لری
ټوله په وړی یې راځنی رځوږ ه
ځوان چی خوله یې له په وړی
په ښو ښو ښو ښو یسری
اودانګل:

د روغ وای وروږه! زه چی غا-
ښو ښو لرم، نوبه په وړی ښو ښو
وهم لږ دم یې "خودغه بودا ځان-
ښو ښو لری او په وړی ژوند ی
ژوند ی تیروی.

یوشن میږز ته لار خوږیل بودا
پلار ته لیک ورباندې ولیکی، میږز
دغه وویل:
میږز- ښو وروږه! پلار ته دی په
لیک کی خه ولیکم.
سړی- سلام... ګرانه پلار...
میږز- ولی چیغی وهی؟
سړی- ددی لپاره چی بودا-
پلار یې په غوږونو کړی دی او
ورڅېره نه اوری.



علی مشتری سفر پرماجرايي رابه دنبال عشق خوداز سرگذشتانده

مجموعه قصه‌های عشق

خواننده گان عزیز! در شماره های قبلی مجله ما برای سفر علی مشتری را دنبال عشقش در هیالای به غدا خواندند اینک بخش دیگری از آن را میخوانید.

شب فصل بهار و ماهتاب است
نسيم باغ رشك شك تاب است
شكوفه دامن افشاند به گلشن
زخون لاله شاخ گل خضاب است
بدیده تان ((ماه دور بسا لا))
ز خجلت ماه تابان در حجاب است
نسيم آهسته تبر بگرد ز گشایش
که ((ممتاز جهان)) من بخواب است
درین فصل بهاراي گلشن نساز
زهجرت مشتری اندر عذاب است
مجله کابل هم در یکی از شماره های خود
بیوگرافی مدهو بالا را بطور مکمل تحت عنوان هللی
مشتری ومد هو بالا بدست نشر سیرده که چندند
صفحه از آن مجله بصرف ووزین را گرفته است.
جریده انیس هم زیر عنوان ((علی مشتری رایشنا -
سید)) یک صفحه از روزنامه را به بیوگرافی بنده
و عشق عصري قرن بیست وموضوع مدهو بالا تشریح
یحات مفصل داده وهم چنین موضوع روز را اطلاماً
جمعی افغانستان بود واکثر روزنامه ها و جراید
درین باره مضامین و اشعاري بدست نشر
سی سیرده نده که چون مدت و زمان زیادی از آن

تاریخ نگشته واکثر آنها فراموش گردیده اند.
همچنین مجله ننداره که یک مجله هنسری
فلسی وادبی بود، در وقت وزمان خود شهرت خوبی
داشته، صاحبه وراپور تازی مفصل و نظریات خویش
را بدست نشر سیرده و عکس هاینکه مدهو بالا در آن
امضا کرده و بطور یادگار برایم اهدا نموده بسود
وهم چنین عکس های از من در مجله ننداره به
چاپ رسیده.

واین است راپور تازیکه در شماره دوم سال دوم
مجله ننداره که مد بروسول آن محترم شفیع رهگذر
بودند - نشر گردیده، یک قسمت آن بحضور
خواننده گان گرامی سپاروین، زیلا، تقدیم میشود.

((یک راپور تاز د لچسپ خواندنی
گفتوایی با علی مشتری))

((عشق))، امید ((و آرزو))، سه کله خوش
آهنگه سه لفظ خیال انگیز و شاهرا نه و بالاخره
سه معمای مشکل و پیچیده هستند که بدور مرکز
دن می چرخند و دل این مایه زندگی و این اوست
زندگی بهر رنگی که خواسته اوست این هر سه را

بسا خود می رقصد و آدمی را بدنبال آنچه نسام
عشق و آرزو در وی بوجود آورده است، گاهی در
صحاری خشک وریگه بیابان رگه با پای برهنه
روی خار مغیلان می میدان وطن میدان میدواند
و اهتایی باین ندارد که کف پای آدمی را در دی
وشت پای او را گردی نصب نموده است.
آنچه راهبان اخبار و ناقلان آثار و خوش
چینان خرمن سخن از دوران کهن بدل نسبت
داده اند که اگر غلط نیست، عجیب ضرور است
زیرا گاهی دل را خون شده گان مظلم ناچسار
خوانده و هزاران نوع نوحه دیگر برای اوسر و دهاند

در حالیکه همین دل بیچاره عاجز و ناچار ایشان را با خاک و خون کشیده و بعد هم برایش نوحه گری که بوشق نفرین کرده آرزو را محال خوانده و امید را فریبنده میدانند به تعقعه خندیده است. همین دل مظلوم دوست باکتر لوگه ما علی مشتری را دو - سال تمام از یارو دیار برید و برید و جای او را در محافل ادبی و هنری و محفل انس دوستان خالص ماند، داستان اینکه وی در راه یاروغیت چها کشید، برای خود بی کتابی است.

ولی اینکه در سرزمین بیرونیان نمکین و سستی، جهادید و چهارگز برای خوانندگان مجله مسافر و دوستداران مشتری، موضوع معتنا به و غنیمت سی است که با استفاده از یک صحبت دو ساعته با ارجحی اجالی بخوانندگان نامه خود از آن ترتیب و تقدیم میکنم تا با کمال تعجب بیکار دیگر در یابند که - مشتری هم در حالیکه مثل همه ما و شما باز چه دل بوده، باز هم برای دل خود بسیار میسوزد و هر لحظه آهی کشیده، میگوید ((بیچاره دلکم)) با خوش خلقی ((همیشگی مرا پذیرفت و بعد از تعارفات معمول، مانده نباشی اضافه کرد: گمان میکنم در اینجا هم مثل بعضی بیک مشت سوالات تو امثال تو بپسند جواب داد، روی خصوصیتی که داشتیم، خندیدیم و گفتم.

س: جزاین چاره نداری وقتی که حاضر شدی تمام جراید فلی بیگانه را از نظریات و اظهارات عاشقانه و هنری خود بزرگی ناگسری برای نماینده مجله فلی کشور خود هم حرف بزنی. عده زیادی خواننده گان ما ترا می شناسند و جدا - نستن ماجرای مسافرت عشقی و هنری تو عسلا - کنند اند.

ج: حاضرم به سوالات تو جواب بدهم مشروط بر اینکه زیاد وارد خصوصیات نشوی و من برای سکوت اجباری احساس نکم.

س: به دیده این قسمت را رعایت میکنم اما تا آن حدی که حس کنجکاری یک خبرنگار بتواند اجازه دهد.

ج: بسیار خوب فرمایید، من حاضرم که به سوالات شما جواب گویم.

س: اولتراز صحبت صحبت کن تا جاییکه من میدانم منظور از مسافرت توبه بعضی در مرحله نخست معالجه چشم بود، آیا بهتر شد؟

ج: خدا را سپاس گزارم یک مدت مختصر تحت تدابری بودم که به زودترین فرصت تکلیف رفع گردید.

دیدن روی عزیزان چشم روشن میکند داریو بینایی یعقوب را یوسف کند

س: پس چرا توقفان در بعضی مدت دو سال طول کشید؟

ج: خودت میدانم که من به عوامل هنری علاقه زیاد دارم، از روزیکه پای من بروی سنیو بهار شده بیش از آنکه یک شاگرد اهل صالح بسرای طیب باشم، دو دسته دامن هنر و سوانح هنر - مندان را چسبیده ام، ازین جهت خیف دانستم از شهری مانند بعضی که مرکز هنر و هنرمندان کشور بزرگ هند و تقریباً هالیوود شرقی است، بدون فیض

بردن و انداختن معلومات هنری برگردم، طبعاً این کرد شها و کسب معلومات هنری مدت زمان طولانی را ایجاب میکرد و من هم بی مضایقه حاضر شدم، این مدت را فدای اندوخته هایی هنری کنم.

س: خوب، البته این مطالعات منحصر به ملاقات با ستاره زیبای آسمان سینمای هند بود و هر لحظه بی که بایکی ازین آفات مفضل و هوش ریده بدیده باز ماندی یک انسا یکلوییدی نوبی از تو بوجود آمد؟

ج: یقیناً این وجهه احساساتی و شاعرانه مطالعات من است، معذراً هر یکی ازین ستاره ها در هر لحظه زیبایی و دلربایی، عالم بخش هستند و دارای یک استعداد سرشار در پیشه خود هستند.

س: به نظر تو هنرمندترین ستاره های هند کدام عا بوده و آسامی شان چیست؟

ج: به نظرم را جگپور، بلراج سمانی، کنبور ساهو، دلپ کمار، اشوک کمار، بروتی راج و جانی و اگر از جنس خشن، نرگس، مدهو بالا، نس، وی - جنتی مالا، نلنی جیونت، گیتالی، کانی کوشل نو باری، از جنس لطیف، سربر آورده گمان جهان سینمای هند بشمار میروند، البته این یک قضاوت هنری و شخصی خود من است و من هیچ گونه وجهه قطعیت و احتیاط به آن قایل نیستم.

س: نگاه شما از نقطه نظر زیبایی روی کدام

ج: شاید تاجیزی درین نباشد مردم از آن چیز هائی سازند، محبت و علاقه من به مدهو بالا یک - بقه چندین ساله دارد و تماشای فلم های محفل نازنین، ((خانم آفای ۵۰)) در تشدید و تحکیم این محبت سعم زیادی داشته و بعد هم همین عشق و علاقه به او محرک احساسات شاعرانه من شد و دیوانی در حدود ((ده هزار)) بیت در وصف مدهو بالا از طبع من بوجود آمد، گرچه علت اساسی مسافرت به هند طوریکه در بالا گفته آمد یک مسافرت هنری و ورزشی بود، معذراً آرزوی باز دید ازین محبوب و معشوق رویا ها و تخیلات نیز درین مرحله سعم زیادی داشت.

س: بعضی از جراید چاپ بعضی مثلاً اداکار آرزو و غیره ضمن راپورتاژ هاییکه از تو طبع کرده اند حرفهای نیز در مورد ملاقات تو با مدهو بالا و مطا لله خان بد را و بچاپ سپرده اند، چاک از اینکس مدهو بالا به ازدواج با توبی میل نموده، ولی پدرش دو صد هزار کله در هندی جمعیت مصرف عروس برای بستن زبان مردم از تولید انوا هائی اساس مطالبه کرده است، آیا این مطالب حقیقت دارد؟

ج: بی شک دیده ام مدهو بالا از نزدیک یک تضایی قلبی من بوده و بعد مدتی انتظار روکشش توانستم اوراد رفتارش که یکی از زیباترین مهارت حوالی بعضی است، ملاقات کم درین ملاقات از هر دری سخن راندم و طبعاً از دل بستگی و علاقه پی که بوی داشتم نیز سخن بمیان آمد، مدهو برخلاف

مدهو بالا وینوس شرق است

آنچه در زلم هاملاحظه میکنم یک د ختر خلق و محو است، بنابراین وقتی سخن بدینجا کشید، گونه هایش از شرم گل انداخت و در حالیکه نمیتوانست بمسوی من نگاه کند، گفت، برین موضوع بهتر است با یسد صحبت کنید، شاید راه حل درستی پیش پای تان بگذارد، ملاقات با مطا و الله خان نیز در استان دورو درازی دارد ولی مختصراً همان است که جریده آرزو و بچرا یسد هند نوشته اند.

س: و طبعاً تو این پول را نتوانستی تعمیم کنی زیرا سرمایه بی که با خود برده بودی یکی هنر و دیگری یک دل شوریده و پرورد بوده که ایسن دو نمیتوانست خان را اقناع کند و نه خان نمیتوانست بدان وسیله زبان دراز مردم را کوتاه کند.

ج: این قسمت را به اجازه تو مسکوت میکنم و امیدوارم طالب هیچ گونه توضیح بیشتر از آنچه میدانسی نباشی.

این قسمتی از صحابه بود که در مجله ننداره به طبع رسیده بود و کلکسیون مجله مذکور هم در کتابخانه عامه کابل موجود است، علاقه مندان میتوانند بقیه در صفحه (۱۱)

یک از ستاره های هنری مخصوصاً توقف میکند؟ البته ذوق و سلیقه خوانندگان را باید در نظر بگیرد.

ج: سوال ضد و نقیض و عجیبی میکنی، اول میگوئی نگاه خودت و بعد سفارش میکنی ذوق خوانندگان تو باید مد نظر من باشد، اگر این جنبه را رعایت کنم تا گریز سختی برخلاف آنچه دلم خواهد گفت، گفتم ام زیرا دل من و نگاه من فقط یک ستاره زیبا، طنازود لریا در آسمان سینمای هندی شناسد و من بیند که آنهم ((مدهو بالا)) وینوس شرق است، غیر از او هر کس هر کس را میخواهد برای خودش زیبا بگیرد ولی نه آنرا قبول میکنم و نه میتوانم تأیید نمایم.

س: پس چیز هاییکه مردم راجع به تو علاقه مفرط به مدهو بالا میکنند، زیاد بی اساس نیست؟

ج: مثلاً چه چیزها؟

س: مثلاً میگویند علت اصلی مسافرت توبه هند دیدار نزدیک ازین ستاره آشوبگر هند بوده و در چشم و کسب معلومات هنری که هم اکنون از آن صحبت میکردی، حرف مفت و بهانه بی بیش نیست؟

لی غم باش لالا

مدیر صاحب ، سزای قسوت
 ((ا)) گرم
 هفته گذشته ماره سرگردان
 ساختن ، ما آمدیم شمانودین ،
 خیالی دیدیم که چلو قد خوده
 گرفتیم که یک هفته شماره به خاطر
 صاحب صرف ساختیم ، آخر
 هم دیروز نامدم
 سرفرازان که این حرف ها را
 شنیده ، خنده ، تمسخر آمیزی
 کرده گت:
 بی غم باش لالا ، ما دیروز هم
 نبودیم .

بقیه از صفحه ۱۲۷
 شوهر من فلمدارک در من
 حال به حد بدبختی نگاران -
 تلخهون ایفای وظیفه میکرد ، یک
 روز بعد گویی را برداشته سزای
 سرفرازان که همان روز در شب
 بود تلخون کرده گت :

بقیه از صفحه (۷)

مصیبت اعتیاد

ج : همین شخړ صاحب به
 وابستگی مواد مخدر و رانمیتوان به زور
 و فشار تد اوی کرد با وجود اینکه
 تمام تسهیلات آرمایی موجود د
 باشد ، رضا و رغبت صاحب به
 تد اوی شرط اول تد اوی است .
 برای تد اوی معتادین باید برنامه
 های وسیع تبلیغاتی نیز در رنر
 گرفته شود ، نمایش فلم ها و نمایشنامه
 های تواند موثر باشد . برعکس
 فلم های تشویق کننده یک
 جایا مواد مخدره از طریق تاجران
 مواد مخدره خود اعتیاد را بیشتر

می سازد ، در برنامه تد اوی باید
 خانواده ها و استادان مکاتب
 و همروسه زیرط سم بگیرند
 یعنی منظور این است که اولاً
 برنامه و قایون داشته باشم
 نه معالجوی . بسیاری از صاحبین
 می توانند داخل پسترس شوند
 اغلباً دیده شده که انهمالاز
 طریق همبره های سابقه به مواد
 مخدره کشانیده شده اند .
 ج : طوریکه قبلاً گفتم تد اوی
 اجباری این انفراد مفید نیست
 معلوم کردن معتادین هم چندان

لیزاروی

بقیه از صفحه (۲۱)



نمایشنامه ((اودن نیست))
 بعضی نمایشنامه های تلویزیون
 و رادیویی نشعهای داشته ام
 - لیزارجان کونکه به آرزویتان
 نایل آمده اید و هنر پیشه سینما
 شده اید ، فلم جدیدتان کدام
 است ؟
 - فلم جدید ایکه من در آن
 نقش برارنده ام ، ((سفر))
 نام داره کارگردانی سعید
 ورکزی وهم اولین بار است که
 رضایت کارگردان را جلب
 کرده ام چون نقش یا کرکتریکه من

آنرا اجرا میکنم نهایت خوش
 آمده بود و از سؤتی شرح و کسار
 دقیق کارگردان و اعضای یونت
 فلمبرداری مناسب شد که من
 بهتر و خوشتر در قالب کرکتر سیرده
 شده قرار گیرم .
 - قرار اطلاع شما شاگرد ممتاز
 مکتب خود نیز هستید آیا به هنر -
 پیشه مگی تان ادامه خواهید
 داد یا چطور ؟

- یاد رایت و هوشیاری با سح
 داد :
 - از هنر ، هنر زنده مگی کردن
 را موختم ، نه تنها به درسهایم
 میروم بلکه در منزل با مسادین
 نیز کمک مینمایم و زمانیکه تسهیلات
 خود را بی پایان رسانیدم ، آرزو
 دارم ، در آسمان سینمای افغانی
 ستاره باشم ، آگاه و پردرخش ش .
 - ما شما این بیروزی را قبلاً
 تیریک میگویم .

به شعر جان میبخشد

بقیه از صفحه

- پلی شما درست میگوید من در حدود ۲ هزار پارچه
 موسیقی را دایرکت کرده ام .
 - وجه تعداد اشعار را دیکله کرده اید ؟
 - شاید در حدود دوصد پارچه بوده باشد .
 - پس در بخش دایرکت باید تسهیلات همه جانبه داشته
 باشد میشود از تسهیلات ثان بیروم ؟
 - نسبت مشکلاتی که داشتیم نتوانستم بیشتر از ۱۲ صنف
 تحصیل کنم اما در بخش دایرکت از طریق تلویزیون دایران یک
 کورس ۱ ماهه را تمقیب کرده ام .
 - در بخش دایرکت بن ویا مردم کدام یک مؤفق تراست ؟
 - به نظر من زن مؤفق تراست .
 - چرا ؟
 - زیرا که زن میتواند بخصوص در حوضه رنگ لباس و آرایش
 دقیق تر باشد .
 - میخواستم بیروم دایرکت آهنگهای استاد هوشی بوشو
 و سیمیا ترانه ، کار کدام دایرکتراست زیرا لباس و آرایش خواننده
 با فضای که خواننده در آن قرار دارد هم آهنگی تلم دارند ؟
 - کار من است .
 - پس به این صورت بیشترین ضرورت شما در تلویزیون است
 - فعلاً در خانه .
 - چرا ؟
 - مشکلات دارم .
 - در نظای مؤفق تراستید ویا در دیکله اشعار ؟
 - فکر میکنم شعر را خوبتر میخوانم .
 - گاهی بخارج از کشور سفر داشته اید ؟
 - بل در فنشویال و ادو رگاه ماسکو سفر کرده ام و یکبار هم سفر
 شخصی به کشور هند داشتیم که در ضمن پاکستان راهم دیدم .
 - فعلاً کدام پروگرام را پیش می برید ؟
 - پروگرام زن و جامعه را .
 - و در اوایل که به تلویزیون آمدید کدام وظایف را پیش
 می بردید ؟
 - از سال ۱۳۶۰ برای ۱ سال مدیر عمومی موسیقی تلویزیون
 بودم .

آیاتصادم زمین با ستاره

بقیه از صفحه (۲۹)

امکان مشاهده اثر و نشان این
 حادثه تیل از وقوع نبشند اجرات
 دفاعی در برابر آن اتخاذ میگردد؟
 یکی از شاگردان پروفیسور (پول -
 ساندرف) از وی چنین سوال
 کرد : چگونه میتوان زمین را از
 تصادم و آرهانید در صورتیکه
 هشت ماه به تاین وقوع این
 تصادم نمانده باشد ؟
 او پاسخ داد : اگر در اوقات
 انفجار ستاره به خارج فضایی
 میراث سیمون بکاربرد ؟
 بعداً ساندرف اظهار داشت :

دفع کردید که در نتیجه چهره عالم
 تغییر یافت ، زمین لوزه ها ، انفجار
 در کوه های بزرگ و توفانهای وقوع
 بیوست ، طبقات غبار سنگی های
 ضخیم یوز هوا را احاطه کرده و آن
 مدتی چند در همانجا باقی ماند و -
 حبابی در برابر اشعه آنتاب -
 گردید . درین میان به اثر توقف
 ترکیب نور هزاران هزار موجود
 زنده با مرگ مواجه گشتند .

برخی از دانشمندان معتقد اند که
 خطر تصادم زمین با یکی از ستاره
 های یک امر کاملاً حقیقی به شمار
 می آید لیکن میتوان آنرا کاملاً
 ضایل نیز کرد . طبق اعتقاد
 (شویسکر) ستاره ای که فوت -
 انفجار معادل هیرمز را دارا باشد
 امکان تصادمش در خلال صد هزار
 سال یکبار مت و راست . اما ستاره ای که
 متادل تو انفجارش فقط یک میگان
 باشد امکان دارد بعد از هری سال
 داخل یوز جوی زمین گردد .

انفجارات هولناک
 در سال ۱۹۰۸ برفراز جنگلات
 دور دست سایبها جسم طمعی با
 طاقت انفجار هایدروجنی دوازده
 میگاتن عبور کرد این حادثه سبب
 تولید امواج زلزله در منطقه
 تانکوسکا شوروی گردید ، اشجار -
 قطع و به سانه ، پنجاه میل دور
 انداخته شدند ، غبار و تند بساد
 ها مناطق وسیع دنیا را فرا گرفت .
 از همان وقت تا امروز از طماد رساره
 سبب این انفجار و شش ناحیه
 تانکوسکا سوال میشود آیا جسم
 مذکور رأس متلاش شده ، مذکور
 (یکی از سیاره ها) یا ستاره ، سخنر
 ایست ؟ گویی از دانشمندان با
 این سوال مواجه اند آیا در صورت

انتظار هرود اروپاییان سفینه
 ای راه ستاره (هستنا) که حوالی
 صدمیلیون میل از فاصله دارد -
 ارسال نماید . اینگونه ستاره ها
 به جای بدل خواهد شد که
 انسانها بتوانند در آن باشجاعت
 قدم گذارند و ما شاهد بیروزی
 انسان در زمته ، نسوم خواهیم
 بود .

ساختمانها سرپر آسمان

بقیه از صفحه (۵۱)

به مناسبت بازهای المپان توکو
 امارشاد . چنمین زلزله را از سر
 گذشتاند . در سال ۱۹۶۷ این
 یکبار به سکونتال یافت . دهن
 شهر اتن تلخون اوستانکو -
 بالارفع ۵۴۰۷
 متر امارشاد . این اتن تلخون
 جمعه ۵۵ هزارتن وزن دارد .
 در ارتفاع ۳۲۵ متر این اتن
 رستوائت واقع است که چن مخود
 این رستوائت منظره بسیار زیبایی
 به شهر مسکو نصیب مارجم -

گفته شد کاری ساده نیست
اداره ماصرف درحالاتی میتوانند
آنان راحت تدای بگیرد که
از جانب خانواده های شان
یا بطور داوطلبانه از جانب خود
شان مراجعه صورت گیرد .
س: آنانیکه بعد از تدای
معتمادمی شوند آیا بازهم چانس
صحت یابی رادارند ؟
ج : آنانکه دوباره بعد
از تدای به مواد مخدره روسی
آوردن کسانی اند که باز نخست
به زور تحت تدای قرار گرفته اند .

وطبعاً مصاب شدن شان بسیار
دیگر خطرناکتر است زیرا برای
ترک اعتیاد تصمیم و اراده قوی
و علاقمندی شخصی باید وجود
داشته باشد .
س: معتمادین چی نوع برابلم
هاراد مراجعه به میان میاورند ؟
ج : برابلم های ناشی از
معتمادین وسیع است .
از نظر جسمی خطرات جدی
بیماری های کشنده را بوجود می
آورد مثلاً بیماری های ریویم
و خطرناک جگر که از استعمال

مکرر مشروبات الکولی پیدا می شود .
خطر سرطان نزدیکانیکه عادت
به دود کردن دارند . بوی دهن
چنین افراد سبب از پتدیگران
می شود . زرق داخل رورسیدی
مواد مخدره زمینه انتقال و انتقال
مرض خطرناک اید سر برابلم
می آورد . حادثات ترافیکی ناشی
از همین موارد می باشد . از نظر
روانی نیز مشکلات بوجود می آورد
از نظر اقتصادی چنین انحصار
کاری کمتر داشته و باید شانرا
را صرف مواد مخدره می نمایند

طبعاً خانواده ایشان دچار
تنگدستی می گردد آنها بیشتر
اوقات خوشی را با دوستان همردیف
خود گذراننده اطفال شان از مهر
محبت شان محروم می گردد
گاهی اطفال شان نیز مصاب
به این موادمی گردد . تناسبات
خانواده کی آنها نامطلوب
گردیده سبب ایجاد جنگل و جنجال
ها بالاخره به طلاق و جدایی
منجر می گردد . انسانها ثروت
جامعه اند طبعاً انسانها معتمد
ازین ثروت کاسته می شود . رجای

زنده کی برای آنها محدود میگردد
بعضاً بخاطر بدهی است گورده ن
پول غرض خرید اری مواد مخدره
آنها مرگب جرم و جنایات
مختلف می شوند . حتی تا سرحد
قتل و زندی های بزرگ بعضی
اینکه برابلم ناشی از اعتیاد طیف
وسیع دارد که برای درمان آن
جهاززه بزرگ بکاراست چی ضم
مداران و اطفال مسووم
جوانان و سرانجام مصیبت یک
جامعه ناشی از اعتیاد به
مواد مخدره می باشد .

نقطه مرگ

بقیه از صفحه (۲۶)
کوبایی چنانکه سوطون عمر
را کوبند یاد میشود و شامل
۱۲ نیمی است که از نباتات
و حیوانات بدست آمده و هیچ
عنصر منومی کیمیاوی در آن وجود
ندارد . عبارتند از : عصاره
جمله سنگ پشت خاور دور ،
عصاره شاع کرگدن ، خسته
های نباتات *Armenacae*
Juulperus-Rioids
لبومی چینی ، خسته قیسی
و شنبه های که در کشور ما
نیز پیدا می شوند . و از روزگاران
پهلوی سینای بلخی مورد اعتقاد
قرار داشته اند .
از نامبرده برتنش بعمل آمده
که : آیا ممکن است که عمر را
طولانی ساخت ؟
اینگونه پاسخ میدهند :
بلی ، با قویه سیستم های
قبلاً ذکر شده ممکن است . زیرا
تضعیف فعالیت آنها باعث
بیری میگردد . طول عمر را
میتوان تا ۱۲۰ سال و حتی از آن
هم بالاتر برد . بالای اشخاص
بین سنین ۶۰-۷۰ ، که وظایف
تمام سیستم های شان تضعیف
شده بود ، تجاری انجام دادیم .

با تکفالت جنسی آنها از ۵۰-
۷۰ میقد کاهش یافته بود
توانستیم که آنها را با نرسدای
بحال نورمال برگردانیم .
برای اینگونه تدای عموماً
تطبیق دو یا سه کورس لازم است
قسمی که کورس از ۱۰ تا ۱۰ بار
تطبیق میگردد و تطبیق پیچکاری-
ها چند روز را در بر میگیرد
در حله اول پیچکاری ها در
نقاط فعالی صورت میگردد
که بیمار از آنها شکایت
دارد . چیز هم در تطبیق این
سیستم است که نقطه مورد نظر
جدت پیدا می شود . در
حالیکه در سوزن زن عادی
تقریباً ممکن نیست . داری تر-
ریق شده خود بخود زیر جلد
انتشار یافته و خود را به نقطه
مورد هدف میرساند .
کورس اول تطبیق پیچکاری
در ظرف ۳ تا ۶ ماه نتیجه
میدهد و نتایج کورس های
بعدی همتر و بهتر خواهد شد
سپس نظریه وضع چهار کورس
تطبیق پیچکاری
بعد از یک سال یاد و سال و یا
سه سال تطبیق گردد . بعضی
اشخاص در اولین تطبیق
پیچکاری صحت یاب میگرددند .
تلاش طبیعی کوریا به تزریق
دو نقطه لان طول عمر محدود
نمانده درصد پیدا کردن نقطه
مرگ نیز استند .
داکتر هونگ بیامون نقطه
مرگ چنین عقیده دارد : در یک
حیوان بزرگ بحری بنام

اوختاپوس یک چشم سوی نیز
وجود دارد که از آن هورمون
مخصوص بنام هورمون مرگ
ترشح می کند . هرگاه این چشم
سوی از بین برده شود آن حیوان
برای همیشه زنده خواهد ماند .
فرض کنیم که پسر شدن انسان
هم ، که معلول فرسایش اسج
و جرحه ها می باشد . از هورمونی
بنام هورمون مرگ سرچشمه گرفته
باشد . هرگاه بتوانیم ترشحات
این هورمون را زایل کنیم و یا
لااقل کاهش دهیم به جلوگیری
یا کاهش بروسه بیری نایل خواهیم
شد . همانطوریکه هر عضو
بدن یک نقطه فعال در روی
جلد دارد به احتمال قوی
هورمون مرگ هم باید نقطه
فعال در روی جلد داشته
باشد .
به نظر او این نقطه با لای-
خطی موقعیت دارد که بنام
خط طول عمر پداسی شود و از
گلو شروع شده پس از عبور
از سده و ناف به آلات تناسلی
ختم میگردد . بین ناف و -
استخوان جنسیخ نقطه
طول عمر ، که از قدیم ها
تصریف گردیده ، موقعیت دارد
مهمترین آنها نقطه چپانگ
است . داکتر هونگ نقطه
جدیدی را هم کشف کرده که ۲
تا ۴ سانتی به طرف پایین
ناف موقعیت دارد و بنام خود روی
نسی است در تحقیقات بعدی
خود تصمیم دارد که نقطه مرگ
را هم درین منطقه پیدا کند .

بقیه از صفحه (۲۶)
چو اند انسان را از نظر اشعه
ماورای بنفش حفظ کند .
درجهان حیوانات و نباتات چه
اثری خواهد داشت ؟
هنوز حوات راتما از ضلعین
سوی حیوان صورت گرفت . هرگاه
انسان بتواند خود را تا اندازه ای
از تشعشع محافظت کند . کی آن
حیوانات و نباتات اثر گذار نخواهد
نمود . طول مطالعه سطح حاصل دمی
حیوانات غیر نفاهی ۲۰ نمد حاصل-
خیزی بعضی نباتات ۳۰ نمد
کاهش خواهد یافت . شد تشعشع
ماورای بنفش امکان دارد نفا را بگونه
مناطق صنعتی و آلود سازد .
این امر ممکن نیست بهش از ۵۰ سال
صورت گیرد و نام در صورتی ثابت
ماندن انسان در برابر آن .
معلوم است در سالهای نزدیک
نگهداری این از خطر تشعشع اقداما
شده در نظر گرفته شده است .
آیا بعضی حی خوش بنامه شهاب
صل دانگنی شبه نیست که از -
بعضی مرض جدی او را بپنهان -
نگهدارد ؟
- گنگ های من نه تعابیهانته
های تجاری طی هبوط نام بلکه
بر تلیج پژوههای جهانی آشوار
است ، تجاری و آزمایش های چندین
ساله پروگرام انگلیسی مل متسد
(UNDP) سازمان مترو لوی ی
جهانی میانگرنان تطبیق است .
- از ده سال در هر پاییز بالان
قطب جنوب شکاف آزیوی پدیدار
مگردد ، طت چیست ؟
- در برابر این پرسش هنوز پاسخ
تفصیلت بخش وجود ندارد .
با نام
در زبته این فرضیه ها تمام گردید
است : شکاف آزیوی شاید زا ده
جهان کیمیاوی با حیوان دنیا کی
باهر روی آن باشد که بالان توصیف
صورت میگردد . بعضی هالین موضوع
را با اختراعات رقم حرارتی و همچنان
با اعمال شدن خوبید پیوسته
مدهند و هیچکس تا کنین به تشعشع
مناسب آن توجی نمانه است .

بقیه از صفحه (۲۶)
پژوهها و آزمایش های بیشتری در
کار است .
تحقیقات بشرک شیوی ، آلمان
دموکراتیک ، بلغاریا ، منگولیا ، کوبا ،
هند و ایالات متحده روی دست -
است .
- در سال حاضر چه پیمانه مواد
تولید کننده آزیون درجهان تولید
مگردد ؟
- تعدادی روی ساله در حدود
یک میلیون تن (۴۰ نمد آن در ایالات
متحده ، ۳۰ نمد آن در اروپا
۱۰ نمد آن در جهان و شیوی) -
تولید میشود .
تفصیلت نامده در
شیوی ، ایالات متحده و بعضی کور
های دیگر مواد الترفاتی آن تولید
مگردد .
- در کفرانس مونتهال چه مصامی
اتخاذ گردید ؟
- مصام حق قبل از آن در سال
۱۹۸۰ در هائیا هم اتخاذ گردید .
چنانچه طبق آن تحقیقات سراسری
جهانی رویدت گرفته شود در -
پروتکل آن ۵۰ کور اضافه کننده
تعدد هر دندک تولید مواد
تولید کننده آزیون راقطع نماید .
- تا چه وقت هکدام پیمانه از تولید
مواد ضربه قطع خواهد شد ؟
- در کفرانس مصم گرفته شده در
سال ۱۹۸۳ از تولید نوی رین ۲۰ -
نمد در سال ۱۹۹۰ به اندازه
۵۰ نمد کاسته شود .
- آیا کاهش های در نظر گرفته شده
کافی است و چرا تا ختم شده جاری
نمیشود کاهش بیشتر اند ؟
- هرگاه برنامه وضع شده تطبیق
گردید و تولید مواد تشعشع کننده
آزیون افزایش نیابد پیمانه تشعشع
تشر آزیون مایه نگاری نخواهد بود .
- با کور هلیک پروتکل مونتهال
را تا هنوز اضافه کرده اند چه معاطه
صورت میگردد ؟
- نظریه موافقه مونتهال تکلیفی
روسیل تولید نوی رین در اختیار آنها
گذاشته نخواهد شد . البته
مقتضین با مسازات جدی اقتصادی
سریزش خواهند شد .

رستورانت میشود .
اخین حرف تخنیک به شهر
توتوتو
کشور کانادا اطلاق -
میشود .
۱۹۷۵ دین شهر
برج بزرگ تلوهون با ۵۰۴ متر
ارتفاع خود انبزرگترین ساختمان -
جهان از نوع خود میباشد . در ارتفاع
۳۴۷ متری این برج رستورانتی
ک دارای ۴۷۶ چوک میسرایی
معانات بوده و واقع است .
معانات این رستورانت توسط لفت ک در کار

برج واقع است و اطرافش را شیشه
اسطه کرده انتقال داده میشود
معانات میتوانند از لفت به منظره
نمایا که به شهر توتوتو خواهد شد
لذت ببرند .
شاید برایتان غریب قابل قبول
باشد اگر بگویم که درجهان تا حال
دهبار از سرحد ۶۰۰ متری ارتفاع
تجاوز شده .
۱۰ دین دو ساختمان -
مرغج چارت انبازه های تلوهون
بوده که یکی در اراکت شدالی در

ایالات متحده امیکاکه ۸۸۸ متر
ارتفاع دارد و دومی پایه تشرامواج
رایجی دشر و آراسی پولند است
که ۶۴۰ متر ارتفاع دارد .
۶۴۰ متری فعلاً نقطه اخین را
گذاشته و ولی منتظر بلید بود که
از این حد ارتفاع چه گاهی به
اسمان ها نزدیک خواهد شد .
همین الان پیروز هادی نورکراست
که در صورت آسار آن ارتفاع هزار-
متری در نظر گرفته شده است .

ایالات متحده امیکاکه ۸۸۸ متر
ارتفاع دارد و دومی پایه تشرامواج
رایجی دشر و آراسی پولند است
که ۶۴۰ متر ارتفاع دارد .
۶۴۰ متری فعلاً نقطه اخین را
گذاشته و ولی منتظر بلید بود که
از این حد ارتفاع چه گاهی به
اسمان ها نزدیک خواهد شد .
همین الان پیروز هادی نورکراست
که در صورت آسار آن ارتفاع هزار-
متری در نظر گرفته شده است .

ایالات متحده امیکاکه ۸۸۸ متر
ارتفاع دارد و دومی پایه تشرامواج
رایجی دشر و آراسی پولند است
که ۶۴۰ متر ارتفاع دارد .
۶۴۰ متری فعلاً نقطه اخین را
گذاشته و ولی منتظر بلید بود که
از این حد ارتفاع چه گاهی به
اسمان ها نزدیک خواهد شد .
همین الان پیروز هادی نورکراست
که در صورت آسار آن ارتفاع هزار-
متری در نظر گرفته شده است .



جواد عبر چهره جوان موسیقی در بالخ

اولین بند بربق

مرجوری جویت بل نخستین امریکایی بود که در سال ۱۹۱۱- به کابل آمده و اجازه اقامت یافته بود (در ۱۸۸۰ پارک ملی بدریار امیردوست محمد خان رسید و بود.)

انجنیر بل توسط امیرحیب - الله خان برای تاسیس دستگاه برق آبی در جبل السراج استخدام گردید. هر چند برای یکسال - آند ه بود اما هشت سال زادن سر گرفت تا کارش تکمیل گردد.

کارها توسط فیل انجام میگرفت کارهایی از قبیل انتقال سنگهای بزرگ و اجسام سنگین فن و غیره چیزها.

سامان لوازم همه به پشت اشتر حمل میگردد. البته این سامان آلات از مالک خارج چون هندوستان و غیره همه بواسطه اشتر و فیل حمل میشد. بد در سال ۱۹۲۵ از میان رفت. یادداشت های او زیر عنوان:

انجنیر امریکایی در افغانستان در سال ۱۹۴۸ از طرف یونیورسیتی منوسوتا منتشر گردید. این کتاب که شامل ۳۳۵ صفحه است مشتمل بر نکات دلچسپ درباره وضع مردم افغانستان در آن روزگار است.

مخاضل خوشی میخواهم و هیچوقت هم مانع دروسم در یوهنخی نیباشند. میخواهم در آینده هم در تعلیمی رشته بی که تعجب مینمایم به حیت آواز خوان باقی مانم و زیاد میکوشم نرفروش نباشم.

وی در مورد سوال دیگر گفت: در مورد انتخاب شعره، کمبوز و تلفظ کلمات خودم سعی بنده گم ام راه خن میدهم و از اهمل ادب کک میگیرم همیشه دیوان غزلیات شمس تبریز را میخوانم و میالم به اینکه حضرت مولانا جلال الدین محمد بلخی به دیار ما تعلق دارد.

می پرسیم آیا آهنگهایت از عشق رنگ می خورد؟ میگوید: تا حال عاشق نشده ام، اما زیاد میکوشم آهنگهای رنگی داشته باشم تا طرف قبول واقع گردد. به امید موفقیت های زیاد و رقابت های سالم جواد عمر در ساحه درس و هنر وای خدا حافظی مینمایم.

زلمی

از خود بکنم که خوشبختانه طرف تایید فرار گرفت. و از آن روز به بعد به تقلید از جوانان آوازخوان گاهی شرقی و گاهی هم به سبک غربی میخوانم، اما زیاد میکوشم غزل خوان باشم زیرا دوستانم به این عقیده هستند که غزل را خوب تر میخوانم از همین سبب است که به صدای فرهاد دریا بعد از احمد ظاهر علاقه مندم.

جواد در مورد سوالی گفت: در شهر مده تن دیگر از هنر - مندان آوازخوان هنرنمایی دارند که به همه شان احترام دادم و میکوشم رقابت سالم باهم داشته باشم. خودم گروه هنری تشکیل دادم که در -

در شهر مزار شریف هنرمند بر آوازه بی محاضل خوشی شهریان دیار مولای رانگیر، سرمی سازد که صدای خوب، گم و گبرایش شنونده. گانی دارد، او جواد عمر نام دارد و محصل یوهنخی ادبیات یوهنتون بلخ میباشد.

خواستیم با وی صحبت کوتاهی داشته باشم، میگوید از مدت پنج سال به اینطرف نظره علاقه خاصی که داشتم به موسیقی رو آوردم، آواز هنر - مندان خوب را شنیدم و روزی جرات نمودم عقب ارمونیه بشنم و صدای بی

مردها نخوانند

بقیه از صفحه (۶۴)
مقدار شرح بیسن
۲۲ تا ۳۰ نیمی وجود
شان در تغییر است.
در آنهایی که به دوش
عادت کرده اند، شحم
بدن شان تا ۷۰ درصد
پایین آمده میتواند.
درین صورت از آنجا
که مقدار استروژن کم
است، بنا به درجه
پایین تر شدن

سطح رحم میتواند که زمان کوتاه
قاعده کی را توضیح کند.
چنانچه دم عبارت از این است
بودن سطح هورمون
(Luteinizing Hormone)
هورمون که از غده های مغز
تراش میشود، سطح آن در زنانی
که به ورزش دروس اشتغال دارند،
پایین است، بلند رفتن بیکاره کی
این هورمون به خاطر خارج کردن
تخمه از تخمدان در نیمه دوره -
قاعده کی ضروریست، خارج کردن
تخمه از تخمدان به گونه عادی
علت به وجود آمدن دروس از جنرا
در محل تخمه خارج شده از تخم
دان است که هورمون دیگری را به
نام پروجسترون میازد. کوتاه
اینکه مقدار کم هورمون LH
معنی آن را میدهد که تخمه در-
تخمدان به وجود نمی آید، بنا

در تخمدان پروجسترون وجود
ندارد که در نتیجه زمان قاعده کی
تعمیق می افتد.
پروژسترون دالون در اینجاست
وجود می آید که آیا به تعویق
افتیدن قاعده کی خطری دارد و
یا خیر؟ ما هم میدانیم، دیده
شده است که استروژن برای
محافظة استخوانها در زنان
ضروریست، پایین آمدن ها کاهش
استروژن بعد از توقف قاعده کی
به نرم شدن استخوانهای انجامد،
مطالعه آنهایی که به دوش -
اشتغال دارند، نشان میدهد که
محتوات منزالی ستون فقرات شان
کتر از آنهایی است که به دوش
اشتغال ندارند.
مادر مورد خاصی قبل از صحت
کردیم که شجاعت وی بعد از مادر
شدن تهنه اثبات رسیده است.
روانشناسان و دوکتوران تلاش

کرده اند تا این پدیده را توضیح
کنند، در زمینه چندین نظریه
وجود دارد، نخست اینکه یک
زن که تحمل شدیدترین درد -
یعنی درد هنگام ولادت، را -
دارد، میتواند در اثنای
تولید باین خود فشار را تحمل
کند، زیرا با این خود اطمینان
تحمل درد را دارد، دوم اینکه
زنی در اثنای اجزای تخمین شاید
کمتر خود را ناگهانه محکم
گیرد تا به زنانه کی اش آسیمی
نرسد، ولی بعد از زاده شدن
میتواند سخت تر تربیت گردد، -
نیز از آنجمله امتحان زنانه کی خود
را گذشتانده است، سوم اینکه،
تغییرات هورمونی در اثنای حاملگی
امکان دارد که اندازه حرکت
پایه را در اثنای دوش تحقیر کند.
بالاخره چنین مطرح گردیده که
هورمون پرولکتین که بعد از ولادت

تولید می شود در فعالیت میکند،
تا تغییرات موثر روانی را با اثر
مقاومت دارد که تا اثر آن مد
نیادی دوام میکند.
به اصطلاح نوروردن میجاد
زمان حامله کی خضرانات است،
ولی در آنهایی که متواتر به دوش
عادت دارند، تندرست اند و تکلیف
هایی مانند فشار خون را ندارند،
خطری به دنبال آن نیست، در
ایالات متحده آمریکا بسیاری زنان
تا روز ولادت به دوش ادامه
میدهند.
کدام تخمینها را باید از زنان
انجام بدهند؟
در پاسخ باید گفت که هر
نوع تخمینهایی که خواسته باشند
پیدا گردی، دوش، بوگاها
ورزشهای دیگر، ولی مهم این
است که از آن لذت ببرند و بهسر
مقد شوند.

جهان بعد از قاجار ...

بنیة ازمنه (۷)

ارکانهم خای زنده را از شمع ماورای بنفر مغز - نگه دارد در اثر
پرتاب، تومار آتشین ناشی از انفجار تخمیر خواهد شد.
شمع ماورای بنفر که زمانی محروم و انگیزه زندگی روز زمهرن
گردیده میتواند بعمان بمانند موجبات نسبتی آنرا نیز فراهم کند، این
شمع خرمه کوبنده بی را خاصیت پرورد ایثاروار خواهد ساخت.
چنانچه اکثر ارکانهم خای یک حجره وی را که حلقه صده بی را در
زخمیر غذایی موجودات بنفر - تشکیل میدهد ازین خواهد برد، و
بدین ترتیب زخمه محو نابودی سایر حلقه های زخمیر را صادر خواهد
ساخت، نه تنها در اینها تا ازین خواهد وقت بلکه شمع ماورای
بنفر مالیکول های را که مشخصات ژنتیک مربوط به انسانیت
تخمیر خواهند نمود، در قسمت سلولها تکمیل پوست یا پیرهای شان
در برابر شمع سیر گردد ولی قادر نخواهند بود چنان شانوار -
امان نگه دارند جهان بسوی ناپیدایی خواهد رفت.
میلیونها پرند گان و جانوران ناپیدا در جستجوی آب و دانه سر
گردان خواهند بود و انسان قادر نخواهد شد با آنها کمک کند زیرا خوش
نیز در وقت شباهی قرار خواهد داشت، نیکولو بوچکوف، دانشمند
ژنتیک آکادمی علوم خلی اتحاد شوروی واقفیده، بر آنست که در جیوسن
شرایطی معلقه نخواهد بود تکثیر بشری را از نگاه ژنتیک ها ادامه
پروژه تکامل انظار داشته باشیم، این پژوهش شمع مواد را میسوی
اکتف تحولات نهادی را در تمام مایکروارگانهم خای بازمانده، نباتات
و حیوانات بشمول انسان بوجود خواهد آورد، جراثیم کاملاً بی ضرر
خضرات مرکب از رامتوجه انسانها خواهد ساخت.
مازیه بران، مکتب تفویر بازمانده ژنوفیت تکثیر را بعلت اینکه شمار
آنها به بحرانی تهن سطح پایین کاهش خواهد یافت، از دست
بدهند، نه تنها اختلاف ژنتیک به حداقل خود کاهش خواهد یافت بلکه
جلوگیری از خت گهمی با همی غیر ممکن خواهد بود در نتیجه خطر -
تغییرات نهایی ظاهر خواهد گشت و به این معنی است که بشر در
طول دوره، تکامل خوشی بدوش گیده است عوامل جدیدی که یقیناً
نیل بشری راه سوی نیستی خواهد گشاده، امانه خواهد شد.

فردین موزیک

انواع مختلف کسهای
موسیقی افغانی، هندی و غربی را
به علاقمندان موسیقی پیشکش مینمایند
آدرس: مارکیٹ جمہوریہ

خوله د ن ه د مخه فنی مرستیال
به جوکی کینه اولی و - اداری
مرستیال جی د نه جوکی بی د
خان منلی حق باله به خیل
بخوانی د نترکی بی دریاست
بول صلاحیتونه به خان بسوری
وتول - له بیل خوا اداری و
فنی مامورین هم له د وید و پرو
تخه کم نه وو - حکه جی د یوتن
به ریبر کید لو سره د تولو به
جوکی او بیستونکی تغییراته
که - حیره فنی مرستیال ریبر
شوی وای نو د فنی خانکی د -
بخوجا کولانو د تیره کولو عیسی
مد برد فنی مرستیال جوکی او
بست تر لاسه تابه او د هغه
مرستیال ته به خبله د عیسی
مد بریت جوکی وریاتی و - حس
به دی پول ترورستی مامور
جوکی د نه حق خیل حقدارته
رسیده.
د عری وخت و جی د لور مقال
له خواد سر برست ریبر مکتوب
د ارشیف مد بریت ته را رسیده.
مکتوب مخکی له دی جی به خبله
د ارشیف مد بری و کوری د هغه
مامور باکت حرسیری کی یو او د
مکتوب متن بی لوستی و - کلمه

جی د ارشیف مد بر مکتوب دیوست
له مکتوب سره یونای بی د خیلی
ایمانه کاری بینشهاد هم له میز
خانی راه اخست ایه د اس حال
کی جی د درایت خندان به
شونو و خبره و - د اداری بر -
ستیال د د نتر به لور و رو خوخید
(لوستونکی دی د خوشیسیو
له باره یوست موزیک و فز وی)
نصاق: د رنولوستونکو (ناسی
خه فکر کی جی به مکتوب کی به
خه لیلی وی - د ارشیف مد بر
دخه شی له باره د خیلی ایمانه
کاری بینشهاد له مکتوب سره
یونای اداری مرستیال ته یور
ایمانه ارشیف مامورین له خیل
مد بر خده مخکی بی مکتوب
لوستلی و فنی مرستیال به له
موضوع خبر کی آوکه نه، او هم
داجی دریاست جوکی به د خا
به تعیب وی.
دا هغه بویشی دی جی د
برله بیس داستان به دریمه
اوروستی برخه کی جی به را -
تولونکی که کی به خبره شی حل
کند و نکی دی - اور نو د خدای
به امان - روغ او حوین حاله
اوسسی.



موکیش

از دنیای مود...

(بقیه از صفحه ۵۰)

شهرت را با خود همراه ندارد. هر (ثبت امان) (رگبی گانکر) آسمان سینما را می‌تواند بپیمود.

در سینمای هند، مودل های فراوانی مرخص وجود کردولی به عدم توفیق خود واقف دیدند. اما در این مجبوره ((سنگیتا جلالی)) نام پر درخشش و استیلا کاشده ایست که از دو سال برسوگن موفقیت ششمه مهر قلمرو سینمای هند حکمفرمای می‌کند.

او از مدت‌ها به این سوقاضای فلما سازان راست‌درد می‌کرد برای اینکه علاقه بی چندان برای بازی در فیلم ها در خود احساس نمی‌کرد و از جانب دیگر نمی‌خواست از زینت اصلی اش که سخت به آن علاقه مند بودتجاشی کند. چه او از اتصال به این طرف یگانه مودلی بود در عرصه نمایش لباسهای که مودم او را ((چراغ)) - خطاب می‌کردند و در این دایره از شهرت فراوان پر - خورده بود. ولی سرانجام به نام سینماگران افتاد. در جهان فلمبرداری فلم ((قاتل)) که تمهین یک رقص رابا ((انیمه پنچولی)) منمود، در گرو صحت شد و در برابر یک سوال گفت:

((به پیشنهادات و تقاضاهای سینماگران ظهور در پرده سینما کوچکین علاقه مندی احساس نمی‌کردم برای اینکه در قبال کارم به عنوان ((مودل)) شهرت، مصیبت و ثروت فراوان حاصل بود از اینسرو مودلی نبود که مرابه سینما متقابل بمادول حلالا دیگر شده که شده)).

((سنگیتا)) نهایت پاکیزه، نظیف، خوش لباس و خوش ترکیب است که در برابر هر سوال با کساد و دهی و تواضع لب به سخن می‌گشایدولی هر گاه در مسایل شخصی او سوال دویزنده، آن وقت مثل کرم ابلهش که خودش را در تارهای باهک تنیده اش سخن می‌کند، او هم خودش را در لابلای حرف ها، کلمات می‌پیچاند.

هنگامیکه ((جی، پی، دت)) یکی از کارگردانان مشهور، پیشنهاد بازی را در فلم ((هتیار)) به عوض ((دمیل کادیا)) به وی نموده، او از توسن فروری بکتر فرود آمد و این نقش را بیدهنه پذیرفت در حالیکه تا قبل از آن هر نوع پیشنهاد را قاطعانه رد می‌کرد. انگیزه این پذیرش را ((سنگیتا)) این طور توجیه می‌کند:

((نزد من)) (دت صا حب)) یک کارگردان توانا و آگاه است از اینرو پیشنهاد او را احترام گذاردم ولی تصور نمی‌کردم که بعد از این پذیرش، در موقعیتی قرار می‌گیرم که حساب تراراد های بازی در فلم ها برای شکل شود و کار و بار فلم سازی در قلم هام شکل تر از آن.

در حال حاضر ۲۴ ساعت در شفت های منتظیف صرف استم برای بازی در فلم هاییکه تراراد آنرا قیلا بدون سنجش اضافه کرده ام. شما باور کنید در این اواخر در عرصه فلسفی که قرار داد میشود، دهکی آن پانزگرا اول من انتخاب میشود تنها با ((سنی دت)) و ((متن چکورتی)) هشت فلم در دست تهیه دارم.

بقیه در صفحه مقابل

بقیه از صفحه (۲۱)

سرانجام آهنگ در کوشش نخستین، بدون آنکه ضرورت به باز خوانی بیافتد، ثبت شد و در فضا میلودی ((راگ درباری)) (دل جلتاهی توجلی دی) پیچید. عمه موکیش را با سیگل عوض گرفتند و ((انیل بیسواس)) به موکیش توصیه کرد تا زمانی که قسا در به کسب هویت مستقلانه در آواز خوانی شود از سیگل بجزدی کند. این آهنگ موکیش را به اوج شعسرت رسانید.

تمرینات اساسی زیر نظر ((جگه نات)) به آواز موکیش نریش ضروری را برای سرودن میلودی های ریتماتیک داد. اکثر آهنگهای راکه در آن زمان خوانند بشهرت رسیدند، ولی آواز ((پ))، موکیش از عبق گلپوش اداه میگرد، بطوریکه قسمت های حزن آلود آهنگ مطول شده غم ازان میتراود. ادای آوازهایی طولانی یک بدیده نسبی است، ولی در مقامیسه با سایر آواز خوانان، موکیش توانایی محدود در کشیدن چنین آوازها را داشت. در بسیاری حالات حین ادای آواز های طولانی صدا را بیشتر از طریق بینی اداه میگرد، لکن اینها را کمپوزر ها به اغراض مینگر بستند و راضی بودند که موکیش را نسبت به عکس دیگری دارند.

((شیورا جانی سلوا)) نقش اساسی را در شهرت رسانیدن موکیش بازی کرد. شهرت او بین سالهای (۱۹۴۸-۱۹۵۱) زمانیکه نزد یک به یکصدوسی آهنگ را در ظرف چهار سال سرود برفق آسایود. بعد از لحاظ تعداد آهنگهای موکیش به رکورد مواجه شدند. چنانچه در ظرف هفت سال مابعد یعنی تا (۱۹۵۸) وی پنجاه و پنج آهنگ سرود که خوانند نهایی فلمهای ((اه))، ((سری ۴۳)) و ((ده هوماتی)) از شهرت نوی العاده برخوردار شدند. فلم ((معضوفه)) شاید یکی از بدلا- یل این رکورد باشد، زیرا برود یوسر فلم با موکیش به توافق رسیده بود که تا پنجایش گذاشتن فلم ((معضوفه)) او نیایست آهنگ تازه برای فلم دیگری میسرود. فلم ((معضوفه)) که در (۱۹۵۳) به نمایش گذاشته شد، زمان طولانی را در برگزنت تا تکمیل شود. با استفاده از همین فرصت رفیع و طلعت سبقت جستند، در سه سال (۱۹۵۰- ۱۹۵۴) رفیع دو صد و شصت آهنگ و طلعت بیشتر از یکصد و شصت آهنگ خوانند. دلیل دیگر در این رکورد شاید ترجیح کمپوزر های مورد علاقه موکیش مانند ((روشن))، ((انیل بیسواس)) - ((شنگر- جکشن))، ((راتی)) و ((نوشادا))

به دیگر آواز خوانان بوده باشد. دلیل هر چه بوده موکیش از پس این اجماعات باشایستی با آهنگهای فلم ((یهودی)) در (۱۹۵۸) بد ر شد. بازیگر قلم ((یهودی)) دلپ کمار که همیشه در - فلما آواز های طلعت و رفیع را با سنگ می‌کرد اصراوی و وزید که قبل از اجرای آن از شنونده ها نظر خواسته شدند. شنونده ها عمه با اتفاق هم به موکیش ارج گذاشتند.

وقتی ((بعالت رام)) و ((رام چندرا)) موکیش را رد کردند وی خم به ابرو نیاورد. به موکیش هیچ چیز بیشتر از یک آهنگ خوب که منظم مانند - نظم عقربه های ساعت سر و اهش می آمدند، ارزش نداشت.

با گذشت زمان کهنه کاران جهان موسیقی هند یکی پس دیگری یاد شدند. وقتی موکیش آهنگ ((الوداع الوداع)) را در (۱۹۶۰) سرود در واقع وداع اشک الودیا ((انیل بیسواس)) و ((موتی لال)) بود که برای آخرین بار کار مشترک شانرا انجام دادند.

با انکشاف وسایل تکنیکی در سینما، موسیقی در فلم هانیز مد رتیزه شد و آرکسترهای کلان با آلات جدید موسیقی بکار گرفته شد ولی موکیش مثل همیشه بدون تغییر همانطور ساده و بی تکلف باقی ماند. آهنگهای زیاد با موسیقی دایرکتوران چون ((لکشمی کانت- بیاری لال))، ((سلم چودری))، - ((کلیانجی- اندجی)) و دیگران خوانند که برخی از این آهنگها با لطف خوشی که دارند ماندگار شدند. زیاد ترین آهنگهای رابا ((کلیانجی- اندجی)) در فرستی خوانند که آنها در آریسه بهترین نمایشان فرار داشتند.

یک دهه پس از مرگ موکیش به این واقعیت متوجه می شویم که این تعداد آهنگهای موکیش نیست که اسطوره او را جاویدانه نگه داشته است بلکه این صمیمیت وی آلیشی آهنگهای او که آنگه باغ اند دلیل جاوید انگی آنهاست.

وقتی معجزه موکیش را به ارزیابی میگیریم تا قبل اعمیت است بخاطر بیابرم که مانند آهنگهای سینگ وینک ملک یکصداد زیاد آهنگهای حزن آلود موکیش مستقلانه بدون ذکر نام کمپوزر ها و با لقم هاییکه این آهنگها برای شان سروده شده اند، در آن ها شنونده ها باقی مانده اند و آنها را محفوظ می سازد، و این به نوبه خود سیاس و - امتنان به خواننده بی است که آوازش قدرت تداومی خاطرات شاعرانه روز گاری را دارند که نمران سروده شده اند.

آشیان بزرگ ترمیت‌ها



بزرگترین آشیان ممکن
ترمیت‌های استرالیاراداشمندی
بنام ستین بیوان در جنگل‌زاری
که در ۱۷۰ کیلومتری داریسین
موقعیت دارد کشف نمود.
ارتفاع این ساختمان بزرگ
به ۶،۷۰ متر و قطر محیط آن به
۷۳۳ متر می‌رسد. این آشیان
آشیان عظیم دانشمندان این
ساختمان‌ها را چنین مسمی
نموده‌اند (چهار میلیون ترمیت
زاد خود جاداده است. آنها
شبه مورچه‌گان در یک نظام خوب

ما زمان یافته، حیات بسرمیرند
حتی در مناطق، شهرهای نیز
از این ترمیت‌ها وجود دارند.
دیوارهای ساختمان‌های بعضی
از این انواع به حدی محکم ساخته
شده که تخریب شان تنها بوسیله
ابزار خیلی قوی میسر است و پس
این حشرات همه چیز را می‌خورند
و این کارسالیانه ملیونها خساره
وارد می‌نمایند.



ازینجا و از آنجا

بازی با تسترین

هر دو زمین شخس بازی با ترس
و انجام داده است. از تحقیقی
که در شهر هامبورگ آلمان
فدرال صورت گرفته، روشن
میکرد که چرا تعداد کثیری از
زنها در مغازه‌ها به دزدی می
پردازند. «نورا» برهنه چیره‌گی
یافت و هظر را در جیب پنهان
کرد. «اقترا» ویژه و تهیه یک
زنی است که در فروشگاه‌ها به
دزدی می‌پردازد.
برودن اجناس گسترش
نیاید و طوریکه تازه ترین آمار
نشان میدهد (۲۰۰۰۰۰) -
مرتبه در سال، باشندگان
آلمان فدرال دست به سرقت
اجناس مغازه‌ها می‌زنند و این
تعداد فقط انعامی را در برمی
گیرد که ابتدا بدستگیر شده‌اند.
طوریکه تجارت‌برچسبون
فروشی وانمود کرده، تعداد
واقعی انعامه‌الی بیست برابر
بیشتر از عدد فوق الذکر است.
از برهنه‌گانی که در
شهر هامبورگ بعمل آمده، هر

دو زمین نفر معترف به سرقت
چیز شده‌اند.
رغبت بیشتر در دزدی -
اجناس از قبیل، عطریات، لوازم
آرایشی، زیورات، ریکاردهای
موسیقی، فرآورده‌های چرمی
والیسه‌سود ریز که ویژه مسورد
بمسند خان‌ها قرار دارند، دیده
می‌شود.
رواقعا خانها، با وجود
اینکه در مقایسه با مرد ها کمتر
مرکب جن می‌شوند، به اصطلاح
در بالا رفتن دزدی مقام اول را
احراز می‌نمایند.
در اطری منتشره وزارت عدل
ریاست نورد این وست فالن آلمان
غرب چنین آمده است: ((در
دزدی مغازه‌ها زنان و مردان
نسبت ۱- را بخود اختیار نموده
که عدد بزرگتر مربوط زنان است))
علت آن چیست؟
روانکاری از دوسلدورف بنام
داکتر هانس یواخیم شوین،
هرمون‌های زنان را مقصر شناخته
و می‌نویسد: ((عقده و گزنگسی
های روانی در رابطه غلیظی
با اختلالات غده‌ای قرار دارند
که در مراحل نوجوانی (۱۲ -
۱۶ سالگی)، قلعه‌گی، حمل

و یا سال‌های مینوز به طعمسور
می‌رسد.
ولی همچنان انجماد زنده‌گی
جنسی نیز اسباب بدیده کلیتومان
(عقده و گزنگسی روانی) را فراهم
می‌آورد. ((
منتها مرد هان نیز می‌توانند
از نقطه نظر زندگی جنسی منجمد
باشند، پس چرا آنها دست
به سرقت نمی‌زنند؟
روانشناس هامبورگی بنام
زیله ویبر در پاسخ می‌گوید:
زنها بیشتر ناخوشی بوده و کمبود
عاطفی و جنسی رایج و عیاشی
در آن احساس می‌نمایند، در
حالیکه مرد هانندت عاقل‌امو -
خته‌اند که چگونه عواطف خود
غله حاصل نموده و مانع بروز
آن گردند. مرد هان بیشتر بیماری
های جنسی مبتلا می‌گردند. ((
نیاید از نراند اخت که
زیودن یعنی دزدی رعایت -
خاطرمی بخشد. در جریان
دزدی انرژی تشنج روانی از او
شده کشیده‌گی و گزنگسی انباشته
شده از میان برداشته می‌شود.
و بالاخره انگیزه رعب و وحشه
که از ناگرایی ترس‌میان می‌آید
با احساسات لذت‌آور جنسی
می‌تواند ارتباط داشته باشد.



از دنیای مود...

بقیه از منحه مقابل
در خصوص اینکه در بیست‌فلسی که ((امتا به))
فعلا روز آن کار می‌کند، دزدی از آنها، نام ((سنکیتا))
خوانده نشود و مطلب قابل توجه است:
نخست اینکه هنرپیشه‌ها از تازه‌کار به قدری
صروف‌اند که هر یک از آنها از بیست تا سی فیلم در وقت
قرارداد دارند که مابه‌انصراف فلان سازمان از آنها
میشود.
دو دیگر اینکه ((سنکیتا)) انقدر جوان و شگفته است
که همبازی شدن آنها ((امتا به)) هیچگونه
ظرافت هنری را ایجاد نمی‌تواند.
مگر در هر صورت ظاهر این دو، در پرده فیلم
انقدر هابمید از امکان نیست. ((سنکیتا)) در این
مود می‌کشد:
((آرزو دارم به عنوان یک بازیگر خوب مقیم
برای خود کماش کم و بیش طرز تلقی که، می‌کنند
(مودها)) هنرمندان خوش‌آزای در نمی‌آیند و
خط بطلان بگم تا دیگر گفته شود که ((مودها))
مود اند و جسم‌های غیر متحرک را مانند
اگرچه در فلم ((هتھا)) ظاهر شدم ولی فلم
اولی من ((قاتل)) است که بی‌صبرانه منتظر مکرر العمل
مردم در برابر هنرمندان ام می‌باشم.
داستان این فلم پر از فواض و چیدگی‌های بیست
که از لحاظ اصطلاح سینمایی می‌توان آنرا گفته از
(سنس) خوانند.))
به عقیده ((سنکیتا)) بین هنرپیشه‌گی و مودل
بودن چندان تفاوت قابل ملاحظه وجود ندارد.
او می‌کشد: ((بین این دو حرفه، یک تفاوت کوچک
موجود است و آن اینکه در نمایش لباس‌ها یک محصول
به معنی فیزی قرار می‌گیرد در حالی که در سینما
تخیلات یک نموده، خلاقیت کارگردان، مهارت
کامه بین به صورت یک مجموعه توسط هنرپیشه
موضه میشود.
اگرچه در فلم‌های هندی رهنموده نقش حساس
برای یک هنرپیشه، به ندرت محسوس میشود ولی
تلاش خواهم کرد تا چنین نقش‌هایی را در بایم.))
((سنکیتا)) فعلا حدود پانزده فلم در اختیار
دارد که آنها را طی یکماه اول سال محسوس قد نموده
است.
اگرچه در این‌واخره داستان مشقی ((سنکیتا)) با
(آلیسان) روی نماند ولی او موع را اینگونه
جلوه میدهد:
((در زنده‌گی من فعلا هیچ مردی سایه
ندارد. اگر کسی نایبانه به من مشق می‌ورزد
مرا دوست میدارد باید تا زمانی انتظار بماند که
به آرزوهای که در قبال بازی در سینما دارم موقانه
نایل آیم.))

بدنیست اگر بدانید

بیشترین ورزشکاران هنگری در تیم های خارجی عضویت دارند، همین اکنون ۱۸۰ ورزشکار هنگری در کلوب های مختلف ورزشی چهار قاره جهان ورزش می نمایند، که بیشترین آنان را فنبا لیستها بعد از هند بالران، والیبالران، بیسکیت، یانک بازان، وواترپولو تشکیل می دهد، و ۷۰ فیصد از عایدات ورزشکاران به کلب های مربوطشان در هنگری انتقال داده میشود.

XXX

الینیت معروف ایتالسوی نخستین انسانیت که ۱۴ قله کوه یورست را فتح نموده است، او در نظر دارد قله ۸۵۰۱ متری یورست را تا قسمت جنوبی تسخیر نماید، تا حال هیچکس قادر به چنین کارنگردیده است. ورزشکار ۴۳ ساله به خبرنگاران اعلان نمود که در سال جاری در کوهنوردی بگرنیز او را همراهی خواهد نمود.

XXX

فدراسیون بین المللی باسکتبال بزرگترین مؤسسه ورزشی جهان است که ۱۷۲ کشور عضویت آن را دارد و در آینده قریب تیم های باسکتبال بعضی کشورهای دیگر چون تانکسو، موناکو، ایسلند و بعضی کشورهای دیگر نیز جدیداً عضویت خویش را در کمیونیکس فدرترکیزی اعلام نمیدارند.

فدراسیون وسیع و بزرگ است که در سال ۱۹۱۱ ابا بره انداختن مسابقات السب از صدمین سالگرد خویش تجلیل بعمل می آورد.

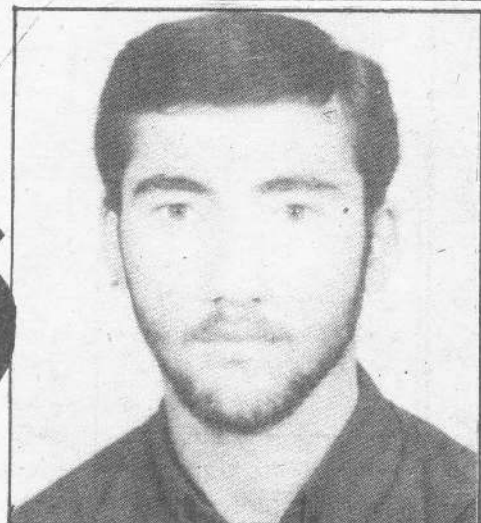
زمینه والیبالر

* زمینه ورزشکار مکتب نمبر ۱۴ مکرویان :

تمرینات ورزشی ما پیش از وقت درسی میباشد و باعث عقبمانی دروس مانی شود، در فستیوال جوانان و تورنمنت های بهاری و خزانسی مکتب ولیسه های دختران جای اول را کسب نمود، ام مشکلات عمدتاً مانع بودن میدان و لوازم سپورتی میباشد، معلمان ما نسبت به سپورت اهمیت خوب ندارند با ما برخورد نادرست می کنند که شاگردان تنبل و بازیگوش هستیم، غرض بهبود وضع ورزش به مشکلات ما رسیدگی صورت بگیرد، و در زمینه تهیه لباس و عصریسه ورزشکاران را کمک نمایند.



ورزشی



قوی ترین

مصاحبه از منیره

ناصر هوتکی ورزش

در ۱۱۳ آن سیک بومسه و در ۱۴ کشور سیک هیانگ رایج است. در تیم کواندو به عکس سایر ورزشهای رزمی مانند کاراته و کانگو ۸۰ فیصد حرکات روی باها استوار است و هر ضربه یا قدرت معادل پنج ضربه دست را تولید میکند.

در کشور ما شمار زیادی از جوانان به این بازی روی آورده و کلب های ورزشی آن را ایجاد نمودند. استاد تریگرکپ ((تی کواندو سو-سه)) محترم عبدالناصر هوتکی است.

خواستم تاباوی بیرامسون کارش صحبتی انجام دهم، موصوف چنان شخصیت گیرایی دارد که

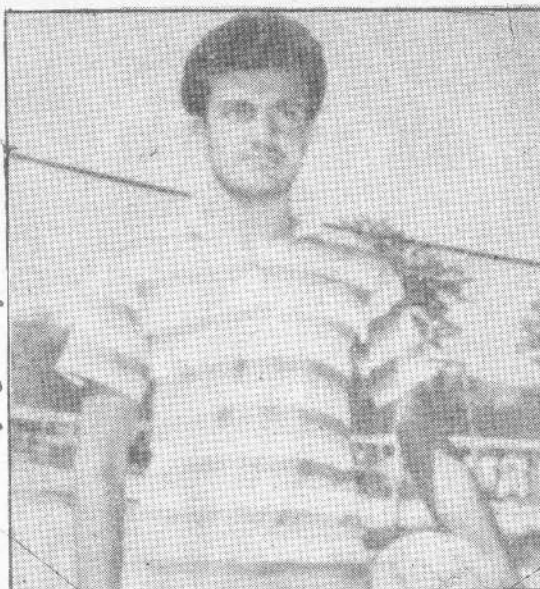
ورزشتی کواندو در جهان به عنوان کامل ترین و قوی ترین سبک دفاع از خود شناخته شد، است. این بازی برای نخستین بار در کشور کوریا جنوبی بوجود آمد که کاملاً مجزا از کنگو چین و کاراته جاپان است و فعلاً به عنوان یک ورزش عصری و بین المللی در شراسرد نیابنداشته میشود. تی کواندو از سه کلمه کوریا (تی) ضربه زدن و جهیدن با یا (کوان) به معنی دفاع کردن (دو) است. معنی روش مشکل است. این بازی دارای دو سبک شناخته شده است. تی کواندو و هیانگ و تی کواندو و بومسه میباشد و از جمله ۱۱۷ کشور است که این ورزش در آنها معمول است.

از چشمانش مهر و حوصله میبارد، وی با قدرت و لوازمی به حرکات پسران تمرین کننده مینگرد، او باورمند فردایی درخشان شماست. از جابجایی می خیزد تا حرکت نادرست یکی از پسران را اصلاح کند، یک بای خود را بلند مینماید و دست خود را به عقب برده به اندازه دو متر بلند

همایونج باسکتبالر

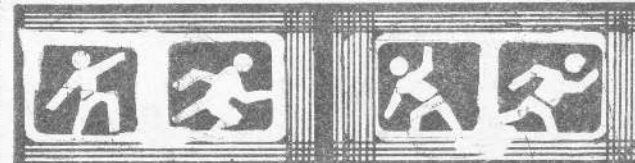
* در میان چهره های ورزشی جوان مکتب شهریکی هم همایون باسکتبالر لیسه انقلاب است ، وی سرنیم مکتب خود است اوصاف یک ورزشکار خوب را چنین بیان نموده است :
 ورزشکار باید جدیت ، تکلیک خوب و بازی ماهرانه داشته باشد .

وی در مورد موفقیت های خود گفت : اشتراک در همه مسابقات دارم و در سال ۱۳۶۲ ، تیم مکتب ما در ناحیه مقام اول را حایز شد . راجع به مشکلات شان در زمینه ورزش مورد علاقه اش - میگوید : لباس مناسب ورزش ، توپ کرکج ، - عصریه ، اینها همه نیازهای است که شاگردان برای پیشبرد امور ورزشی بدان ضرورت دارند .



درخشانترین چهره های ورزشی آمریکای لاتین در سال ۱۹۸۸

به اساس نظر پرسی سالیانه آژانس خبری پرسنالاتینا ، هاوسر سوتوما کیویا ، برجسته ترین ورزشکار خیز بلند امریکای لاتین در سال ۱۹۸۸ بوده که جایزه این آژانس برای بهترین ورزشکار مرد امریکای لاتین را برده و - همچنان سیلویا پول کوستاریکایی در راب بازی جایزه مجله پرسما را درین عرصه بدست آورد .
 در جمله ده ورزشکار خیلی هاس معروف یکی هم دیگوارماند و ما - رادونا ، از کشور آرژنتین در فوتبال ، دیگري انانید پلینا کیروت ، از کیوبا ، در دوش ۴۰۰ تا ۸۰۰ متر استند .
 و اما در مسابقه پرند هاس ، طوطی آرژنتین در نمایشی در نزدیکی شهر ننگ بیشتر از هم قطاران خود نظر تماشاگران را جلب کرد ، این پرند بزرگ از جمله چند پرند تربیت یافته در تایلند بود که با مهارت های هیجان آورو حیرت انگیز خود تماشاگران را به شورش و شغف در آورد .



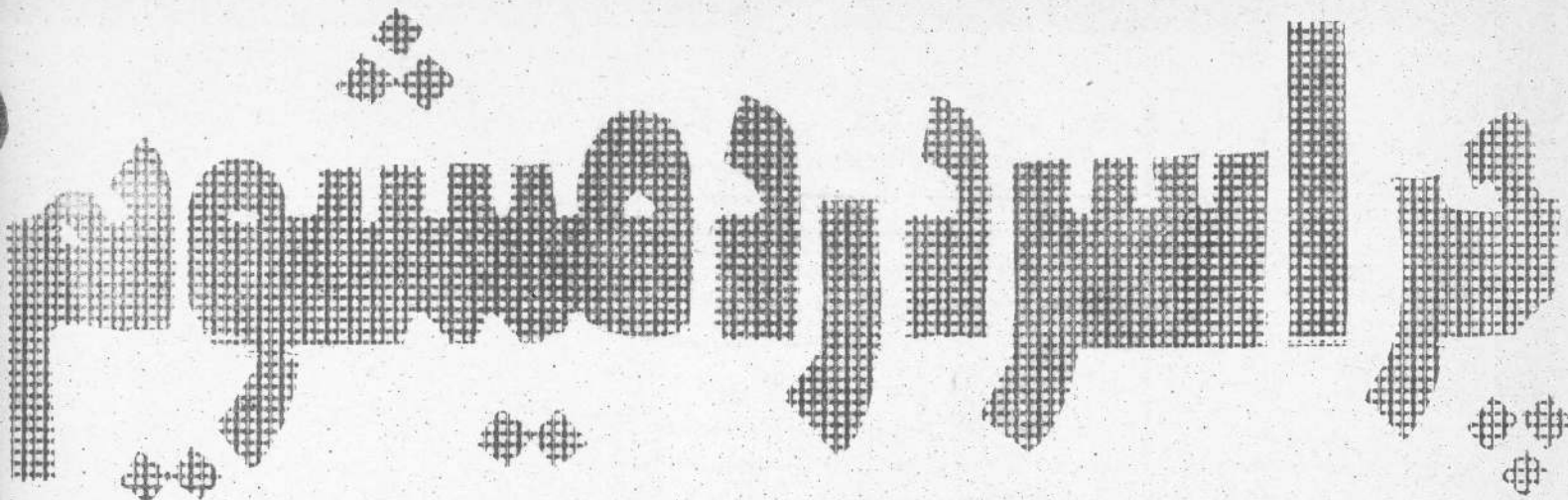
سبک فاع

بازگشتم و کلب ((تی کواند و پوسه)) را ایجاد نمودم .
 از جمله شاگردانم هفت تن کمربند سبز ، بیست و سه تن زرد و بیست و سه تن سفید گرفته اند ، من میخواهم هر آنکه را که در مدت پنج سال تعین اموخته ام به آنها منتقل سازم برای شاگردانم بر علاوه تی کواند و طریق استفاده از سلاح های سرد مانند نان جیکو ، زنجیر ، چوب د راز ، شمشیر ، سامورایی ، پرتاب چاقو و پرتاب میخ را نیز می آموزانم ، فعلا به جزگارد رگلب که ام مصروفیت دیگری ندارم ، چون امتحان کانکور بوئینتون را گذرانیده ام ، امیدوارم سال آینده به بوئنخی طب قابل تحصیل کنم ، در اخیر به امید موفقیت های هر چه بیشترش با وی خدا حافظی میکنم .

معلومات دهد ، اود زمینیه اینگونه آگاهی میدهد :
 ((برای اولین بار در صنف نهم مکتب به ورزش بوکس روی آوردم و مدت دو سال تحت نظردرم این ورزش را اموخته و سپس نظر فعلا - قه بی که به ورزش های زینیه داشتم به تی کواند روی آوردم و در سال ۱۳۶۲ نظریه عواملی به کشور ایران رفتم و در آنجا تحت نظر ((قدراسیون ورزشی ایران)) موافق به اخذ کمربند سیاه شدم و در ضمن مربیگری کلاس رانی نیز تعقیب کردم ، در آنجا با رهسا در مسابقات اشتراک ورزیدم چهار بار به کسب مقام اول نایل آمدم که غمه اسناد آن نزد من موجود است ، در سال ۱۳۶۶ به وطن

چهره جوان تکواندو

میود ، پسرانی که همه مجذوب حرکت او شده اند ، به دورش جمع میشوند و وی به تشریح حرکت خود میپردازد .
 بعد از اینکه تمرین آنها ختم میشود به وی که جوان بلند قامت و موهلبی است نزدیک میشوند و صحبتی بعمل می آوریم و میخواهم تا پیرامون آغاز کاروسا پر مصروفیت های شریه من



دیدن بعضی تصاویر، استفاده

از عینک‌ها و کلاه‌ها

بعضی تصاویر سردی

ترجمه ستانک

مجموعه واهی
یکی از معمولترین علل سردی دردی صرف الکل است، شرب الکل کلی نشان مخاطی بدن را میسوزاند و در جریان عبور از مری آنرا نیز سوزانیده و به داخل معده میبرد و از آنجا به جریان خون داخل شده و در سراسر عضویت انتشار مییابد.

باید تمام اعضا و مجاری به سم خوش بعضی کمتر و برخی بیشتر از آن را میگیرند. حساسترین آنها در مقابل الکل حجرات صبی و مجاری مغزی است و گنگه میشود که معوم شده اند. این حجرات و مجاری خیلی زیاد دچار اختلال شده و جریان خون مغزی به هم خوشرا از دست میدهد و برخی از این مجاری تا اندازه بی منقبض گردیده و بعضی دیگر اتساع پیدا میکنند.

هنگامی که الکل از مری رفت (زمانیکه عضویت بمسختی اثرات آنرا خنثی میسازد)، مجاری برای یک مدت طولانی در حالت غیرمادی باقی میماند ولی در وقت باید توجه کرد که بازم همین مجراهاست که دوران مایع فقراتی مخ و فشار روی زوهای مغزی و همچنان بالای خود راتا همین میکند. در چنین یک حالتی چه چیزی را میتوان انتظار داشت؟ بهترین چیزی را که باید انتظار داشت سردردی یا احساس سنگینی در سراسر است.

چه چیزی موجب حمله میگردد؟ سردی یا گرمی زیاد، کار بیش از حد یا خواب ناکافی. میگردد میتواند بعد از ماندن زیاد در سبک اطاق دلتنگ کننده یا مبلوازد و در وجود آید. نقش صده رادر زمینه حالت روسی بیمار بازی میکند. شکل اصلی حمله چگونه است؟ خون از هر دو سمت از طریق شریان های قوی سیات (شاهرگ ها)، چه داخلی و چه خارجی به سر میرسد. حتی جریان ثابت خون در شاهرگ میسر میشود. دفعات از طریق سیستم شریان های داخلی و خارجی باز-توجه شود. در مرحله نخست افزایش سیخ جریان خون در شاهرگ داخلی بوقوع می پیوندد که با این کار آنه عمل رساندن خون به بخش های دیگر دماغ بهبود حاصل میکند. این کار بعد چشم و شنوایی را خیلی نیز ترمیم میسازد و فعالیت عمومی بدن را پیرایه سه متر میسازد. همزمان به آن، جریان خون در مجاری متسع شده شریان سیات خارجی (شاه)

رگ خارجی (متاسها) بطور آبی گذر می شود. صورت بیمار به سرخی میگراید این نشانه یک حمله محسوب میگردد و در واقعیت امر نخستین مرحله میگردد است. مرحله دوم بیماری باعث پائی توفیع سیخ دیگر جریان خون میگردد و در این حالت صورت بیمار رنگ باخه بنظر میرسد. زیرا انجاری سیستم شاهرگ خارجی تنگتر میشود. در این حال، مجاری مربوط شاهرگ داخلی بطور آبی منقبض شده که در وقت موجب سردردی میگردد. حادثه این تغییر در مجاری زو-های دماغی به مشاهده میرسد و بالای گیرنده های درد عمل میکند. سردردی غیرقابل تحمل میگردد. این تغییرات در مجراها

همچنان فشار داخل جمجمه بی را بالا میبرد. در وقت برای بیمار بعضی پالانویه اسهراق دست میدهد که به تمهید آن حمله صلا به پایان میرسد و این حالت است که مایع اضافی دیگر از بدن خارج شده است. کاهش دوشار سلول اتفاق می افتد و اسفقا لسی تا حدودی در زوهای دماغی از بین میرود. اینست آنچه بدن بخوش کک میکند ولی بدبختانه صوف وقتی این کک میسر میگردد که تهبانی حله رنج نهادی را متحمل شده

در مرحله دوم دواهایی که موجب تنگ شدن مجراها میگردد - اسامه میتواند حمله را برطرف سازد ولی بهتر است از وقوع حمله جلوگیری بعمل آورد بهترین راه برای این کار غسل پاها با آب گرم است - هم چنان بهتر است دستان را در آب خیلی گرم غوطه وریخت - پلاسترو مرهم خردل میتواند تا شهرشاهی داشته باشد - تجهیز مقدار کم ادویه های انبساط دهنده مجاری - (صناین پ پ ، پایا وین و غیره) برای یک مدت طولانی میتواند در راه مقابله با نخستین حمله تنگن با تنگتر ساختن مجراها مفید و سودمند تمام شود .

ولی طبعاً جلوگیری از مسکون همچنان شامل رژیم درست منظم - خواب ، استراحت و تغذیه و تفسیر اجزای تمرینات جسمی و حتی - پرورش و تربیت مجراها میگردد .

تصاویر، مثال ها ، منک ها و کلاه های شب پوش

از سالهای خیلی قبل یعنی زمانیکه هنوز مصل بودم داستانی را که از طرف یکی از استادان مادر - باره داکتران معروف شوروی و - قدرت قابل ملاحظه شخصشان قصه کرده بود بخاطر دارم - این قصه در باره داکتر معالج و معروف پروفیسور ماتوی مودوروف است - یک روز زمستانی در اوایل قرن نوزدهم از جمله تاجرانیک در کپلین مسکو کار بهار مغازه داری را پیشه کرده بودند ، مغازه داری نزد مودوروف مراجعه و از سردردی های شدید شکایت میکند ، بعد از معاینه پروفیسور از بیمار میپرسد ، ((از کدام مدخل به مغازه ات میروی ؟)) بیمار میگردد ، ((از مدخل سپاسکیا)) . داکتر به بیمار توصیه میکند ، ((از - امروز به بعد باید از طبقه مدخل بوروئیسکیا داخل کپلین شوی)) با این کار سردردی بیمار برطرف میشود ، بعدها از پروفیسور ملت را می پرسند زیرا سردردی ها با اظهار نظر یا سلمه با شهرت داکتر که - تدایون نمیشد ، توضیح داکتر -

مودوروف خیلی ساده بود ، در آن روزها بهر آنی مدخل سپاسکیا - مثال حضرت مهیم را اوختند بودند . این تاجر با مودوروف مدخل بمجودیکه پیشش به مثال می - افتاد ، کلاهش را بر میداشت و بدین ترتیب سوش خنک میخورد ، بهر آنی مدخل بوروئیسکیا چنین مثال می - وجود نداشت .

چنین بنظر میرسد که عمدتاً سردردی های تاجرانیک از بیماری ضلالت کوچک و نازک واقع در حشره های موجوده است ، هرگاه تمام اینها آنا منقبض شوند ، طبیعتاً میگویند ، می ایستند یا بلند میشوند در وقایع بیماری های التهابی و - خنک خورده گی ها این ضلالت دچار درد شدید میگردد و چنان تصور میشود که تمام سردرد میکند . باری این یک بیماری خیلی معمولی بود ، بخصوص در موسم های سرما در اخیر شب بخاری ها و همراه با آن اطاق ها خیلی سرد میگرددند - کلاه شبانه محض جنبه نشن رادر بر نداشت بلکه آنرا همچنان بعلم کاملاً دقیق طبی توصیه میکردند - این روش معالجوی آزمایش شده - زمان میتواند حتی امروزه با نورمال نگهداشتن دوران خون در فسیح سردردی ها سودمند و موثر واقع شود . این کلاه شبانه بایست سبک و بقدر کافی بزرگ باشد ، در ضرورت عطیه نفس در پوست سر - متوقف خواهد شد و موجب گرمای - بیش از حد خواهد گردید ، در - صورت امکان ، این کلاه را از نشم نرم یا فانیل باید ساخت . این یک چاره ساده ولی نهایتاً موثر - وضع سردردی است .

ولی گاهیگاهی اینگونه پیشدینی - ها واقعا پر ایلم های زیادی را بیمار می آورد ، بخصوص اگر تنگ باشد و سر را در ضیق نگهدارد و آنرا چون جالی تنگ احاطه کند یا در موسم مناسب آن پیشده نشود . محکم هستن کالهای تنگن که حرکات گردن را - محدود ساخته و بهر مجراها فشار را در

می گذختن اگر این فشار کمتر هم باشد میتواند موجب سردردی گردن نتیجه آن درد ، احساس سنگینی در سر ، گدیی در تنگن و کاهش واکنش - هاست . در تها تریا کفرانس ها انواع مایلند کالرها یا تنگن های شانسرا بست نمایند ، با این کار فوراً احکام آراش و بهبود میکنند .

اتفاقات ، سردردی هائیش از استعمال منک ها نیز میباشد ، یعنی تجهیز نادرست منک یا نرم ها که میتواند با لای بینی یا شقیقه ها فشار وارد کند . در اثر آن با لای - شریان های صدغی (شقیقه) فشار وارد میشود .

نمک و تتیاکو

بازی رشد موسم کرما بسیار زی را که در حدود ۲۵ سال عمر داشت به شفاخانه آوردند . معایناتی که انجام شد نشان داد که آب بدنش سرد و یا صایع شده است . داکتران معالج فوراً به تدایون - لازمه پرداختند و همچنان سعی - ورنه نداشتند تا او را به نوشیدن میسور سازند ، برای حفظ فعالیت منظم قلب او سعی فراوان بخرج داده شد . ظرف یک ساعت وضع دمائی لاش بهبود یافت و سردردی لاش برطرف شد . ولی بیمار ضعیف و ناتوان باقی ماند . چه اتفاق افتاد ؟ بهر صورت ، بیمار تنهها مرده بود .

جرم اینهنه ناراحتی بدوش - ماهی خشک کرده بود ، در هوای خیلی گرم ، مرد جوان دلش بسرای خوردن چیزی نمکی تپید ، بدون - اینکه واقعا فکر کند ، بصورت تدریجی در حدود یک کیلوگرام ماهی خشک کرده را خورده بود ، سرد احساس تنگی میکرد ولی فوراً - توانایی لاش را از دست داد ، فشاری را روی شقیقه هایش احساس کرد و در وقت بدوشش پیداشد و سوش را نیز بشدت درد گرفت ، بقیه لاش را نمیتوانست بخاطر بیارود . صرف مقدار نهاد نمک در هوای

گرم زمانیکه اطراح مرق خیلی نهاد است موجب کمبود سوخ آب در بدن تراکم خون ، کاهش در مایع فقراتی مع و در نتیجه باعث پلین ابتدائی در فشار داخل قحفی میگردد . ضمناً نتیجه مشابه از کاهش آنسی صرف آب نیز بوجود می آید . - انسان بایست مقدار مایعاتی را که میگیرد صرف در حدود معین قابل قبول کاهش بدهد .

اعتیاد به سکرته یکی از صده تنین عواملیست که موجب سردردی میگردد ، با گذشت زمان بقایای - تتیاکو به نه های چسب و فسیلی آکسیجن در واقعیت امر کاهش می - یابد ، این عمل با لای مجاری سر تا شهر ناگاری دارد طبیعتاً دهک جالین مجراها در حالت تنج و در جای دیگر در حالت اتساع قرار می - داشته باشد ، بدین ترتیب در نتیجه سردردی های دوامدار دامن گیر شخص میگردد .

انادرموروتیک مایلند سکرته را ترک بکند ، نباید هنگامیکه به کدام بیماری خاد یا مزمن صاب - هستند این عمل را انجام دهند زیرا ترک آبی سکرته به عدم توان موی قتی سیستم وایی منجر شده و حالت شخص را بدتر میسازد . درین صورت باید یاداگر مشورت کرد .

عامل دیگر

عوامل صبی در ایجاد سردردی هائش خاصی را بعهده دارد ، هر - گونه جابجائی خاتواده گی وضع فوق العاده وحاد درجهان کار - فعالیت روزمره حقی یک مناسقه اغتشی میتواند اضطراب روسی و بارها - سنگین روانی را که موجب ایجاد قلیع مختلف ضعف اعصاب میگردد و بنسب اختلال صبی وایی معروف است ، بهر آرد ، افرادی دارای کرکتر های قوی میتوانند احساسات شانرا فروشانند و آنرا نزد خود نگهدارند ولی نمیتوانند اختلال عصبی وایی را که یکی از علل صده سردردی های معمول بدون ((دلیل)) است بر طرف سازند .

درسهای موسیقی برای همه

در تعریف موسیقی

قبلاً مجله سبازون سلسله درسهای موسیقی را آغاز نمود. به اداره محترم مجله نامه که بنا بر مشکلاتی انرا در نبال نتوانستیم در سال جاری محترم انجنیر صدیق قیام که در این زمینه دسترس دارند و عده همکاری را داده اند با سراز این شماره درسهای موسیقی را در نبال خواهیم نمود.

در میان علاقمندان هنر موسیقی غرض فراگیری اساسات آن تقاضا به سطوح مختلف وجود دارد. یعنی یک عده شایسته ضرورت دارند تا از الفبای موسیقی و آشنایی با مروج ترین آلات موسیقی (هارمونی، طبله) به شکل تدوین شروع کرد و بعد به دیگری شاید در جایی به شناخت راکه ها و تال و اطلاعات ترانه و غیره و بعد هم شایسته به نوشتن و تفاوت های موسیقی شرق و غرب و بالاتر داشته باشند که همه به یک بار مشکل است.

بدین ترتیب نظریه تقاضای اداره محترم مجله سبازون مستند به نامه هایی که به آن اداره رسید و ناگزیر از الفبای موسیقی شروع کم و به تدریج امیدوارم به ذوق همه تاحد امکان معلومات ارایه نمایم. تقاضایکم تا وقتند آن محترم کمک نموده یا نظریات پیشنهادی و سؤالات خویش

شکوه دلیر! نیرومند که نه باید هیچگاه فراموش شود و موسیقی های بیگانه جای آنرا بگیرد.

ولی فراگیری نوشتن به سبب غریب یا تقسیم و دسته بندی راکها و تال ها به سیستم هندی نباید با موسیقی ما بیگانه تعبیر شود بلکه سواد موسیقی است برای هر هنرمند فراگیری آن لازم و ضرور است.

همانطوریکه برای فراگیری هر زبان دانستن الفبای آن در قدم اول ضرور است به همین ترتیب در موسیقی هم دانستن الفبای آن گامی است در فراگیری آن.

قدیمی ترین الفبای موسیقی در چین و برای اولین بار الفبای موسیقی به زبان سانسگرت در هند به وجود آمد. این الفبا در چوکات هفت سر یا هفت لغت یا هفت صدا این که از تکامل سرود های مذهبی به وجود آمد بود نامگذاری یا ریخت گردید.

الفبای مذکور که به الفبای طبیعت انتخاب و به موسیقی داد شد هر یک معانی بخصوصی دارد:

- ۱- شاجده به معنی صدای طبل و صد رفته است.
- ۲- رشابد: سرود یکی برنده بنام چنگا.
- ۳- گنداره: مانند صدای بز.
- ۴- مدایاه: مانند صدای مرغ ماهی خیز.
- ۵- پنجاه: آواز ناخسته.
- ۶- دیوات: ترنم بقه در موسم بارانی.
- ۷- نشاده: ترنم آواز نیل.

همچنان یک نوع نامگذاری دیگری که منشأ آن سرود های

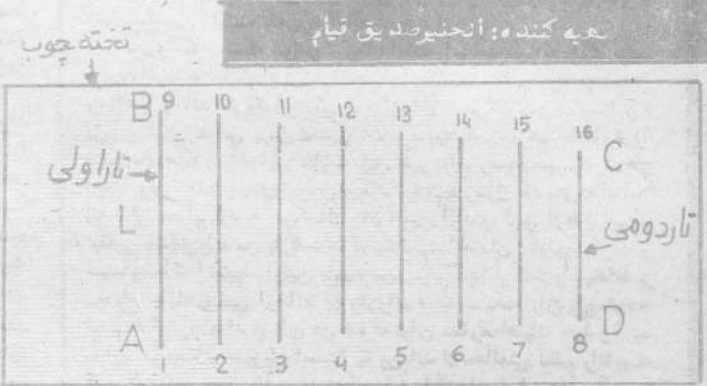
مذهبی است قرار دین:

- ۱- براتاما: تون اولی
- ۲- دیوتیا: در دومی
- ۳- ترتیا: در سومی
- ۴- چتوریا: در چهارم
- ۵- پنجاما: در پنجم
- ۶- سیتا: در ششم
- ۷- سیتاما: در هفتم

ولی در غرب برای اولین بار فیتاغورث ریاضی دان یونان به استفاده از هفت صدای فوق که در شرق مروج بود و به انگلی ریاضی و صوت اله موسیقی رابسه وجود آورد که هفت صدای هفت سر فوق به آن تطبیق میگردد و یا گفته میتوانیم که مذکور اولین بیانی ساده ابتدایی بود صرف دارای برده های سفید بقایسه بیانیهای امروزی ناگفته نماند که بیانیته اله موسیقی تازه آراست و بعداً آرایه زبان یونانی نام گذاری کرد.

موصوف تجربه خود را آغاز کرد با استفاده از اینکه اهتزاز یا فریکوئنسی از روی دفعات فی ثانی اندازه گیری می شود. مثلاً هر قدر که دفعات اهتزاز آواز در فی ثانی زیاد باشد به همان اندازه سطح سوه آواز (زیر) می باشد و همچنین به استفاده از قانون دین:

- ۱- تاریخچه یونان از یک جنس مشخص باشند.
- ۲- تاریخچه یونان از یک جنس مشخص باشند.
- ۳- تاریخچه یونان از یک جنس مشخص باشند.
- ۴- تاریخچه یونان از یک جنس مشخص باشند.
- ۵- تاریخچه یونان از یک جنس مشخص باشند.
- ۶- تاریخچه یونان از یک جنس مشخص باشند.
- ۷- تاریخچه یونان از یک جنس مشخص باشند.



و بعداً در نقطه (B) میخ متحرک را محکم نمود و انحصار های تاری را به دو میخ B و A بسته و توسط میخ متحرک کش نمود طبعاً با تماس صدای به وجود آمد. مرتبه دوم عین تجربه نوق را در نقطه C و D نمود یعنی نقطه D میخ ثابت نقطه C میخ متحرک بود ولی موضوع مهم اینکه این بار فاصله DC طول تار AB بود. بعد از کش نمودن تار توسط میخ متحرک C مشاهده نمود که صدای تار CD و AB با هم مساوی ولی تفاوت صدای تار CD و چند صدای تار AB بود که این موضوع را شمد هارمونی های دوسره خود دیده و میتوانی وقت یکی از برده های هارمونی را فشار مید مید بطرف راست و گاهی به طرف چپ برده هشت نیز با این میشود که عین تیوری فوق است. حال طول تار سرهای دیگر بسیار مساوی پیدا میشود قسمتی نامبرده فاصله AD و BC را به هفت یا رجه مساوی تقسیم نمود بالای نقاط ۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸ میخ های ثابت را کون و مقابل آن بالای خط BC در نقاط ۱۰-

سیلا نوروز

میخوانم و نه آهنگ کنی پیری را
من فقط از سبک بزاد بر پیروی میکنم
با همه آواز خوانانی که خواسته
باشند من امتحان میدهم استند
آواز خوانانی که صبح شوق آواز
خوانی به سرشان میزند و شب بیدار
روی برده تلویزیون می برانند باور
کنید از طرف فامیل ها و خویش تو
شان باران یو تلفون می آید که
آواز او را بشنوند و یاد برود گرام
کاروان خله با او صاحبی شود
پس شما هر ساعت و هر لحظه
در آتش حسادت سوخته آید
بسته من نسبت به کسی حسادت
ندان ولی بری واقعیت نباشد
پرده کشید
با شمد رشته موسیقی تحصیل
هم کرده آید
بلی و دوسال در لیس موسیک
در رشته موسیقی تحصیل کرد
ما یک گروه هنری داریم
بیه کدام آلات موسیقی دسترس
داریم
به آراجه نام
تار ۱- آراجه نام
Rotonc تار ۱۰- آراجه نام
Mediant تار ۱۱- آراجه نام
Zirdominat تار ۱۲- آراجه نام
Dominat تار ۱۳- آراجه نام
Rudominat تار ۱۴- آراجه نام
Sansibl تار ۱۵- آراجه نام
Octave تار ۱۶- آراجه نام

نوت: در سیستم هندی
برده ۱۶-۸ نامگذاری ندارد
بدین ترتیب فاصله ا تا هفت را
بنام سبتک یا هفتی یاد میکنند
چنانچه در سیستم غربی کلمه
Octave یا هشتی دارد
تازه ترین الفبای موسیقی در غرب
در قرن ۱۷ در ایتالیا بوجود آمد
قرار دین:
دو ری می فا سول لا سی
سی دو
و یاد را روی مروج است به حروف
انگلیسی مانند:
C-D-E-F-G-A-B
بقیه صفحه ۸۸

نگاهی جهان نما

عکاسی عکاسی جهان نما
سندی عکاسی جهان نما
عکاسی عکاسی خوش شمارا عبور
رنگه رسیده و سفید می بدین
در شهر مزار شریف منتمس
شفاخانه ملکی شمارا روزه تبریک
تلفون ۰۲۲۱۴

زند و اولاد از بدو چه میسر می آید

و در یکی از این شبهای منحوس - چرکین و لعنتی بود که مالک آب - تلخی را برایم داد تا سیرکتش - قیلا - میدیدم که شیشه ها از شر آب به خلقم رفته - این معامله گران انسان تهنی میشدند اما آنشب در - برکه غرق شده و زنده نمی آید - کی میتوانست مراد رک کند ؟ دست و پا زان و بیخود خندیده گریستم - کی میتوانست مراد رک کند ؟ دست و پا میتوانست گشود - ام ربه من باز هد ؟ کی میتوانست آنچه را که ازین رود شده بود ، باز د هد ؟ کی میتوانست برایم روزهای کودکی ام - مادرم - عفت د اتم را بیاورساند ؟ هیچکس - هیچ چیز هیچگاه - روزها و شبها میگذاشت و من دانسته بودم که وسیله مساعد در آمدن پولی صاحب است - کم کسی از مهربانی هایشان بهره میگرفت - یک روز مرا نزد خیاطی بردند و فرمایند لباس برایم دادند - لباسیکه - شایسته یک روسی باشد - شایسته بی یک زن هرجایی - لباسی که زیاد تر مورد توجه مردان و لالو و میا ش باشد ، و خیاط د اندست که من کن باید باشم قبل از اینکه لباس را بدوزد با مالکم معامله خریدن را سربراه کردم مرابه خانه اش کشاند خانه میکند دست کسی از خانه قبل از آنکه بدست و علاوه برهن عد ؟ دیگری - زنان روسی و بی خانسه نیز را اینجا مصروف خدمت و پرداخت جنسی مردان (مشتتری) در این مارکتی انسان فروشی بودند

فکرتی اتفاقا هنوز آفته باد و دست مگرت و مخدرات و الکل بود ، اینها محافل نمنا د ستاره جمعی بودند همه محرم بودند ، در این خانه من به مثابه زن نوجوان به تمرین رقص انتخاب شدم و دست کسی گذاشت و شریک شریک یا هام در سالون ها - اتاقها و حیوینی هاییکه جمعی از مردان عیاش - قمار باز و وحشی جمع بودند طنین انداخت روزها و شبهای دیگری نیز چنین گذشت با این تفاوت که همواره بارصن ها گاهی میخواستند برهنه برقصم و وسیله ایمن حراب را در من با شراب و جرس تقویه میکردند و بدی نگذشت که یکروز از این روزهای منجم همه ما همراه با (خانه والای) مانعم به نجایم و فحشاء پشت میله های زندان رفتم - زندان این باشگاه آزادی ام - زنان محبوس را اینجا طوری به من نگاه میکردند که میشویدم - شاید با خود میگفتند این دخترک احمق بد بخت تر از ما است ، چنانیکه یک زن جوان وحشی با چشمهای همیشه از حدقه بدآمده اش میگفت : (سرماره از پشت خار) ، تعاروتها یک زن در زندان به همه داستان گذشتند ام علاقه گرفت و زنیکه به اتهام معامله گری روسی ها محکوم به حبس شده بود و دستش را که در توقیف بودم یاد نظر داشت بی کسی ام به من زیاد کنکها کرد بجه بعد از زندانی شدنم دیگر خوشی از معامله گران خبری نبود که احوالم را بگیرند بگر محبوبین (با یواز) ها داشتند و اما من جزو هر لحظه مسردن دوساره (با یواز) نداشتم ، زنیکه از واقعیت زنده می ام آگاه شده بود بیکروز آزاد نشد ولی همواره خبر را میگریفتم و بعد از یکماه منم بیکروز مقامات زندان برایم اطلاع دادند (توصیه راستی و مطابق قانون) نباید توقیف بمانی و در همین روزها آزاد خواهی شد و من که در اینجا یکسال و شش ماه (کیوها) سپری کرده بودم ، خبر آزادی ام رابه همان خانم - مهربان هر مسلم که در زندان آشنا شده بودم بازگفتم و او آدرس منزلش را داده گفت بعد از آزادی با او زنده می خواهم کرد - به مجرد ورودم در منزلش که جایگاه نمنا بود ، دریافتم که تقدیر چنین بوده که من نباید در واز نجای باشم ، آخر غیر از چنین جاهایی کجا میتوانست بناگاهم باشد ؟ کی میتوانست مرابه خانه اش فریاد چنین اشخاص معامله گر دادند ؟ هیچ جا و هیچکس - چرا نتوانستم خود - کشی کنم ؟ زیرا نتوانشرا نداشتم - زیرا میدانستم که از فعالیت معامله گران برای روسی ساختن دختر دیگری کامر باید برمیگردم معلومگویی میکنم

و اما اینبار بعد از مدتی که در این خانه زنده می میکنم ، صاحب خانه (با همان زن) به خاطر جلوگیری از بندی شدن من و خودش سرا به عقد نکاح بصرن که مردی بود از قماش مردان ذلیل و ست فقرت - در آورد و در پیش این نکاح من یکی از اعضای فعال گروه عیاشی این خانه شدم ، و این وقتیکه که این خانم برایم محوطه نویسیه خاطر عرضه حسن جوانم به مردان وحشی صفت که در برابر پشت پولی شیی وساعتی را کنار سرمیکردند و من به تنهایی ناگزیر بودم ، پرداخت آنها را طوری بکم که در لندن میخواست ، وقتیکه باید بداندن آشنا و مرضی های جنسی در وجودم از این فعالیت ! ابا میوزم محکوم به اجرای همه امور خانه میشوم - خانه بیکه همیشه مهمانان بیگانه و مشتربان وحشی با آن سروگردا شتند ، شوهر که اصلا در اندراب زاده شده بود و بعد بی از اعضای فامیلش آنجا زنده می میکردند مرابه اینجا انتقال میدهد و دوباره ازین فحاشی میخواهد و اما حال دیگر مسرفی

بدش جنسی دانگم شده بود که باید ابا میوزم و کارهاییکه باید در اینجا انجام میدادم ، بالاتر از توانم بود - باید زیاد تر زنج می کسی در میان ناگهان دین صفت ترا خودم را میکشیدم - روزها از درد و سوز سوز بالاتر از زنجی نباید میداشتم - ناگزیر و بیکار بودم دست به دوزخ میزدم ، یعنی فراری میکردم - با تقبل دهه های شوری و بی عشق راه کابینل را میپیمیدم ، در کابل هر شب را باید نزد مهمانان از روی گاه در منزلی - گاه در سرای - و گاه در کانی سر میبرایم ، برضی ام شدت پیدا میکند من مرده بودم و از روی بد فون شدنم رانین راهمه احساس مسر رسیده میباشتم و چندی بعد دوباره راه خانه ماد روشوم را میپیمیدم ، اما بعد از اینکه تضرع برای معاف ساختنم از روسی گری میکنم و برضی ام را دلیل من آورم از توجه و مهربانی های بهترین بی همسره می شوم

این اجتماع بود که وادانم به فحشا کرده بود - اجتماعیکه تنها از کثافتنهای آن بهره داشتم ، هرگز کسی ازین دعوت به پافتن نشستن نکرد ، هرکسی به دست نظیر سلام دانگم بخاطر فروشی جانم و بد بگری به خاطر برداختنهای جنسی اش - و من در رانینوی از نیازهای منستن - این بزرگترین اشتباه اطلاع بدیده ام

د بوی نگذشت که شوهر دوباره از زندان آمد همراه چنگ بود - لیس دادند به اتهام اصلی ام (فحشا) بلکه به اتهام سزقت پول و جواهرها زخانه اش و لیا را محکوم به جارسال حبس کرد بدم و دوساره زخم محدود زندانی برهن تحصیل شد - محیطیکه هنوزم انتظارها را دارم ، محیطیکه در آنجا بی تفاوت ترین خبر برایم رسید ، خبر مرگ شوهرم آورد و من بعد از سپری نمودن میخانه توقیف ، در منزل مادرش به ادا نامه زنده می میکنم ، محکوم گردیدم و کمال بعد از این آزادی کسی از طریق تلیفون عشقش را به من بازگفت - کسیکه نمیشناختمش - اولین بار در سینما و ده گذاشتم - اولین بار یک مرد برایم از عشق گفت و او بخاطر ازدواج با یک روسی از خانه پدرش رانده شد - بعد از ازدواج متوجه شدم که او توان دادن نان من چه که توان مصارف احتیاج خود را - ندارد او معتاد هیروین است ، بدون آنده که مخالفی نظرم را تأیید کرد که برقصم پول بیاورم ، بد تیرا در اینجا و آنجا در این محفل وان - محفل رقصیدم و اما نمیدانستم که باید برای رقصیدن نیز اجازه نامه داشته باشم - به کشته کتور رفتم بعد از شرایط لانم برایم کارت دادند - که تا حال به اعتبار همان کارت در حلقه مردان مست و سی خود چرخ میخورم - پول میگیرم و براسم ظلم را که هنوز کدک بکماله است ، بنام میدهم و به تکه های میچم ، چرخ میخورم پول میگیرم و شوهر معتادم را مرفوع میسازم

من حالا (کل بی بی) نیستم - او در دوازده سالی مرد من ((سهیلا)) شده ام ، ((سهیلا)) بیکه شرم سرخروی ((سهیلا)) هاست سهیلا بیکه شرم هر دخترترین است

شبهات برقصم روزها میخوابم - بد رکود کم از هر اس جلیب نظامی و عسکری در خانه رامین رانگاه میکند تا بندی شد ، او بیخود تر از من است من بر یاد رفته ام و از فرقی در بر یاد ی اعتقاد است

بگذر حالا دیگر که در غریبترین یک زن - بی حجاب زنده می اش ، راجعین قصه کند که د بگزیناده از این برای رسوایی چیزی باقی نمانده من در پیشری بزرگ شدم و پیشروی عادت شده ، پس از چه باید شویم ؟ چرا باید هراسید ؟ تعمان نگاه نکرده ام ، احتیاج و انسانهای سنگدل و معامله گرش برهن ظلم کرده نگاه کرده اند ، اما حال دیگر شاید بدم زنده باشد و از قصه ام آنقدر رنج ببرد تا ببرد ، کاش چنین باغور میبود

مردانیکه در دستم خوابیده اند از قصه ام سوخی خواهران نوبالغ همسران شان کنند کاش چنین نیرو پیدا شتند (معامله گران از قصه ام دست به کیسه هاییشان بزنند و دیگر از معامله انسان آنها برکنند کاش چنین تقوی میداشتند

و من از قصه خنده کم - آنقدر خنده کم تا بهیوم ود دوباره زنده شوم و تقدیرم پاکه اش باشد کاش چنین خوشبخت میبودم

من سواد ندانم اما زبان سواد زنده می ام است - زنده می این بزرگترین اشتباهیست که مجازاتش را با خود دارد و از گردن شزبان من در دهانم پادستد بگری در بر گهای گافد ترسم می شود

من نه گم نه اسلام - نه زنده و نه مرده - تعمان بی انسانیت که سبباست بر من است و منم د بزرگ شرافت و خوشبختی است از من کوجیده ، شاید خدا چنین خواسته که این بد و (خوشبختی و شرافت) رابه انانی از زانی بدارد که توان م فون شدن در زین و جها و آشوب بی عشق راند ازند و باز روسی ها که این توان را دارم - بر ما تا اوقت این آشوب روایند داشته شده که چون فریاد از ستاری زمین تا بیکران نایند شوم ، زنده می طومار آماز شدن است و بیگانه طومار زنده می و من آغاز شده ، انجام شدم ، مانند آن قناری که زبانش (زنده می اش) را - گرفته اند و زبانش را بیخود مپا فریند و گوهر خود را میقتدر حرم میکند



آیاتاسی و خیل میرمن یاستی

دغه
ازمایش ساعت تیری
ده، مگره بحان بوری
بی هم بایسد و تری
حتما تاسی ته خیل
ده کجکاوی حسن اجازه نه
درکوی، ترخو موخیل بحان
نه و نی آزمایش کرمی چی
ترکوم اندازی بسوری د
کورنی له بحیرکو میرمنوخچه
شمیرل کیزی

۱- فرض کوچه تاسی به کورکی
خو ضروری شیان نه لری، او د
بازارخچه یوازی یوشی رانیولا
شی، کم یوشی به تاسی اول-
واخلی.

الف - یخچال ۳۰ نمری
ب - تلویزیون ۵ د
ت - دکالیود مینه معلوما شین
۲۰ نمری

ث - بالابوش ۱۰ نمری
۲- آیاتاسی همیشه خیل دکالیو
الماری تنظیموی.

هو ۲۰ نمری
نه ۱۰ د
۳- آیا هر هفته خیل کور همیشه
به هغه معینه ورخ جاروکوی.
هو ۲۰ نمری
نه ۵ د
۴- آیا مخرکی له دی چی میلانه
موکورت راشی، کولای شی تمول
خوراکی مواد به اشترخان کس
تیار کرمی.

هو ۸ نمری
نه ۲۰ د
۵- آیا کم وخت داسی تصادف
واقع کیزی چی خیلو میلنو ته
سوی بوپوی، مخ ته کیزی دی.
هو ۱۰ نمری
نه ۱۵ د
باتو به ۹۳ م

کلیسیونهایم راه دوست دارم

ساخته و برایم امکان داده اند که
مناسبات گسترده با رادیوهای -
خارجی بخاطر گشتن پسته هایم
داشته باشم.

زمری علاوه بر کلیسیون پسته،
دو صد و بیست نوع سکه های تازه
از افسانه از سی کشور جهانرا که متجاوز
از چهار صد سکه میشود نیز دست
آورده، در سکه های این کلیسیون
نوجوان سیمای تانخ سرزمین هاو
طل در ازمینه تانخ چه درسیکه
خط وجود داشته و چه قبل از آن
برجسته است.

زمری سهار از این سکه ها
از بیست و پنج کشور جهان یکصد و بیست
نوع بانک نوت را نیز در البومها تکمیل
میکند.

اوارزو دارد تا با کلیه کلیسیونان کور
تماس، تبادل و تعمیم تجارت
داشته باشد چه تازه از دو سال به
اینسوراه برادرش ابراهیم سهار
زاد بخش کلیسیونسازی ادامه
داده و بارهنگامی و شوق مستقیمش
به حفظ و تنظیم این کلیسیونها دست
یافته.

کلیسیونر مابین سال آموزش را -
پهوسه اول نمره موموسی وصفی بوده
از ذوق و سلیقه عالی برخوردار
است.

کلیسیونهایم هر کدام تصویر
و قسه بیست از تانخی و دورانی وطنی

منعنه * کلیسیون سازی
در کورما پدیده بیست نو معدود
از کلیسیونان کت، گوگرد، عطریات
شبیخ، سگرت، پسته، سکه و
بانک نوت و ۰۰۰ را سرانجام
زمری سهار نوجوانی که متعلم
صدف پنج لسه انقلاب است یکی
از این کلیسیونرها میباشد، وی پسر-
بست هوشمند و دقیق، او اکنون با-
کمال علاقه مندی سه هزار پسته
مهر خورده اضافه از ۴۰ کور-
جهان را با سلیقه لازم حفظ مینماید
بسته عایر که با نظم خاص در البوم
ها تنظیم شده اند، سببهای -
اند از عرصه ها و حیوانات گوناگونی
جوامع مختلف بشری.

زمری سهار که از شوق و
حمایه نامیل، بخصوص برادرش -
ابراهیم سهار برخوردار است، در
حفظ و تکمیل کلیسیونهایش
سخت دقت دارد و میگوید:
(کلیسیونهایم را مانند کتابهای
درسی ام دوست دارم، این پسته
ها مرا با همه سرزمین ها و ممالک آشنا

سه هزار
تکت پستی
در یک
کلیسیون

اختراع پاپیروس

و دلتای نیل در آن هنگام فراوان یافت می‌شد، مصریان مخز این گیاه را بصورت نوار می ساختند و نوارها را دولا و سه لای بصورت چلیپایی روی یکدیگر می‌گذاشتند و پس از سر کردن آنها را با فشار بی‌یکدیگر چسباندند و سپس آنرا صیقل می‌دادند و آنرا به صورت کاغذ نوشتن استقا د می‌کردند.

ناگفته نباید گذاشت که کاغذ های راکه امروز استعمال می‌کنیم، بسیار بعد تر از پاپیروس اختراع شده اند.

درجه اهمیت قرارداد داشتند اما آثار طولانی ادبی نیازمند نوعی کاغذ بود.

مصریان باستان مساله نیاز به کاغذ را با اختراع پاپیروس حل کردند، پاپیروس ماده نوشتن مناسبی بود که از مغز علفی بنام بردی Bardy بدست می‌آید و دریا تلاق ها

حظنویسی انگاهی ارزش اجتماعی خود را بتمامی اشکار ساخت که انسان توانست ماده بی را اختراع کند که به فراوانی و ارزانی در دسترس باشد. واضح است که تا زمانی که خط نویسی منحصر در آن بود که خطوط را روی سنگ حک کنند، استعمال آن محدود و به اموری می‌شد که در نهایت



میزند و باعث آسیب دایمی یا شروع تشکیل سرطان میشود. یک‌سده از سلول های که از این طریق مورد حمله قرار می‌گیرند شجریه بیماری کشنده لوکم می شود که سالها بعد ظاهر می‌گردد، همانگونه که سالها پس از انفجار اتمی در هیروشیما، موارد آن پیدا شد.

که علت آن احتمالاً از اثر اختلال عمومی میتابولیس سلولی است. سبب تعداد بیش از حد ریشه چه ها یا رادیکال های است که در کارواکنش های انرژی وقفه ایجاد میکند، مقدار کمترین اشعه که البته بازم خطرناک است می‌کانتین (سنتیز اسید نوکلیک) پروتین لطمه

نشر بیش از حد اشعه اتمی که فی المثل بر اثر تصادف در حمل و نقل (پیل) هسته ای تراوش میکند، یا بر اثر تماس مستقیم با بمب ها و یا از سقوط آنها ناشی میگردد، و اکنش های شدیدی در همه سلول های آسیب دیده ایجاد مینماید

تأثیر اشعه اتمی بر موجودات زنده

کنید

س از شهر مزار شریف:

س: خانم نام که بسیار کم خلی، بد برخورد و بدگذاره است زندگی راتلج نموده معما گویند چکار کنیم که زندگی را به خوبی و آرامی بگذرانم!

ج: برادر عزیز! خانم نام بگیرد تا خانم اون نام سرعفس بیاید.

چرت عروسی خود میباید که به چرت بوره هم نمیشود.

راسیه احمدی از کلوله بشته متعلم است. ۱:

س: به گفته بعضی دوستانم سواد چندانی هم ندانم قساره ام بدگو نیست، آواز را چه عرض کنم، میخواهم نطق شوم چکنم؟

ج: همی، واسعه پیدا.

حالا که پرسیدید... حومه خواندن دروس خود را - هم ندانم!

ج: کلان ۱۹۸۱ را بید کنید.

خانجان از صوفی مویل:

س: محشر ستار نواز خوب ما مجرد است اگر نیست پس چرا خوب می نوازد؟

ج: محشر نامزد است و در

بقیه از صفحه (۴۵)

است و حالا کامران مدت بسیار و چار دختر دارد، خودش میگوید تعداد بچه ها و دخترها باید مساوی باشد ورنه برایم شوم است مرسیه از بو هنتون لایل:

س: چه کنم که علاقه به مطالعه پیدا کنم، حالانکه حتی

است. اینها انواع منسوجاتی را از لباس شبانه گرفته تا خیمه مخملی هندی که با برگه های طلایی تزیین یافته در بر میگیرد. فرانسیسکا گالووی آمردیار - نمت اظهار میدارد: ((در پنج سال گذشته بازار منسوجات رونق گرفته است. تازه ترین منسوجات در لجنی لباس قرن بیستم است که در حال حاضر موزم ها خیلی زیاد مایل به خریداری آن اند.))

موزم استرالیایی بخاطر پیراهن ساده، دراز و چین دار ابریشمی و جاکت بخلی که کار طرح ونیس آقایی ماریانو فورتونی بود مبلغ (۷۰۰۰) یوند پرداخت.

انتونی سپینک بانگامی اخترا آمیزه گذشته ها اظهار میدارد ((برای بیش از سیصد سال جنسیت و کیفیت اساس فعالیت ما را تشکیل داده است. آنچه که موجب خوشی من میگردد اینست که ستندرد و معیار مانست به گذشته بالا رفته است.))

مرگاه بهترین

بقیه از صفحه (۳۹)

در منزل فوقانی اند ریولیترا ند باید الهایی سروکار دارد که از فتوحات معروفی از قبیل ترافالگر و واترلو و مبارزاتی که سالها قبل به باد فراموشی سپرده شده است از قبیل جنگ جین (۱۸۴۲) - اوی سینا (۱۸۶۷) جمووکشمیر (۱۸۹۵) سودان عهد خدیف (۱۸۹۶) نماینده گس میکند بروی اکترمد الهایی برتانیوی نام گیرنده مدال رتبه و رشته خدمت او موجود است. برای علاقمندان جمع آوری کننده مدال تاریخچه برنده مدال وکای روایی های او بخاطر کسب مدال دلچسپ است.

یکی از دلچسپی های تازه سپینک تک باب -

قو طاسیه فروشی

علی گلرین

متصل کلینیک مرکز

ادیان عمده هند

۲- ریشه و اصل تلم ریج ها در تناف آرزو نهفته است
 ۳- هشت راه برای زدودن ریج و درد وجود دارد به این شرح ایمان درست، اراده درست، گفتار درست، کردار درست معیشت درست، آگاهی درست، اندیشه درست، خلصه و حال درست.

این آیین در سیلون و بنما به شکل ساده ترین نام ((هینیا نه)) باقی ماند، در کوریا و جاپان به نام ((مهایانه)) و در تبت به بنام ((لاما)) وجود دارد.
 در هند و چین مذهب جدیدی به نام آیین کائود ایابود یسم جدید رواج دارد که مقدسات سایر ادیان را نیز مقدس می شمارند.
 ۳- جین

یکی از ادیان است که در قرن ششم قبل از میلاد، همزمان با ظهور دین بودیسم رواج یافت. اصول اخلاقی این آیین مبنی برین استوار است که به هیچگونه جاندار، هیچگونه بدی و آزاری نباید روا داشت.
 آیین جینیسم از پیروان خود، زهد و خود فراموشی طلب میکند و برای روز ارزش فوق العاده قایل است، بر اساس این آیین هرکس برای رستگاری باید سه گوهر معرفت، ایمان و تقوا را رعایت خود فرار دهد.

شبه جزیره بزرگ هند سرزمین فرهنگ، عبادت و مذاهب مختلف است به قولی دین سرزمین در حدود سه صد کیش و آیین وجود دارد. اما عمده ترین ادیان سرزمین هند عبارتند از:
 ۱- برهمنی

دین اکثریت هندی هاست، این دین منحصر به ریشه هندی دارد، شاید آغاز این دین هشتصد سال قبل از میلاد باشد، بزرگان و کاهنان برهمنی - برعین نامیده میشوند، کیش تلیت از برهمنی شروع شده (ویشنو - برهما - شیوا) است، به همین دلیل خدای خود را به صورت انسان دارای سه سر انتخاب کرده اند، رسالت این دین با برهما (رشن) است، که از زنده گی آن اندکی آگاهی وجود دارد.
 ۲- بودایی

آیینی است که پیروان آن تابع بودا هستند، این دین ابتدا شبیه به برهمنی بود ولی ظاهر پر دازی کمتری داشت. اصل اساس این دین عبارت از اینست که حیات ریج است و هوس زاید و ترک نفس تنها وسیله رهایی ازین ریج میباشد، کمال مطلوب دین بودایی عبارتست از وصول به ((نیروانا)) و یاخنا.
 اصول عمده بودیسم عبارتند:
 ۱- جهان سراسر ریج و عذاب است.

بقیه از صفحه (۸۵)

درسهای موسیقی

ولی در هند قبل از قرن نهم الفبای موسیقی ذیل مروج بود: کهرج، رکهب، گندار، مد هم، پنجم، دهیوت، نکاد یا نشاد که با وجود آمدن موسیقی غربی - بندانی، نوع موسیقی کلاسیک تا امروز الفبای اختصاری بوجود آمد که آواز خوانان کلاسیک معمولاً در آثاری خوانند نوع اختصاری آنرا سرگم میکنند مانند: ساسری، گه، مه، به، ده، منی، سا، نوت؛ وقتی خواننده در آثاری آواز خوانی نام از الفبای فوق میگیرد آنرا ((سرگم)) میگویند همچنان یک نوع الفبای موسیقی در ایران هم موجود است مانند: برده، اورده، میانین، زینمایا، نمایان، روزنمایان، محسوس، هنگام.
 این بود خلاصه از ظهور الفبای های موسیقی که زیاد تر امروز در دنیا مروج است و جمعا این هفت سر را به نام سرهای طبیعی یا Natural tone و در سانسگرت به نام بلاول یاد می شود

کارته نو تعمیر سینمای اقبال

قطاسیه فروشی ارزان

دیوارهای (۵۰۰) ساله

و مقبول سما نمودند.

بقیه از صفحه (۲۷)

دیوارهای کرملین بیشتر از دو کیلومتر طول داشته که با در نظر داشت شکل اراضی منطقه به روی خط منکسر طوری که از هر برج میتوان تمام نقاط دیگر را مشاهده کرد، اعمار گردید.
 تمام برج های بیست گانه کرملین سیمای هستند اصلی خود و نام خود را دارد. دیوارهای برج های کرملین از خشت های خوب تکلیف شده سنگ ساخته شده که هر کدام آن تقریبا هشت کیلومتر وزن دارد. معموره چلیپا مانند از مصالح ریج و آهک دیوار ها را عملا محفوظ نگاه داشت گرچه آنها نیز بخش های مشکل سار بوی تمام قلعه را: حملات، حریق ها، فیرهار توپخانه، انفجارات، و تبق ها را متحمل گردیده اما با حملات رهاروی هیچگاه متصرف نگردیده بودند.
 این دیوار نیمه ای از هزار ساله ایستاده و بعد از صدمت های مختلف هر مرتبه محتاطانه پوشش ها و خشت های آن تجدید ساختن گردیدند.
 واقعا که ارمن ها، گورجی ها، بلغاری ها، - پولیتدی ها، سنگ کاران بهمارخوب بودند اما با آنهم برای بار اول جهت اعمار این دیوار استادان روم قدیم دعوت گردیدند.
 دیوارهای کرملین به محافظه گاه معمولی - گنجینه معنوی جهانی، مبدل گردید. در کرملین سکواتار هنر و باستانی استادان بزرگ هنر حفظ گردیده است. کرملین سکو - همین انسامیل روس - در شکل معنی و مفهوم معمول وحدت بدون اعمال به زور و تشدد شدن بیشتر مردم روسیه و دیگر مردمان روز زمین گردید.
 دیدن کرملین توجه جمعیت گهیر مساحیان، نقاشان، شعرا، و اشخاص دارای حرفه های مختلف را بخود جلب نموده و برای ایشان لذت بخش میباشد. حتی در قرن شانزدهم خارجی های که از سکو دیدن نموده بودند کرملین را یک قصر بزرگ

سیر درد

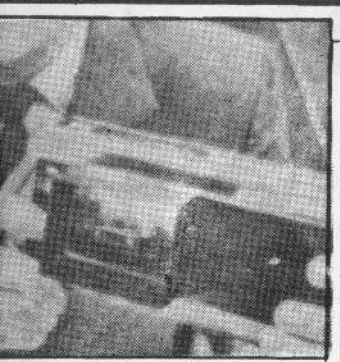
بقیه از صفحه (۸۲)

در هم پیوراد، انبه های سکن که پالان میراها شکر خوردن داشته و احساس درد را تخفیف میدهد ولی طبیعت انسانی آنطوری که هست باقی میماند و معنی نمیتواند که کز کز و احساسات خود را تقصیر دهد. وضعی که موجب بیماری میگردد در بعضی استخوان مواردی که چگونه در شرایط خاصی با آن برخورد صورت میگیرد همیشه تغییر یافته نمیتواند. برخی اشخاص حتی میباید خیلی با- چیز را هم بشمارند و اینرا خیلی جدی تلقی میکنند. بعد از گذشت لفظه ای این بیماری خواهد گفت: (بساله را - کاملاً درک کردم ولی نتوانستم چیزی

احساسات را بگیرد) ولی در واقعیت امر چنین کاری را نمیتوانست - سرا ساختار خوش وضع زوسی اوچین است. سردردی ها با بسیاری بیماری ها از قبیل بیماری های معده، جگر، کلیه ها و ... همراه است. - اغلباً سردردی ها سستی تریلیج - ناراحتی های متین قنرات بخصوص قنرات ناحیه رقیق، رما تیزم - بیماری های کولاجن تلیس نیز میزند میکند. در واقعیت امر، تمام - بیماری ها سردردی را با خود دارند و از همین جهت است که دانستن طل آن لیتقیر مهم تلقی میگردد و نه با درک طت آن راه درست تدابیر را دردی با هم. در اغلب حالات، ظهور سردردی برای بیمار آشناست. به عنوان یک قاعده، بیمار رژی - های خیلی خوش را برای مبارزه با سردردی دارد. این رژی های تدابیر صرف شکل طوی نداشتند. بلکه اشکال خوب فلکوری. همسر وجود دارد. بیمار شکست برای لخته کتاه قسمت خارجه، جوف

اف (بالای بینی) را با انگشتانی محکم بگیرد (برای یک دقیقه در فضای آزاد) بیمار با این کار احساس بهبودی خواهد کرد. این عمل را میتوان تکرار کرد. یا اینکه سر را می توان بایک تکه نازک مکس بست. این تکه را تا ابرویان و - کوشاکتی گیرد و پوست پیشانی - لث بشاهد. این کار با بسیاری بیماری های سردردی های ناشی از اینهمه آمدن فشارخون دارند که نهاد میکند. در سردردی های مزمن با مثل با ها در آب گرم بپوشد. هر چند از آب خیلی گرم نباید استفاده کرد. در صورت آن تهیه مگس آنچه که مطلوب است بدست خواهد آمد. از پلاسترهای خردل میتوان در پشت گردن و بین تخته های شانه یا روی قفساق ها استفاده کرد ولی این پلاسترها را نباید یکباره روی تمام این قسمت ها گذاشت. ساز خودی قسمت های - مختلف سردردی میتواند مفید ثابت

شود، چین فشار متوسط بر روی نقاط دردناک سر می تواند بوده است استفاده از مرهم ها مانند مرهم پلنگ تشان روی پیشانی و شقیقه ها میتواند خیلی مؤثر باشد. گاه گاهی با بپوشیدن بعضی سطحات و ماساژ ها یا بخار آمونیاک سردردی برطرف میشود. هرگاه در حالیکه روی جاده راه میرید چه سردردی دچار شده که شکست ناشی از نوشیدن روی پیشانی باشد. شال یا کلاه تا نرا تا ابرویان تا پایین بپوشد. گرچه این کار جذاب معلوم نخواهد شد ولی خیلی بهتر از آنست که به سردردی ناشی از خنک خوردن کی مبتلا شده که میتواند شکست دوامداری را برای تان بیاورد. باد چارشدن به سردردی ها معمولاً میدانم که چگونه با آن برخورد کنیم. ولی اگر سردردی برای بار نخست باشد باد و آب پدید آید و وضع بدتر شود پس در آن صورت باید فوراً با - داکتر مشورت کرد.



پرده شفاف تلویزیون

الکترونیک شوروی آخذ و تلویزیونی کوچک را بپارد. - تصویری که از کریستل مایع ساخته شده و فقط دارای ابعاد ۶۰x۱۰x۲۰ سانتی متر

مجله تلویزیونی

بقیه از صفحه (۷۷)

نوه مورد سوال قرار دم هم هر چند که طریح های در زنده بهبود آن همین اکنون هم در سردام. - ایاصمیم افراد اید که مجله تلویزیونی به یک مجله ترقی و خانوادگی بدل شود داشته مجله هزه هنر؟ ج - هرگز! هنر تلویزیون برنامه های فراوانی برای خانواده ها دارد: برنامه زن و جامعه کودکان و اطفال، جوانان نمایش های تلویزیونی، برنامه های ترقی و تفریحی، فلم، سیاه و ... ج - چه بچهار باشکالی در راه ساخت برنامه تان وجود دارد و آیا طرح و تهیه برنامه چقدر به اراخ روان و آرامش زندگی تان صدمه میزند. ج - تهیه برنامه بی چون مجله تلویزیونی هرچند که درگام نخست سهل و ساده به نظر میرسد، اما حقیقت اینست که دشواری های فراوانی دارد. این دشواری ها اگر از یک رهگذر امور تهیه برنامه را در بر میگردد تنها مربوط به تهیه کنندگان برنامه میشود. از سوی هم، محدودیت ها و امکانات اندکی هست که روال بهبود برنامه را صدمه میزند از کم بودن وقت محدود ناگانی بودن امکانات و عدم منابع - تصویر ضرر که بگذریم، گاهی زینبر دست و پاگیر پالیسی و توجه ها سیاسی، اقتصادیه، کار و ابرای ماسدود هم از کم بهتر است از

کار و تهیه که کتایا ماهرگها دست با زنی توانم شعری را در بوی های برنامه، بگجانم، نه راه - کله. آن از سوی مسئولین ارنهای و نشر توجه و در نتیجه سانسور - میشود. چه این شعر مربوط به مولانای بزرگ باشد یا حافظ لسان الغیب یا از شاعران معاصر. - من گاهی برای تهیه یک مطلب روزها سرگردانم و بارها با خاطر یک شعور و مورد نیاز چندین روز آنهم در به ان در گفتم و نتیجه - هاست که تهیه برنامه، تالی لفظات را به خود اختصاص میدهد و از نگاه فکری و روانی، در حد فیر قابل تصویری خسته ام مجازد تازه صوم بخش های برنامه راه شایسته در حال مهربانی می نهم. - س - یک دایرکتور تلویزیون و مخصوصاً دایرکتور برنامه های ادبی چه آگاهی های را ضرورت دارد و چگونه باید در باره برنامه اش تصمیم بگیرد یعنی روی کدام اصل اساسی اتکا کند؟ ج - دایرکتور برنامه های ادبی در کار اینکه یک ژورنالیست است، با سمت محدود نهادی به ادبیات هنر و سایر لایزه های تهیه لث - دسترسی و آگاهی داشته باشد. او در واقع یک ژورنالیست هنرمند است. - س - فکر میکنم چه چیزی برنامه تا نرا بر بیشتر میدهد؟ ج - صد سال میشود سخن از زلف پارگت. در میدان مبلش که مضمون نمائند است. - س - آیا تاکنون مقامات تلویزیون شما را خارج از کشور اعزام کرده اند. ج - من هنوز برای مقامات عالیه - تلویزیون اقتدر هنوز نشده ام که لیاقت چنین چیزی را بر ابرام قایل شیند

سردرد

بقیه از صفحه (۳۱)

مرحوم (سردید) طی دوره کارش بیست و هفتاد و پنج سال سناریو نویسی برای هنرمندان و دست اندرکاران سینمای کشور لکچر های نیز تهیه می نمود. - مرحوم سردید قبل از مرگ اش شش سناریو آماده کرده که دو سناریو یوان را عباس (شبان) کارگردان ورزیده سینمای مائیکمیل و بنام های (ستاره گان نمسی میزند) و (بهرت) فلمی تحت ساختار است و یک سناریوی دیگر ان تحت نام (تلاش) بوسیله موسسه هنری قیس فلم در جریان فلمبرداری قرار دارد. - داکتر غلام محمد سردید در شان سه شنبه مورخ ۲۹ حمل ۱۳۷۲ ساعت ۲-۷ دقیقه در حالیکه

دو ساعت بعدی ان ماشا همد نشانای صحبت وی بهرامون صدمین سالروز تولد ی نایفه سینما - چارلی چاپلین از و رای نشرات تلویزیون جمع شوروی افغانستان بودیم به عمر ۴۳ سالگی وفات یافت. آخرین کارهای او به سان اشکهای که در رخساره شمار می بندد و خشک ویه گونه - لبخندی ناتمام به تمام شدن زندگی او ناتمام ماند. ترجمه نسا پشینا تیا تری او بنام (بدن شکست را خورد کنند) برنده جایزه اتحادیه هنرمندان گردید، این آخرین یاد اش بود که هنر برای او اهدا کرد. وحی غم انگیز است این برای کسیکه با هنر زیست و در راه هنر و جلاش آن تلاش ورزیده و سر انجام حباب اکسا بر ستر

حسری از نفس افتاد. اعظم جوهر هنرمند شناخته شده را که تلویزیون و سینما ما در رابطه به شخصیت فرهنگی مرحوم سردید گفت: (مرحوم داکتر غلام محمد سردید گذشتگان بیکه خواهر زاده من بود دوست بسیار صمیمی من نیز بود. مرگ ناگهانی او برای من نیز سخت رنج آورده شد. داکتر سردید انسان خوش برخورد، خوش قلب، متمدن، با دانش متواضع و صمیمی بود صحبت ها و معلومات های علمی وی در سخن های مختلف برای علاقمندان هنر و فرهنگ ناب است. استفاده بود - من شخصاً در سخن سناریو نویسی از مشوره های سودمند وی بهره میگیرم، مرحومی دارای دو فرزند، یک دختر و یک پسر بود دل بستگی

نظم معده

بقیه در صفحه (۹۱)

یک نوع بکتریا را در معده اتویسی شده و بعداً در Fred Berg ۱۹۴۰ این بکتریا را در انسان معده مرض گسترگستگویی شده، دریافت نمود. در ۱۹۲۹ در استرالیا G. R. Warren در شفاخانه Rogalpearl این میکروب را در شیعی معده تشریح نمود و کلچر نمود و بالاخره تدقیق بیشتر یک ترکیب Blomulk + Cimil + line Tinidazole + Amoxycillin تولید کرد که بکتریا را محو میکند. با درن این واقعیت دیگر تدابیر گستریت عا و زخم معده، نه فقط به اساس تنزیل اسید معده که ممکن در اکثرها مرضیان قیلا کم باشد، میشود بلکه با محور و نابودی عاجل این ارگانیسم از معده و تعقیب مرضیان، تدابیر گردند و ناگفته نماند

مرضیانیکه با محور و نابودی مکل این میکروب و تدابیر مکل جواب نمیدهند، ممکن علت مرضی شان چیز دیگری غیر از زخم معده باشد، ممکن فقط حجای حاجز و ابز و فسزیت و سندرم ایتزیال باول و غیره باشد و ناگفته نماند که بعضاً مرضیان ناقل میکروب بیلورن معاد سیمی نفع و گاز هلو توسترو بیدی بوی دهن، توسع پلن بعد از غذا - عارق زدن متد ام بوده که با تدابیر میکروب تمام امراض از بین میروند. در اخیر باید اضافه شود که اگرچه اسید معده در تولید ترحات رول دارد ولی تنزیل تخریب مقاومت میکروبا بعداً در ارتعاش توسط بکتریا بیلوری برای تاثیر فکوریته و علت اساسی ترحات گستریت امی مزمن میباشد. (دکتور روح اللعویان)

تصویر بردار...

بقیه از صفحه (۳۱)

کرده و دست نشتر سبدم، از آن به بخلصورت تدریج تصویر برداری را آموختم و پس از آن برای تهیه زاینترها به ولایات کسور عزیز و همچنان در مورد به کسور های اتحاد شوروی هندوستان ویتنام، کمپوچیا، چکوسلوواکیا و نیویارک سفرهای داشته از هر یک کتاب را برایتان تنظیم و آماده کرده ام.

تصویربرداری استفاده کرده - اینست:

- از مینود تصویر برداری - تلویزیون و امکانات لنز و کمپوزر تلویزیون و هم از تبادل نظیر و تجارب دیگران استفاده اعلی حاصل آورده ام.
- با امکانات محدود کسره تلویزیون، آیا تلم های نیز فلز - داری کرده اید ؟
- بلی کارهای در تصویر دارم و توفیق امروزم اولین محترم آموز هنر و فرهنگ تهیه آموزش بهتر بود - شترنگد اشتن و سایلند جهر سنز تکنیکی برای کار بر نمود به لویان توجه و برای بل ها و خانه بد و نشی فرهنگیان شان مساعدت نموده تا با نیوی هر چه تمامتر در اجرای امور این بیشتر و بهتر بردارم.

که نوشته ام در پند ح زبانی، هنر آکت و تمثيل بود - بالا و هم چنین اشعار شعری میباشد. امید دارم قناعتتان را حاصل نموده باشم.

من - برای من جالب من میباشد افراد رکنی شور و دین زنده گی شما در افغانستان همین انگیزه برای شعر گویی چون نه اشک که در وصف آن شعر گویید که همه اشعار تاثیر در وصف شخصیت های هوایا سروده اید.

«اولاً اینکه عشق به اشعار خودیادم نیست و این نگارنده است و کارهای دول هم از قدیمت را در مغلز انبیا خارج است چنانچه حرکات غیر زلزلی و در دوران خون قلب خارج از اراده و انداره انسان است و ترقیه سلطان عشق سرزمین دل به خمسه در مطلق و اشتغال کنی میکند و حضرت سلطان کبریا عشق امیران مطلق العنان و تلویزودل و روح انسان میگرد و مویانند خورشید در فشان همه چیزهای دیگر را از زمین برده تا یکی های گوشه های بدل را در زمین ساخته و خورشید کینه و دلاوری و محبت و غیرت را از زمین قلب تحیه میکند.

«ثانیاً اینکه بزای صورتی اشعار خود بیک منبع الهام ضرورت داشته همیشه فکر میکردم چیزی را که کرده ام و کمبودی بی در خود احساس میکردم مانند یک آتش فشان منجمد مانده در حالت قبض از لحظه انفجار خود را احساس میکردم و این منبع الهام باید حتماً زنده انباشته و چون از یک طرف هنوز زخم جملات در لغت انبیا صورت نگرفته بود و مشکل میشد منبع الهام بر خود اید حتی نامکین نبود و از جانب دیگر چون به مبرهله زیاد داشت و هم مانند جوانهای دیگر بعضاً علم های هنری و ادبی را راهی دیدم - که در نتیجه مبرهله بالا براد زلم حاصل دیدم منبع الهام خود را پیدا کردم و بقصد استان را بخودشان میدادند.

نماینده درین شعر در کربلا سیسی دل خود به ملک دیگر میفرودم یک چشم ندیدم که از آن چشم کسوست این شعر چه شعریست که میخوانند از بقیه از صفحه (۷۵)

مچون قرن

بقیه از صفحه (۷۳)

بقیه این ترانه را در مجله مطالعه نمایند و نگاهته نمایند تمام جزایه روزانه هائیکه گفته آمد بازنگرند خود موجود است و یاد رکاب خانه خانه کابل در صورت لزوم آزادیده میتوانند.

یک عمر میتوان سخن از زلفا یار گفت در زیند آن میاش که مضمون نموده است و اما راجع به نشرات مطبوعات هند طوری که قبلاً هم بعضی رسانیده شد، آنرا ترجمه کرده و در یکی از شماره های آینده میابون منتشر خواهد شد البته در صورت موافقه اداره سب و روز و خوانندگان گرامی اس:

مختر علی مشرتی ایابرسیده می توانم که شمار برای بد در هندی نان اشعاری سروده اید یا خیر، انشا الله خود خفه نس شوید ؟

عربی صاحبه اصطلاح شطرنجی در لغت هندی نام شعر سروده ام یک و دو صد و در وصفی بکلمه هزارها یعنی ده هزار شعر سروده ام که در جوان شعر بند کور بنام ریخوس شرقی یا قد هوایا میباشد و اشعار مشرق زیاد هم درین باره نوشته ام که در مجلات انجمنی و زیاد تر آن در جزایه و مجلات اردوی هندوستان به نشر رسیده که خدمتتان تقدیم است در پیسوان اشعار مذکور را به مدعو بالا تقدیم نموده ام اگر نمونه ازین اشعار را بجهورتان تقدیم نماید، بقصد آنرا نشر نخواهید کرد زود رصاحه گذشته نمونته شعر را شما خواستید و من گفتم نوشتی، ما سنا سببه آنرا نشر نکرده ایم که دلیل آنرا میدانم شاید بجه ترم و تراکم مضمون و شعر در چار میاشتی البته تمام اشعاری که در سیابون به نشر میرسد بسیار عالی و استادانه هست که شعر ناقصی محتوا و ناچیز و اولان ندانستید که در جمله وین تان نشر شود و اکنون که از من سؤال کرده بد در چه مورد شعر سروده اید، لایم بود یک نمونه آنرا برای تان عرض نمایم اما بد لایل فرق از اظهار آن صرف نظر نویسم البته اشعاری

میباشد جدیداً اختراع نموده اند - قطر این سرده تلویزیونی ده سانتی متر است - این وسیله بر اساس عینی سر - کسین استوار است باشد که سلاید رنگه است - منتفا درین جانر عوض سه قشر مواد عکاسی رنگه سبز - آبی - سرمز (که انعا در ترکیب شعبین جهرنگ را میسازند) سه قشر کربنیل مایع را که سه شفافیت خود را در اثر تفاوت پوتنسیال برقی تغییر میدهند و نگار برده اند.

بوده جدید تلویزیونی درین امر پاینده های معمولی تلویزیونی متغایر متغیر دکه برده جدید با مغز فوق العاده که برق کار کرده و همچنان تصویر تلویزیونی را به گونه سلاید در مقابل رویشی میتوان مشاهده نکرد - در این جا از روشنی عادی روز نیز اعتاده شده من تواند - اینچنین اخذ ه های تلویزیون هنوز در هینچ عالی تولید نمی شود.

ولانندی زیاد از حد غافلیتن بد اینته ولی خن در شست باقیه باور و اشتیاق چیز را در میانتم - که همیشه در زمانه طولانی در تلام بود وین هموار میگردید تا بر سطح انبساط خاص سازد - اینک چه رفتن و چه در زیند داشتند از اهرار که به کسی نگفت - در دست تان روز های یک سناری (تاریکی زندان) را با همی سنی و احسن نظری کار کردن - روزی در سینما تلم کرده بود خوشحال به نظیر میروید، ولی با تاتر که میگرد به سرافرا اند در اثر شکسته قلبی چشم از جهان بست و بار در صوبه خود نشانده - بجای دکتور غلام محمد طه بد - برای همیشه در قلب ما و در جمیع ما خالی است و یاد ها و خاطره هایش در ذهن ما ماندگار - روحش شاد و بیسان - موسی راد شش

بیشتر و در نتیجه جنگی بیشتر به خشد با وجود اینکه باید اعتراف کرد که او یکی از جرمهای بود رخش سینما هند و یکی از با فرهنگ ترین مردم ب ترین، خوش برخورد ترین افراد فرهنگی است - در جهان نمایش امروزی او به همان بیمانه که در روی برد سینما (بد) - جنبه مینماید به همان بیمانه در خارج از حد بوده سینما (خوب) - نشانه میشود - با وجود پیشبرد نقش های کثیف در باره دست داشتن او در کثافت کاری های رسوایی - یخن خرفی زده نشده است - فلمازان جرات آنرا ندانند که با این ابراه ابدان و سیایسی یکشنده مردم - باره آن حرف صد نفی بزنند بعین نسبت در روز و بیرون صنعت فلم سازی از محویت تراوان سر - خورن است.

گرمی یابد که به عرض حلت توجه نشانگر به بریم جویره نیز نقش بسیار - چنانچه علم های (بای) و (سینا) - بر همین منوال بنایافته است تا حال برود پوسران نتوانسته اند کسی را بد انباشند که جایگزین بریم جویره بنامزدند آنها یک میگردند - درین روزگار بریم جویره بیشتر تحریفی خورد و ادعای نمایند که استعمال در تمثیلی اوزر با جلال است - بد اند که اگر شور و شوق او نباشند گذشته رویه انرا بیست ولسی رویه کاهش هم نیست - بعین سبب با وجود شلوغ بودن بازار - فلمازان از غیر بیخه گان، از نیایز با ویک زره هم کاهش نیافته است - برود پوسرها - بر عکس تلاش میوزند که در روزهای خود اوزر نیز نشان نمایند - زیرا انعامی اند که فروین فراوان پس از هر فلم بالاتر رفته میروند - حتی یک سینما روحانی ندیده میتواند که او - مانند امیتا - بد چن با تاقیه هر فلم جدیدی

بریم جویره

بیمارمون فلم کالا بقارایک تیم اشکارا بریم جویره را چنین ستود (در وقتنگه اقلیم در ای فلم که بریم جویره در آن حدیث اکتور در وقت نفس داشته باشه - خیرت برانگیز است - زیرا حضور او در فلم چنان اثر انگنده است که اکتور دیگر ترا و امید آرد تا سوبه غیر نمایی - در جها اجرای نقش خود را با ایامرد - خوش کار بریم جویره در آنست که نمیخواهد مغزین تقلیدی ویک نواخت حلوه کند - او در هر فلمی چیز دیگری احساسی در قالب کرکتر سرده شده چنان حیا میگرد که او را زنده میسازد و نشانگر او امید آرد که آن صحنه را آمیزه سی اروا نمیتابد آن - این موضوع حقیقت دارد - اگر برود پیوسر یک جفت ستاره (عتر بیخگان) تازه - استخراج میکند خود را -

مرد خشن

بقیه از صفحه (۳۱)

(جان واین) سه بار از ده واج نموده و نمره آن هفت نژند و (۱۷) نواحه میباشد و در سن (۵۰) سالگی به موزن سرعان دچار شده مدتی تب ابری گردیده و کسار امروزمی را در هنر فلسفی ازین اژده ستند اولی بتاریخ ۱۱ جون ۱۹۷۱ در شفاخانه بیوروستی لانجلس - اعمه مرض سرطان گردید و چشم از جهان بست.

سازمانت کودکان

چه مالک خوبی!

بود و نبود دخترکی بود
فرخنده نام ، فرخنده خروسی
داشت و خروسی هر صبح زود از
خواب بیدار شد و دیدگون
با ننگ می کشید :

کیکرکی ! صبح بخیر صاحب !
پس از آن سویی فرخنده دیده ،
از کف دستش هان هان هان
خوشی می چید و آرام بروی دراز
چو کویی که جلو خانه شان قرار
داشت ، کارش می نشست .
خروس برهائی رنگارنگی داشت
و طوری جلایش میکرد که گویا همه
بارون جرب شده باشند ، روزی
از روزها فرخنده نزد زن همسایه
ماکیانی را دید و از ماکیان و
بسیار خوشش آمد ، به زن همسایه
گفت :

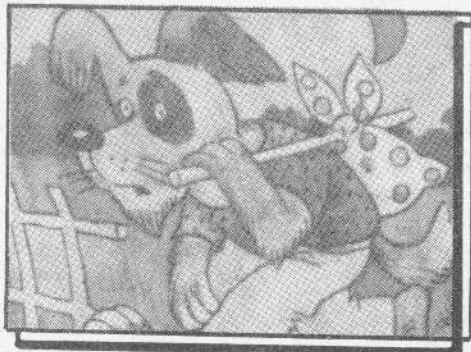
ماکیان تان را به من بده و من
در بدل خروس را بشما میدم !
باشنید این حرفها خروس
تاجش را به پایین آویختند
و سرش را به زیر انگند ، چه
این خود مالکش بود که میخواست
ویرا به کس دیگری بدهد ، زن
همسایه با فرخنده این تعویض
را قبول و ماکیان را در بدل خروس
به فرخنده داد ، فرخنده
به زودی با ماکیان دوست شد ،
ماکیان با پرهای سفید خود
احساس گریس و آرامش می نمود ،
همه روزه یک بیضه تخم میگذشت
گنگ ، گنگ مالک عزیز ، از زومندم
تخم ، را با اشتها و مزه زیاد صرف
کنید .

فرخنده تخم را نوش جان میکرد ،
همواره ماکیان را در آغوش گرفته
و بروی برهائی زیبایش بصرهائی
دست می کشید .

یکی از روزها زن همسایه
رو بروی شان همراه پایک مرغابی
به دیدن فرخنده آمد ، فرخنده
وقتی چشمش به مرغابی افتید ، از
مرغابی خوشش آمد و از زن -
همسایه خواهرش کرد :

مرغابی تان را به من بدهید
و من در بدل ماکیان خود را به
شما خواهم داد !
ماکیان از شنیدن این حرفها
نمگین شده و از تان ترسیدند
با الهای جانب زمین آویخته
گردید ، با تأسف ، چاره بی جز

ترجمه : م ، رهتاب



تسلم شدن به سرنوشت ندا -
شت ، چه این مالکش بود که
من خواست وی را به کس دیگری
بدهد .
دری نگذشته بود که فرخنده
با مرغابی دوست همیشی شد ،
یا هم یکجا به دریای رفتند و در -
آنجا مرغابی در کنار فرخنده شنا
میکرد .

گنگ ، گنگ ، گنگ ، مالک عزیزم
آنقدر رها دور شما میکنم ، زیاد را
در آنجا زرف است (با این صدا
دخترک دوباره به ساحل دریا
بر میگشت و مرغابی از بی او می آمد
یکی از روزها همسایه بی باک
کوچک و دوست داشتنی خود به
خانه فرخنده ، شان به معناسی
آمد ، فرخنده هنوز سگ را به
قد رکابی از چشم نگذشتند ، بود
که گفت :

سگ تان را به من بدهید و در
بدل من مرغابی خود را به شما
خواهم داد !

وقتی مرغابی گفتا فرخنده را -
شنید ، بالهای خود را از روی قهر
به هم زده و از منقارش آواز -
اند و هگینی لرزان ، لرزان بلند
می کشد ، همه بی فایده بود و
چاره نبود ، همسایه مرغابی را زیر
بغل گرفته و با خود برد .

فرخنده بروی سگ مقبول دست
کشید و گفت :

خروس داشتم که با ماکیانیش
تبدیل کردم ، ماکیانی داشتم و آن
را در مقابل مرغابی به کس دادم
و حالا مرغابی را داده و سگ
قشنگی بدست آوردم ، همینکه
این سخنها به گوش سگ رسید ،
دم خود را جمع نموده و به زیر
در از چوکی خانه فرخنده خود را
پنهان کرد ، در تاریکی شب
هنگامی که فرخنده در خواب
شیرین بود ، دروازه را آهسته
باز نمود ، و بایک خیز به بیرون
خانه جست و یا به فرار نهاد ، در
راه این سگ دوست داشتنی
زیر زبان زخمیه میگرد :

با همچو مالکی نمی خواهم
یک جا زنده گنم ، وقتی
دخترک بیدار شد خود را تک و
تنها یافت .

آیاتناسی د . . .

- ۶- آیامیلانه دې خوښيزي
هو ۱۵ نمرې
نه ۶ د
- ۷- آیامخکي لدې چی د کور
خخه د خوراکي موادو د رانیولو
په غرضوړي د نوموړو موادو -
لست نیسی .
هو ۲۰ نمرې
نه ۳ د
- ۸- آیاهمیشه خپل کورنۍ ته وړي
په ټاکلی وخت بخوي .
هو ۱۵ نمرې
نه ۸ د
- ۹- آیاد خوراک پخولونوي آشوزي
د ستورونه استعمالوي .
هو ۱۲ نمرې
نه ۵ د
- ۱۰- آیاهمیشه تاسی د آشیخانو
سامان آلات منظم په الماری کور
کیزدي .
هو ۲۵ نمرې
نه ۵ د
- ۱۱- آیاد کوربه کارونوکي ستاد
گوزوند ملگري کمک کوي .
هو ۱۲ نمرې
نه ۶ د
- ۱۲- آیاتاسی پخجال د کور د پیر د
ضروري شیانو خخه شمیري .
هو ۴ نمرې
نه ۱۶ د

په لاسو راوړل شوي نمرې جم
کیري .
د آزمایش نتیجه :
تر ۱۵۵ نمرې پوري :
که غواړي چی د کورنۍ د خیرکو
د میرمنوله جملی خخه وشمیرل شی
باید پخپلو کارونو کی نورهم د
تجدید نظر وکړي ، تر ټولو د مخا
باید د دې چی د وخت په موند -
اقتصاد ي وواسی ، اوبه ښه صورت
سرخیل کارته سازمان ورکړي .
د ۱۵۶-۱۹۵ نمرې پوري :
تاسی کارکه یاستی ، هرشی -
ستاسوپه کورکی خپل مشخص تعای
لري ، که چیري تاسی کوم وخت خخه
شی باید ولټوي د لدې کیله چی
تاسی تراوسه پوري د کورنۍ ضرور -
یات په ښه توگه ندی زد وکړي .
د ۱۹۵ نمره خخه پورته :
ستاسوپه کورکی د استقیما خیالی
دی ، همیشه یوخه شی مینعی ، یا
کوي اویا جاروکوي ، اما اعتبار ولري
چی د کارونه لاندوره هم په ل -
قدرت اوبه کم وخت کی تراوسه
تر سره کولای شی ، لدې کیله
لما نورسوي ترخوجه وخت لري ،
اما باید هرینه کړي چه بدون د
کورنۍ مشکلاتو خخه نور مصرو -
فیتونه لکه تیاتر ، سینما ، کتابونه
اولمگري هم شته دي .



خانواده سوگواراست

فایده . . .

بقیه از صفحه ۳۵
بعد از نسخ نامردی همیشه
نامیل ، ما از طرف اعدا تعهدید
میشد ، دوسین که صاحب منصب
اند همیشه آنها در وظیفه
میوند نامیل ما مورد تعهدید
قرار میگرفتولی من هرگز به سران
چیزی نمیگفتم موضع را بنهان
میکردم تا مباد امینان آنها بر خورد
صورت گیرد ، بالاخره بتاریخ
۱۱ حوت سال ۶۶ روز سه شنبه
ساعت ۲ آن حادثه المناک
رخ داد ، آتش جاوید بسرس
بخانه آمده بود ، صبح چندین
بار صدایش کردم گفتم مگر رگد ار
خوایم ، نمیدانم چرا خوابم بوره
میشود ، وقتی در زده شد
ما رینا د ختم رفت تا ببینند
کیست همراه با باز شدن دروازه
صدای دو غیر مری و فریاد
د ختم شنیده شد ، بجای آمد
وارخطا از خواب برخاست
بطرف بیرون دوید ، د ختم
انیتا که بیشتر از برادر خود شی
را به قاتل رسانیده بود ، مور د
اصابت مری قرار گرفت و لسی
برادر خونش را سپر خواهر
ساخت که یک مری در جان
خواهره ۸ مری در جان برادر
جای گرفت ، وقتی من به نزدیکی
بسیم رسیدم خواهر و برادر هر دو
د راغوش هم بودند برادر با وجود
آنکه سوراخ سوراخ شده بود
میگوشید خواهر را از افتادن
مانع شده ولی بعد هر دو بزین

افتادند ، من بانی لی و سولج
عقب قاتل میدویدم او بطرف
سورک میدوید وقتی به سورک
عمومی رسیدیم ، زیر سینما
اقبال همراه یانه و شارندوی
اورا احاطه کردیم ، چون در -
دستش سلاح بود کسی جرئت
نمیکرد نزدیکش شود ، گفتم
اورا بگیرید تفنگچه مریسی
ندارد و بایند شده در غیران
من تا اینجا زنده نمرسیدم
درین اثنا دو مظنین حوزو
رسیدند و اورا گرفتند ، او را
دوباره به محل حادثه آوردند
به جن خود اقرار کرد همه جاها
را نشان داد ، گفتم باز هم می آیم
همه را میکشیم و دختر را میبرم .
بسیم راه شفاخانه بردیم
ولی او مرده بود ، طب عدلی
۸ مری را در وجود او نشان
داد .
ولی من همان لحظه بخون
فرزدم سوگفت یاد کردم او که بس
را ظالمانه گفت من اورا توسط
قانون میکشم .
دو دختن زخمی شدند یکی
در کرده و دیگری در رطن .
درین یکسال چقدر دویدم
روزها بالب و در هین خشک بایین
ویلا تا دویدم یکسال مدت کمی
نیست .
در طول این مدت بارها
از طرف قاتل نعمت الله هغه ما
تعهدید هدم . بارها گفتند شما
که خون ربا خون می شویید
ما همه تا ترا نابود میکنم .
ولی هرگز از تعهدید آنها
نترسیده ام زیرا در صورتی که
نعمت الله اهدام شود چانس
سپم خود را برای نابودی نامیل
من از دست میدهد ، اینک نمر
مکتوب را بدست دانه که نعمت الله
دولد نورلم ، بتاريخ ۱۱ ار ۱۲ ار ۱۳
به اهدام محکم شد .
با اهدام او دم اندکی آرام
خواهد گرفت دیگر جسم سوراخ -
سوراخ شده جاوید که فقط
۱۸ سال داشت مقابل چشمانم
مزارها بار جان نخواهد داد .

نقش جدید من . . .

بقیه از صفحه ۳۱
من در فلم سفر نقش مصطفی را
بازی میکنم که با گروپ از جوانان
که برای سواد آموزی به قریه
دور افتاده میروند و فلم نیز از همین
جا آغاز مییابد . و حوادث فلم
یکی بی دیگری اتفاق میافتد و -
گروپ از جوانان به شمول مصطفی
با این حوادث درگیر میشوند و -
قهرمان متن باد یگر جوانان
با شجاعت و پای -
مردی با ان دست و پنجه نرم
میکند و در مجموع فلم نمایانگر
آنست تا آدم ترسو و زبون نبوده
و بدون ترس با شجاعت بهتسو
میتواند به هدف دلخواه خود

برسد . من از نقش راضی میباشم
زیرا اولین بار است که نقش یک
جوان تحصیل کرده و روشنفکر را
بازی میکنم .
و نقش های من عمدتاً با نقش
تور دی در فلم مسافر و فضلود فلم
مرد هاره قول است فرق دارد .
در این فلم با من سعید اورکزی
واسع صدی ، اسد الله آرام -
خورشید ، فریده همرا ، انجانا
شمسی ، موسی رادمنش ، فتح الله
برزند ، شاه محمود شارق ، زلمسی
عبادی همبازی میباشند .
فلمبرد در فلم محترم قادر طاهری
بوده و اهنگ از محترم شاد کام
میباشند .

چاپخانه

بنیة ازمنحه (۲۲)

سنت يك تلاشگر ایدمه ال بود
 با آن هر چه نیکه ماندنید اگر -
 خنده دار بود از دل می -
 خندید، سهم نگاه میکرد و می
 میخندید و آنس خنده بخود
 میزدید. این کاری مراجعات داده
 به تویح تمیم پرداختم.
 سنت بی مقدمه خطاب به
 دیگران گفتم: ببینید این آدم هر
 کاره است، ولگرد، آقا، شامه،
 ایدم وار، تنها چاشق پیشه و -
 ماجراجو، او میتواند شما را مقاصد
 سازد که عالم، مونسین، اشرافی
 و بانگر پولواست و در زمین حال از
 بوداشتن تم سوخته سگرت و -
 شربتی برخاک افتاده نگ ندارد.
 - خوب من او ریسه خود را
 به پایان میرسانم میدانم که وقت
 و شرایط برایم بسیار مناسب بود.
 محبوب مردم سراسر جهان شدم.
 هم دوستم داشتند و هم از من
 نفرت میکردند.
 بلی زنده گی ازودیمه هایش
 خوبترین و بهترین را بمن ارزانی کرد.

البته يك کی از تاملات راهم
 تلاشچان چارلی بیشتر چه
 ها و کارگران بودند، و برخلاف تصور
 همگانی فلماهی تا سال ۱۹۲۰ -
 هنوز مورد علقه امان و اشراف
 تر از نگرفته بود، زیرا آنها هنوز
 خام و عوام پسند بودند. شاید -
 تقاضای زمان بود که آناوش رنگ -
 ماهانه داشته باشد. طبقه با
 سواد و تحصیل کرده کی در بر تبه
 چارلی علقه مند شدند و بنابراین
 نتوانستند او را منحرف سازند. از
 ((ولگرد)) ۱۹۱۵ گرفته تا ((کوچه
 درام)) ۱۹۱۷ او دوش نگ ۱۱۸ -
 و ((پسرن)) ۱۹۲۱ او ((زایر)) ۱۹۲۳
 و ((جستجوی خلا)) ۱۹۲۵، او -
 ((روشنایی شهر)) ۱۹۳۱ او «صفر
 جدید» ۱۹۳۶ آنچه به نظر میرسد
 نه دگرگونی بک زرنمایان و کامل -
 شدن شخصیت ((ولگرد)) است. حتی
 لباسش که اتفاقاً برای بعد از ظهر
 پارانی تدارک شده بود کم کم معنی
 خاصی مییافت. در این لباس زنده -
 پوشی از نگاه نجبا، لوکس
 از نظر فقرا، نقش مبرد
 فقیر بی همه چیزی را بازی میکرد که
 باشجاعت تمام واقعیت تلخ فقر و تهی -

دستی خود را نادیده میگرفت. چارلی
 نمونه مردم بی همه چیز و فقیر شد.
 برای تجسم روحیه ((مرد کوچک)) از
 حیلله های بصری و تبدیل ناگهانی
 اشیا که در قلمهای نخستین به
 کاربرد استفاده میکرد. مثلاً در
 ((پسرن)) وقتی چارلی دستکش بی
 انگشتش را بیرون میکشید تا هم سوخته -
 بی را از قوطی سگرت (قوطی سارهن
 است) بیرون آورد این حرکت عادی
 را ظهیر انجام مدهد که مانند
 تنفس بسیار ضعیف و گرانجا به
 نرس میرسد. در ((روشنایی شهر))
 چارلی در مهمانی مجلی ایشیا را
 بی بلعد و از درون شگش صدای
 وصل شنیده میشود و نیز در کاره
 وقتیکه توشه های کافذ با مگروشی
 مخلوط میگردد. این دو واقعه هر
 يك عموماً برای آنکه به جای خود بسیار
 خنده دار است در ضمن تعایشگر
 است که چگونه چارلی از در و جان
 میکشید تا هرگز جماعت نشود. تا
 میایستد و دختران، بانوان خوبی
 لباس او را در جمع خود میزدند و بی
 چارلی بخوبی میدانست که کوچک
 مردی هرگز نمیتواند هم رنگ این -
 جماعت شود. سرنوشتش چنین است
 که همیشه در تاریکی به امید و انتظا

بسرزد و همیشه با همی دوری نسا -
 امید را از خود دور براند.
 شاید در اینکه چارلی دور -
 گارانی که مردم به سن و رسوم
 جامعه گردن نهاده بودند -
 شخصیت ولگرد خود را جل دهد
 معنای خاص نرفته باشد. شاید
 چارلی دیگر (صردک کوچک) به
 نهر و ایستادگی اش در برابر اجتماع
 ایمان نداشت و شاید احساس میکرد
 که رسانیدن پیامش به جهانسان
 بیان صریح تر و مستقیم تر را ایجاب
 میکند. وان اتکا به نفس و ملامت
 نروانی چارلی ولگرد دیگر برای -
 این منظور کافی نبود. حتی ارسال
 ۱۹۴۰ به بعد با فم ((دیکتاتور
 بزرگ)) چارلی شخصیت خود را کنار
 گذاشت، تا ازته دل پیام میدهد -
 واری دهد و دلگرم کننده اش به
 گوشه های مردمان خورد شوند. در
 نیرسا و نظم و استبداد برسانند -
 در فم بعدیش ((سپوورد)) -
 ۱۹۴۷ چارلی ولگرد بکل ناپدید
 شد. در این فم، که شاید -
 همان امیز تهن فم باشد، قاطعی
 در دفاع از خود میکشد که جنیت او
 اصلاً گناه نیست بلکه قیاسه
 آن وحشتناک است. ((قتل یک
 تن انسان را چینی تارک همساز و
 قتل چندین میلیون تن باعث افتخار
 است.))

از وی. تاسی و لوستل جسی
 اداری مرستیال ددنی نیسی
 وری صلاحیت به زور. تولسو
 د فترتونه دخیل خان دسر -
 پرست والی رسمی اطلاع میرسوله
 اود همانی وری له فرمی و روسته
 چی فنی مرستیال ترجمی خان
 و رساوه. نوتولود فترتونه بی د
 خیل کالت متحد المال مکتوبونه
 ولزیر. به دوهمه ریخ سعار
 اداری مرستیال بنغه جسی
 موسی ته رانی. حال داجسی
 فنی مرستیال له بیبسی ناخبره
 به اووه جسی تمکی موترکی له
 نوروما مورینود مخه خان موسی
 ته راروسی. خوگله چی خوکیدار
 ورته وای چی اداری مرستیال
 ترده دمخه رانلی دی. نونسی
 مرستیال د موسی به عومنی
 دروازه کی لکه ریخ لری به خای
 ریخ کلک باتی کیزی. اوسر به
 وگورچی دغه لویه دجابه کتبه
 رانخرسی.
 (یونیم اواملا موزیک دی به
 خبله لوستونکی و غمز وی)
 راوی: که فنی مرستیال
 موسی دروازه به خوله کسی -
 لری غرنی ته تکیه نه وای کری.
 نوی له شکه به به خمکه رانور -
 خریدلی وای. دومره ورسره
 بخت یاری وکره چی داماموینو
 موتره ویرا رسیدلی. که نویسه
 دغسی وضعیت د فنی مرستیال

لیدل کومه وری خبره نه وهغه
 داداری مرستیال به دغه موقتی
 برلاسی ناامیده نه شو. او نیخ
 خیل دفتر ته لار. فنی مرستیال
 ددی له باره چی اداری مرستیال
 بی به راتلو بوه نه شی. خیل
 بو تونه بی دد هلیزه دروازه کی
 وایستل اولکه دچرگانو دغله
 غوندی دگوتوبه خوگوخیل دفتر
 ته لار.
 (د فنی مرستیال د ورو ورو -
 قد مونوبه مگرونوکی دی محترم
 لوستونکی د قمرگلی دغه مند ره
 چی: ((و رو و رو کیده قد مونسه
 اشنا)) له خانه سره زمزمه کری (ی)
 به دغه ریخ اداری مرستیال
 دومره دروند دریاست به چوکی
 باندی ناست و چی به ار مونو
 به هم جانه وای و زخنی ار ولی.
 دغرمی و ووی بی هم دخیل گارد
 میزله پاسه و خور. او به دا لویه
 ریخ کی بی ترمازد یگره پوری به
 جای روزه هم ماته نه کری.
 د فنی مرستیال خانه سامان
 حضرت میر چی یورخ دمخه بی
 دکیم غرووی کارله باره له فنی
 مرستیال خخه اجازه اخستی وه.
 به دغه ریخ کار ته نه و رانلی.
 کله چی اداری مرستیال له دی
 بیبسی خبر شو. د اجیرانوحا -
 ضری بی دفتر ته ورونیسته اوسه
 خیل قلم بی ((نیم روزه)) نمیر -
 حاضر کری. فنی مرستیال به دغه

ریخ دچوکی به نه نیولود و سره
 خپه نه و لکه دخیل خانه سامان
 غیر حاشیه لوجی به قهر کر.
 دوه د ری حله بی تیلون ته
 لاس ورتیر کری. خود تیلون له
 لاری اداری مرستیال به بی ابه
 کری. خوهرخل به بی به
 شیطان لعنت کی او دغه کلمات
 بی بل وخت ته برینود. هغه
 پوهیده چی اداری مرستیال د
 ریاست به چوکی پوری مییخ
 شو نه دی. او غرو به یووخ
 چی نییورته شی. هغه وخت
 بی فنی مرستیال بی فال به
 زه کی نیولی ز درسی وخت
 پای ته رسیدل وو. کله جسی
 رسمی وخت پای ته ورسیده. نو
 فنی مرستیال داداری مرستیال
 د غالفکیر کولو له باره د نورومامو -
 ریخ به خیر له دفتر ته راویت او
 به لوی لاس دریاست د دفتر
 دکری تر خت تیر شو او هداسی
 حال کی چی اداری مرستیال
 دریاست د چوکی له سرنه ورته
 دستر کولاندی کتل له موسی
 ووت.
 اداری مرستیال درسی وخت له
 پای ته رسید و روسته بوره یسو
 ساعت لا هماغسی تینک به چوکی
 پوری نبستی و. کله چی دخیل
 رقیب به تللو پاوه شو. نو
 دروازه بی به خیل لاسر کولپ
 کره او کونجی بی به حیث کی له

خانه سره و اجوله. خو خیرنه و
 چی فنی مرستیال به کونجی
 لا بیون ترلاسه کری وه او هم بی
 دیوال له لاری موسی ته د -
 بیرته رانوتلونیت کری و.
 (دلته دی یوازی دریا بیه
 لنده نغمه د خوتانیوله باره -
 و نزل شی).
 فنی مرستیال د ما بنام و ووی
 به کورکی و خور. اود سهار له
 باره بی بیه وچه و ووی او خبو
 ایشیدلی هکی له خانه سره
 به بکرکی و اجولی. د ما بنام
 به خره کی د موسی به دیوال
 وروایت او به بیخه زه بی د
 ریاست دروازه و خلاصه کری. ایه
 خرخی چوکی شیز اووه خرخه
 هاخواد یخواتا و راتاوشو. که خره
 هم دشیخ د خوب او بلاستی
 له باره به دفتر کی یوغت او -
 مناسب کوچ هم بوته و. خوله
 دی ویری چی سهار دی ویده
 و او چوکی بی اداری مرستیال
 ونه نیسی. نویسه بی به هماغه
 چوکی سبارک. (دلته دی لوستو -
 نیکی داس فکرو کری چی گوندی
 چرگان بانگونه کوی اوله دغسو
 بانگونوسره ییخای دی د صحنی
 بیلولو یوموزیک هم ورسره و ووی
 سهار اداری مرستیال بیلا
 دخیل رقیب له ویری به هماغه
 بوونی وخت موسی ته رانسی
 باتی به (۷۷) مخ

چاپخانه

۹۱۵



مجنون قرن...

قیمه از نسخه (۹۱)

راجع به ملاقات های رسمی و شخصی
تان با ناد هوپالا میخوامم بدانم

ملاقات ها که زیاد دست داده اما یک بارتی
و یا ملاقاتی که در منزل مد هوپالا تقریباً صورت
رسمی در حضور اکثر هنرمندان فلسی و ژورنالیست
های هندی ترتیب شده بود که کمی از آن رحمت
منام - ترتیب بارتی در خانه مد هوپالا در -
(بندره) بعضی صورت گرفت که از جمله
هنرمندان در آنجایی، نیویاری، دلیپ گماز
نوروزان بلراج سها نی و چند نفر دیگر از هنرمندان
معروف و علاقه مندان مد هوپالا تشریف داشتند
راستی در نظر دختران آن که دو خواهر بودند
و حدیثاً در جهان فلسی شروع بکار نموده بودند
البته از طرف من درین دورات اشتراک داشتند که
اسمهای شان، شاه گل و ملکل بود - بر علاوه روز -
نامه نگاران تایمز اندیا، سکری، اداکار، آنزو
و چندین ژورنالیست های ران یو هند و کهنکشان
فلم ستار، شمع دهلی، فلم نیوویو، حضور بهم
رسانیده بودند - دعوت ساعت چهار عصر شروع شد
همگی حاضر شدند - دو هم شیره مد هوپالا، کیتیز
و جنجل هم دروازه از مهمانان پذیرایی میکردند -
موجهر شوهر همشیره مد هوپالا هم تشریف داشت
که او هم یک هنرمند جهان شناخته شده فلم بود
عکاس موزیک گرفته بودند این دعوت رسمی را مد هوپالا
بافتخار من ترتیب داده بود - بعد از صرف عصره
بسیار عالی و مجلل سخن از هر دو زبان آغاز شد
از کابل و هوای آن و سوه جات تازه و خوشک
افغانستان که مخصوصاً بسته برادام، کشمیر
و انگور و زهر بوزه افغانستان در هند شهرت
فون العاده دارد - آهسته آهسته سخن بجاهای
جسارت و بیاریک کشیده شد - ژورنالیست ها را شما
می شناسید - از خدا میخواستند موموسی برای شان
بیداشود که آدم را سوال بپس کنند سوالا مختلف
یکی میگفت چند رمدت بود که ماد هوپالا دوست
میداری بد یگری می برسد - سبب و عوامل این عشق
چینت گریومی میگفت چرا مد هوپالا برای محبت
انتخاب کرده بی و بد یگری می رسید معنی عشق چیست
ومن باید همه این سوالها جواب میگفت، بعد ون
آماده گی پیش بینی شده یکی به انگلیسی سوال

میکرد یگری به هندی و سوس به اردو و چارمی
هم به زبان دری - ومن درین حیران و سرگردان
مانده بودم که اولتر یکدم شان جواب بدهم
همچنان مد هوپالا را سوال بپس کرده بودند که
آیاتوهم علی مشیری را دوست میداری یا اینکه
عشق او کلهه است اما یگری میگفت چطور است
با او ازدواج کنی ؟
ومن درین گمراهی در صورت آنرا پیدا کردم که
کتاب (وینوس شوق) را که برای مد هوپالا نوشته
بودم و شام ده هزار بیست میباشند - با تشریفات
مخصوص بحضورش تقدیم کنم که این صحنه از طرف
حاضرین با یک زده تهای زیاد استقبال کرد -
چون این کتاب را بقلم من نوشته بودم و هر صفحه
آن میناتور و در بزرگ حد اکانه داشت و چندین قطعه
تصویر مد هوپالا را رسم کرده بودم که از جمله یک
رسم مذکور مد هوپالا را در لباس انسانی که مخصوص
افغانستان است نشان میداد - بنابراین کتاب
دست بدست گردیده و دوباره بدست مد هوپالا رسید
که او کتاب را بوشیده بالای میز مقابل خود گذاشته
گفت (این یک کتاب مقدس است برای من که باید
تقدیس شود - بر علاوه امتیازات معنوی آن - این
کتاب و نویسنده آن شهرت فوق العاده من بخشید
که شعرها برای یک ستاره فلسی ازین فون العاده
دارد) - مد هوپالا من بیانیه خوش امانیه
نمود : (تو من لقب وینوس شوق را دادی که این
لقب نه تنها در مطبوعات هند بلکه در جمله فلسی
دای - جست آمریکا هم من بزرگانی من منتشر
گردیده و اینک مجله مذکور را برای من هم فرستاده
است)
من از تو بسیار گدادم که قدر و منزلت مرا
انقدر بلند بردی که به ستارگان آسمان رسانیدی
و این برای من راستن مایه افتخار و مباهات است
خیال کنی که من قدر و قیمت تو را شعاع ترا
نمیدانم و یا خلق ناشناس و ناسیاس هستم)
مد هوپالا انزود : (در یکی از جراید فلسی بعضی
خوانندم که ترا مجنون من بیست خطاب کرده -
بودند ومن این را نمانید نمیکم اگر به معنی جنون
آن باشد و اگر به معنی وفاداری و افکاری و عشق
باید اریاشده جزای ؟
زیرا تو شاعر هستی نویسنده بود اکثر هستی
پس توانی مجنون عاقل نامید و سوسول و رهنمای
عشاق هستی، تو نمونه عن و زاده آهنین و تعمیر
عالی هستی، تو توانستی با تمام مشکلات دوست
و نجه تم گش و ناممکنات را ممکن سازی، هستند
در بعضی هزاران نفر که میخواهند با ستارگان فلسی
از نزدیک ملاقات نمایند و این برای شان امکان
بند بر نیست و تو بر علاوه اینکه از افغانستان
تا اینجا (مدیسی) آمدی بعد از کدام حادثه
بود که مرا وادار کردی تراه نزد خود بیدیم - هر
صورت از این همه زحماتی که در راه من کشیده
ای باز همه اشعاری که برای من نوشته ای بیکبار دیگر
سپاس و شکران خویش را در حضور همه این هنرمندان
دایرگوشها، ژورنالیست ها و مدبران جراید بپس
تقدیم میدام - امید رام بد پرته گردان) در اخیر
گفتار و بیانیه مد هوپالا در وقت از قسمت آخرین
کتاب را بزرگترین چنین خواندم - یعنی بعد از ده هزار
بیست که سروده بودم - گفتم :

هوکن گریمن جسارت کرده ام
ازم در یک اشعارت کسره ام
نیست نهادشتری مفتون تو
گشته عالم غرق در آسوس تو
مد هوپالا فوراً گفت : ومن غرق در آسوس تو
در اینجامد بر سوسول مجله کهنکشان گفتم :
(زمانیکه فردوسی کتاب مشهور شاهنامه را برای
سلطان محمود غزنوی بفرمایش سلطان نوشت
سلطان غزنوی در بدل حریت یکدانه اشعاری برای
بخشید یعنی در عرض صحت هزار بیت که سروده بود
صحت هزار طلیبی اشعاری برای فردوسی داد - و
درین اثنا طرف مد هوپالا نظر انداخته و خاموش
ماند - مد هوپالا گفت : (من قدرت برداخت
ده هزار طلا را با هم و این مبلغ را برای داکتر هلی
بپردازم) - من گفتم : (قبول نمیکم - زیرا فقط یک
شکر تو برای من از ده هزار طلا بیشتر ازین دارد)
گفت : (من میدانم و تو شکر موازیات ترا زده -
هزار طلا میدانی) - مد هوپالا همیشه مرا بنام هلی
خدا میگرد و من هم او را مد هوپالا - و گاهی متاخر مد
میکردم - محفل تا ساعت یازده شب دوام کرد - مجلس
اشی بود - همه نوع موزم در آن اشتراک داشتند
در وقت بدستن حسین و رقیب - بعد از صحبت
بوسیقی شروع و چند پارچه رقم محلی هندی
و سپس طعام شب - و بعد از آن هم محفل بی پایان رسید
همه معناتان خدا حافظی کردند و رفتند درین
وقت من منتظر بودم که چنگ که بلراج سها نی سرا
از تر بد بیرون کرده بگفت : (بیا همراه من برویم
زیرا هتل محل رهائین تو از اجازت یاد دور است)
درین وقت مد هوپالا مداخله کرده بگفت : (بهتر
است هلی شب همین جا ماند جا دارم) - ومن این را
از خدا میخواستم - و از هم بردا بعد از صرف ناشتبا
در کتابچه با دست خود نوشتم :
خداوندنا چه منزل بود شب جاییک من بودم
هر سورقم بسمل بود شب جاییک من بودم
بوی پیگر نگار سوز قدی لاله رخساری
سرا یا آنت دل بود شب جاییک من بودم
رقیاب گوش بر آواز او درناز من حیمران
سخن گفتن چه مشک بود شب جاییک من بودم
- به هر حال اکنون که ماد هوپالا عزیز شما
جهان فانی را وداع گفته کون عاشق کی استید ؟
من قیلا هم گفته ام که عذف شما از مطرح
نمودن این گونه سوالا بیروان بودن جنجال
و مشکلات برای من است که میخواهید حتماً سرا
توسط کسی بی آب سازید - هر صورت جواب تان
را میدهم زیرا باشما وعده کرده ام که بسوالا تان
تان جواب گو باشم
پس گفتم :
ما من خداداندولی در شانه من بینم
که از سودای کیسوی کسی دیوانه خواهم شد
در پایان صحابه اگر سوالی دیگری داشته
باشید از شمارایی رحمت تان که با من این صحابه
را انجام دادید اظهار سپاس منبام - با تقدیم
یک راضی علامه اقبال :

ببای خود من زنجیر تقدیر
تو این گنبد گردان رهی است
اگر باور خیزد در سبب
که چون پروا کنی جولانگی است

در ارتب نامہ ہائے

درین ماه بازم از دوستان خود نامہ های بومحبت بدست آوردم ، ما از نظریات و انتقادات آنان استفاده می کنیم ، تشکر از همه شما .

یاقین احمدی ، فرید احمدی ، برشنا نظری ، محمدعارف شمانی ، محمدشاه آشنا ، سلیم زادت برچی ، حمایت قیسی ، یلا شیم ، اسما زینت فرشته ، نسیمه میرگل ، خسرو محمد ظاهر عزیز ، محمد صابر رحیمی ، مسعود توخی ، حمیرا تننا ، فتح محمد فتاح ، سجیه آریائینی ، شمع حسن ، زرمینه دانش الهام الدین نعیمی سید فراخرفی ، دیاناویس فریبا وین خیرصافی ، احمد نوید ، احسان الدین ، تمیم صادق سیحیل فرملی ، محمد داود فرملی رحیمه معین

مریم دانش ، نظیفه بیروز مسل ، هوالطیف ، حیدر دانشجو عادلہ انور عزتی ، فلورا اتایی رویا مشعل ، صدیقہ فریبا سریزاده ، همایون ، سید محمود شرفی ، نیلہ فروغ ، رابعیہ ، دیبا اثر ، شرمیلا ازلیسه سوریا ، بریالی شرفی گارمند شوراب زبیر حسینا غزال ، رابعیہ ربایسی محمد مصطفی مستور ، مسعود توخی ، لیلما عمراخین ، فرید فرملی ، سونیا اسلمیار ، زهره بول ، فرزانه سیدالی ، شکرید ، نادیه رضایی ، ناجیه ، ختابه نور ، احمد شکیب ، عبدالرشید ، وحید الله ، احمد فرید سرباز صاف احمدی ، روشانه ، نظیفه ابراهیمی محمد نذیر شکیب انسر ، روحانه اعلیاری ، خالی مومند ، فرزانه

عطیہ ، رشیدہ ، فرزانه ، شکرید ، حنین ظفری ، عبدالوہاب راسخ ، هنگامہ ، رابعیہ راح ، جمیلہ کوهستانی ، فائزہ یادگار محمد آصف مراد ، گل آفا راعب کرام الدین نیاسی ، فوزیہ نوایی عوث اللہ ہمدرد ، سید قاسم سعیدزادہ ، مسرورہ دوریش محمد زیار وزیری ، رابعیہ وفا ، فاطمہ ، رقی اللہ فدایی ، ژولیا ، بهار اکبرزادہ ، فائزہ مارینا عبدالمجید یزدان برست گل علی نعیم ، نصرت اللہ فریدہ نیلاب ، فریدون خرم سید احمد شاه حسینی ، کشکشا عبد الخالی تفتیق ، بهرام علی خالدہ شعب ، محمد آصف فاطن ، فائزہ شعاب زرمینہ فقیر یار ، محمد سالم ، نجیہ امید ، الا اناعرفان ، عادلہ

اختر ، غلام عباس شاکری ، نعیمہ رحیمی ، محمد عارف تنہا ، مومند ، نوربہ میرزاد ، داکتر ملالی شریف محمد ظاهر خورشید ، نیاز محمد حمیدی ، خیال محمد عبیدی ، ماریا ، شکیبا نیلہ انور ، مارینا خوشہ چین احمد شکیب کوهستانی سید امید کوهستانی ، نادیه یوسف زہی ، غلام داود محمد یار سعیرا اثریفتلی ، محمد داود سید امراللہ ، اصمعیل یق یار امید ، فیز محمد متین ، لیل سعادت خیال محمد حمیدی ، فاطمہ نورزاد ، مارینا انورونی احمد شکیب ، سید اسد اللہ نقشبندی ، محمد داود حساس ، سید موسی عباسی ، احمد سیاہ صبیح سرباز خاندونی و امنیت دولتی سروان

وسید نجیب اللہ عاشق سی ، محمد امام حزین محصل سال چہار پونہنخی فارسی بوہننون کاس دوستان خوب از کسارت ارسال تان تشکر و توفیق مریت شما را تمنایم رضوان ساحلی از مرز شریف ، چہار نامہ تان سر بہ سر رسید ، گپ های تان قبول ، اما باید بداند کہ در میان مطالب سیاسی ہم چیزهای دلچسپ وجود دارد . عبد الاحد ثابت ، معلم میشود شہام آدم برکاتی ہستید لطفاً اگر تون خبرنگاری دارید یا خلیلی حکیمزادہ از ولایت ہلمند ، کامیابی بیشتر نصیب تان ، چرانسی ان ماہم میخواہد سیاہون را اول بہ شما بفرضیم ، حتماً در نظر دارم کہ بہ ولایات محلہ برسانیم .

مود و فیشن یا سرنوشت مہین

شمس علی شمس محصل استیقت طب علی نامہ بی این مطلب را بہ ما نوشته و صفا تذکر دادہ اند کہ اگر چاپ نشود ہمکاری ام را قطع می نمایم .

((بہ سرنوشت مہین خویش می اندیش))

چہ زیباست تا جوانان ما کہ آیندہ سازان کشور خویش اند بہ جای آنکہ در انتخاب رنگہای سرخ و سبز لباس ہای بد ریزد قییم میشوند بہ چہاران خزان زدہ مہین شان ببندیشند زیرا مردم از روشن تقاضای خدمت را دارند و نمی خواہند در نزد دشمنان اشک السود شان قامت آراستہ بہ لباسہای خلاف فرهنگ ملی شان جلوه نمایند اگر صفحہات پسران و دختران مجلہ سیاہون را دقیق شویم حرفی ہم از احساس جوانان در برابر اجتماع و مردم شان نخواہیم یافت بلکہ فقط مود ہا را می بیند و رنگہا را برمی گرداند . اگر این صفحہات را از مجلہ جدا ساختہ و کلکسیون نمایم فکر میکنم گرد آورده ہای بہترین راہنامی در گرگش رنگہا در چہان مود و فیشن خواہد بود و ذوق ہای گوناگون جوانان ما با شک ہای گرسنہ و در انتظار نان سوسنق ہمہ ذوقہا محسوب خواہد گشت .

سرسیزی و شوگوانی مہین بہ تلائم جوانان متعلق است نہ بسہ بیاریہ گوناگون آنها . ومن فقط بہ سرنوشت مردم و جامعہ خویش می اندیشم و از ذوق ہای کود کانه و نابہ هنگام امتناع میوزیم زیرا این ذوق (بہ مود و فیشن) بہ یک پژوہندہ علم و معرفت زیندہ نیست .

(براد عزیز ! درین صفحہات خلاف نظر شما مسائل اجتماعی نیز مطرح شدہ و ہتازہ اینکہ نمیتوان ذوق و زیبایی را از جوانان گرفت حتی در شرایط جنگ چہ انسان نیاز ہای دارد کہ باید انرا در نظر گرفت)

پایسج ہمای کوتاہ

محمد نعیم ولی عزیز اولی محصل در بلغاریا !

براد عزیز وقتی ازین راہ دور نامہ می فرستید لطفاً از ہترین مطبوعات بلغاریا چیزی ارسال

کنید ، نہ از دیوان ہمای کہ فراوانتر است . احمد جاوید مجید بخشیریی نامہ تان رسید اما چرا اینقدر گلہ و گداری ہنکاری تان را بدین موشوم بہ ما نامہ بنویسید .

از نظریات شما تشکر

دوست گرامی احمد اللہ داغ از ہنر کندز ، سلام ہا ہا ما را ہم بندیشد . نظریات شما را بہ مجلہ سباز مود توجہ ما را از گروت ، تشکر از دوستانی چون شما کہ با صحبت تان ما را یارین میرسانید ، مود شماره غار یک تا ششم شان مواردی است کہ وقت آن گذشتہ و اما در بارہ شعر جوانان حرف تان میتواند تأثیر بدین مود باشد .

چاپ شماره اول کارمکن ہم نیست و ہم است ولی از لحاظ زمانی برای چاپ دوبارہ آن فرصت نداریم ، ما کہ نشر نشدن نام آہنگ سازان کھدات را بدین روزگاریون مانیت چیز است مربوط بہ خود آنها اما نشر است و کجا اما نظر اداریہ مجلہ ما نیست کہ بفرماید ما ہر کسی ہر آواز خوان نام آہنگ ساز تشکر یاد نمود . از شما تشکر .

بہ ما در تماس شوید

براد عزیز برشنا در نظریات شمارا د مورد داستان بازگور کرد ان در نامہ ارسال تان خواندم . تشکر از توجہ تان اما د مورد این کہ داستان مذکور از داستان دیگری تحت عنوان بازگور در نوشتہ الیور گولسد اسمیت چاپ شماره سم سال ۱۳۴۹ مجلہ سخن کابی شدہ برای قابل تا مل است . اگر چنین چیزی واقعیت دارد لطفاً شمارہ متذکرہ مجلہ سخن را بہ دفتر سحر بخندہ بیاورید ، از ہنکار شما صمیمانہ سپاسگزارم .

پایسج تان را بخوائید

بعد از عمر سلام خدمت تان باید عرض کنیم کہ جوانان ما چرا در برنامه ہای مختلف را بدین تو یز یون ہمچنان در مجلات نامہ ما ارسال میکنند . اگر منظور اینست کہ باید این مطلب یا آن مطلب در ایسن یا آن برنامه بہ نشر برسد ، تعیہ کنندہ گان برنامه مطالب آنرا نیز تعیہ میکنند ، چرا جوانان اینقدر نامہ ما ارسال میکنند . با ارسال کردن یک یا چند نامہ

باید گفتہ و رزند جوانان دیگر کنورما بلا ، بہ این فکر نیستند کہ باید بہ راد یو تلویزیون نامہ ہا ارسال بکنند ، جوانان کشیر ما خوب دا زد کہ فقط اسم و آدر خود را از طریق راد یو و یا تلویزیون بشنوند و در مجلات نام شان بسہ چاپ برسد .

تعیہ کنندہ گان برنامه ہا ، برنامه ما را بہ مردم تعیہ میکنند و مردم ما نمیتوانند بدون ارسال کردن نامہ ہا بہ برنامه واقعیت بکنند ، و بشنوند .

این دیگر فقط یک مصرف اضافی است ، ہم وقت خود را تلف میسازند و ہم وقت مسؤولین برنامه ما را .

امید دارم نامہ ما را سرتابا بسہ نشر رسانید کہ جوانان ما در این بارہ چہ میگویند .

فوزیہ و صادقہ فارغ التحصیل لیسہ عالی مکریم .

خوانندہ گرامی ! ارسال نامہ بہ مجلات و برنامہ ہا راد یو تلویزیون در ہمہ کشور ہا بہ عمل است آنچه کہ درین نامہ ما آورده شدہ در انتقادات و نظریات خوانندہ و شنوندہ ہاست ، ارسال مطلب یک امر حتی است .

مطالب ارسالی شما

نقش ناخنها در تشخیص کرکتر

دانشمندان اخلاق انسانها را ازبانه چشم وموي سرودست بالاخره ازندان واندام ورخی دیگرکردارعمل تشخیص واززیبی نموده اند ویکش از دانشمندان اخلاق اشخاص را از روی ناخن تشخیص نموده .

۱- اشخاصیکه روی ناخن دست های شان نقطه هایی سفید است به جنس لطیف (زن) علاقه مند اند ولی این علاقه مندی زودگذر بوده ازیک زن دلسرد شده وبه زن دیگری علاقه گرفته دل می بندند .

۲- اشخاصی که دارای ناخن کوتاه میباشند ، انسان هایی بزرگ باره ، متحن و رهبر بزرگانی میباشند و در مقابل مذاقات ومشکلات حوصله فراوان دارند .

۳- کسانی که ناخن طویل ونوک تیز طبیعی دارند ، دارای خطوط زیاد ومساوی باشند برای تعلیم وترتیب ومعلمی مسلطند ومعلمی بزرگرو شایسته معرفی گردیده اند .

۴- کسانی که ناخن بیضوی ((گرد)) وصاف وشفاف دارند مردمان بزرگ حوصله ، آرام وصلح دوست وصلح هستند .

۵- ناخن دست راست انده که کم رشد وکم باشد معمولا اشخاص شکم پرست وبرعبرف هستند وبالاخره همه اروزند ار خود را به شکم معترف کرده وبدر بساط چیزی نمی گذارند .

۶- کسانی که دارای ناخن فرمزی رنگ وروشن هستند مردمان مهربان ، خوب قلب خوش مشرب ، شیرین کلام ودوست داشتنی هستند .

۷- بالاخره انهایی که در موقع ناخن گرفتن ناخن های خون را به یک اندازه معین ((مساوی)) به دقت می چینند انسانهای باعزم سریع وثابت قدم به شمار میروند .

روشنه ((زین)) ازگوزن کابل سنتر

زبان پوستر

چطور از طرز چسباندن - پوستر بر روی پاکت از دورن فرستنده آگاه شویم ؟

۱- پوستری که راست چسبانیده شده باشد ، مفهومش این است ((فکر سوار لم بیرون است))

۲- چنانچه پوستر قدردی متقابل به سمت راست باشد مقصدش این است ((بمن اطمینان داشته باش))

۳- چنانچه پوستر را افقی ودر بجانب چپ چسبانیده ، مفهومش این است ((دیوانه وار ترامیرستم))

۴- اگر سر پوستر قدردی متقابل به سمت چپ باشد مفهومش این است ((ترا دوست میدارم))

۵- اگر پوستر بطور معکوس ومتقابل بر است چسبانیده ، مفهومش این است ((دیگر ترا دوست ندانم))

ارسانی : حلیه

نگته ها

۱- کم دانستن و بزرگترن مانند پول نداشتن و زیاد خرج کردن است .

۲- مانند مرد عمل ، عمل کن و مانند فکر بیندیش .

۳- جدیت و اشتکار آدمی را بفضله نزدیک میکند .

۴- از نیکی چاره فرزتوان دانست که بی مغز است .

۵- خوشبخت ترین مردم کسی است که برای تضایق دیگران ارزش قائل شود و از شادایی دیگران انقدر شاد میشود که گویی ایسن شادایی مربوط به خود اوست !

۶- در جمع آوری دوستان وهمچنان در دوری از انسان حمله کن !

فرستنده شریف نورین

مستوره محبت نامری (استعداد تاز ، راد ریخشهای دیگر هنر تجربه کید تنها نامری بیشه نیست) بلقیس احمدی از بو هندی علم طبیعی (بیسی از گردید) تان :

رنگی ز صفا نیست درین خانه خدایا
برخیزم و از خانه به میخانه گریزم
سایره شکیب از ولایت جوزجان (بارجه کردن حملات و مصراع وار نوشتن شعر نیست) از شعرا ی متقدم زیاد تر شعر خوانید . (۵) شکلا ازلیسه " آنسه " فدوی (خوب است اگر بجای شعر داستان نویسی رایبشه کنید) (۵) احمد شاه کامکار از ولایت جوزجان یکی از دو بیته های تان با کمی تصرف :
الله یار جان بگیرم اصل نامست
کبوتری میگردم به با مست
اگر یکبار بگویی یار شیرین
شوم ندقه همونوک زبانت
(نام) و (بام) با (زبان) قافیه نمیشود . حالات فعل بی جهت از حال پاینده تغییر میکند . مصراع سوم نیز زیاد است . (۵)
خالده خرم اقل " مهم :

استعداد خوب شعری دارید ، مگر در استعمال کلمات دقت نموده قوامه سنتی شعرا را بیشتر آشنا شهد " بندری از سروده " تان را با کمی دستکاری چاپ کردیم :
خواهر ارم بگذرید از مد تو
مد تو ارقش ندارد یک دو جو
تو مکن تقلید از هر بیگانگان
ابروی خود همیزان رایگسان
کی توامد خوب و نه با همکند
بسل تو این کار رسوا همکند

هنزه نوین از نوسوالی بلخمری :
دوستی های که به نام ((تک بیته)) فرستاده بودید رسید در نقل آثار هنری دقت کنید . سفوکودی به شهر دور دستی دل نازکتر از جامم شکستی
بهارتوک و فاکن ((بیوه)) چنان
به هر آیین و هر طبع که هستی
ترک وفا نادرست است باید ترک چفا باشد .

لیدا نارام از پ . اقتصاد :
((نارام)) راه منظره که مانوشتم بنهسید ، منتظر آفیده های خوب تان هستم .

عبدالرزاق حسن یا مازت ختمیک ساختمانی :
برادر عزیزه اوقات بیکارن را کارکند و نه شعری راکه به مجله می فرستید بنهسید از کت ؟ از شما هاکن دیگر ؟

ملالی محبت : نامه ات رسید ، مگر شعر ازکی بود ؟
فریده احمد فاعل : رابعه بلخی : شعر ((در خیال)) شما گامستی های فراوان دارد .
جستن معشوق از طرف شام و در شعری ، ((سنی)) نه نخواهد ، همینطور رسم است . در قسمت شعری می توانید از کاتبین ادبی نهسندگان جوان رهنمای شهد فرهاد حاجب ازل " خبیبه :
به املا و اثباتوجه کید بیته اشعرا تان :
دیشب که به خواب تو خیالات پتان بود .
در کلبه " فزده گان اه و فغان بود .

ماریا رحیمی ازلیسه دوستی (خواهر عزیز ، دیوان حافظ را که مام دارم) . نوبه عطا (تجربه تان را در شعرهای بیوزن توسعه بخشید ، استعداد خوب دارید) . سمیرا نجیب سادات و خاطره همایون بیژاد ازلیسه " مهم (دوستی تان قابل نشمر نیست) . عادل اخترازی از وزارت امور عودت کندگان (شعر انتخابی تان اگر قسم یک بیت تان :
بی عشق ای طبیعتی نیست در جهان
تا بیره درد کمر نشناسی دوامکن)
سخن مراد مسکین امسوق غ ولایت مزار شریف (شعرا تان گامستی های دارد با آنهم دوست آنرا نشمر کردیم استعداد تان را با مطالعه بیشتر پرورش دهید :

کنون از حال زار من مبرسید
که فرم دوستان در عالم خود
خراب یزار و حیران نمودی
بت شیرین ادا می از غم خود ()
شکیلا نور از بو هندی علم طبیعی یک بیت از شعر انتخابی تان :
ای قاسد آرزو نامه زد لذت زنداری
از هر تسلی زبانش سخنی ساز
لینا نارام ازلیسه آریانا (خواهر عزیز) ماد را در بیته دربی ژانری به نام طرح ندارم به املا دقت کنید)
اینسه مقبل بنام ازلیسه " مهم (دوست عزیز با شعر ارسالی تان زنده باشید :
ای صبا یا شهنه سالک از فلسفگی
از فراق نان سیلو جان ما بر لب رسید
برود یوار شورا این سخن باید نوشت
تا یکی این زهر تلخ جنگ تحمیلی شید)
میروس نژاد ازلیسه انصاری (دستوزبان) و زن قافیه و دیگر معاییر شعری را با موزید " رباعی تان لغزشهای فراوان داشت) ، فرید احمد امید از ماز شریف (استعداد خوب دارید بیشتر زحمت بکشید آینه روشن شمارا استقبال میکند ، دوست از نزل تان :
باز فصل باغ بوستان میرسد
لبیل دل در گلستان می رسد
سبز میگردد چمنزار امید
نوعوس باغ خندان می رسد)
شکیلا پوهس از مزار شریف (طبع روان تان را روان تر میخوانیم سه بیت نزل تان با یاد داشت کوچک ما :
باز فصل نوهاران آمده
فصل شوق مند لیان آمده
باز گلگهای فریبا و قشنگ
سوی بوستان و گلستان آمده
من شکیلا خوانم هر دم این سرود
لبیل غیلم نزل خوان آمده)
واژه بوستان در مصراع جام ثقیل است اگر ((بوستان)) بسازم این تعمیم رفع میگردد و مصراع پنجم را به خاطر ثقل واژه هر دم این طور بسازید خوب است :
((هر زمان خواند شکیلا این سرود)) . آری از طب کابل (شعری در رسا وجود دارد ، فقط بیشتر زحمت بکشید و شعر مطالعه کنید) . بارجه " ک . ازلیسه رابعه " بلخی (حرفهای که به آری جان گفتیم در مورد شما نیز صدق میکند) . تورن عبد - الصادق ((هارون)) از کینناری بگرامی (دوستی های تان را به برنامه های فولکلوری راد یو فرستید)
شکیلا نجیب ازلیسه آریانا (نامه تان با چسما چشم رسید یک بیت از گردید های تان :
چشم اگر این است ابرو این و ناز و شوه این
الوداع ای صبر و تقوی الوداع ای عقل و دین)

براسمه فال گرفته ایم

متولدین ماه حمل

موفقیت های شایانی پیش رو دارید ، اما دقت کنید که متکبر و خودخواه نشوید . از صحت تان مواظبت کنید . باد و ستان مهربانتر باشید . دیدار تازه در تنمیر سرنوشت شما نقش خواهد داشت .

متولدین ماه میزان

ملاحت ساختن دیگران برای برائت خود کارشایسته نیست . باید شهامت آنرا داشته باشید که خطاها و اشتباهات خود را ببینید و با پیشانی باز آنرا جبران کنید . کودکان عزیز می همسان خانواده تان میشوند . مجرد ها به ایجاد زنده گی مشترک تاجند روز دیگر آغاز می کنند .

متولدین ماه ثور

عهر شدن و خصمانیت بی مورد عمر شمارانیم می سازد . از مصروفیت و کار بیشتر همیشه لذت می برید و این نکته بی است که متوجه آن نشده اید . قضاوت هرگونه میباید شما همانطور زنده گی نمایید که استید ، ضرورتیست مطابق میل هر یک باشید .

متولدین ماه عقرب

ضعف بزرگ شما ، ضعف اراده تان است که نمیتوانید تصمیم عاقلانه بگیرید . دوری شما از خانواده و وطن کار نادرستی است . اعتماد شما نسبت به خانواده تان به جاست اما آنها بدون شما احساس کمبود مینمایند . مجرد ها دیدارهای خوبی در پیش دارند . دقت کنید انسان را با تمام ابعادش باید بشناسید .

متولدین ماه جوزا

امید هایی که برای خوشی و خوشبختی در خانواده بزرگ شما ایجاد شده به واقعیت می پیوندد . یکی از مسافران شما به زودی نزد شما می آید و دیدار تازه شما پایک عزیزم کرده برای تان بسیار پر لذت خواهد بود . فضای خانواده تان را همواره شما نگه دارید سعی نکنید آنرا وقت و ناوقت از دست کنید .

متولدین ماه قوس

بسیاری از عزیزان انتظار دارند تا شما با آنها مهربانتر باشید . کودکان بزرگ تان بیشتر به محبت نیاز دارد . کسانی که متاهل نیستند به فکر ایجاد خانواده میشوند ولی بهتر از مصارف اضافی صرف نظر نمایند . درس بزرگ زنده گی برای متولدین این ماه تحمل و شکیبایی است .

متولدین ماه سرطان

تصمیم شما برای تحمل دشواریها و مشکلات عاقلانه است . زنده گی باغم های پیش زینماست . دیدار تازه ای که دارید برای شما امید های جدیدی میدهد . بدبینی و کدورت را از خود دور کنید و با امید های بزرگ خانواده تان رانیز جرات بخشید . آرزوهای تان بر آورده میشود و انهم در همین روزها .

متولدین ماه جدی

خیالات بزرگی در سر دارید که با کار و پیگیری جدی میتوانید آنرا به واقعیت تبدیل سازید . هیچگاه با شاگردان تان رویه نادرست نکنید آنها به محبت و آموزش نیاز دارند اگر آنرا درست تربیت نکنید عذاب وجدانی بزرگی شمارا از پت مینماید .

متولدین ماه اسد

انتخاب دوست و یاور زنده گی تان کار معقول است . تشوشت روانی خود را دور سازید . خوبست که دلبسته گی های تان به کار زنده گی افزایش می یابد . بیشتر به فکر آموزش باشید . آنچه را که در رویاها تصویری کنید واقعیت خواهد یافت .

متولدین ماه دلو

یا حق و ناامیدی را از خود دور سازید . تصمیم برای دوست داشتن یک کسی عاقلانه است . یک دوست خوب میتواند یک ثروت هنگفت و عظیم باشد . قدر دوستی را دانستن ، قدر زنده گی را دانستن است .

متولدین ماه سنبله

سفری در پیش دارید که برایتان پر خاطره و جالب است . نامه های دوستان تان را بی پاسخ نماند . همسر تان را از خود دور سازید چون آریگانه پناه خود را در وجود شما می یابند .

متولدین ماه حوت

به صحت تان توجه داشته باشید . ورزش مصروفیت بسیار خوب برایتان خواهد بود . نگذارید کسی از شما بی جهت آزرده شود . دیدار عاشقانه بی در پیش دارید ، امیدوار باشید که بخت با شماست .

تهدیدهای فضا

تهدید بود که سیاره بزرگی با کره زمین تصادم نماید

بافتد • سیاره مارا بارچه بارچه ساخته چنان خاک و قیاری تولید میکند که ماها اتوسفیر را خواهد پوشاند و مانع رسیدن شعاع آفتاب خواهد گردید که در نتیجه یخبندان انسانها تلف خواهند شد و نباتات از زمین خواهند رفت. درباره جلوگیری از چنین حادثه منجمین نظر میدهند. یک راکت مجهز با کلاهک هسته‌ای میتواند چنین سیاره‌ای در حال تقرب را نشانه گرفته و پیش از آن ل شدن به جو زمین از بین ببرد. اما درین صورت نیز بارچه‌های سیاره به زمین خواهد ریخت. نظر بهترینی که در سال ۱۹۸۰ رایج شد میگوید به جای نابودی سیاره خونتر خواهد بود اگر مسیر آنرا توسط مواد منفجره انحراف دهیم.

ترجمه: حسن نیر

بت خواهد کرد و یا با حرکت در لهره آفرین و تخریب اعصاب از نزدیکی زمین عبور خواهد نمود. حتی اگر سیاره اف سی ۱۹۸۹ به زمین نخورد سیاره مشابه بالاخره به آن اصابت خواهد کرد. سیاره‌های با عرض نیم میل در سیستم شمسی در حرکت اند و طور متوسط در هر ۱۰۰۰۰۰ سال داخل اتوسفیر زمین میشوند. درین میان سیاره‌های بزرگتر به عرض پنج یاده میل وجود دارند که در هر ده میلیون سال یکصد میلیون سال به زمین اصابت میکنند که به تمامی سیاره‌ها خطر بزرگی را متوجه میسازد. همین سیاره‌ها به عقیده بسیاری دانشمندان ۶۵ میلیون سال پیش سبب نابودی حیوانات عظیم الجثه در روی زمین شدند به نظر عده بی‌از ستاره شناسان اگر این اجرام سماوی به زمین

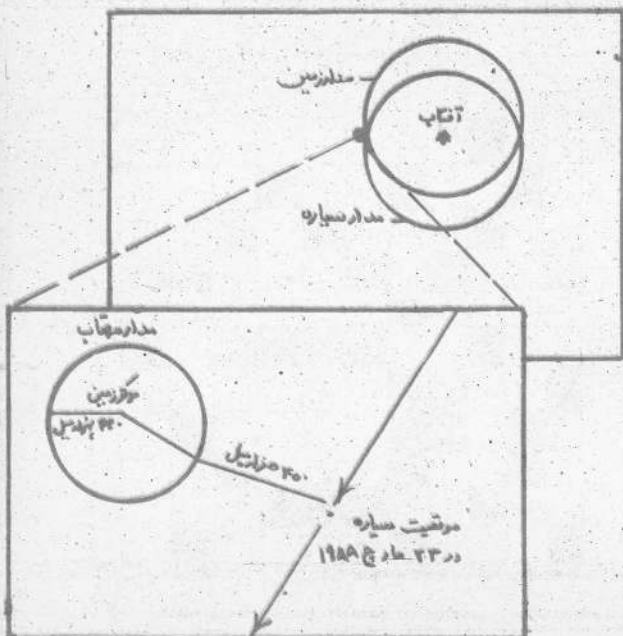
اریزونای شمالی کشف شد و ایسن درست اواسط مارچ بود که سیاره مذکور با مصونیت از زمین دور میشود. اقای هولت عکسهای این سیاره را که توسط یک تلسکوپ ۱۸ اینچ در رصدخانه بالامور در جنوب کالیفرنیا تهیه شده بود مطالعه کرد. گفته میشود عرض این سیاره شاید صد یاده بود باشد و اگر به همین پیمانه کوچک هم بوده باشد در صورتیکه با سرعت ۵۰۰۰۰ میل فی ساعت به زمین اصابت میکرد. حفره‌ای به بزرگی یک میل که چندین صد فوت عمق میداشت ایجاد میتوانست یعنی گودالی به همان وسعت که در حدود ۴۰۰۰۰ سال پیش در اریزونای شمالی توسط یک سیاره ایکه به زمین افتید بود به وجود آمده است. اما چنین حادثه‌ای اگر امروز اتفاق افتد کافی است که مرکز عمده برجستگیت رانا بود کند. ستاره شناسان میگویند اف سی ۱۹۸۹ بر خواهد گشت. مانند زمین که به دور آفتاب گردش میکند. منتها به عوض ۳۶۵ روز ۳۸۰ روز را در مدار سیاره دریاه اپریل دوباره از نزدیکی زمین بگذرد غالباً در یک فاصله مصون تر قرار خواهد داشت. اما منجم بریان ماریسن از رصدخانه هاروارد سمت سونیان که بر مبنای تخمینات هولت محاسبات خود را رایج داشته میگوید در صورتیکه محاسبات ماد قیق باشد این سیاره میتواند بازم خطرناک به وجود آورد یا اینکه به زمین اصابت

شب بیست و سوم مارچ (۳ حمل) کجا بودید. خارج از منزل. همراه بادستان یا مشغول تماشا برای برنامه‌های تلویزیون. به هر حال شما نمی‌دانستید که در همان لحظات در چند قدمی شما یک فاجعه قرار داشتید. شما ازین خطر آگاه نبودید. اما یک سیاره بزرگ به چنان فاصله نزدیکی از زمین به سرعت عبور کرد که در ۵۲ سال گذشته سابقه نداشته است.

اگر این صخره عظیم به زمین اصابت میکرد فاجعه‌ای مانند انفجار هزاران بم هاید روجن می‌آفرید و میلیون‌ها انسان رانا بود میکرد و در صورتیکه این سنگ آسمانی به بحر می افتاد امواجی به بلندی صد مایتر ایجاد میکرد.

پیش ازینکه شمار زیاد به هراس بپفتید لازم است بفهمید که نزدیکترین فاصله این سیاره از زمین در حدود ۴۵۰۰۰۰ میل بود یعنی در حدود دو چند فاصله زمین با مهابت با انهم در شرایط و محاسبات کیهانی امکان اصابت این صخره زیاد بعید نبود. از سال ۱۹۲۲ به اینسو هیچ سیاره به این پیمانه با زمین نزدیک نبوده است. در آن سال یک سیاره کوچک به قطر تقریباً نیم میل از عین فاصله از نزدیکی زمین عبور کرد.

این سیاره جدید که مطابق سیستم نمره گذاری رسمی اتحادیه بین المللی نجومی اف سی ۱۹۸۹ نامیده میشود نخست توسط پروفسور هنری هولت از یوهنتون



مسطرين

سفید بازی را شروع می کنند
و در سه (۳) حرکت مهره سیاه را
مات می کنند .

سفید بازی را شروع می کنند
و در دو (۲) حرکت سیاه رامات
می کنند .

پرسش ها

جدول ضرب المثلها

عمودی :

- ۱- نقر - لباس خر
- ۲- معکوس ان قوت است - جور برانگنده - بوی نیست .
- ۳- غم نداری انرا بخس - قوغی کمر - دزدی بی پای - معکوس ان اواز خر .
- ۴- ان بود برکتش نی - ی خ س
- ۵- ... حول بالله - نوشید نیست - بدون ان غذا لذتی ندارد .
- ۶- مزین به در کس به انگشت که نزنده ... معکوس ان شکایت .

- ۷- پروا (اصطلاحی)
- ۸- تکه ناکاره (اصطلاحی) نفس اصطلاحی - کاری کن که نی ان بسوزد نی کباب .
- ۹- یکی اواز صاف و رسا دارد و دیگری ای ... دارد - زیر بوریا .
- ۱۰- جنگ ... سر ... عدد شروع جدول .
- ۱۱- بایش رابسته کن همسایه ات را دزد نگیر - استم - همان خوک و همان ...

انقی :

- ۱- نام همین جدول ان را خدا کریم است .
- ۲- می گویند ... برادر ندارد - ... مردان دیر پخته می شود .
- ۳- تاک - برای ادم تبیل می گویند که ... تخی است - شل بی پای .
- ۴- بوج های بلند - پدر پدر کلان .
- ۵- دنیا را آب بگیرد اورا تانید بایش است - بالق لق سگ مردار نمی شود .
- ۶- کوزه شراب - عربها

چقدر پول دارند

سه دختر قرار گذاشتند که سینما بروند هر کس باید می گفت که چند انگانی با خود دارد . شکیبا گفت : من انقدر بیسه دارم که اگر با پول ماریا، $\frac{1}{3}$ پول شعلانی جمع شود . ماریا گفت : من انقدر پول دارم که اگر با پول شعلانی، $\frac{1}{3}$ پول شکیبا نیز جمع شود . شعلانی گفت : من ده انگانی دارم ولی با این ده انگانی $\frac{1}{3}$ پول ماریا را نیز جمع کنید . حال شما گویید هر کدام انها چه اندازه پول با خود دارند

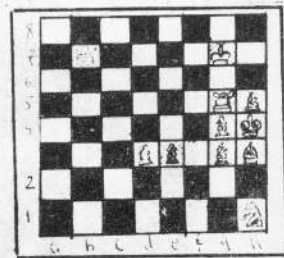
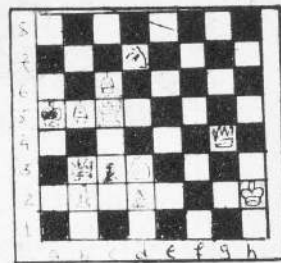
مخاسبه کنید

می گویند که عمر اسپ رابه اساس دند انها پیش تعیین میکنند ولی بیایید ما و تمام رینجا قابلیت ریاضی خود را بکار بیاوریم . ان اسپ چند سال عمر دارد در حالیکه $\frac{1}{2}$ (یک بر دو) است

جدول ضرب المثلها

| | | | | | | | | | | | |
|----|----|----|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | ۱۱ | ۱۰ | ۹ | ۸ | ۷ | ۶ | ۵ | ۴ | ۳ | ۲ | ۱ |
| ۱ | | | | | | | | | | | |
| ۲ | | | | | | | | | | | |
| ۳ | | | | | | | | | | | |
| ۴ | | | | | | | | | | | |
| ۵ | | | | | | | | | | | |
| ۶ | | | | | | | | | | | |
| ۷ | | | | | | | | | | | |
| ۸ | | | | | | | | | | | |
| ۹ | | | | | | | | | | | |
| ۱۰ | | | | | | | | | | | |
| ۱۱ | | | | | | | | | | | |

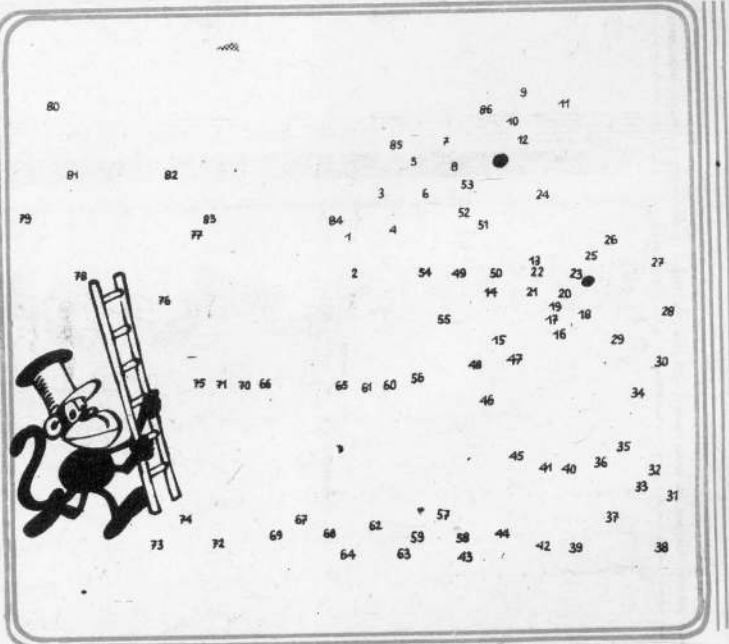
سرگرمی‌ها



پیش ادبی

حل کنید جایز بگید

برای اطفال



اگر میخواهید بدانید که برای زینه چه صورت است اعداد را به ترتیب با هم وصل نمایید

درین شماره مجله ما پرسش های ادبی را مطرح می سازیم؛ دستداران مجله بخصوص علاقمندان عرصه ادبیات فرصت دارند تا یکی دو ماه درین مورد مطالعه نموده و سپس پاسخ های ما را ارسال بدارند. البته ما جایزه های عالی برای آنها در نظر داریم. میتوانید پاسخ هارابه زبان های دری و پشتو ارسال نمایید.

۱- مولانا جلال الدین بلخی کی بود و چند اثر ادبی از او جامانده است.

۲- سنایی چگونه شاعری بود و چند دیوان شعر دارد.

۳- کتاب فیه مافیه یک ارزیابی و نتیجه گیری کلی در یکی دو صفحه تهیه نمایید.

۴- فهرست نویسندگان معاصر افغانی را با نام آثار چاپ شده آنها آماده بسازید.

۵- شهادت نامه آثار یکتا از نویسندگان معاصر افغانی یک تحلیل و نقد صرف به حیث خواننده تهیه نمود. ما بفرستید.

۶- آیا شهادت نامه نویسندگان قبایل آزاد معلومات دار است؟ لطفاً درین باره ما بنویسید.

۷- آثار رحمن بابا و خوشحال خان خټک کدام هاست؟

۸- دوره های ادبیات را در افغانستان چگونه مطالعه نمود. ایده های خود را ازین دوره ها بنویسید.

۹- چه وقت وضع ادبی در کشور ما درخشندگی بیشتری داشت.

سرکننده گان

دین الله عمرخیل، فریده امید، بلقیس احمدی، مریم دانستن، امیلا لطیف وردک، جاوید احمد زکی، محمد وکیل نایب، مسعوده توخی، احمد نوید وردک، نورجان ضیایی، عادله انورعزتی، شمیم حسن حمید، انیس نایل انزهرا، فتح محمد فتاح، سلم دانستن، لیلما کاروز، خواجه ابراهیم نادره سیب، فرزبان جویان، سید عزت الله مجید، سوما فران، فاطمه شریف، نادیه، معروفه درویش، سید عزت الله مجید، گل علی فقیه، فدایی، محمد فریدون خن، گل علی فهیم، سید احمد شاه حسینی، نصرت الله صحت، سید امرالله، ناجیه شکره انور، محمد عمر عزیز، عبدالوهاب راسخ، وحید الله ابراهیمی، وحید الله حبیبی، رابعیه رحمانی، محمد مصطفی شرمیلا شریفی، فاطمه یادگار، سونیا اسمعیار، مرخیمه محمودزاده، احمد شکیب کوهستانی، صادق احمدی.

به اساس فرقه محمد وکیل نایب و فریده امید، مستحق جایزه شناخته شدند.

قابل توجه هوطنان!

فرقه کئی جوایز بوی های فروشگاه بزرگ افغان به تاریخ ۱۸ سرطان صورت می پذیرد.

ادرس اعلان شرکت ترانزیتی صفحه عقب را چنین تصحیح نماید:

ادرس: شهرنو مقابل پارک سړک نمبر (۷) مارکیت جاده عقب زین ننداری
نمبر تیلون (۳۰۲۶۲)

شرکت ترانزیتی و بارچالانی کاشفی هرات



**باشرکت ترانزیتی و بارچالانی کاشفی
هرات در تماس شوید و مشکلات
تان را به سهولت حل سازید**

آدرس: شهر نو مقابل پارک نمبر بیست و یک مارکیت

هوس تیس HOSTESS

یک نام آشنا برای خانواده ها .
صابون ، شامپو ، جلائی موی و مواد ظرفشویی هوس
برای هر وقت برای هر کس ، برای هر جا .
این اجناس را طور عمده از جاوید لهند ، کوچی مارکیست
تملینده کی ان در کوچی مارکیست دکان موهن لعل و همده کانهایی
شهر ولایات بدست آورید . همچنان این شرکت صابون ضد بخار
(DM4) را تازه وارد نموده است .

نیازمندان عجله نمایند :
تلفون نمنا (۲۰۰۰۹ - ۲۲۶۲۹)

وحید الله پلاستیک

وحید الله پلاستیک هر نوع اسناد و کارت های شمارا توسط
ماشین بوش می کند . همچنان قرطاسیه مورد ضرورت د و ایسر
و طلاب معارف را به قیمت نازل تقدیم میدارد .

آدرس: میر و ایسر میدان مقابل بانک تیس

فروشگاه ارزان

آدرس: شهر نو مقابل زینب نداری



ارزینام تازه ترین
اجناس مورد
نیازتان استقاده
نمایید ارزان و به
مفادیتما

قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی

قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی مجلات و سایر جراید کشور را به سترس شما قرار میدهد همچنان هر نوع قرطاسیه مورد ضرورت دوايروطلاب معارف را به قیمت نازل تقدیم میدارد.
قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی توسط ماشین بصری اسناد و کارت دست داشته شمارا بونس میکند.

قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی چوک میرو سیر میدان نماینده کسب در چوک جاده میوه متصدت جسر افغان

صنایع ملی را تقویه نمایید

فروشگاه

بزرگ افغانان

بزرگترین مارکیت فروش بوتها ساخت وطن

۱۰ هزار افغانی جایزه

فقط با خرید یک جوره بوت

و بار هم

۵۰ هزار ۲۰ هزار ۱۰ هزار

افغانی جایزه نقدی

صرف با خرید یک جوره بوت

بوتهای ساخت وطن با بوتهای خارجی رقابت میکنند
بخرید و امتحان کنید

مشتریان محترم بله های خرید را نگهداری کنید و
در روز قرعه کشی که بعداً اعلان میگردد آنرا با خود داشته باشید



بزرگترین فروشگاه همیشه در خدمت شهروندان است
قدای خوب قیمت مناسب

کتابخانه دیجیتال

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**